اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران

TEHRAN CHAMBER OF COMMERCE AND INDUSTRIES AND MINES

بررسی عوامل مؤثر بر سنجش و

بهبود فضای کسب‌وکار در ایران

اردیبهشت ۱۳۹۰



اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران

شناسنامه تولید:

- **عنوان پروژه** : **بررسی عوامل موثر بر سنجش وبهبود فضای کسب‌وکار در ایران**
- **مجری پروژه** : **دکتر سعید شیر کوند**
  (عضو هیات علمی دانشگاه تهران)
- **ناظر**: مهندس احمد ترک نژاد
- **مدیریت پروژه** : مرکز مطالعات و بررسی های اقتصادی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران
- **طرح جلد** : لیلا عروجی
- **چاپ**:واحدآموزش وانتشاراتاتاق بازرگانی وصنایع‌ومعادن‌تهران
- **ناظر فنی** : حسن‌آقایی زاده

کلیه حقوق نشر این اثر به اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران تعلق دارد.

اردیبهشت ماه ۱۳۹۰

"بسمه تعالی"

ایجاد و بهبود فضای کسب و کار مناسب و زمینه سازی برای ایجـاد و گسـترش هرچـه بیشـتر فعالیتهـای بخش خصوصی و افزایش سهم آن در کل اقتصاد کشور و یا برنامه ریزی برای کوچک کردن حجم دولـت و خصوصی سازی جهت حرکت به سوی اقتصاد آزاد رقابتی بـا کمتـرین دخالـت دولـت نیازمنـد تمهیـد مقدماتی است که در ارتباط با توانمندسازی بخش خصوصی و یا خصوصی سازی اهمیت فـوق العـاده ای دارد.

توسعه بخش خصوصی در اقتصاد بازار بر مجموعه پیچیده ای از قوانین، زیرساخت های گسترده فیزیکـی و نهادی، محیط با ثبات اقتصاد کلان، توسعه بازارهای مالی، جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی توسـعه صنایع کوچک و متوسط، مقررات بازار کار، سیستم های ارتقاء فناوری، آموزش و یادگیری مبتنی است تـا در مسیر تغییر دایمی ابعاد توسعه، توانایی حرکت همگام با این تغییرات را داشته باشد و فراهم شـدن ایـن مجموعه به منظور پیاده سازی الگوی توسعه در یک اقتصاد به صورت خودکار اتفاق نمی افتد، لـذا ایجـاد زیرساخت های نهادی و زیربنایی برای توسعه و رفع موانع کسب وکار از الزامات اولیه اجرای این سیاست و در زمره وظایف ضروری دولت و نهادهای بخش خصوصی از جمله اتاق بازرگانی اسـت. آنچـه مسـلم است اصلاح فضای کسب و کار و بهبود شاخص های مزبور در عرصـه جهـانی نـه تنهـا گـامی مثبـت و اساسی در جهت تقویت جنبه مشارکت بخش خصوصی در عرصه اقتصاد، ارتقا سطح اشـتغال و تولیـد در کشور محسوب می شود بلکه بطور قطع عاملی مهم برای استقبال سرمایه گذاران خـارجی بـرای ورود بـه کشور و ارتقا و تسهیل جریان ورود فناوری به کشور به شمار می رود.

از این رو و برای رسیدن به اهداف مذکور، تحقیق پیش رو با عنوان " بررسی عوامل مـوثر بـر سـنجش و بهبود فضای کسب و کار" که یکی دیگر از سلسله تحقیقات و پژوهشهای مرکز مطالعات و بررسـی هـای اقتصادی اتاق بازرگانی تهران می‌باشد، تقدیم می‌گردد، تا بواسطه آن بتوانیم گامی را در جهت اصـلاح و بهبود فضای کسب و کار کشورمان برداریم.

لازم می دانم از همکاران گرانقدر خود در مرکز مطالعات و بررسی های اقتصادی جناب آقای دکتر حسینی و همچنین مرکز هم اندیشی برای توسعه بخش خصوصی اتاق بازرگانی و صنایع و معـادن تهـران جنـاب آقای مهندس صابری که در انجام این پروژه نقش آفرینی نموده اند قدر دانی نمایم.

محمدمهدی راسخ

دبیرکل

فهرست مطالب

عنوان **صفحه**

فصل اول- تعاریف و مفهوم فضای کسب و کار

۱.۱ مقدمه ۱۶

۱.۲تعریف "فضای کسب و کار" ۱۹

۱.۳ ضرورت شناخت و بررسی فضای کسب و کار ۲۲

۱.۴ عوامل موثر بر فضای کسب و کار ۲۵

۱.۴.۱ دولت ۲۶

۱.۴.۲ نهادهای اقتصادی ۲۷

۱.۴.۳ نظام حقوقی ۲۷

۱.۵ توانمندسازی بخش خصوصی یا خصوصی سازی ۲۸

۱.۶ ارزیابی فضای کسب و کار ۳۰

۱.۶.۱ منابع داده های شاخص‌ها ۳۲

۱.۶.۲ شاخص‌های سنجش فضای کسب و کار ۳۳

۱.۶.۳ نحوه جمع آوری داده ها ۳۴

۱.۷ وضعیت فضای کسب و کار در جهان و ایران ۳۵

۱.۷.۱ تجربه کشورها ۳۶

۱.۷.۲ موانع بهبود فضای کسب و کار ۳۷

۱.۸ ضرورت بهبود فضای کسب و کار ۳۸

فصل دوم – پیشینه تحقیقاتی فضای کسب و کار

۲.۱ مقدمه ۴۲

۲.۲ فضای کسب و کار ۴۲

۱.۲.۲ تعریف و محدوده فضای کسب و کار ۴۲

۲.۲.۲ ضرورت پرداختن به مباحث مربوط به " محیط کسب و کار" ۴۴

۲.۳ تاریخچه فضای کسب و کار ۴۹

۲.۴ رتبه‌بندی‌های فضای کسب و کار ۵۱

۲.۵ روش‌های ارزیابی محیط کسب و کار ۵۳

۲.۶ تاثیر ارزیابی‌های کسب و کار در بهبود محیط کسب و کار ۵۵

فصل سوم– شاخص های سنجش فضای کسب و کار

۱.۳ مقدمه ۶۲

۳.۲ روند شکل‌گیری شاخص‌های فضای کسب و کار ۶۳

۳.۳ شاخص های فضای کسب و کار از نظر بانک جهانی ۶۵

۳.۴ چگونگی ارزیابی و رتبه بندی شاخص ها ۶۷

۳.۵ اهمیت نسبی شاخص‌ها ۶۹

۳.۶ شاخص‌های ده‌گانه ۷۱

۳.۶.۱ شاخص شروع کسب وکار ۷۱

۳.۶.۲ اخذ مجوزها ۷۸

۳.۶.۳ استخدام و اخراج نیروی کار ۸۱

۳.۶.۴ ثبت مالکیت ۸۷

۳.۶.۵ اخذ اعتبار ۸۸

۳.۶.۶ حمایت از سرمایه‌گذاران (سهامداران جزء) ۹۳

۳.۶.۷ پرداخت مالیات ۹۵

۳.۶.۸ تجارت فرامرزی ۹۶

۳.۶.۹ انحلال یک فعالیت ۹۸

۳.۶.۱۰ الزام‌آور بودن قراردادها ۱۰۲

فصل چهارم- فضای کسب و کار در ایران

۴.۱ مقدمه ۱۰۶

۴.۲ نحوه ارزیابی محیط اقتصادی ۱۱۱

۴.۳ بررسی شاخص‌های بانک جهانی برای ایران و مقایسه آن ۱۱۲

۴.۳.۱. شاخص آغاز کسب و کار ۱۱۳

۴.۳.۲ شاخص سهولت دریافت مجوزهای ساخت و ساز ۱۲۴

۴.۳.۳ شاخص استخدام ۱۳۴

۴.۳.۴ شاخص ثبت مالکیت ۱۴۴

۴.۳.۵ شاخص اخذ اعتبار ۱۵۵

۴.۳.۶ شاخص حمایت از سرمایه گذاران ۱۶۵

۴.۳.۷ شاخص سهولت پرداخت مالیات ۱۷۵

۴.۳.۸ شاخص تجارت فرامرزی ۱۸۸

۴.۳.۹ شاخص اجرای قراردادها ۲۰۰

۴.۳.۱۰ شاخص انحلال فعالیت: ۲۰۸

فصل پنجم موانع بهبود فضای کسب و کار

۵.۱ مقدمه ۲۱۶

۵.۲ موانع کلان و اساسی در بهبود فضای کسب و کار ۲۱۸

۵.۲.۱ نهاد دولت ۲۱۹

۵.۲.۲ سایر نهادها ۲۲۴

۵.۲.۳ نظام حقوقی و قضایی ۲۲۸

۵.۳ موانع موجود در بهبود فضای کسب و کار در حوزه خرد (شاخص‌های دهگانه)

۵.۳.۱ چالش آغازین صاحبان کسب و کار با سیستم ۲۳۰

۵.۳.۲ عدم وجود رویه‌های استاندارد و شفاف (در شاخص اخذ مجوزها) ۲۳۰

۵.۳.۳ سختی استخدام و اخراج نیروی کار ۲۳۱

۵.۳.۴ مشکلات فراوان ثبت املاک ۲۳۲

۵.۳.۵ محدودیت و ابهام در اخذ اعتبار ۲۳۳

۵.۳.۶ حمایت ناکافی از سهامداران خرد ۲۳۴

۵.۳.۷ ناکارآمدی نظام مالیاتی ۲۳۶

۵.۳.۸ بی‌نیازی و بی‌اعتمادی به تجارت خارجی ۲۳۷

۵.۳.۹ روند دادرسی طولانی (شاخص لازم الاجرا کردن قراردادها) ۲۳۹

۵.۳.۱۰ ناکافی بودن قانون ورشکستگی ۲۴۰

فصل ششم- راهبردهای اصلاحی در بهبود فضای کسب‌وکار

۶.۱ مقدمه ۲۴۲

۶.۲ عوامل کلان مؤثر در بهبود فضای کسب و کار ۲۴۳

۶.۲.۱ جایگاه، نقش، سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولت ۲۴۷
۶.۲.۲ ایجاد و استقرار سایر نهادهای اقتصادی و اجتماعی ۲۵۲
۶.۲.۳ نظام حقوقی و قضایی ۲۵۴
۶.۳ راهبردهای بهبود در حوزه خرد(شاخص‌های ده‌گانه) ۲۵۶
۶.۳.۱ راه‌اندازی کسب و کار جدید ۲۵۶
۶.۳.۲شرایط و مقررات کسب مجوز ۲۵۹
۶.۳.۳ استخدام و اخراج کارکنان ۲۶۲
۶.۳.۴ ثبت اموال ۲۶۵
۶.۳.۵ دریافت اعتبار ۲۶۹
۶.۳.۶ حمایت از سرمایه‌گذاران کوچک ۲۷۲
۶.۳.۷ پرداخت مالیات ۲۷۴
۶.۳.۸ تجارت خارجی ۲۷۷
۶.۳.۹ اجرای قراردادها ۲۷۹
۶.۳.۱۰ تعطیل کردن کسب و کار ۲۸۱
۶.۴ نتیجه‌گیری و پیشنهادات ۲۸۴
فصل هفتم – مقایسه شاخص فضای کسب‌وکار با سایر شاخص‌ها
۷.۱ مقدمه ۲۸۸
۷.۲ شاخص اقتصاد دانش‌محور ۲۸۹
۷.۳ شاخص آزادی اقتصادی ۲۹۰
۷.۴ شاخص رقابت‌پذیری اقتصاد ۲۹۲

۷.۵ شاخص ریسک ۲۹۵

۷.۶ شاخص حکمرانی خوب ۲۹۶

۷.۷ شاخص فساد ۲۹۷

۸ منابع و مآخذ ۳۰۰

پیش‌گفتار

هر چند طی چند دهه اخیر مباحث مربوط به محیط کلان اقتصادی و فضای کسب و کار از زوایای مختلف مورد توجه صاحب نظران و سیاستگذاران قرار گرفته است امّا از منظر تحلیلگران بانک جهانی فضای کسب و کار بیانگر مفهوم خاص و اختصاصی است که می کوشد بیانگر وضعیت اقتصادی کشورها از منظر آغاز، انجام و پایان یک فعالیت اقتصادی باشد. بر این اساس در ادبیات بانک جهانی علیرغم توجه و تأکید فراوان بر عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع، تلاش شده است تا فضای کسب و کار به عنوان یک مفهوم ویژه و خاص در اقتصاد کشورها مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد و با استناد به شاخص های اختصاصی محاسبه شده به رتبه بندی کشورهای جهان بپردازد.

با توجه به اهمیت فوق العاده این مباحث برای فعالان امور اقتصادی خصوصاً فعالان بخش خصوصی، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران در صدد برآمده است تا با استفاده از پژوهش های انجام شده توسط بانک جهانی و لحاظ کردن شرایط داخلی کشور و مطالعات انجام شده پیرامون محیط اقتصادی کشور به بررسی این مفهوم در اقتصاد ایران بپردازد.

این گزارش در هفت فصل تهیه شده است که در فصل اول تعاریف و مفهوم فضای کسب و کارمورد بحث قرار گرفته و سعی شده است از دیدگاههای مختلف به آن بپردازد. در فصل دوم پیشینه تحقیقاتی مربوط به فضای کسب و کار درتحقیقات بانک جهانی و همچنین در داخل کشور مورد بررسی قرار گرفته است. فصل سوم به بررسی تعاریف و نحوهٔ محاسبه شاخص های سنجش فضای کسب و کار از منظر بانک جهانی اختصاص یافته است. در این فصل توضیح داده می شود که بانک جهانی برای ارزیابی و رتبه بندی فضای کسب و کار کشورها از چه شاخص هایی استفاده می کند.

در فصل چهارم به بررسی فضای کسب و کار در ایران از نظر بانک جهانی و رتبه بندی ایران در جهان و در حوزه منا پرداخته شده و توضیح داده شده است که کشور ایران در میان کشورهای مختلف چه جایگاهی دارد. در فصل پنجم موانع بهبود فضای کسب و کار در دو حوزه خرد و کلان مورد توجه و بررسی قرار گرفته است و در فصل ششم با استناد به موانع موجود، روشهای بهبود فضای کسب و کار در کشور ایران مورد تجزیه و تحلیل ارزیابی قرار گرفته است.

با توجه به اینکه مبنای این بررسیها و ارزیابی ها گزارش ارائه شده توسط بانک جهانی بوده است جهت انجام مقایسه میان جایگاه و رتبه ایران از نظر فضای کسب و کار در گزارشهای بانک جهانی، در

فصل هفتم به طور مختصر برخی شاخص های دیگر که توسط سایر نهادهای بین المللی تهیه و ارائه شده است نیز مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است تا نشان داده شود از زوایای گوناگون و از منظر سایر نهادها و سازمانهای بین المللی نیز وضعیت عمومی اقتصاد کشور چگونه معرفی می شود.

در این جا لازم است از زحمات جناب آقای دکتر سید محمود حسینی برای فراهم نمودن شرایط لازم برای انجام این پژوهش و همچنین ارائه نقطه نظرات اصلاحی‌شان که نقش فراوانی دربهتر شدن انجام این کار داشته اند و همچنین از جناب آقای دکتر احمد ترک نژاد که به عنوان ناظر علمی علاوه بر وظیفه نظارت، با ارائه دیدگاهها و نظرات مشورتی خویش در انجام هرچه بهتر این پژوهش کمک فراوانی نموده اند تشکر گردد.

در انجام این پژوهش جهت فیش‌برداری از اسناد و مقالات داخلی و خارجی، آقایان مجید حسینی، آرش محمدپور، پیام یاغلی، حسین غفاری آرام، و خانم‌ها عصمت شریف‌رمضانی، معصومه نادری و فرشته رضایی، از فارغ‌التحصیلان و دانشجویان دوره MBA دانشگاه تهران و دانشگاه علم و فرهنگ، زحمات فراوانی را متحمل شدند و همچنین آقای محمد حسین نعیمی پور وخانم فاطمه کلانتری در بازخوانی و ویرایش مطالب نیز همکاری شایسته ای داشته‌اند که از ایشان تشکر می‌گردد.

سرکار خانم ندا سیاحی علاوه بر همکاری در تهیه منابع و مطالب در کلیه مراحل انجام کار نگارش، ویرایش و تهیه نمودارها و جداول نقش ویژه‌ای داشته اند که بدین وسیله از ایشان تشکر می‌گردد.

در پایان اضافه می گردد بدلیل ضرورت استفاده از دیدگاه‌های صاحب نظران خصوصاً فعالان اقتصادی کشورکه بصورت ملموس با این مقوله درگیر بوده اند، بنابر صلاحدید مرکز مطالعات اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران گزارش اولیه این پژوهش منتشر می‌گردد تا در اختیار کلیه علاقمندان قرار گیرد پس از دریافت نقطه نظرات و راهنمایی‌های آنان امکان رفع اشکالات و برطرف کردن کاستی‌های این پژوهش فراهم خواهد شد و گزارش نهایی آن در آینده در اختیار علاقمندان قرار خواهد گرفت.

سعید شیرکوند

فصل اول – تعاریف و مفهوم کسب و کار

فصل اول – تعاریف و مفهوم کسب و کار

۱.۱ مقدمه

از آنجایی که انجام فعالیت‌های اقتصادی بیشتر موجب رشد سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال، افزایش درآمد مردم، افزایش مالیات برای دولت و گسترش رفاه جامعه می‌گردد کلیه کشورها برای ایجاد فضای کسب و کار توسط فعالان اقتصادی تلاش می‌کنند و اقدامات اصلاحی زیادی برای تحقق آن انجام می‌دهند.

از آنجائیکه توسعه بخش خصوصی در اقتصاد جامعه بر مجموعه پیچیده‌ای از قوانین، زیرساخت‌های گسترده فیزیکی و نهادی، محیط با ثبات اقتصاد، توسعه بازارهای مالی، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم و غیر مستقیم خارجی توسط صنایع کوچک و متوسط، مقررات بازار کار، سیستم‌های ارتقاء فناوری، آموزش و یادگیری مبتنی است تا در مسیر تغییر دایمی ابعاد توسعه، توانایی حرکت همگام با این تغییرات را داشته باشد و فراهم شدن این مجموعه به منظور پیاده‌سازی الگوی توسعه در یک اقتصاد به صورت خودکار اتفاق نمی‌افتد، لذا ایجاد زیرساخت‌های نهادی و زیربنایی برای توسعه و رفع موانع کسب و کار از الزامات اولیه اجرای این سیاست و در زمره وظایف ضروری دولت و نهادهای مدنی ازجمله اتاق بازرگانی و تولیت اصناف است.

آنچه مسلم است اصلاح فضای کسب و کار و بهبود شاخص‌های مزبور در عرصه جهانی نه تنها گامی مثبت و اساسی در جهت تقویت جنبه مشارکت بخش خصوصی در عرصه اقتصاد ، ارتقا سطح اشتغال و تولید در کشور محسوب می شود بلکه بطور قطع پیام‌آوری مهم برای استقبال سرمایه گذاران خارجی برای ورود به کشور و ارتقا و تسهیل جریان ورود فناوری و منابع پولی و مالی جدید به کشور به شمار می رود.

رشد و توسعه اقتصادی از مهمترین اهداف جوامع بشری است. لازمه دستیابی به این هدف ایجاد و گسترش فعالیت اقتصادی است و مهمترین پیش شرط فعالان اقتصادی جهت فعالیت، وجود ثبات، آرامش و به عبارت دیگر امنیت اقتصادی در کشور است به نحوی که سرمایه گذاران بتوانند با انجام محاسبات بلندمدت نتیجه تولید، توزیع و سرمایه گذاری خود را پیش بینی کنند. امنیت اقتصادی را می توان طبق برخی از تعاریف، آزادی از هر نوع ترس، شک و ابهام در کم توجهی یا بی توجهی به تعهدات و مطالبات و در عین حال حصول اطمینان از برخورداری از ثمره فعالیتهایی دانست که در زمینه تولید

ثروت، توزیع و مصرف آن صورت می گیرد که خود موجب بالارفتن استانداردهای زندگی و رشد اقتصادی پایدار می‌شود. (برومند، ۱۳۸۷)

انجام هرگونه فعالیت اقتصادی نیاز به سرمایه گذاری دارد. فراهم نمودن شرایط لازم برای سرمایه گذاران داخلی اولین گام برای استفاده از ظرفیت های موجود و سپس سرمایه گذاری خارجی خود راهی برای ورود فناوری جدید و دستاوردهای نوین به کشورهاست. برای جذب و گسترش سرمایه گذاری داخلی و خارجی کاهش ریسک سرمایه گذاری از طریق فراهم نمودن امنیت اقتصادی و اجتماعی ضرورت می یابد. در حقیقت سرمایه گذاران و کارآفرینان در محیطی امکان فعالیت دارند که امنیت حقوق مالکیت افراد تأمین شده باشد. ورود آسان شرکتها و فعالان اقتصادی به بازار و خروج آسان از آن، انعطاف در استفاده حداکثر از منابع، حقوق مالکیت شفاف و زیرساختهای اقتصادی و اجتماعی مناسب به اعتماد و تشویق هر چه بیشتر سرمایه گذاران می انجامد.

یکی از عوامل تأثیرگذار بر فعالیت اقتصادی هزینه انجام این فعالیت ها یا کسب و کارها است. هزینه های بالای کسب و کار موجب بالا رفتن بهای تمام شده محصولات و در نتیجه کاهش رقابت پذیری آنها بویژه در مقایسه با کالاهای مشابه خارجی است. در بعد بین المللی، کالاهای صادراتی تنها در صورت پایین بودن هزینه های تولید می توانند با جایگزین های خارجی خود رقابت نمایند. بخشی از هزینه های تولید کالاها مربوط به مراحل انجام خود کسب و کار یا عوامل خرد موثر بر بنگاه‌های تولیدی و بخشی دیگر مربوط به حوزه خارج از کنترل صاحبان کسب و کار یا عوامل کلان می شود که عمدتاً تحت تأثیر فعالیت و دخالت دولت هاست.

موضوع آثار و پیامدهای فعالیت دولت در سطوح خرد و کلان، از مهم ترین مباحثی است که در علم اقتصاد مورد توجه قرار گرفته است. این توجه شامل هر دو حوزه علم اقتصاد اثباتی و دستوری می شود. گروهی از اقتصاددانان قائل به حداقل دخالت دولت در اقتصاد بوده و گروهی دیگر دخالت های حداکثر دولت را در اقتصاد ضروری می دانند. در هر دو نگرش سهم و نحوه حضور و دخالت دولت در فعالیتهای اقتصادی نقش اجتناب ناپذیری در فعالیتهای اقتصادی خواهند داشت. از سوی دیگر در حوزه اثباتی نیز به دلیل موثر بودن جایگاه و سهم دولت در فعالیتهای اقتصادی جامعه مطالعات فراوانی در مورد تجزیه و تحلیل آثار و پیامدهای دخالت دولت در اقتصاد صورت گرفته است. (نیلی، ۱۳۸۷) در دهه ۱۹۸۰ بسیاری از اقتصاددانان به ضرورت کاهش تصدی دولت در فعالیتهای اقتصاد برای حضور فعال بخش خصوصی و به زعم خود خصوصی سازی روی آوردند.

با بررسی تجارب کشورهای مختلف دنیا، مشخص می گردد برخی کشورها با بهره گیری از رویکرد خصوصی سازی و البته با فراهم آوردن ساز و کارهای مورد نیاز برای ایجاد و گسترش آن توانسته اند زمینه ساز اتفاقات مثبت در اقتصاد کشورهایشان شوند. از سوی دیگر کشورهایی مانند چین، ویتنام، مجارستان و لهستان کوشیدند با رفع موانع توسعه بخش خصوصی (بهبود محیط کسب و کار) و نه خصوصی سازی، سهم بخش خصوصی را بطور قابل توجه در کلان اقتصاد ارتقاء داده و معجزه بزرگ اقتصادی را در دنیا قم بزنند.

بررسی تجربه نظام سرمایه داری و ساز و کارهای تقویت و گسترش نظام رقابتی در کشورهای مختلف که قائل به حداقل دخالت دولت در اقتصاد است، به روشن تر شدن هر چه بیشتر این مهم کمک خواهد کرد. علت موفقیت نظام سرمایه داری و مکانیزم رقابت در برخی کشورهای غربی (توسعه یافته) و عدم موفقیت این نظام در سایر کشورها خصوصاً کشورهای در حال توسعه، توانایی کشورهای غربی در تبدیل پس انداز جامعه به سرمایه گذاری‌های مطلوب را نشان می دهد.(Dosoto– ۱۹۸۶)

هر چند لازم است به این نکته نیز توجه شود که برخی اقتصاددانان معتقدند در کشورهای در حال توسعه که فاقد توانمندی های مناسب برای تبدیل پس انداز به سرمایه مولد اند، اتفاقاً پس انداز داخلی به وفور یافت می شود. این پدیده معلول سیاست های غلط در حوزه پول و سرمایه و ناکارآمدی های نظام بانکی و بازار سرمایه است که خود ناشی از محیط غیررقابتی و رانتی در اقتصاد این جوامع می باشد.(S.Straub– ۲۰۰۵)

به هر حال انتخاب هر کدام از راهبردهای فوق الذکر یعنی ایجاد و بهبود فضای کسب و کار مناسب و زمینه سازی برای ایجاد و گسترش هر چه بیشتر فعالیت های بخش خصوصی و افزایش سهم آن در کل اقتصاد کشور و یا برنامه ریزی برای کوچک کردن حجم دولت و خصوصی سازی جهت حرکت به سوی اقتصاد آزاد رقابتی – با کمترین دخالت دولت– نیازمند تمهید مقدماتی است که در ارتباط با توانمندسازی بخش خصوصی و یا خصوصی سازی اهمیت فوق العاده ای دارد. ضرورت شفاف سازی تخصیص منابع برای بنگاههای اقتصادی، افشای کامل اطلاعات و دسترسی آزاد به اطلاعات، ایجاد فرصت برابر برای تمام متقاضیان و فعالان اقتصادی و واگذاری شرکتهای دولتی در شرایط رقابتی نمونه هایی از این تمهیدات است.

در این بررسی کوشش شده است به الزامات و پیش نیازهایی پرداخته شود که برای توانمندسازی بخش خصوصی و برقراری ساز و کارهای رقابتی برای ایجاد یک اقتصاد شکوفا اجتناب ناپذیر است. فراهم نمودن شرایط مناسب و مطلوب برای شکل گیری فعالیتهای اقتصادی که تحت عنوان بهبود فضای کسب و کار از آن نام برده می شود هدف اصلی این بررسی است. تجزیه و تحلیل عوامل موثر بر فضای کسب و کار و همچنین عوامل محدود کننده و یافتن روشهای مناسب برای دستیابی به این مهم از دیگر اهداف این پژوهش است.

لازم به ذکر است که تمرکز اصلی این پژوهش در خصوص ارزیابی، سنجش و رتبه‌بندی کشورها در خصوص فضای کسب‌وکار گزارش‌ها و شاخص‌های معرفی شده از سوی بانک جهانی است اما جهت کامل کردن بحث و توجه به مقدمات و پیش‌نیازهای مربوط به فضای کسب‌وکار کوشش شده است فضای عمومی اقتصاد کشور نیز مورد تأمل بیشتری قرار گیرد.

۱.۲ تعریف "فضای کسب و کار"

هرچند واژه « فضای کسب و کار» در دهه های اخیر به عنوان یکی از کلیدواژه های مهم در مباحث اقتصاد کلان مطرح شده‌است، با تأملی در مباحث انجام شده پیرامون توسعه اقتصادی و پیش‌نیازهای یک اقتصاد شکوفا و رو به رشد خواهیم دید که این مفهوم همواره مورد توجه صاحب‌نظران و اندیشمندان در دهه‌های گذشته بوده‌است. در سال‌های اخیر این مفهوم با دقت و ظرافت بیشتری مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته است و صاحب‌نظران کوشیده‌اند این مفهوم را با دقت و حساسیت بیشتری مورد توجه قرار دهند. بانک جهانی نیز با ارائه یک مدل مشخص و برخوردار از شاخص‌های ده‌گانه کوشیده‌است به یک وحدت رویه در این خصوص دست یابد.

منظور از فضای کسب و کار، عوامل موثر بر عملکرد واحدهای اقتصادی مانند کیفیت دستگاه‌های حاکمیت، ثبات قوانین و مقررات، کیفیت زیرساخت‌ها و ... است که تغییر دادن آنها فراتر از اختیارات و قدرت مدیران بنگاه‌های اقتصادی است.(میدری و قودجانی، ۱۳۸۷) با تأمل در تعریف فوق مشخص می‌گردد که شناخت و بررسی «فضای کسب و کار» مقدم بر تجزیه و تحلیل کسب و کار و فعالیت‌های اقتصادی در داخل یک بنگاه است.

اگر «کسب و کار» هرنوع فعالیت تکرارشونده اقتصادی از قبیل تولید، خرید و فروش کالا و خدمات به قصد کسب منافع اقتصادی و سود گفته شود (جزئیات پیش‌نویس قانون بهبود فضای کسب و کار- اتاق تعاون و اتاق بازرگانی ایران)، پرداختن به فضای کسب و کار، نحوه شکل گیری و گسترش کسب و کار را مشخص می کند. بر این اساس اگر این تعریف کسب و کار یعنی تولید و خرید و فروش کالا یا عرضه خدمات به منظور بدست آوردن سود را کسب و کار بدانیم، انواع مختلف کسب و کار عبارت خواهند بود از: ۱) کسب و کار خانگی، ۲) کسب و کار خانوادگی، ۳) کسب و کار روستایی، ۴) کسب و کار اینترنتی، ۵) کسب و کار کوچک و متوسط و ۶) کسب و کارهای بزرگ.[۱] . (احمد پورلاریانی، ۱۳۸۵) که در تمامی این کسب و کارها، بدون توجه به مباحث مربوط به «فضای کسب و کار» فعالیت بسیار سخت و ناممکن می باشد.

بر اساس مطالعات بانک جهانی در بیشتر کشورها برای راه اندازی یک کسب وکار هرچند کوچک، باید ابتدا بر اساس نیاز بازار در مورد نوع محصول تولیدی تصمیم گیری و سپس برای تأمین سرمایه اولیه اقدام شود. کسب و کار برای شروع فعالیت باید در دفاتر رسمی ثبت شود. پس از آن نیروی کار باید استخدام شود. هنگامی که مقدمات فراهم شد شرکت تولید خود را آغاز می کند و برای اخذ استانداردها و کسب مجوز عرضه محصول به بازار تلاش می کند کیفیت محصولات خود را بالا ببرد. پس از ورود به بازار و کسب سود شرکت موظف به پرداخت مالیات و عوارض خواهد بود. ممکن است شرکت برای صادرات کالای خود نیز برنامه ریزی کرده باشد، در این صورت فرآیندهای دیگری نیز به فعالیت شرکت افزوده می شود. در تمامی این مراحل نیاز به مراجعه به نهاد قانونی وجود دارد. و حتی در صورتی که فعالیت تعطیل شده و یا شرکت نخواهد به فعالیت خود ادامه دهد و حتی در صورت ورشکستگی، برای تعطیلی کسب و کار و تقسیم دارایی های آن بین صاحبان دیون و سهامداران لازم است مراحلی را وفق مقررات انجام دهد.

---

[۱] ۱) Home business, ۲) Family business, ۳) Rural business, ۴) Electronic business

۵) Small and Medium size business (SME), ۶) Large scale business

به این ترتیب هر کسب و کار از زمان شکل گیری تا انحلال کامل چرخه ای را طی می کند و در هر مرحله بر اساس قوانین و مقررات موجود برای شروع و تداوم فعالیت خود متحمل هزینه های گوناگون و صرف زمان می شود. بدیهی است هر چه این مراحل مشکلتر و پیچیده تر و پرهزینه تر باشند، انگیزه افراد و اشخاص حقیقی و حقوقی برای انجام و گسترش فعالیتها کمتر می گردد. در گزارشهای بانک جهانی مراحل گفته شده مورد توجه قرار گرفته و بر اساس آنها شاخصهایی برای سنجش سهولت آغاز و تداوم کسب و کار، در تعامل با محیط شکل گرفته اند. معیارهایی که بانک جهانی برای اندازه گیری این شاخص ها در نظر می گیرد بیانگر فضای کسب و کار در آن کشور می باشد که اصلی ترین آنها زمان و هزینه لازم برای طی هر یک از این مراحل می باشد.

اولین مسأله ای که در هر طرح تجاری و برای هر صاحب کسب و کاری مطرح است، تضمین های لازم برای حفظ اصل سرمایه او (امنیت اقتصادی) و در مرحله بعد سودآور بودن این طرح و افزون بودن منافع کسب و کار از هزینه‌های آن است. هزینه‌های هر فعالیتی تابع دو دسته عوامل است: ۱) هزینه‌هایی که در فرآیندهای مختلف تولید انجام آنها ضروری است و ۲) هزینه‌هایی که به دلیل نامناسب بودن محیط فعالیت اقتصادی بر صاحبان کسب و کار تحمیل می‌شود. گاهی این قبیل هزینه‌ها به اندازه‌ای بالاست که صاحبان کسب و کار رغبتی به استفاده از فرصت‌های اقتصادی پیدا نمی کنند. (فرشاد مومنی، ۱۳۸۶) بانک جهانی تلاش می کند با بررسی محیط کسب و کار ماهیت این هزینه‌ها را شناسایی و برای کاهش هزینه‌های ناشی از محیط فعالیت اقتصادی راهکارهایی ارائه نماید.

هزینه‌های محیط کسب و کار آثار مختلف و گوناگونی بر فعالیت‌های اقتصادی به جای می گذارد؛ اولین اثر، افزایش هزینه بنگاه ها در مرحله تولید کالا و خدمات است. و در مرحله بعد افزایش هزینه های مربوط به مبادله آنهاست که موجب افزایش قیمت می شود. بر اساس گزارش «فضای بهتر سرمایه‌گذاری برای همه» هزینه های محیط کسب و کار در کشورهای مختلف بسیار متفاوت است (گزارش توسعه جهانی بانک جهانی، ۲۰۰۵). این هزینه های مازاد، علاوه بر تأثیرگذاری بر هزینه های تولید با نامناسب کردن محیط کسب و کار مانع رشد شرکت های کوچک و متوسط نیز می گردند. شرکت های کوچک بیش از شرکت های بزرگ از محیط نامناسب کسب و کار آسیب می بینند. بر اساس این گزارش شاید شرکت های بزرگ بتوانند با تاثیرگذاری بر سیاستگذاران یا پرداخت های غیرقانونی محیط کسب و کار را تا حدودی برای خود هموار سازند اما صاحبان مشاغل کوچک منابع محدودی برای پرداخت های غیرقانونی دارند و معمولاً فاقد روابط موثر با سیاستگذاران هستند. در نتیجه برای ادامه حیات آنان همواره با مشکلات غیرقابل پیش بینی روبرو می شوند. (میدری و قودجانی، ۱۳۸۷)

بر اساس مطالعات بانک جهانی، اگر زمان و هزینه صرف شده را نشانه های میزان سهولت راه اندازی و تداوم یک کسب و کار تلقی کنیم، حداقل یا حداکثر شدن آن به حجم و نوع قوانین مربوطه، میزان قانونمداری و حمایت نظام حقوقی از مالکیت افراد مربوط می شود. بنابراین کاهش زمان و هزینه راه اندازی و گسترش فعالیتهای اقتصادی و ساده سازی و تضمین اجرای دقیق و عادلانه قوانین جهت آماده کردن بستر مناسب برای فعالیت اقتصادی و ایجاد امنیت برای سرمایه گذار و حمایت از سرمایه گذار در مقابل تعرضات احتمالی آینده، گام های موثر در تسهیل کسب و کار می باشند.

در دهه‌های گذشته بسیاری از کشورها برای دستیابی به آزادی اقتصادی و گسترش فعالیت‌های اقتصادی علاوه بر خصوصی‌سازی به بهبود فضای کسب و کار روی آورده‌اند چراکه دریافته‌اند توسعه خصوصی‌سازی و بهبود محیط کسب و کار منفرداً یا تواماً می توانند اقداماتی فرصت ساز برای ثروت آفرینان و کارآفرینان باشند. که البته بسیار بدیهی است که توجه توأماً به این دو مقوله موجب کارآمدی هر چه بیشتر می گردد. با توجه به رشد قابلیت های بخش خصوصی در محیط بهبود یافته کسب و کار، امکان به فعلیت درآمدن منافع بالقوه در درون فرصت ها فراهم می شود و نتیجه طبیعی آن بهبود موثر در شرایط خرد و کلان اقتصاد است.(P.Vlasenko– ۲۰۰۴)

طبق نتایج مطالعات بانک جهانی یکی از دلایل بیکاری بلندمدت در بسیاری از کشورها از جمله ایران را نامساعد بودن فضای کسب و کار است. اگرچه بخشی از تنگناهای ایجاد شده در بازار کار به عوامل ناشی از جانب عرضه، از جمله رشد بالای جمعیت، افزایش نرخ مشارکت زنان، افزایش سن ازدواج و عدم تطابق تخصص های نیروی کار با نیازهای بازار باز می گردد، لیکن نبایستی از نظر دور داشت که بسیاری از مشکلات مبتلا به بازار کار با فضای کسب و کار و دیوانسالاری به هم تنیده و پرپیچ و خم و بار سنگین قوانین و مقررات و مراحل اجرایی اخذ مجوز شروع به کار و نااطمینانی های مستولی بر تقاضای نیروی کار از سوی بنگاههای اقتصادی گره خورده است. به همین واسطه مدیریت موفق اقتصاد کلان مستلزم توانمندسازی بخش خصوصی از طریق کاستن از هزینه ها و ریسک های عاملان خصوصی و برداشتن موانع رقابت و اصلاح نظام کسب و کار است.

۱.۳ ضرورت شناخت و بررسی فضای کسب و کار

کتاب «ثروت ملل» آدام اسمیت در دهه ۱۷۷۰ و تأکید بر تئوری دست نامرئی و دستیابی به تعادل از طریق مکانیزم قیمت ها، نقطه آغاز بحث اقتصاد آزاد و پررنگ شدن نقش بخش خصوصی در فعالیتهای

اقتصادی خرد و کلان می باشد که به صورت بلامنازع تا دهه های اولیه قرن بیستم مبنای ساماندهی اقتصاد جوامع مختلف تلقی می شود. بحرانهای متوالی و در نهایت بحران ۱۹۲۹ موجب ظهور نظریه هایی گردید که دخالت دولت را در بازار ضروری می دانستند و در واقع علاوه بر تأیید شکست بازار در برخی زمینه ها، ضرورت دخالت دولت را اجتناب ناپذیر دانستند. اما با گذشت سه دهه از افزایش تصدی دولت بر اقتصاد، نشانه های ناکارآمدی دولت در اداره بسیاری از بنگاهها نمایان و مبنای نظریه های ترکیب بهینه دولت و بازار گردید. هر چند تا اواخر دهه ۱۹۶۰ بسیاری از اقتصادها بر اساس برخی اضطرارها و همچنین تحولات سیاسی و اجتماعی دولتی شده بودند، عدم موفقیت در دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده در کشورهای بلوک شرق و غرب رویگردانی از اقتصاد صرفاً دولتی را موجب گردید تا اینکه از دهه ۱۹۸۰ برای دستیابی به اقتصاد غیردولتی به خصوصی سازی روی آوردند.[۲]

طرح مباحث گوناگون پیرامون ضرورت خصوصی سازی از یک سو و همچنین تأکید برخی از اقتصاددانان بر فراهم نمودن شرایط لازم برای توانمند سازی بخش خصوصی به عنوان پیش نیاز خصوصی سازی موجب گردید نگاه توأماً به این دو مقوله مورد توجه قرار گیرد. «اگر در ابتدای دهه ۱۹۸۰، نظریه پردازان و سیاست گذاران اقتصادی بر خصوصی سازی تاکید داشتند، از اواخر دهه ۱۹۹۰ بهبود محیط کسب و کار موضوع کانونی محافل نظریه پردازی و سیاست گذاری اقتصاد بوده است. این تغییر در پارادایم سیاست گذاری، محصول تحولات اقتصادی از یک سو و طرح نظریات جدید اقتصادی از سوی دیگر است.» (میدری و قودجانی،۱۳۸۷)

تأملی در توجه برخی کشورها به این مفاهیم نشان می دهد که چگونه این رویکرد ها مبنای سیاست گذاری در این کشورها شده است. به عنوان نمونه در دهه ۱۹۸۰ کشور چین و تا حدودی ویتنام، مجارستان و لهستان این رویکرد را به طور جدی در دستور کار خود قرار دادند.

از جمله مهمترین نظریه های جدیدی که انقلاب بزرگی در اقتصاد کشورهای توسعه نیافته به پا کرد نظریه هرناندو دسوتو اقتصاددان پرویی بود که در سال ۱۹۸۶و ۲۰۰۰ در قالب دوکتاب «راه دیگر»[۳] و

---

[۲] جهت اطلاع بیشتر از این مسئله به مقاله‌ها و کتب مربوط به مباحث خصوصی‌سازی مراجعه فرمائید.

[۳] "The other path"

«راز سرمایه»[۴] بهبود فضای کسب و کار را برای راه اندازی فعالیتها حتی با تکیه بر سرمایه های کوچک مورد توجه جدی قرار داد.

دسوتو در کتاب راز سرمایه به تشریح وضع فقرا و ارائه راه حل برای بیرون آمدن از فقر می پردازد. او معتقد است در کشورهای توسعه نیافته پس انداز داخلی به وفور یافت می شود و بخش عمده این پس انداز در دست فقراست اما این کشورها نمی توانند از پس انداز خود استفاده کنند. فقرا خود راهکار بیرون آمدن از فقر را اشتغال می دانند. آنها دارایی دارند اما فرآیندی ندارند که مالکیت آنها را نشان داده و سرمایه ایجاد کند بنابراین دسوتو تقویت نظام حقوق مالکیت خصوصی را از اولین گامها برای بهبود فضای کسب و کار و بدنبال آن اشتغال و خلق ثروت مورد توجه قرار می دهد.

«از نظر دسوتو مقررات کمتر و ساده تر از جانب دولت و اتکای بیشتر بر حکومت قانون می تواند شرایط زندگی را برای فقرا آسان کند. اگر فقرا امکان دسترسی به نظام کارآمد رسمی مالکیت داشته باشند می توانند ظرفیت بالقوه سرمایه راکد خود را در جهت تقویت استعداد کارآفرینی خود به کار گیرند. موانع سخت در کشورهای در حال توسعه بخش خصوصی را به اقتصاد زیرزمینی، اقتصاد غیررسمی و غیرمولد سوق می دهد. سرمایه ها در باتلاق نظام اداری غرق می شوند یا به کشورهای پیشرفته فرار می کنند». (میدری و قودجانی، ۱۳۸۷)

بدلیل ضرورت تجزیه و تحلیل محیط اقتصادی در ارزیابی وضعیت آن از زوایای مختلف عوامل موثر بر فضای کسب و کار از دیرباز مورد توجه سازمان های مختلف بوده و هریک برای بررسی آنها شاخص های مختلفی معرفی نموده و به کار برده اند. مجمع جهانی اقتصاد[۵]، بنیاد هریتج[۶] و برخی سازمانهای دیگر در این مسیر گامهای مهمی برداشتند. تا اینکه از اواخر دهه ۱۹۹۰ بانک جهانی نیز به عنوان یکی از مهمترین حامیان خصوصی سازی در دنیا گرایش خود را به سمت بررسی فضای کسب و کار به طور کلی و قوانین اثرگذار بر آن به طور جزئی تر تغییر داد.

---

[۴] "The Mystery of Capital"

[۵] World Economic Forum

[۶] The Heritage Foundation شاخص آزادی اقتصادی را می سنجد

بانک جهانی در ابتدا برای شناخت موانع کسب و کار از ۳۰ هزار بنگاه در ۵۳ کشور در حال توسعه نظرسنجی به عمل آورد و از میان عواملی که صاحبان کسب وکار برشمردند، شاخص هایی برای سنجش فضای کسب و کار استخراج نمود. محاسبه شاخص مشترک کسب و کار در سطح جهانی امکان مقایسه وضعیت اقتصادی کشورها را بوجود می آورد که همزمان با روند جهانی شدن برای جذب سرمایه های سرگردان با هم رقابت می نمایند. رتبه بندی اقتصاد کشورها توسط بانک جهانی یکی از محصولات اندازه گیری شاخص های شناخته شده و مبنایی برای مقایسه کشورها است. فعالان اقتصادی کشورها برای تصمیم گیری در مورد ورود به بازارهای داخلی یا خارجی، پیش بینی سودآوری، اطلاع از دستورالعملها و اطمینان به نهادهای قانونی به چنین شاخصی نیاز دارند.

نهادهای بین المللی مانند UNDP (برنامه توسعه سازمان ملل) برای بررسی مسائل مختلف اجتماعی مثل فقر و کمک به کشورها برای ایجاد ثبات و ... می توانند از اطلاعات Doing Business استفاده کنند.

دولتها برای سیاست گذاری و انجام اصلاحات می توانند به الگوی کشورهای دیگر که در Doing Business ارائه می شود مراجعه و از آنها ایده بگیرند. البته معمولا دولتها ابتدا با سوءظن با رتبه بندی ها روبرو می شدند و بانک جهانی نیز کشورها را تشویق کرد که با دید نقادانه به شاخص ها و رتبه بندی ها نگاه کنند و تنها به فکر بالا بردن رتبه خود در Doing Business نباشند.

۱.۴ عوامل موثر بر فضای کسب و کار

برای موفقیت اقتصاد بازار و توانمند سازی بخش خصوصی که در سایه دو رویکرد مهم «بهبود فضای کسب و کار» و «خصوصی سازی» که از دهه ۱۹۸۰ مجددا مورد توجه قرار گرفته است، نهادها و همچنین ساز و کارهای ایجاد شده نقش مهمی ایفا می کنند. در گزارش ۲۰۰۵ بانک جهانی نتایج نظرسنجی از صاحبان کسب و کار در مورد مهمترین موانع کسب و کار به ترتیب به شرح زیر آمده است:

- عدم اطمینان به سیاست های کلان دولت در بخش های مختلف
- نرخ مالیات، مقررات مالیاتی و نظام دریافت عوارض و گستردگی جرایم اجتماعی
- فساد و گستردگی اقتصاد زیرزمینی
- میزان سهولت و هزینه دسترسی به منابع مالی
- مهارت نیروی انسانی و مقررات نیروی کار

- نظام حقوقی و قضایی
- هزینه های حمل و نقل، دسترسی به زمین و انرژی و مخابرات

دولت‌هایی که به سلامت اقتصادی کشور خود و ایجاد فرصت برای شهروندان خود متعهد هستند، علاوه بر شرایط اقتصاد کلان، قوانین و مقرراتی را نیز که بر فعالیت‌های روزمره اقتصادی اثر گذارند ارزیابی می‌نمایند. مطالعه عوامل خرد موثر بر کسب و کار از این منظر قدمت چندانی ندارد. اولین تلاش‌ها در دهه ۱۹۸۰ به صورت انجام مصاحبه با متخصصان انجام گرفت که به علت وجود تناقض در استنباط مفاهیم و عدم بررسی کشورهای فقیر کنار گذاشته شد.[۷]

به این ترتیب عوامل موثر بر فضای کسب و کار را می‌توان به ۳ دسته عمده تقسیم نمود: ۱-جایگاه، نقش، سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولت، ۲-نهادهای اقتصادی و ساز و کارهای رسمی و غیررسمی حاکم بر آنها و ۳-نظام حقوقی و قضایی.

۱.۴.۱ دولت

دولت از جهات، ابعاد و مسیرهای مختلف بر فعالیت‌های اقتصادی اثرگذار است؛ به نحوی که سیاست‌های کلان اقتصادی و سیاسی دولت به شکل‌گیری یک نظام اقتصادی سالم، شکوفا، شفاف و توانمند منجر می‌شود و یا به گسترش اقتصاد زیرزمینی و فساد و در نتیجه یک اقتصاد ضعیف و ناکارآمد می‌انجامد. (Thum, Choi – ۲۰۰۵)

دولت‌ها نقش مهمی در حمایت از حقوق مالکیت، فراهم کردن زیرساخت ها، عملکرد بازارهای پولی، مالی و نیروی انسانی، نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی و کنترل فساد دارند. کمک‌های بنگاه‌ها به اقتصاد نیز تحت تأثیر فضای آزاد، رقابتی و شفاف سرمایه‌گذاری است که دولت در شکل‌گیری و بهبود آن نقش عمده‌ای دارد. (گزارش توسعه جهانی ۲۰۰۵)

دولت همچنین از راههای مختلفی بر فضای کسب و کار اثر منفی می گذارد: هزینه های غیرضروری تحمیل می کند، بی ثباتی و ریسک بوجود می آورد و فضای رقابت را نابرابر می کند. در یک جامعه فاقد

---

[۷] جهت اطلاع بیشتر به سایت Doing Business مراجعه فرمایید.

دولت کارآمد قوانین اجرا نمی شوند و کنترل فساد ناممکن است. این عوامل فعالان اقتصادی را به بخش غیررسمی سوق می دهد.

۱.۴.۲ نهادهای اقتصادی

شکل گیری روابط مناسب میان بخش های مختلف اقتصادی، تنظیم روابط میان کارکنان و کارفرمایان، کسب اعتبارات مورد نیاز فعالان اقتصادی توسط نظامی ساختاریافته و جامع، و بسیاری از روابط و مناسبات دیگر در سایه ساماندهی نهادهای اقتصادی است که بدون شکل گیری و تقویت آنان اطمینان لازم برای سرمایه گذاران حاصل نمی شود.

عدم وجود نهادهای اقتصادی مناسب که پشتیبان فعالیتهای اقتصادی سالم می باشد و شکل گیری محیط نامناسب کسب و کار هزینه های بیشتری بر کسب وکار های کوچک تحمیل می کند، این در حالی است که کسب و کار های بزرگ قدرت بیشتری در تاثیر گذاری بر محیط پیرامون خود دارند. آنها می توانند با استفاده از رسانه ها و ارتباط مستقیم با سیاستگذاران و صرف هزینه های تبلیغاتی و سایر ابزارهای موثر بر افکار عمومی، مشکلات خود را به تصمیم گیران انتقال داده، محیط را به نفع خود تغییر دهند و از تغییرات ناخواسته تا حد زیادی جلوگیری کنند اما موسسات کوچک و فعالان کم توان بدلیل عدم توانایی در مقابله با این مشکلات به ناچار فعالیت خود را تعطیل می نمایند. (P.A.Casero- ۲۰۰۴)

ساماندهی نهادهای مناسب و رسمی موجب تقویت فعالان اقتصادی شده و آنان با پشتگرمی این نهادها به آینده امیدوار شده و در نتیجه شرکتهای خصوصی ایجاد اشتغال می کنند و روی استعدادها سرمایه گذاری می کنند. به این ترتیب افراد از استعدادهای خود بهره می برند، تولیدات مورد نیاز جامعه را فراهم می کنند و به عنوان مالیات دهندگان عمده امکان ارائه خدمات اجتماعی، بهداشت و ... را فراهم می کنند.

۱.۴.۳ نظام حقوقی

در ادبیات اقتصادی سرمایه گذاران را به آهویی تشبیه می کنند که با هوش و ذکاوت خویش با احساس کمترین خطری از صحنه می گریزند و همواره به جستجوی محیط امن و باثبات هستند و لذا کلیه سرمایه‌گذاران نیز با حساسیت فوق العاده ای شرایط عمومی حاکم بر فعالیت خویش را می سنجند. از نظر آنان سرمایه گذاری نیاز به اطمینان از امنیت اقتصادی دارد که تأمین آن در سایه قوانین کارآمد و نظام حقوقی که اجرای آنها را ضمانت کند ممکن می شود. به عبارت روشن تر سرمایه گذار باید اطمینان

داشته باشد که هیچ خطری سرمایه او را تهدید نمی کند و در صورتیکه به هر دلیلی سرمایه او مورد تعرض قرار گرفت نظام حقوقی و قضایی حاکم بر کشور قادر است از سرمایه او دفاع کرده و رفع تعرض نماید.(A.Musacchio– ۲۰۰۶)

یکی از فرضیات اساسی Doing Business این است که فعالیتهای اقتصادی مورد حمایت قوانین مناسب هستند که در آنها حقوق مالکیت شفاف، هزینه ها و زمان رسیدگی به حل اختلاف پایین، تعاملات اقتصادی قابل پیش بینی و طرفین قرارداد از سوء استفاده و تجاوز متجاسرین محفوظ باشند. هدف این است که قوانین و مقررات کارآمد باشند، هر کس به نظام حقوقی و قضایی نیاز دارد بتواند به آنها در حداقل زمان ممکن دسترسی داشته باشد و پیاده کردن آنها آسان باشد. البته در بعضی شاخص ها Doing Business امتیاز بالاتر را به قوانین جامع و بدون ابهام و ایهام که توسط افراد قابل تفسیر به رأی نباشد می دهد. ضمانت اجرای این قوانین نیازمند ساز و کارهای تعریف شده و مناسب می باشد که برای فعالان اقتصادی امیدبخش و اطمینان آفرین باشد.

۱.۵ توانمندسازی بخش خصوصی یا خصوصی سازی

در ادبیات اقتصاد جهانی میان مفهوم خصوصی سازی و مفهوم توانمندسازی بخش خصوصی از راه کاستن هزینه ها و ریسک عاملان خصوصی و برداشتن موانع رقابت تفاوت وجود دارد. هر چند از نظر بسیاری از اندیشمندان و صاحب نظران این دو رویکرد لازم و ملزوم یکدیگر می باشند که بکارگیری توأمان یا جداگانه هر یک از آنان موجب رشد بخش خصوصی می گردد.(Haefke, Ebell– ۲۰۰۳)

تجربه جهانی نشان می دهد رشد بخش خصوصی به دو روش امکان پذیر است:

۱) واگذاری داراییها و شرکتهای دولتی به بخش خصوصی (خصوصی سازی)

۲) رفع موانع بخش خصوصی یا بهبود محیط کسب و کار (توانمند سازی بخش خصوصی)

فرآیند خصوصی سازی در برخی از کشورهایی که این رویکرد را برگزیده اند، آنها را با مشکلاتی روبرو کرده و می کند که آنها را به مقایسه این راهکار با راهکار بهبود فضای کسب و کار سوق می دهد. از جمله این مشکلات تنش های سیاسی و اجتماعی است که در روند خصوصی سازی غالبا گریزناپذیر است. در شرایطی که بهبود محیط کسب و کار رقابت را تقویت می کند، بنا بر تجربه جهانی خصوصی

سازی لزوماً به تقویت رقابت نمی انجامد زیرا در راهبرد بهبود محیط کسب و کار تأکید بر افزایش رقابت است و خطر تشدید انحصار بسیار کمتر از سیاست خصوصی سازی است.

نمونه بارز اولویت دادن به این دو رویکرد را می توان در کشورهای مارکسیستی سابق به روشنی ملاحظه کرد. چین راهبرد بهبود فضای کسب و کار را برگزید و شوروی سابق و کشورهای اروپای شرقی خصوصی سازی را در دستور کار خود قرار دادند. « در شوروی سابق و کشورهای اروپای شرقی رشد بخش خصوصی در طول ۴ سال به بیش از ۸۰٪ به فاجعه اقتصادی منجر شد و تعداد فقرا به ۵ برابر افزایش یافت. در حالی که در چین راهبرد بهبود محیط کسب و کار در طول دو دهه به معجزه اقتصادی انجامید و ۵۰۰ میلیون نفر از فقر نجات یافتند». (میدری و قودجانی، ۱۳۸۷)

صرفنظر از پیامدهای اجتماعی برگزیدن هر یک از این دو رویکرد، از منظر کارآمدی نیز این دو رویکرد پیامدهای مختلفی به دنبال داشته اند. «واگذاری شرکتهای دولتی به بخش خصوصی (خصوصی سازی) در بسیاری موارد حتی موجب کاهش کارآیی این شرکتها می شود زیرا این محیط با محیط فعالیت مالکان و مدیران خصوصی متفاوت است و بسیاری از استراتژی های شرکتهای خصوصی در محل اینگونه شرکتها که بنا به ملاحظات سیاسی و یا اتکا به کانالهای دولتی بوجود آمده اند نتیجه دیگری می دهند».(S.Haggard، ۲۰۰۵)

نکته دیگری که در مقام مقایسه میان این دو رویکرد باید بدان توجه نمود رقابت پذیری و شفافیت مورد نیاز برای رشد بخش خصوصی است که در این دو رویکرد وضعیت متفاوتی را بدنبال می آورند. رویکرد خصوصی سازی بدون توجه به بهبود فضای کسب و کار (در غیاب نهادهای نظم بخش اقتصاد)، بازار آزاد ایجاد شده به بی مسئولیتی و رشد نامتوازن و ... برمی خورد. بخش بانکداری ناکارآمد که همچنان متأثر از فضای قبل از خصوصی سازی است، استقراض را پرهزینه یا غیر ممکن می کند. کارایی از رقابت حاصل می شود و رقابت لزوما از خصوصی سازی بدست نمی آید بلکه حاصل شکل گیری نهادهای مورد نیاز بازار می باشد. ظرفیت بالقوه پنهان کاری، روابط و مناسبات پنهان و زیرزمینی در خصوصی سازی برای همکاری مخفیانه و غیرقانونی بین مقامات دولتی و دیگران نیز موجب افزایش فساد است. که یکی دیگر از پیامدهای خصوصی سازی بدون توجه به فضای کسب و کار می باشد.

پروژه ارزیابی، سنجش و بهبود «Doing Business» یا «بهبود فضای کسب و کار» از ۸ سال پیش آغاز شد و هر ساله توسط موسسه IFC به عنوان بازوی توسعه بخش خصوصی در بانک جهانی انجام می شود. این پروژه به بررسی کسب وکارهای کوچک و متوسط در هر کشور می پردازد و قوانینی را که

هر یک در چرخه فعالیت خود با آنها روبرو هستند را از نظر مدت زمان و هزینه صرف شده و نیز سهولت ارزیابی می کنند. مدل هزینه یابی Doing Business که اولین بار در هلند شکل گرفت و مورد استفاده قرار گرفت، در حال حاضر تنها ابزار سنجش میزان تأثیر قوانین و مقررات وضع شده توسط دولتها بر کسب و کار افراد است. در اولین گزارش Doing Business که در سال ۲۰۰۳ منتشر شد، ۵ شاخص در ۱۳۳ کشور بررسی شده بودند، با پیوستن کشورهای دیگر و بازخورهای دریافت شده از متخصصان و محققان تعداد شاخص ها هم اکنون به ۱۰ و کشورهای مورد بررسی به ۱۸۳ مورد رسیده اند. هدف اصلی این موسسه ایجاد شاخصی استاندارد برای یافتن گلوگاه‌ها، محدودیت‌ها و موانع فعالیت بهینه بخش خصوصی و بهبود نظام حقوقی حاکم بر فضای کسب وکار است.

۱.۶ ارزیابی فضای کسب و کار

برای ارزیابی فضای کسب و کار تا کنون شاخص های گوناگونی توسط سازمانهای مختلف ارائه شده است از جمله شاخص ریسک محیط کسب و کار، شاخص های بنیاد هریتج و موسسه فریزر، شاخص رقابت جهانی، مجمع جهانی اقتصاد، سازمان دیده‌بانی جهانی کارآفرینی G.E.M، شاخص توسعه انسانی- موسسه کار و تامین اجتماعی و... در این میان شاخص‌های بانک جهانی برای ارزیابی فضای کسب و کار بر اساس ویژگی ها و مختصاتی شکل گرفته است که در نوع خود رویکرد جدیدی بشمار می رود و بدلیل پوشش دادن به انتظارات فعالان اقتصادی و سیاستگذاران اقتصاد کلان کشورها مورد توجه بیشتری قرار گرفته است و تقریباً توسط آنها مورد پذیرش قرار گرفته است.

در شاخص ارائه شده توسط بانک جهانی برای یکسان سازی معیارها و شاخص های ارزیابی فضای کسب و کار و ایجاد امکان مقایسه آنها، تعاملات یک کسب و کار فرضی با نهادهای قانونی و پشت سر گذاردن کلیه مراحل مختلف تاسیس و فعالیت از نظر تعداد مراحل، مدت زمان و هزینه مورد ارزیابی قرار می گیرد.

«ارزیابی فضای کسب و کار» از طریق ساختن و اندازه گیری مجموعه شاخصهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی صورت می‌گیرد که موقعیت و شرایط پیش رو برای ایجاد و توسعه بخش خصوصی را مورد بررسی قرار می دهد و یک نظام اندازه گیری عوامل کلان اقتصادی کارآمد را در ابعاد مختلف نشان می دهد.

پروژه Doing Business دو نوع داده را در نظر می گیرد. گونه اول مطالعه قوانین و مقررات حاکم بر محیط اقتصادی کشور که در گزارش‌های بانک جهانی منتشر می‌شود و گونه دیگر شاخص‌های کار و زمان برای پشت سر گذاردن مراحل مختلف مورد نیاز برای ایجاد و تداوم فعالیت اقتصادی را بررسی می‌کند که در سنجش و رتبه‌بندی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این شاخص ها هزینه ها اعم از هزینه های زمانی و پولی از گزارشهای رسمی ادارات مربوط استخراج می شوند تا امکان بررسی و ارزیابی آنان فراهم گردد.

دسوتو در دهه ۱۹۸۰ معتقد بود که با ارزیابی کار و زمان که پیش از این توسط تیلور مطرح شده بود می تواند موانع تاسیس یک کارخانه تولید البسه را در لیما، پایتخت پرو، نشان دهد. نظریات دسوتو بر اساس تجربه عملی در بازار پرو نشان داد که یکی از ملزومات رشد اقتصادی امکان تولید ثروت و صیانت از آن است که سیستم اقتصادی برای احراز و کسب مالکیت و دفاع از حق مالکیت برای فعالیت اقتصادی بدان نیاز دارد. چنین سیستمی با ثبت اسناد مربوط به حقوق مالکیت و حمایت از مالکان در برابر تجاوزگر و همچنین مرجعی برای داوری در هنگام بروز اختلاف، اطمینان بخش صاحبان سرمایه می باشد و آنان را نسبت به کارکردهای قانونی در دفاع از حقوق آنان امیدوار می سازد. اینها کارکردهای قانون هستند.(دسوتو، ۱۳۸۷)

Doing Business همچنین در مورد قوانین مشکل زا و اصلاح آنها پیشنهاداتی ارائه میدهد. اما برای شناخت کامل و جامع فضای کسب و کار باید داده های Doing Business را با اطلاعات بدست آمده از سازمانها و نهادهای دیگر اقتصادی مانند بنیاد هریتج کنار هم گذاشت تا امکان ارزیابی و قضاوت کاملتر و دقیق تر فراهم شود.

نکته مهم و قابل توجه دیگر این است که باید توجه داشت برای تحلیل داده های Doing Business چه محدودیتهایی وجود داشته و دارد.

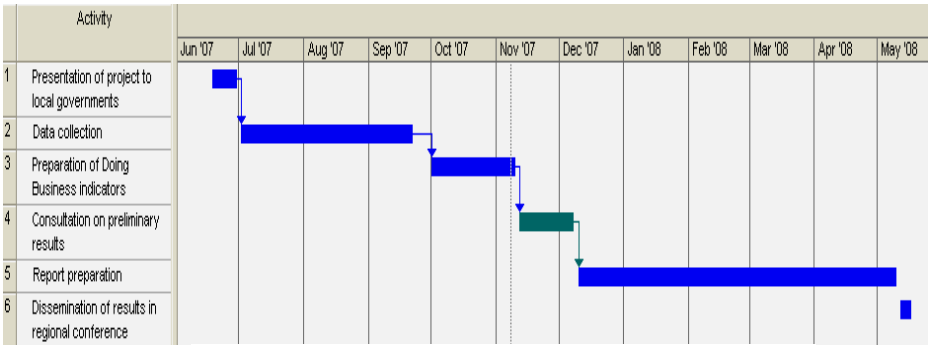
در شرایط فعلی بانک جهانی با تمرکز بر ۱۰ شاخص تعیین کننده قوانین و مقررات اثرگذار بر چرخه فعالیت یک شرکت کوچک یا متوسط را به عنوان نماد فعالیت اقتصادی کشورها به ارزیابی فضای کسب و کار آنان می پردازد. بنابراین این شاخصها برخی دیگر از عوامل محیطی اثرگذار بر یک کسب و کار و رقابت را ارزیابی نمی کند. برای مثال امنیت، ثبات اقتصاد کلان، فساد، مهارت نیروی کار، قدرت نهادها و کیفیت زیرساختها، قوانین مربوط به بازارهای مالی و نیز قوانین مختص سرمایه گذاری خارجی را

مطالعه نمی کند. هر چند شاخص های مورد توجه بانک جهانی بصورت غیرمستقیم به این عوامل نیز توجه داشته و تأثیرات آنها را نیز بر فعالیتهای اقتصادی مورد توجه قرار می دهد.

۱.۶.۱ منابع داده های شاخص‌ها

در کلیه بررسی‌ها و مطالعات بررسی فضای کسب و کار لازم است اطلاعات و داده های مورد نیاز شاخص های معرفی شده جمع آوری گردد. برای این کار کلیه موسسات و نهادهایی که به این امر مبادرت می ورزند از شیوه های مختلفی برای جمع آوری این داده ها استفاده می کنند. این شاخص ها اغلب در مطالعات موردی فرضی استاندارد (case scenario) بررسی می شوند و مفروضاتی دارند از قبیل اینکه کسب و کار مورد بررسی در بزرگترین شهر تجاری کشور قرار دارد. نظرسنجی از صاحبان کسب و کار و متخصصان ، بررسی قوانین و دستورالعملهای داخلی کشورها و تعرفه ها و هزینه های مختلف در طی کردن مراحل مختلف اداری، اصلی ترین و مهم ترین داده های فضای کسب و کار را تشکیل می‌دهند.

با توجه به آنکه بانک جهانی این ارزیابی ها را برای بسیاری از کشورها بصورت همزمان انجام می دهد، ناچار است برای رعایت «وحدت رویه» فرآیند ثابت و تعریف شده ای را دنبال کند. بر این اساس هر سال در ماه ژوئن پروژه آغاز می شود. پرسشنامه ها به سراسر دنیا فرستاده و به دولت‌ها معرفی می شوند. از ماه ژوئیه تا ماه سپتامبر داده های مربوط به نظرسنجی جمع آوری می شوند و سپس کدگذاری و تحلیل می شوند. از ماه اکتبر تا اوایل ماه نوامبر گزارش های اولیه، آماده و در مکاتبه با پاسخ دهندگان و نهادهای ذی ربط اصلاح می شوند. در ماه دسامبر گزارشهای نهایی منتشر و سپس تا ماه می گزارشها ترجمه و در رسانه ها ارائه می گردند.



شکل -۱ :نمودار زمان‌بندی سالانه پروژه سنجش محیط کسب و کار

۱.۶.۲ شاخص‌های سنجش فضای کسب و کار

Doing Business با استناد به ده شاخص کمی که ده مرحله از عمر یک کسب و کار را از زمان شکل گیری تا انحلال آن در بر می گیرد در مورد میزان مناسب بودن محیط اقتصادی کشور برای انجام فعالیت اقتصادی قضاوت می کند. بر این اساس شاخص فضای کسب و کار مزبور محاسبه و به صورت مقایسه ای برای همه کشورهای بررسی شده گزارش می گردد. شاخص ها عبارتند از:

۱- شروع کسب و کار: که فرآیند ثبت شرکت را از نظر تعداد مراحل، مدت زمان مورد نیاز و هزینه صرف شده برای آغاز فعالیت را در نظر می گیرد.

۲- اخذ مجوزها: شامل تمامی فرآیند لازم الرعایه برای اخذ مجوزهای مورد نیاز تا تاسیس و راه اندازی یک کارگاه می باشد که مطالعه موردی این شاخص نشاندهنده تعداد مراحل، مدت زمان و هزینه صرف شده برای دریافت مجوزهای مورد نیاز با استاندارد معین هر کشور است.

۳- شاخص استخدام و اخراج نیروی کار: میزان دشواری استخدام، انعطاف‌ناپذیری ساعت کار، دشواری اخراج، هزینه استخدام و هزینه اخراج را می سنجد.

۴- ثبت مالکیت: فرآیند لازم جهت ثبت دارایی در دفتر اسناد رسمی می باشد. تعداد مراحل، مدت زمان و هزینه های مترتب بر ثبت مالکیت در دفاتر اسناد رسمی سنجش می شود.

به عنوان مطالعه موردی فرایند کامل خرید یک زمین، ساختمان و انتقال حق مالکیت آن از یک فرد به فرد دیگر نشاندهنده این شاخص است.

۵- اخذ اعتبار: این شاخص میزان توانمندی و امکان سنجش گسترده، دقت اطلاعات اعتباری و میزان پوشش اطلاعات مالی افراد حقیقی و حقوقی است که توسط بخش دولتی یا بخش خصوصی ثبت و در اختیار سایر سازمانها یا افراد قرار داده می شود تا بر اساس اعتبار تعیین شده به ارزیابی فعالان اقتصادی بپردازند.

۶- حمایت از سرمایه گذاران (سهامداران): در این شاخص بررسی می شود که صاحبان سرمایه تا چه اندازه مورد حمایت نهادهای قانونی و رسمی می باشند بویژه در معاملاتی که در آنها منافع مدیران با منافع شرکت یا منافع دولت در تعارض است.

این شاخص میزان علنی بودن (افشا) مبادلات مالی، میزان پاسخگویی مدیر، سهولت شکایت برای سهامدار و توان حمایت از سرمایه‌گذار را در بر می گیرد.

۷- پرداخت مالیات: این شاخص مأخذ تعلق مالیات، دفعات پرداخت، زمان تعیین و پرداخت و کل مالیات قابل پرداخت را بر حسب درصد از سود حاصل از فعالیتهای اقتصادی را ارزیابی می کند.

۸- تجارت فرامرزی: تعداد مراحل، تعداد امضا، تعداد اسناد و تعداد روز برای صادرات (از بسته بندی در کارخانه تا خروج از بندر)، میزان تعرفه ها و عوارض و همچنین تعداد مراحل، تعداد امضا، تعداد اسناد و تعداد روز برای واردات (از پهلو گرفتن کشتی در بندر تا تحویل محموله به انبار کارخانه) و میزان تعرفه ها و عوارض را می سنجد.در مطالعه موردی صدور و ورود یک محموله استاندارد از راه دریایی در نظر گرفته می شود.

۹- انحلال یک فعالیت: تعداد مرحله، زمان لازم برای دادرسی(روز) و هزینه پرداخت شده برای پایان دادن به یک فعالیت اقتصادی در این شاخص مورد بررسی و ارزیابی قرار می گیرد.

۱۰ – الزام آور بودن قراردادها: زمان و هزینه لازم برای اعلام ورشکستگی و چگونگی توزیع دارایی های شرکت ورشکسته میان طلبکاران را در بر می گیرد.

۱.۶.۳ نحوه جمع آوری داده ها

Doing Business در هر کشور با تعدادی همکاران محلی در ارتباط است که کارشناسان، مدیران واحدهای اقتصادی، وکلا و حقوقدانان شاغل در بخش‌های مختلف‌خصوصی ودولتی را دربرمی‌گیرد.

این افراد در بررسی های میدانی و تکمیل اطلاعات موردنیاز در چندین مرحله مشارکت داشته و هر سال موارد تغییر را در پرسشنامه های دوره جدید گزارش می نمایند. این پرسشنامه ها فرم یک سناریو کامل یا یک پرونده فرضی را دارند که با طرح تعدادی پرسش، از پاسخ دهندگان می خواهند که علاوه بر درج پاسخها اسناد و مدارک مربوطه را نیز معرفی کنند تا بتوان برای کنترل نهایی به قوانین و اسناد رسمی مربوطه مراجعه نمود. در هفت سال گذشته بیش از ۱۱۰۰۰ متخصص از ۱۸۳ کشور در تهیه داده های Doing Business همکاری داشته اند. (سایتDoing Business)

در ایران سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی به عنوان مرجع ملی تماس با Doing Business اقدام به معرفی این شاخص و دعوت از سازمان‌های متولی امور مربوط به فضای کسب وکار برای همکاری چه در زمینه جمع‌آوری داده‌ها و چه در زمینه اصلاحات مورد نیاز نموده است. اما تعاملات مورد ارزیابی در شاخص های کسب و کار عمدتاً با بانک مرکزی، بانک‌های عامل، اتاق بازرگانی، قوه قضائیه و ... می‌باشند.

Doing Business یک کسب و کار کوچک یا متوسط (که بیش از شرکت‌های بزرگ تحت تأثیر قوانین قرار می‌گیرند) که در بزرگترین شهر کشور از نظر تجاری قرار گرفته است را در نظر می‌گیرد. این استانداردسازی برای مقایسه کشورها انجام می‌شود و به هر حال کلی شدن تعاریف اجتناب ناپذیر است. در کشورهای مختلف با توجه به قوانین آن کشور ممکن است این تعریف جزئی تر شود. مثلا شرکتهای مسئولیت محدود می توانند نمونه های مناسبی باشند زیرا در این گونه شرکتها زیان فرد تنها به از دست رفتن سرمایه او محدود می شود و این مشوق خوبی برای ورود کارآفرینان به بازار است.

فرض دیگر Doing Business این است که کارآفرینان از قوانین مربوطه آگاه هستند. در غیر این صورت باید زمانی را صرف اطلاع از قوانین کنند و یا برخی کارآفرینان از ثبت شرکت خود صرف نظر می کنند و به طور غیر رسمی به فعالیت می پردازند.

وضعیت فضای کسب و کار در جهان و ایران

شاخص کسب و کار از جمله نشانه های سلامت اقتصاد کشورهاست که آن را به کلسترول بدن انسان تشبیه می کنند. آزمایش کلسترول نمی تواند همه چیز را در مورد سلامت بدن نشان دهد بلکه یکی از نشانه های مهم سلامتی را نشان میدهد و با جلب توجه ما به رفتارهایمان و ارائه توصیه به ما کمک می کند که سطح کلسترول خود و به تبع آن سلامتی خود را بهبود ببخشیم. بهمین ترتیب

Doing Business می تواند در مقایسه با دیگر کشورها نشان دهنده ضعف در فضای کسب و کار یک کشور باشد اما نمی تواند به طور قطع نشانه عدم سلامت محیط کسب و کار باشد.

برای شناخت کامل فضای کسب و کار باید این شاخص را در کنار شاخصهای بین المللی دیگر بگذاریم. به هر حال همبستگی بالای شاخص های DB با شاخصهایی از قبیل شاخص آزادی اقتصادی، ریسک، IMD و ... نشان می دهند که کشورهایی که در این شاخص رتبه بالا کسب می کنند غالبا از نظر دیگر شاخص های اقتصادی هم وضعیت مطلوبی دارند به طوری که ۲۰ کشور اول در رتبه بندی از بهترین شرایط رفاه اقتصادی برخوردارند. از دیدگاه متخصصان بهبود شاخصهای Doing Business در درازمدت برای کشورها سودمند است.

۱.۶.۴ تجربه کشورها

تجربه کشورهایی که از نظر DB رتبه های بالایی کسب کرده اند نقاط اشتراکی دارد که می تواند برای کشورهای دیگر آموزنده باشد. برای مثال کشورهای اسکاندیناوی که بالاترین رتبه ها را از نظر فضای کسب و کار دارند از نظر شاخصهای توسعه ای نیز وضعیت مطلوبی دارند. دارای کمترین نرخ بیکاری، توزیع عادلانه درآمد، نرخ تورم بسیار کم هستند و بسیاری دیگر از شاخص های اقتصادی آنان نیز مطلوب می باشد. این کشورها نرخ مالیات نسبتا بالایی دارند اما اقتصاد زیرزمینی ندارند زیرا شرکت‌ها در قبال پرداخت مالیات خدمات خوبی از طرف دولت دریافت می کنند که موجب افزایش درآمد و سود آنان می شود.

در کشورهای پیشرفته قوانین مکررا مورد بازبینی قرار گرفته، اصلاح یا حذف می شوند. اما قوانین باقیمانده در مقایسه با کشورهای توسعه نیافته ضمانت اجرایی بیشتری دارند زیرا بجا و کارآمد وضع شده اند.

کشورهای در حال رشد در فرآیند پیشرفت خود برای حفظ حقوق مالکیت و لازم الاجرا کردن قراردادها نیاز به قوانین بیشتر و جزئی تری پیدا می کنند اما مهمتر از وضع قوانین در اینگونه کشورها اجرای دقیق و بدون تبعیض قوانین است که می تواند به رشد و شکوفایی اقتصاد این کشورها کمک کند.

۱.۶.۵ موانع بهبود فضای کسب و کار

بزرگترین مشکلات اقتصادی کشورهای توسعه نیافته فقدان توزیع عادلانه و کارآمد منابع تولید و عدم رقابت پذیری اقتصاد آنان است که در نتیجه اقتصاد غیررسمی و برخوردار از انواع فساد است که در اثر بی ثباتی سیاسی و اجتماعی تشدید شده و این چرخه همچنان تداوم می یابد. بسیاری از کشورهای قعر جدول رتبه بندی Doing Business دارای بیشترین حجم قوانین در دنیا هستند اما بدلیل عدم اجرای دقیق این قوانین و نبودن ضمانت اجرایی برای رعایت عادلانه ضوابط و مقررات این قوانین نه تنها به قانونمداری و حاکمیت قانون کمک نمی کنند بلکه موجب فرار بیشتر از قانون می شوند.

هر چند بهبود در یک یا چند شاخص احتمالا رتبه کشورها را بهبود می بخشد اما برای بهبود فضای کسب و کار لازم است همه شاخصها به طور متوازن و با ثبات بهبود یافته و این بهبودی برای کلیه فعالان اقتصادی قابل درک باشد.

در ایران قدرت اقتصادی و ساز و کارهای حاکم بر اقتصاد بدلیل نقش بسیار گسترده دولت در اقتصاد غالباً از قدرت سیاسی ناشی می شود و بنابراین به شدت تحت تأثیر سیاستهای دولت می باشد. تغیرات پیش بینی نشده مقررات و رقابت غیرعادلانه در برابرافراد و سازمانهای ذی نفوذ سیاسی نیز طبیعتاً افراد را از سرمایه گذاری های بلندمدت نگران می نماید و در نتیجه آنان را به سرمایه گذاری های کوتاه مدت سوق می دهد.

در ایران سازمان سرمایه گذاری و کمکهای اقتصادی و فنی وزارت اقتصاد و دارایی متولی اجرای نظرسنجی ها و ارتباط با Doing Business شده است و تلاش می کند مشارکت متخصصان را برای جمع آوری اطلاعات کامل تر و صحیح تر برای ارزیابی واقع بینانه تر جلب نماید.

تحولات عرصه جهانی نشان می دهد که رتبه بندی های Doing Business بتدریج هر روز بیشتر مورد توجه سرمایه گذاران قرار می گیرد. این امر کشورهای دنیا را به تحرک و رقابت واداشته است تا برای جذب سرمایه گذاری ها و به تبع آن دستیابی به رشد اقتصادی و دسترسی به فناوری های روز دنیا برای بهبود رتبه خود به دنبال بهبود فضای کسب و کار باشند.

بر اساس گزارشهای بانک جهانی در طی سالهای اخیر وضعیت «فضای کسب و کار» در کشور ایران مطلوب و رو به بهبود نمی باشد. بر این اساس لازم است با تجدید نظر جدی در سیاستها و برنامه ریزی

های اقتصادی شرایط لازم برای رفع موانع فراهم گردد. جدول زیر بیانگر وضعیت و رتبه ایران در گزارشهای بانک جهانی می‌باشد.

سال	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰
رتبه	۱۰۸	۱۱۹	۱۳۱	۱۳۵	۱۴۲	۱۲۹
تعداد کشورها	۱۳۳	۱۵۵	۱۷۵	۱۷۸	۱۸۱	۱۸۳

جدول ۱ : رتبه ایران از نظر Doing Business

۱.۷ ضرورت بهبود فضای کسب و کار

خصوصی سازی بدون آزادسازی و توانمندسازی بخش خصوصی که در گرو بهبود فضای کسب و کار می باشد، ابتر است و انتقال مالکیت بنگاههای اقتصادی به بخش خصوصی در صورتی به بهبود شرایط اقتصادی کشور می انجامد که همراه با آزادی عمل بخش خصوصی در انجام فعالیتهای اقتصادی باشد. فعال کردن بخش خصوصی بدون فراهم نمودن شرایط رقابتی و ایجاد شفافیت لازم در تخصیص منابع و صرفاً با اعطای تسهیلات برای کارآفرینی نیز رانت زا است و در مقابل، رقابتی کردن بازار منوط به رفع موانع کسب و کار است. افزایش امنیت سرمایه گذاری برای تولید و تشویق صاحبان سرمایه برای آغاز فعالیتهای اقتصادی و به دنبال آن افزایش اشتغال باید در کالبد ایجاد فضای مناسب کسب و کار صورت پذیرد. یکی از ارکان مهم توانمندسازی بخش خصوصی، ساده سازی و پالایش قوانین و مقررات در جهت بهبود فضای کسب و کار است. به نظر می رسد بازنگری قواعد اعم از قوانین، مقررات، دستورالعمل ها، آیین نامه ها و رویه های کاری از ضرورت های مهم برای بهبود فضای کسب و کار است. (S.Haggard– ۲۰۰۵)

کشورهایی که برای بهبود فضای کسب و کار و توانمند سازی بخش خصوصی و آزادسازی بیشتر اقتصاد گام برداشته اند، در مجموع موفق تر بوده اند. این موفقیت با توجه به موارد زیر با اهمیت و قابل تداوم می باشد.

- میانگین رشد درآمد این دسته از کشورها به طور محسوسی بالاتر از کشورهایی است که کمتر به آزاد سازی و بهبود فضای کسب و کار پرداخته اند، آمارها نشان می دهد که این دسته از کشورها طی دوره مورد بررسی ۸۰٪ بیش از دسته دیگر رشد داشته اند.
- همچنین مشاهده شد توسعه انسانی در این دسته از کشورها به طور متوسط با شدت بیشتری صورت گرفته است و این کشورها از لحاظ شاخص توسعه انسانی نیز بهبود بیشتری نشان داده اند.
- در زمینه سرمایه گذاری خارجی نیز مقدار مطلق سرمایه گذاری خارجی برای کشورهای با آزادی اقتصادی بیشتر و فضای کسب و کار بهتر، به طور متوسط بیشتر است. (L.Thomas–۲۰۰۵)

با توجه به مطالب گفته شده و با در نظر گرفتن رتبه نامناسب ایران به نظر می رسد اصلاح فضای کسب و کار کشور می بایست در اسرع وقت در زمره اولویت های اصلاح ساختار قوانین اجرایی قرار گیرد. در غیر این صورت اقتصاد در شرایط نابرابر رقابت دولت با بخش خصوصی رونق نمی گیرد. بدیهی است این رقابت فقط با شکست انحصارات دولتی و ایجاد فضای مناسب برای فعالیت بخش خصوصی قابل شکل گیری است و گرنه نتیجه عملی شدن اصل ۴۴، جز واگذاری ثروت متعلق به ملت در دست دولت به نهادهای حکومتی و شبه حکومتی و توزیع منافع آن بین قشر محدودی نخواهد بود و این واگذاری به رقابت و رونق نخواهد انجامید. توسعه بخش خصوصی در یک اقتصاد بازار بر مجموعه پیچیده ای از قوانین، زیرساختهای گسترده فیزیکی و نهادی، محیط باثبات اقتصاد کلان، توسعه بازارهای مالی، جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی، توسعه صنایع کوچک و متوسط در قالب شبکه تامین بنگاههای بزرگ، مقررات بازار کار، سیستم های ارتقاء فناوری، آموزش و یادگیری مبتنی است تا در مسیر تغییر دائمی ابعاد توسعه، توانایی حرکت همگام با این تغییرات را داشته باشد و فراهم شدن این مجموعه به منظور پیاده سازی الگوی توسعه در یک اقتصاد به صورت خودکار اتفاق نمی افتد. لذا ایجاد زیرساختهای نهادی و زیربنایی برای توسعه و رفع موانع کسب و کار از الزامات اولیه اجرای این سیاست و در زمره وظایف ضروری دولت ونهادهای مدنی از جمله اتاق بازرگانی است. آنچه مسلم است اصلاح فضای کسب وکار و بهبود شاخص های مزبور در عرصه جهانی نه تنها گامی مثبت و اساسی در جهت تقویت جنبه مشارکت بخش خصوصی در عرصه اقتصاد، ارتقا سطح اشتغال و تولید در کشور محسوب می شود بلکه بطور قطع سیگنالی مهم برای استقبال سرمایه گذاران خارجی برای ورود به کشور و ارتقا و

تسهیل جریان ورود فناوری به کشور به شمار می رود. و تمامی اینها بستری برای تحقق هدف مهم چشم انداز ۲۰ ساله که تبدیل شدن به قدرت اول منطقه به لحاظ اقتصادی، فنی و علمی است، به شمار می آید.

در حقیقت بر اساس اجماع صاحب‌نظران اقتصادی فقرا خود راهکار بیرون آمدن از فقر را اشتغال می دانند. فراهم کردن امکان رشد مستلزم محیطی است که کارآفرینان با ایده های نو از هر جنسیت و نژاد بتوانند کسب و کار خود را آغاز کنند و با تأسیس شرکتها و سرمایه گذاری است که شغل ایجاد می شود. همچنین در فضای مناسب افق بلندتری برای کسب وکارها قابل پیش بینی و در نتیجه گامهای بزرگتری در رشد و توسعه اقتصادی برداشته می‌شود. زیرا گام‌های بزرگ نیازمند برنامه‌ریزی‌های بلندمدت است.

فصل دوم – پیشینه تحقیقاتی فضای کسب و کار

فصل دوم – پیشینه تحقیقاتی فضای کسب و کار

۲.۱ – مقدمه

در فصل پیش ادبیات موضوعی در حوزه محیط کسب و کار بررسی و ارائه شد. در این فصل قصد بر این است که پیشینه تاریخی و تحقیقاتی پرداختن به فضای کسب و کار ارائه شود. در ابتدا بررسی دقیقتری از تعریف و جایگاه فضای کسب و کار ارائه می‌شود و سپس ضرورت پرداختن به محیط کسب و کار از منظر اصول اقتصادی و اجتماعی و راهبردهای اقتصادی تجربه شده در جوامع بشری مطالعه می‌گردد. از آن پس به مرور روند تاریخی دستیابی به مفهوم و منطق سنجش فضای کسب و کار پرداخته و تحقیقاتی که پس از مطرح شدن فضای کسب و کار و تحت تاثیر آن شکل گرفته‌اند مرور می‌شود. در ادامه شیوه‌های ارزیابی و رتبه‌بندی‌های محیط کسب و کار ارائه شده و تاثیرات ارزیابی آن و در نهایت اقدامات انجام شده در ایران در این راستا بررسی می‌شود.

آگاهی از پیشینه تاریخی و تحقیقاتی موضوع محیط کسب و کار و درک نتایج و تاثیرات ارزیابی آن در ایران و جهان می‌تواند ما را یاری کند تا با استفاده از دانش و تجربه جهانی و تکیه بر ویژگی‌ها و تجربیات بومی، هم در عرصه نظری و هم در عرصه عملی به الگوها، نظریات و راهبردهای رشد و توسعه اقتصادی و در نتیجه به رفاه و بهروزی بیشتر در مرز و بوم خویش دست یابیم.

۲.۲ – فضای کسب و کار

۱.۲.۲– تعریف و محدوده فضای کسب و کار

همانطور که در فصل یک بیان شد، منظور از محیط (فضای) کسب و کار مجموعه عواملی است که بر شکل‌گیری، تداوم و عملکرد بنگاه تأثیر گذارند و تغییر آنها برای مدیران بنگاه‌های اقتصادی بسیار هزینه‌بر و یا غیرممکن است. محیط کسب و کار، محل تبادل و تامین داده‌ها و ستاده‌های کار و فعالیت بنگاه‌های اقتصادی است و از این رو نقش سرنوشت‌سازی در حیات و بقای سازمان‌ها و شرکت‌ها (بنگاه‌های اقتصادی) در دوره عمر آنها بر عهده دارد. برای نمونه "تأمین انرژی" از جمله نهاده‌های اجتناب ناپذیر بنگاه‌هاست و مدیر بنگاه هرچه هزینه صرف کند، نمی‌تواند نوسانات برق را که حاصل شرایط عمومی

انرژی کشور می‌باشد کاهش دهد ویا با هزینه‌های بسیار امنیت مطلوب را برای محیط فعالیت خویش فراهم کند در نتیجه باید آنها را به عنوان یکی از ویژگی‌های محیط کسب و کار خود بپذیرد.

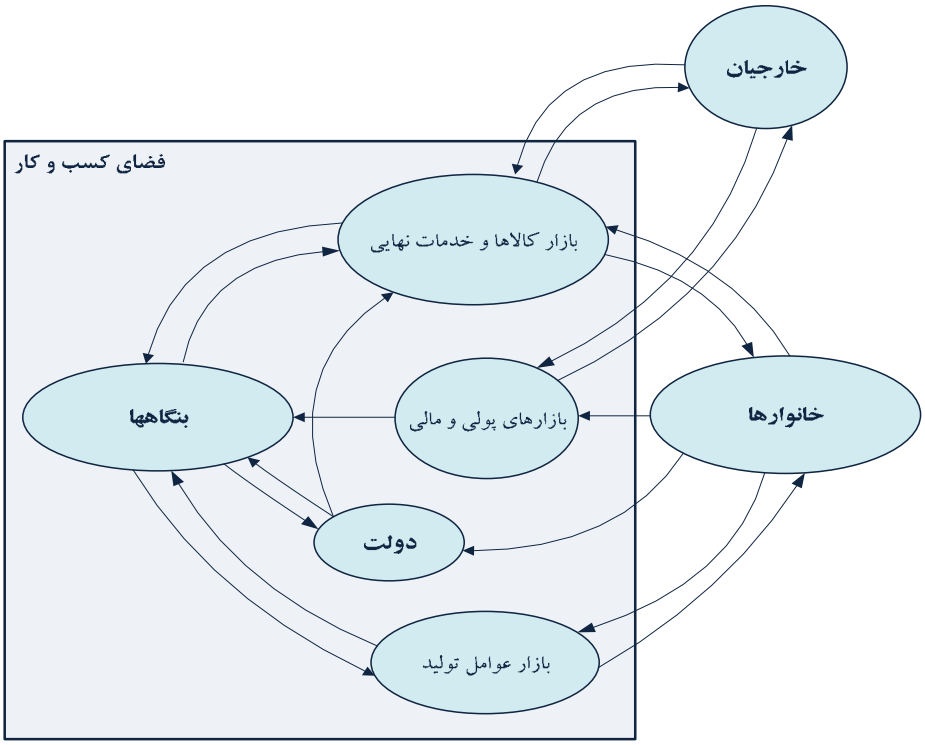
برای بررسی بیشتر و درک ماهیت، جایگاه و عوامل مؤثر بر محیط کسب و کار می‌توان آن را را با ادبیات اساسی مطرح در حوزه اقتصاد کلان تطبیق داد. از آنجا که موضوع اقتصاد کلان بررسی فعالیت‌های اقتصادی در سطح یک کشور می‌باشد و به منظور این بررسی گردش فعالیت‌های اقتصادی را در مدل چهار بخشی به نمایش می‌گذارد، پس فضای کسب و کار، به عنوان یک محیط، در مدل‌های گردش فعالیت‌های اقتصادی قابل نمایش است. محیط کسب و کار فضایی است که هریک ار کارگزاران فعالیت‌های اقتصادی شامل: ۱)خانوارها، ۲) بنگاه‌ها، ۳) دولت، ۴) خارجیان، نقش خود را در آن ایفا می‌کنند.

شیوه انجام فعالیت‌های اقتصادی به طور ساده در مدل چهار بخشی این چنین فرض شده است: خانوارها، صاحبان عوامل تولید (نیروی کار، زمین، سرمایه و ...) می‌باشند. خانوارها عوامل تولید را در اختیار بنگاه‌ها قرار می‌دهند و به ازای آن درآمد کسب می‌کنند؛ سپس این درآمد را صرف خرید کالاها و خدمات (مخارج مصرفی) و پس‌انداز می‌کنند. بنگاه‌ها عوامل تولید را از خانوارها می‌گیرند، و کالاها و خدمات تولید می کنند؛ سپس این کالاها و خدمات را بفروش می‌رسانند. همچنین بنگاه‌ها پس انداز خانوارها را از آنها وام می‌گیرند و صرف خرید سرمایه (عوامل تولید) برای تولید می‌کنند. نقش اقتصادی دولت نیز این است که مالیات دریافت می‌کند و آن را برای ایجاد امکانات خدمات و امنیت برای فعالیت‌های اقتصادی خرج می‌کند. خارجیان نیز اشخاصی هستند که در خارج از مرزهای ملی با آنان روابط اقتصادی دارند. مبادلات در بازار صورت می‌گیرد. بازارها در اقتصاد بسته به نوع مبادلات به بازارهای پولی و مالی (بانک، بازار سهام و ...) بازار کالاها و خدمات نهایی و بازار عوامل تولید تقسیم می‌شوند.

همانطور که ملاحظه می‌شود(شکل ۲-۱) فضای کسب و کار محیطی است که در آن یک بنگاه شکل می‌گیرد و به فعالیت اقتصادی می‌پردازد و چرخه عمر آن ادامه می‌یابد. این محیط شامل انواع بازارهای یاد شده و امکانات و خدماتی است که دولت فراهم می‌کند.

بجاست که یادآور شویم توجه به موضوع محیط کسب و کار همزمان با ایجاد نظریه‌های اقتصاد کلان نبوده است. بلکه آنچنان که در موضوع تاریخچه محیط کسب و کار بیان خواهد شد این موضوع پس از تحولات فراوانی در رویکردها و دیدگاه‌های نظری و تحقیقات اقتصادی در حوزه اقتصاد کلان مورد توجه قرار گرفت و به نظر می‌رسد سرگذشتی نزدیک به موضوع کارآفرینی و سرمایه‌گذاری داشته باشد. نکته

قابل توجه این است که این موضوع در دوره بسیار کوتاهی پس از مطرح شدن در نظریات اقتصادی مبنای عمل قرار گرفته و به منظور سنجش فضای کسب و کار و میزان تاثیر آن در رونق اقتصاد و رشد اقتصادی کشورها و مقایسه وضعیت اقتصادی کشورها مورد استفاده قرار گرفت.



شکل -۲: جایگاه و محدوده فضای کسب و کار

۲.۲.۲- ضرورت پرداختن به مباحث مربوط به " محیط کسب و کار"

تا به امروز، صاحب‌نظران و سیاستگذاران در کشورهای مختلف به منظور دستیابی به رفاه و حل مشکلات اقتصادی جامعه (توسعه اقتصادی) راهبردهای مختلفی را برگزیده‌اند. بهبود محیط کسب و کار امروزه به عنوان یک راهبرد شناخته شده اقتصادی مد نظر قرار می‌گیرد. از دید برخی صاحب‌نظران، این راهبرد، مکمل و حتی پیش‌نیاز راهبرد خصوصی سازی است؛ برخی نیز بر این باورند رفع موانع بخش

خصوصی یا همان بهبود محیط کسب و کار باید جایگزین خصوصی سازی شود. این راهبرد را جوزف استیگلیتز برنده نوبل اقتصاد،"رشد بخش خصوصی از پایین" و ژانوس کورنای، اقتصاددان مشهور دانشگاه هاروارد، "رشد طبیعی بخش خصوصی" نامیدند.

تجربه جهانی از نظر عملی و نظری نشان می‌دهد رشد بخش خصوصی با بهره‌گیری از یکی از دو رویکرد یا بهره‌گیری همزمان از هر دو رویکرد امکانپذیر است. واگذاری دارایی‌ها و شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی که در ادبیات اقتصادی به خصوصی‌سازی مشهور است ورویکرد دوم، رفع موانع بخش خصوصی یا بهبود محیط کسب و کار است. هرچند به لحاظ نظری جمع این دو راهبرد ممکن است اما معمولا کشورهایی که به دنبال خصوصی‌سازی بودند، از رفع موانع بخش خصوصی و بهبود محیط کسب و کار غافل ماندند و کشورهایی که راهبرد بهبود محیط کسب و کار را انتخاب کردند، در پی خصوصی‌سازی نبودند.(R.Griffith– ۲۰۰۵)

با این وصف می‌توان گفت که چه با راهبرد خصوصی‌سازی و چه با راهبرد بهبود محیط کسب و کار، هدف اصلی این دو راهبرد، ایجاد و گسترش بخش خصوصی کارآمد (بنگاه‌های اقتصادی) است. اما چرا بخش خصوصی باید رشد کند؟ در واقع بیشتر نظریه‌پردازان اقتصادی، توسعه بخش خصوصی را به عنوان راهبرد توسعه اقتصادی و افزایش رفاه (کاهش فقر) مورد تاکید قرارداده‌اند. اما اگر رشد بخش خصوصی برای توسعه اقتصادی ضروری است، مهم‌ترین الزام دستیابی به چنین رشد و دستیابی به توسعه مطلوب فراهم نمودن فضای کسب و کار مناسب است.

در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید(رشد اقتصادی) حاصل خواهد شد اما در کنار آن، نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد، نگرش‌ها تغییر خواهد کرد، توان بهره‌برداری از منابع موجود به صورت مستمر و پویا افزایش یافته، و هر روز نوآوری جدیدی انجام خواهد شد. بعلاوه می‌توان گفت ترکیب تولید و سهم نسبی نهاده‌ها نیز در فرآیند تولید تغییر می‌کند. توسعه امری فراگیر در جامعه است و نمی‌تواند تنها در یک بخش از آن اتفاق بیفتد. توسعه، حد و مرز و سقف مشخصی ندارد بلکه بدلیل وابستگی آن به انسان، پدیده‌ای کیفی است (برخلاف رشد اقتصادی که کاملاً کمی است) که هیچ محدودیتی ندارد. بهبود فضای کسب و کار به عنوان پیش‌نیاز آغاز فرآیند توسعه و در ادامه تقویت کننده مسیر طی شده در روند نیل به توسعه ضرورت اجتناب ناپذیر است.

هر چند پس از قرن هجدهم و با رشد سریع صنایع در غرب، اولین اندیشه‌های اقتصادی ظهور نمود اما کشورهای مختلف بر اساس وضعیت اقلیمی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود و با اتکا به مطالعات

انجام شده در مورد رویکردها و دلایل توسعه و با استفاده از نظریات و مکاتب اقتصادی راهبردهای مختلفی را به منظور توسعه اقتصادی به کار گرفتند؛ توجه به محیط اقتصادی و عواملی که موجب بهبود شرایط محیطی برای فعالیت‌های اقتصادی می‌شوند در همه این راهبردها مشاهده می‌شود. شاخص‌هایی که امروزه در مباحث مربوط به فضای کسب و کار برآنها تکیه و تأکید می‌شود، در تمامی این مطالعات به گونه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته‌اند.

نکته مهم آن است که در یک اقتصاد توسعه یافته و مبتنی بر بازارهای رقابتی بخش خصوصی به عنوان محور توسعه در نظر گرفته می‌شود و نقش "بخش پویا" را در اقتصاد به خود می‌گیرد و مسؤول ایجاد ارتباط بین بخش‌های عقب‌مانده و پیشرفته اقتصاد با دیگر بخش‌های اقتصاد می‌شود. در چنین اقتصادی تصدی‌گری دولت به حداقل کاهش می‌یابد، و در شرایط آرمانی، دولت مسئول سیاستگذاری و نظارت برای فراهم‌آوردن محیط اقتصادی باثباتی می‌شود که بخش خصوصی بتواند در آن رشد کند. دولت با استفاده از سیاست‌های تثبیتی می‌کوشد نوسانات اقتصادی را تا آنجا که مقدور است کاهش دهد، و بدین‌وسیله، بخش خصوصی را در انجام پیش‌بینی‌های قابل‌اتکا و اجرای برنامه‌ریزی‌های دقیق یاری رساند. اساساً روح این استراتژی غیرمداخله‌گرانه دولت بر مبنای شرایط مطلوب محیط کسب و کار است و بر نوآوری و کارآفرینی برای پیشبرد اقتصاد استوار است.(A.Musacchio– ۲۰۰۶)

لازم به ذکر است که رشد و پیشرفت در مسیر توسعه اقتصادی نه تنها سطح درآمد را ارتقا می‌دهد بلکه باید بتواند سطح پس‌اندازها و احتمالاً میزان پس‌اندازها را نیز افزایش دهد. این امر به نوبه خود، نرخ سریع‌تر انباشت سرمایه و در نتیجه رشد سریع‌تر را امکان‌پذیر می‌نماید. در چنین حالتی مرزهای کشور نه تنها بر روی تجارت خارجی باز است بلکه بر روی حرکت‌ها و جابجایی‌های عوامل تولید (یعنی سرمایه و کار) نیز باز است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، وام‌های تجاری توسط بانک‌های خارجی و کمک‌های خارجی همگی دارای نقش تعیین‌کننده‌ای هستند. نه صرفاً انتقال بین‌المللی سرمایه، بلکه انتقال دانش، فناوری و مهارت‌های مدیریتی به کشورهای مقصد نیز به عنوان افزایش بهره‌وری تلقی می‌شود، چون از این طریق می‌توان به افزایش سطح تولید و رشد سریع‌تر درآمدها دست یافت. مهاجرت نیروی کار غیرماهر به عنوان کمکی درجهت کاهش بیکاری (نه مهاجرت نیروی کار متخصص و ماهر، یعنی فرار مغزها) دارای تاثیر مثبت در افزایش درآمد نیروهای موجود است. بعلاوه وجود یک نرخ مبادله ارز متعادل (یا به طور کلی‌تر نبود سیاست‌های حمایتی در مقابل صادرات) باعث تضمین هرچه بیشتر جذب منابع خارجی به بخش‌های مولد و بارور خواهد شد.(Haefke,Ebell– ۲۰۰۳)

آنچه امروزه تحت عنوان "فضای کسب و کار" مطرح می‌شود و با تکیه بر شاخص‌های متفاوت و متنوع آن، زمینه‌ها و موقعیت شکل‌گیری و گسترش فعالیت‌های اقتصادی را مورد بررسی قرار می‌دهد، همواره مورد توجه صاحب‌نظران و تحلیل‌گران بوده است. تاکید کلیه استراتژی‌های توسعه بر لزوم ایجاد و گسترش فعالیت‌های اقتصادی، بالا بردن سطح اشتغال و تلاش برای دستیابی به رونق اقتصادی در سطوح خرد و کلان، همان مفهومی را دنبال می‌کرده‌است که امروزه ذیل عنوان "فضای کسب و کار" از آن یاد می‌شود.

۲.۲.۲.۱- جایگاه رشد بخش خصوصی و بهبود کسب و کار در توسعه اقتصادی

همانطور که پیشتر توضیح داده شد، کارگزاران فعالیت‌های اقتصادی در جامعه در تعامل و تبادل دائمی هستند و در این تعامل مسئولیت تولید کالاها و خدمات (ایجاد ثروت و سرمایه)، بر دوش بنگاه‌های اقتصادی (بخش خصوصی) است. و نیز همانطور که در مکاتب اقتصادی و استراتژی‌های مختلف توسعه اقتصادی قابل مشاهده است، توجه به علل و عوامل افزایش و رونق تولید و فعالیت‌های اقتصادی و رشد بنگاه‌های اقتصادی(بخش خصوصی) به طرق مختلفی مستقیما و تلویحا مورد توجه قرار گرفته است. البته بدیهی است که ممکن است برخی از این نظریه‌ها عوامل داخلی بنگاه‌ها را نیز مد نظر قرار داده باشند.

به عنوان مثال در نظریه آدام اسمیت "سیستم مبتنی بر بازارِ سرمایه‌داریِ رقابتی" که به عنوان اولین نظریات مدون و تئوریزه شدن در خصوص پیشرفت و دستیابی به تعادل اقتصادی است، منافع همه طرف‌ها (بنگاه‌ها و خانوار) تامین می‌شود. اسمیت سرمایه‌داری را یک نظام بهره‌ور با توانی بالقوه برای افزایش رفاه انسان می‌دید. او روی اهمیت تقسیم کار (تخصصی‌شدن مشاغل)، که یک موضوع داخلی بنگاه‌ها است و می‌تواند تحت تاثیر عوامل محیطی کسب و کار تسهیل و تسریع شود، و قانون انباشت سرمایه که یک عامل محیطی است، به عنوان عوامل اولیه کمک‌کننده به پیشرفت اقتصادی سرمایه‌داری (و یا به تعبیر او "ثروت ملل") تاکید می‌کرد. او اعتقاد داشت "تقسیم کار" باعث افزایش مهارت‌ها و بهره‌وری افراد می‌شود و باعث می‌شود تا افراد (در مجموع) بیشتر بتوانند تولید کنند و سپس آنان را مبادله کنند. باید بازارها توسعه یابند تا افراد بتوانند مازاد تولید خود را بفروشند (که این نیازمند توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل، به‌عنوان یک عامل محیطی کسب و کار، است). بعلاوه از نظر او رشد اقتصادی تا زمانی ادامه خواهد داشت که سرمایه انباشته گردد و پیشرفت فناوری را موجب گردد که در این میان، وجود رقابت و تجارت آزاد، این فرآیند را تشدید می‌نماید. آدام اسمیت اولویت‌های سرمایه‌گذاری را در کشاورزی،

صنعت و تجارت می‌دانست، چون او معتقد بود به دلیل نیاز فزاینده‌ای که برای مواد غذایی وجود دارد کمبود آن (و تاثیرش بر دستمزدها به عنوان یک عامل محیطی) می‌تواند مانع توسعه شود.

به دلیل پرهیز از اطاله مطلب به توضیح جایگاه رشد بخش خصوصی و بهبود محیط کسب و کار در همین نظریه به عنوان نمونه اکتفا کرده ونظریات دیگر که نشان دهنده تمرکز اقتصاددانان بر محیط کسب و کار به عنوان مشوق یا مانع توسعه اقتصادی‌است مورد بررسی قرار نگرفته است.

هرناندو دسوتو در تلاش برای یافتن پاسخ این سؤال که چرا سرمایه‌داری در کشورهای غربی (توسعه یافته) موفق است و در سایر نقاط جهان شکست می‌خورد؟ پس از انجام تحقیقات فراوان کتاب "راز سرمایه" را تالیف کرد. وی هدف خود را از انتشار این کتاب چنین بیان می‌کند:

هدف من این است که نشان دهم مانع مهمی که بقیهٔ جهان را از استفاده از نظام سرمایه‌داری باز می‌دارد، عدم توانایی آنها در تولید سرمایه است. سرمایه عاملی است که بهره‌وری نیروی کار را افزایش می‌دهد و ثروت ملل را خلق می‌کند. سرمایه، نیروی حیات بخش نظام سرمایه‌داری، مایهٔ پیشرفت و تنها نیرویی است که گویا کشورهای فقیر جهان نمی‌توانند خودشان به تنهایی تولید کنند؛ صرف نظر از این که مردم این کشورها چقدر مشتاقانه مشغول تمامی فعالیت‌های دیگری هستند که وجه مشخصهٔ اقتصاد سرمایه‌داری است. ... اکثریت مردم کشورهای فقیر پیشاپیش دارایی‌های لازم را برای فراهم کردن موجبات سرمایه‌داری در تملک دارند؛ حتی در فقیرترین کشورها فقرا پس‌انداز می‌کنند ... اما مردم کشورهای فقیر این منابع را به شکل معیوب نگهداری می‌کنند. خانه‌ها روی زمین‌هایی ساخته می‌شوند که حقوق مالکیت انها به طور مناسب ثبت نشده است. کسب و کارها غیرشرکتی و مسئولیت‌ها تعریف نشده هستند؛ و صنایع در مکان‌هایی به دور از دید سرمایه‌دارن و سرمایه‌گذاران مستقر شده‌اند. از آنجا که حقوق اینگونه دارائی‌ها به طور مناسب ثبت نمی‌شوند این دارائی‌ها فورا قابل تبدیل به سرمایه نیستند و در خارج از محیط‌های محدود محلی که مردم یکدیگر را نمی‌شناسند و به هم اطمینان ندارند. قابل مبادله نبوده، به عنوان وثیقه برای وام گرفتن قابل استفاده نیستند و همچنین به عنوان سهم در برابر سرمایه‌گذاری به کار گرفته نمی‌شوند. (دسوتو؛ ۱۳۸۵)

قابل ملاحظه است که دسوتو به منظور بررسی موانع توسعه اقتصادی عوامل محیطی بنگاه‌های اقتصادی را مورد مطالعه قرار داده تا موانع رشد بخش خصوصی را کشف کند. وی با نقد رویکردهایی که

علل اصلی فرایندهای توسعه و موفقیت کشورهای غربی را ارائه می‌کنند، انگیزه خود را از این تحقیق اینگونه بیان می‌کند:

شهرهای جهان سوم و کشورهای کمونیستی سابق، مملو از کارافرینان است. شما نمی‌توانید در یک بازار خاور میانه قدم بزنید، به گردش بیرون از شهر در یک روستای آمریکای لاتین بروید یا سوار تاکسی در مسکو بشوید و کسی نخواهد معامله‌ای با شما انجام بدهد. ساکنان این کشورها دارای استعداد، اشتیاق و توانایی چشمگیر برای کسب سود در حقیقت از هیچ هستند. آنها می‌توانند فناوری مدرن را به‌دست آورده و از آن استفاده کنند. اگر چنین نبود، شرکت‌های امریکایی برای جلوگیری از استفاده غیر مجاز از حقوق مالکیت خود در خارج تلاش نمی‌کردند.

اما اگر مردم کشورهایی که در حال گذار به نظام سرمایه‌داری هستند، گدایان قابل ترحمی نباشند، ناامیدانه در راه‌های بی‌فایده گرفتار نشده باشند و زندانی بی تقصیر فرهنگ‌های غیر کارامد نباشند، پس چه عاملی موجب می‌شود تا سرمایه‌داری همان ثروتی را که تحویل غرب داده است، به این کشورها تحویل ندهد. چرا سرمایه‌داری تنها در غرب موفق می شود انگار که در یک حباب بلورین محصور است.(دسوتو، ۱۳۸۵)

نکته دیگر این است که دسوتو در متن فوق کارآفرینان و روحیه کارآفرینی را برای ایجاد رونق فعالیت‌های اقتصادی و رشد بخش خصوصی توسعه اقتصادی کافی نمی‌داند این مطلب نشان می‌دهد که تاریخچه نظریات اقتصادی که متغیرهای اقتصاد کلان (عوامل تولید و انباشت سرمایه)، کسب و کار و کارآفرینی را مد نظر قرار داده است نتوانسته از نظر دسوتو راهکارهای کافی برای رشد اقتصادی را به ارمغان آورد. وی اولویت مطالعه و تحقیق خود را با بی‌اعتنایی به عوامل فرهنگی و شخصیتی و مسائل درونی بنگاه‌ها مانند کارآفرینی سازمانی به مشکلات محیطی کسب و کار معطوف کرده است.

۳.۲- تاریخچه فضای کسب و کار

مکاتب و گرایش‌های مختلف اقتصادی همواره به دنبال یافتن عامل اصلی ایجاد و توزیع ثروت و به عبارت دیگر عامل ایجاد ارزش اقتصادی در جامعه بوده اند. دربخش پیش دیدیم که دسوتو نیز در تلاش برای یافتن راهکار توسعه اقتصادی و مبارزه با فقر بر دلایل ناتوانی کشورهای فقیر در کسب و تولید سرمایه تمرکز می‌کند و در این کنکاش تحقیقات فراوانی را در انواع کشورها انجام می‌دهد و در نهایت موضوع مالکیت و قوانین محیطی را مانعی اصلی و مهم در تولید و انباشت سرمایه تشخیص می‌دهد. پس

به نظر می‌رسد که در یافتن تاریخچه و ریشه شکل‌گیری مفهوم محیط کسب و کار و طرح راهکار بهبود کسب و کار دو روند باید بررسی شوند:

اول) نظریات و مکاتبی که نحوه رشد تولید و افزایش سرمایه را بررسی کردند و به عوامل محیطی بنگاه‌ها نزدیک شدند.

دوم) نظریات و مکاتبی که به ساماندهی موانع محیطی رونق فعالیت‌های اقتصادی بنگاه‌ها پرداختند و راهکار بهبود محیط کسب و کار را سامان دادند.

مکتب سنتی آلمان- اتریش ۱۹۳۳ تا ۱۹۵۵ با تلاش‌های دو اقتصاددان بنام تانن و شومپیتر برجسته شد و شکل گرفت. شومپیتر در خصوص وجود بازارهای کامل با نئوکلاسیک‌ها اختلاف نظر داشت و با تاکید بر عدم وجود چنین بازارهایی تلویحا وارد موانع محیطی بنگاه‌ها شد. وی نقش کارآفرینان را در شکستن وضعیت‌های انحصاری برجسته کرد و بر اهمیت نوآوری‌ها در توسعه اقتصادی تاکید کرد. شومپیتر نقش اساسی پول در موقعیت‌های تعادل عمومی یا رشد متوازن را رد کرد و صرفا به واسطه مبادله تاکید داشت. در چنین شرایطی نوآوران (کارآفرینان) به دلیل نیازشان به اعتبار برای تامین بودجه فعالیت‌هایشان و توسعه اقدامات تجاریشان به سیستم بانکی نیاز دارند. وی با کاهش توجه به پس‌اندازها و توجه به اعتبارات و تامین مالی نمودهای حساس فرایند توسعه در توضیح سود، پول، اعتبار و نرخ بهره و چرخه بازرگانی را مد نظر قرار داد. تأملی در آراء و اندیشه‌های صاحب‌نظران اقتصادی خصوصا نظرات مطرح شده در دهه‌های میانی قرن بیستم بیانگر آن است که مفاهیم و تأملات مربوط به فضای کسب و کار در هر دو نگرش مشهود می‌باشد.

شاید بتوان گفت که نهادیون (از ۱۹۳۷ تا ۱۹۷۵ میلادی) اولین مکتبی هستند که به مسائل یک بنگاه در کسب و کار خود پرداختند و از دیدگاه سازمانی و نهادی به بررسی محیط‌های فعالیت اقتصادی نگریستند.

نهادیون معتقد بودند که اقتصاد باید به عنوان یک سازمان یا مجموعه کامل و واحد، که تمامی اجزای آن با یکدیگر ارتباط دارند، مورد بررسی قرار گیرد. در این مکتب نقش موسسات و نهادها در زندگی اقتصادی مورد تاکید قرار می‌گیرد. "نهاد" تنها یک موسسه برای انجام اهدافی نظیر تعلیم، هماهنگی، ارائه خدمات اقتصادی، یا یک اتحادیه نیست، بلکه الگویی متشکل از رفتار جمعی یا گروهی است که به عنوان جزء و بخش اساسی فرهنگ پذیرفته می‌شود. در این مکتب، رفتارهای فردی بیش از فردگرایی مطلق مورد توجه قرار می‌گیرد. (تفضلی،۱۳۸۵)

دیدگاه‌های فوق تا حدودی بیان می‌دارد که مباحث و شاخص‌هایی که امروزه برای بخش فضای کسب و کار در ادبیات اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. در گذشته نیز تحت عناوین دیگری مورد توجه و تجزیه و تحلیل بوده‌اند.

سایت پروژه بررسی فضای کسب و کار مطلبی را تحت عنوان منابع و مراجع تحقیقات در حوزه کسب و کار ارائه نموده است. سایت مذکور تعداد ۶۷۶ عنوان مقاله علمی و گزارش تحقیقاتی را بر اساس شاخص‌های ده‌گانه پروژه بررسی فضای کسب و کار و به پشتوانه مقاله‌های مبنایی این ده موضوع، دسته‌بندی نموده است.

سایت مذکور برآورد می‌کند که مقالات مرتبط با شاخص‌هایی که اخیرا به شاخص‌های سنجش محیط کسب و کار اضافه شده‌اند افزایش خواهند یافت. طبق ادعای این سایت بیشترین تعداد مدارک علمی مرتبط با این موضوعات از مقاله مبنایی راه‌اندازی کسب و کار بهره برده‌اند، که حدود ۳۵٪ مقالات و گزارشات را شامل می‌شوند. پس از ان مقالات مرتبط با انعقاد قراردادها با ۱۹٪ درصد و سپس مقالات مرتبط با موضوع استخدام کارگران تقریبا ۱۷٪ بیشترین فراوانی را داشته‌اند.

۲.۴- رتبه‌بندی‌های فضای کسب و کار

پروژه بررسی فضای کسب و کار (doing business) در کشورهای مختلف از سال ۲۰۰۴ در دستور کار بانک جهانی قرارگرفته است. این طرح که توسط IFC- بازوی توسعه‌ی بخش خصوصی بانک جهانی- راهبری می‌شود، قوانین و مقررات کشورها را با هدف یافتن گلوگاه‌ها، محدودیت‌ها و موانع فعالیت بهینه بخش خصوصی واکاوی کرده و بر اساس شاخص‌هایی که تدوین نموده، اقتصاد کشورها را رتبه‌بندی می‌کند. به عبارت دیگر هدف اصلی و اولیه در این بررسی، تعیین میزان سادگی کسب و کار بدون توجه به عوامل تاثیرگذار خارجی است. به این ترتیب تفاوت جدی این پروژه در مقایسه با نتایج حاصل از بررسی‌های مؤسسات رتبه‌سنجی در ماهیت غیرسیاسی آن است.

در حال حاضر این رتبه بندی به تدریج به شاخصی معتبر برای سنجش اقتصاد کشورها تبدیل شده و با توجه به میزان روزافزون استقبال کشورهای مختلف و همچنین سرمایه گذاران از نتایج گزارشهای سالانه ،میزان انتشار آن در رسانه های بین المللی روندی صعودی را طی می کند.ضمن آنکه انتشار سالانه ی این گزارش در تغییر محل سرمایه گذاری و یا استمرار حضور سرمایه گذاران در یک اقتصاد مؤثر بوده است.

همانطور که گفته شد در این طرح "فضای عمومی کسب و کار" ارزیابی می شود و هدف نهایی آن نمایش چهره‌ی هر اقتصاد در تعامل با فعالان اقتصادی به ویژه بخش خصوصی است.

سرفصل‌های کلی این بررسی، که تحت عنوان شاخص‌های سنجش فضای کسب و کار از آن نام برده می‌شود، بیانگر آن است که در یک جامعه، فعالان اقتصادی برای آغاز و گسترش فعالیت‌های اقتصادی خود چه عواملی را مورد توجه قرار می‌دهند؛ این شاخص‌ها عبارتند از:

- شروع کسب و کار(اجزاء: تعداد مراحل، مدت زمان، هزینه و حداقل سرمایه)
- اخذ مجوزها به عنوان نمونه ساخت یک انبار تجاری با استاندارد معین (اجزاء: تعداد مراحل، مدت زمان و هزینه)
- استخدام و اخراج کارمندان یا کارگران (اجزاء: شاخص دشواری استخدام، شاخص انعطاف‌ناپذیری ساعت کار، شاخص دشواری اخراج، شاخص دشواری استخدام (مورد سوم میانگین سه شاخص اول است)، هزینه استخدام و هزینه اخراج)
- چگونگی ثبت اموال شرکت (اجزاء: تعداد مراحل، مدت زمان و هزینه)
- نحوه و روند اخذ اعتبارات (اجزاء: شاخص قدرت حقوق قانونی، شاخص دقت اعتبارات اعتباری، میزان پوشش اطلاعات مالی افراد– حقیقی و حقوقی – توسط بخش خصوصی)
- میزان حمایت قضایی از سرمایه گذاران – با تأکید بر حفظ حقوق سهامداران جزء (اجزاء: شاخص میزان علنی بودن مبادلات مالی، شاخص میزان پاسخگویی مدیر، شاخص سهولت شکایت از طرف سهامدار و شاخص توان حمایت از سرمایه‌گذار)
- نحوه و میزان پرداخت مالیات (اجزاء: دفعات پرداخت، زمان (تعداد ساعت در سال)،کل مالیات قابل پرداخت بر حسب درصد از سود خالص)
- فرآیندهای تجارت فرامرزی (اجزاء: تعداد اسناد برای صادرات، تعداد امضاء برای صادرات، تعداد روز برای صادرات، تعداد اسناد برای واردات، تعداد امضاء برای واردات، تعداد روز برای واردات)

- لازم‌الاجرا شدن قرارداد یا کارایی دادگاه در حل و فصل اختلافات تجاری (اجزاء: تعداد مراحل، تعداد روز، هزینه بر حسب درصدی از بدهی)
- نحوه تعطیل کردن کسب و کار با تأکید برقوانین ورشکستگی (اجزاء: تعداد روز، هزینه بر حسب درصدی از دارایی، نرخ بازپس‌گیری اعتبارات اعطاشده بر حسب سنت بر دلار)

رویکرد بانک جهانی این است که اصلاحاتی که کشورهای مختلف انجام داده‌اند را به کشورهای دیگر معرفی کند. اگر کشوری (مانند تونس) از نظر اصلاح سیستم قضایی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته است، تجربه‌اش را ارائه می‌دهد تا دیگر کشورها از ان الگو بگیرند؛ یا از نظر ثبت اسناد، اگر کشوری (مثل عربستان) عملکرد مطلوبتری داشته است، در گزارش‌ها اشاره می‌شود که اصلاحاتش چگونه انجام شده است.

علاوه بر مؤسسه بانک جهانی که کشورها را از نظر وضعیت فضای کسب کار رتبه بندی کرده، مجمع جهانی اقتصاد هم موانع کسب و کار را اندازه گیری می‌کند. این مؤسسات بیشتر مشاورین سرمایه‌گذاری هستند. این مشاوران به سرمایه‌گذاران اطلاع می‌دهند که درسرمایه‌گذاری در زمینه صنعت یا کسب و کار خاصی(برای مثال نفت) در کشور مشخصی چه خطراتی (موانع سیاسی در کشور، بی ثباتی قوانین و...) وجود دارد.

۲.۵- روش‌های ارزیابی محیط کسب و کار

برای سنجش محیط کسب و کار و ارزیابی موانع رشد بخش خصوصی در کشورهای مختلف که توسط بانک جهانی با همکاری سازمان ها و نهادهای رسمی هر کشور صورت می‌پذیرد دو روش اصلی وجود دارد:

- نظرسنجی و پرسش از صاحبان کسب و کار
- اندازه گیری هزینه های اداری و زمان سنجی مراحل انجام کار

در روش نخست از دست اندر کاران بخش خصوصی خواسته می شود موانع کسب و کار در حوزه ی فعالیت خود را بیان و رتبه بندی کنند.علاوه بر توزیع پرسشنامه میان صاحبان کسب و کار معمولا به کمک جمع آوری اطلاعات کمی، شاخصی برای موانع کسب و کار ساخته می شود.

مجمع جهانی اقتصاد[۸] از جمله مراکزی است که موانع کسب و کار را با استفاده از این روش اندازه‌گیری می‌کند.

در این روش برای تشخیص میزان مناسب بودن محیط کسب و کار و بررسی وضعیت عمومی کشور برای تشویق و اطمینان بخشی به سرمایه‌گذاران، معیارها و سازوکارهای حاکم بر موارد زیر مورد توجه قرار می‌گیرد:

- درجه باز بودن و شفافیت اقتصادی
- کارآیی سیاستها و ساختار دولتی
- بازارهای پولی و مالی
- زیرساخت‌ها و فن‌آوری
- انعطاف ناپذیری نیروی کار
- نهادهای سیاسی و اقتصادی

برای اندازه‌گیری هریک از معیارهای فوق سؤالات لازم در پرسشنامه طرح و پس از شناسایی جامعه یا نمونه آماری مورد نظر اطلاعات مربوط به هر یک از موارد پرسیده شده جمع‌آوری، طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل می‌گردد. در روش مجمع جهانی اقتصاد به سوالهای پرسشنامه، وزن یک چهارم و به متغیرهای کمی، وزن سه چهارم داده می شود و سپس رتبه ی هر کشور در میان کشورهای مورد بررسی مشخص می شود.این روش تنها تصویری کلی از فضای کسب و کار ارایه می دهد که در تصمیم‌گیری فعالان اقتصادی نقش مؤثری دارد. بر اساس این تصویر راهکاری مشخص برای بهبود محیط کسب و کار متناسب با شرایط عمومی کشور قابل استنتاج و استفاده می‌باشد.

---

[۸] World Economic Forum - www.weforum.org

بانک جهانی همچنین برای شناخت موانع رشد بخش خصوصی در کشورهای مختلف از روش دوم نیز استفاده می کند.این مرکز سالانه موانع کسب و کار در کشورهای مختلف را مقایسه می کند و با استفاده از تجارب کشورها راهکارهایی برای بهبود محیط کسب و کار ارایه می دهد.

همانگونه که ذکر شد بانک جهانی امور مربوط به کسب و کار را به ده مورد تقسیم می کند و مبنای اندازه گیری و مقایسه محیط کسب و کار هر کشور با سایر کشورها، سهولت اجرای ده مورد مذکور است. رتبه ی هر کشور بر حسب زمان، هزینه و مراحل انجام دادن هر یک از فعالیتهای دهگانه مشخص می شود. هر قدر سرعت انجام دادن یک فعالیت بیشتر و تعداد مراحل اداری و هزینه های آن کمتر باشد، محیط کسب و کار آن کشور مناسب تر و رتبه‌ی آن در مقایسه با سایر کشورها بهتر است. البته باید به این نکته نیز توجه شود که به روش بانک جهانی در سنجش و بهبود محیط کسب و کار انتقاداتی وارد است، زیرا در این روش‌ها بسیاری از عوامل مؤثر دیگر خصوصا شرایط بین المللی و نحوه تعامل کشور با سایر کشورها توجه نشده است در نتیجه روش بانک جهانی یکی از نازلترین موانع کسب و کار را مشخص می سازد که تنها به شاخص‌های دهگانه که به عنوان متغیرهای درونزا قابل ذکر هستند می‌پردازد و موانعی مانند بی ثباتی در قوانین و مقررات، ناامنی های سیاسی و اجتماعی، گستردگی فساد در نظام اداری که متغیرهای برونزا در بررسی فضای کسب و کار هستند نمی‌پردازد.

انتقاد دیگر یکسان انگاری مراحل قانونی با مراحل واقعی است. مبنای محاسبه در روش بانک جهانی مصوبات قانونی است اما واقعیت موجود بیانگر آن است که به دلیل بسیاری از محدودیت‌ها یا ساز و کارهای واقعی حاکم بر روابط و مناسبات اقتصادی آنچه در عمل رخ می دهد با قانون مکتوب انطباق کامل ندارد و در محاسبه شاخص‌های فضای کسب و کار لحاظ نمی‌شود.

علاوه بر انتقادات فوق اندک بودن مراحل اداری و سرعت بیشتردر طی کردن فرآیندها لزوما پدیده ی مطلوبی نیست.در روش بانک جهانی آنچنان بر اندک بودن مراحل اداری و محدود شدن فرآیندها تاکید می شود که مسایلی از قبیل منافع مصرف کنندگان و تولیدکنندگان و هماهنگی با منافع سایر ذینفعان فراموش شده است.

۲.۶- تاثیر ارزیابی‌های کسب و کار در بهبود محیط کسب و کار

بنابر آنچه گذشت می‌توان اذعان داشت که بخش قابل توجهی از مقتضیات رشد اقتصادی هر کشور در گرو فضای کسب و کار مناسب در آن کشور است. بانک جهانی بر پایه اندیشه‌های دسوتو از اواخر دهه ۱۹۹۰ به تحلیل محیط کسب و کار در کشورهای مختلف پرداخت. گزارش بانک جهانی موانع کسب و

کار را در دو گروه رفتار دولت یا کیفیت بازار بررسی می‌کرد. این نهاد به‌منظور بررسی سهولت کسب و کار، کشورهای مختلف را به صورت مقایسه‌ای بررسی می‌کند و با استفاده از تجارب کشورها، راهکارهایی برای بهبود محیط کسب و کار ارائه می‌دهد. علیرغم تلاش‌های انجام شده اولین گزارش در سال ۲۰۰۳ ارایه گردیدو پس از آن با رفع برخی نواقص و محدودیت‌ها به صورت سالانه در بانک جهانی تدوین و منتشر می‌شود.

این گزارش‌ها ابتدا در برگیرنده پنج شاخص بود ولی به مرور به۱۰ شاخص ذکر شده در سال ۲۰۱۰ افزایش یافت که بیشتر بر محیط قانونی کسب و کار تاکید دارد. بر اساس این ارزیابی‌ها نوعی همگرایی و تلاش برای رفع موانع محیط کسب و کار و رشد رتبه کشورها در شاخص‌های مورد ارزیابی به وجود آمد که تاثیرات قابل ملاحظه‌ای در رشد اقتصادی کشورها ایجاد نموده است.

شروع و تداوم و گسترش سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی ضرورت اجتناب‌ناپذیر ایجاد اشتغال، افزایش درآمد برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی است اما در جوامع مختلف انجام این مهم با موانع و مشکلاتی روبرو می باشد، بطوریکه حتی در بهترین شرایط، شروع یک کسب و کار، عملی مخاطره آمیز است. دولت‌ها باید چنین جسارت و شهامتی را تشویق کنند و با بهره‌گیری از حداکثر توان خود زمینه لازم را برای این فعالیت‌ها فراهم نمایند. البته بسیاری از کشورها این کار را می‌کنند. براساس گزارش بانک جهانی در گزارش مربوط به سال ۲۰۰۴ میلادی، ۹۹کشور (دو سوم کشورهای موجود در نمونه ایجاد کسب و کار) توانسته‌اند ۱۸۵ سیاست اصلاحی را اجرا نمایند تا کسب و کار را آسان‌تر سازند. آنها برخی جنبه های مقررات کسب و کار را ساده سازی کردند، حقوق مالکیت را تقویت نمودند، هزینه‌های صادرات و واردات را کاهش دادند، بار مالیاتی را سبک کرده و دسترسی به اعتبارات را راحت‌تر ساختند تا با کمک این تمهیدات، فعالان اقتصادی برای شروع فعالیت خویش توانایی و اعتماد لازم را کسب نمایند.

در سال ۲۰۰۴ صربستان و مونته‌نگرو پیشتاز انجام انواع اصلاحاتی بود که موجب رشد بنگاه‌ها و مشاغل می‌شود بطوریکه در ۸ حوزه از ۱۰ حوزه مورد بررسی، از پیشرفت‌هایی برخوردار بوده است. به عنوان نمونه و مثال توانسته‌اند مقدار سرمایه مورد نیاز برای شروع کسب و کار جدید از ۵۰۰۰ یورو را به ۵۰۰ یورو کاهش دهند. مدت زمان لازم برای شروع کسب و کار جدید از ۵۱ روز به ۱۵ روز کاهش یابد. قانون کار جدید، استخدام کارگران را آسان‌تر ساخته و به بنگاه‌ها اجازه می‌دهد هنگامی که به طور موقتی

به نیروی کار نیاز دارند به جای اینکه مجبور به استخدام با شرایط قرارداد نامحدود باشند، قراردادهای مدت‌دار موقت امضاء کنند. زمان حل اختلاف تجاری از ۱۰۲۸ روز به ۶۳۵ روز کاهش یافت زیرا در قانون جدید رویه‌های مدنی مورد توجه قرار گرفته و تصویب شده‌اند. مالیات بر حقوق و فروش حذف گردید و مالیات بر ارزش افزوده که جمع‌آوری آن آسان‌تر است، جایگزین گردید. با توجه به این اقدامات تعداد بنگاه‌های رسمی ثبت شده در سال ۲۰۰۴ به میزان ۴۲ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافت.

انجام چنین اقداماتی در یک کشور در حال توسعه به روشنی گویای آن است که شروع و تداوم فعالیت‌های اقتصادی علاوه بر عزم و اراده صاحبان سرمایه و فعالان اقتصادی نیازمند محیط و شرایط مناسب و ساز و کارهای اطمینان بخش نیز می‌باشد.

در جدول زیر اصلاحات انجام شده در برخی کشورها که از نظر تعداد و تنوع از سایر کشورها بیشتر بوده، نشان داده شده است. اضافه می‌گردد آنچه در این گزارش بدان توجه شده است تعداد و گونه‌گونگی اصلاحات انجام شده می‌باشد هرچند انجام این اصلاحات ممکن است در بخش واقعی اقتصاد و انجام فعالیت‌های اقتصادی پیامدهای کمتر یا بیشتری به همراه داشته باشد.

کشور	تعداد اصلاحات	شروع کسب‌وکار	دریافت مجوزها	استخدام و اخراج نیروی کار	به ثبت رساندن اموال و دارایی‌ها	تهیه اعتبار	حمایت از سرمایه‌گذاران	پرداخت مالیات	تجارت خارجی	اجرای قراردادها	تعطیل کردن کسب‌وکار
صربستان و مونته‌نگرو	۸	×	×	×	×	×		×		×	×
گرجستان	۵	×	×	×	×			×			
ویتنام	۵	×			×		×			×	×
اسلواکی	۴	×		×	×	×					
آلمان	۴	×		×					×	×	
مصر	۴	×			×	×			×		
فنلاند	۴		×	×				×			×
رومانی	۴	×				×		×		×	
لتونی	۴	×			×			×		×	
پاکستان	۴	×			×		×		×		
رواندا	۳					×			×	×	
هلند	۳		×		×			×			

توجه: کشورها براساس تعداد اصلاحات انجام گرفته رتبه‌بندی شده‌اند. هنگامی که تعداد اصلاحات یکسان است، رتبه آن‌ها براساس تاثیر بیشتر اصلاحات بر شاخص انجام کسب‌وکار تعیین شده است

Source: Doing Business database

جدول ۱-۲ : کشورهایی با بیشترین اصلاحات در سال ۲۰۰۴میلادی

بررسی وضعیت شاخص‌های مربوط به فضای کسب و کار در گزارش مربوط به سال ۲۰۰۴ و میزان اصلاحات انجام شده در کشورهای جهان نشان می‌دهد که کشورهای اروپای شرقی به دلیل رها شدن از یک اقتصاد دولتی و قرار گرفتن در مرحله خیز اقتصادی و برقراری یک اقتصاد مبتنی بر رقابت توجه بیشتری به انجام اصلاحات نشان داده‌اند، بطوریکه بیشترین اصلاحات در سال ۲۰۰۴ میلادی در اروپای شرقی و آسیای مرکزی اتفاق افتاد.در این کشورها حداقل یک گام جهت آسان سازی مشکلات کسب و کار برداشته شد.

البته برخی کشورها بدلیل شرایط خاص خود مجبور بوده‌اند که شاخص‌های خاصی را مورد توجه قرار دهند در نتیجه برخی از شجاعانه‌ترین اصلاحات که بر اساس گزارش بانک جهانی باعث پیشرفت در

شاخص های انجام کسب و کار شد و منشأ اثرات فراوانی در اقتصاد آن کشورها شده‌اند. این اصلاحات عبارتند از :

- ساده سازی راه اندازی کسب و کار در صربستان و مونته نگرو
- کار آمدسازی مراحل گمرکی و اسناد تجاری در مصر
- اصلاح قانون ورشکستگی در برزیل

با این حال در سال ۲۰۰۴ اصلاحات در آفریقا کندتر از مناطق دیگر جهان بود.۱۶ کشور غرب آفریقا فقط ۲ مورد از اصلاحات را انجام دادند. آفریقا پایین ترین درجه اصلاحات را در سال ۲۰۰۴ داشت. به همین منوال کشورهای کرواسی، غنا، مقدونیه، گرجستان، کلمبیا، عربستان سعودی، کنیا،چین و بلغارستان نیز اقدامات مناسبی درخصوص ساماندهی و اصلاح بازار کسب و کار انجام داده اند.اقدامات صورت گرفته در سازوکارفضا ی کسب وکار در کشور کلمبیا منجر به ا یجاد ۳۰۰ هزارفرصت شغلی جدید گردید . کشور گرجستان در سال ۲۰۰۴ دارای رتبه ۱۲۳ بود این کشور با اعمال اصلاحات در قوانین و مقررات کسب و کارتوانست در سال ۲۰۰۷ به رتبه ۱۸ ارتقا یابد.در مجموعه کشورهای MENA تنها ایران، عراق، عمان، امارات و یمن در سال مورد گزارش هیچگونه اقدام موثری برای بهبود فضای کسب و کارنداشته‌اند.

بهبود شاخص‌های فضای کسب و کار و ایجاد فعالیت‌های جدید اقتصادی علاوه بر رشد اقتصادی و افزایش تولید ملی موجب افزایش درآمد شهروندان و کاهش فقر در کشورها نیز می‌گردد.

بانک جهانی با انجام یک نظر سنجی، نظرات فقرای نقاط مختلف جهان را جویا شد. بررسی‌ها این را تأیید می کنند که اکثریت مردم با راه‌اندازی کسب و کار متعلق به خود یا یافتن کار در یک کسب و کار موجود از فقر رهایی یافته‌اند. شروع به کسب و کار، راه اصلی بیرون آمدن از فقر است. بر این اساس توجه به بهبود فضای کسب و کار از ابعاد مختلف به عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌گردد.

فصل سوم – شاخص های سنجش فضای کسب و کار

فصل سوم – شاخص های سنجش فضای کسب و کار

۳.۱- مقدمه

پروژه «Doing Business» یا «سنجش و بهبود فضای کسب و کار» از سال ۲۰۰۳ در بانک جهانی آغاز شد. این پروژه به بررسی نحوه آغاز و انجام کسب وکارهای کوچک و متوسط در هر کشور می‌پردازد و ساز و کارها و روابط و مناسبات و همچنین قوانینی را که سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی در چرخه فعالیت خود با آنها روبرو هستند از نظر مدت زمان و هزینه صرف شده و نیز سهولت و تأثیر آنها بر کسب و کار افراد ارزیابی می‌کند. گزارش‌های سالانه گروه بانک جهانی به کنکاش درخصوص ضرورت و چگونگی بهبود فضای کسب و کار و شناسایی چالش‌های موجود جهت ارتقا وضعیت فضای کسب و کار در کشورهای مختلف جهان می پردازد. در اولین گزارش Doing Business که توسط بانک جهانی در سال ۲۰۰۳ منتشر شد، برای بررسی و ارزیابی فضای کسب و کار در کشورها ۵ شاخص در ۱۳۳ کشور بررسی شده بود و پس از محاسبه و تعیین این شاخص‌ها، رتبه بندی کشورها نیز صورت گرفت. با پیوستن کشورهای دیگر و بازخورهای دریافت شده از متخصصان و محققان در سالهای بعد این شاخص‌ها افزایش یافته تا در نهایت در گزارش منتشره در سال ۲۰۱۰، تعداد ۱۰ شاخص کمّی مربوط به مقررات کسب و کار و حمایت از حقوق مالکیت در میان ۱۸۳ کشور جهان مورد مقایسه قرار گرفت.

هدف اصلی بانک جهانی از انجام این بررسی‌ها تعیین و ایجاد شاخصی استاندارد برای بررسی و بهبود فضای کسب و کار از نظر قوانین و مقررات است. لازم به ذکر است که در گزارش ۲۰۱۰ یک شاخص دیگر با عنوان" شاخص دریافت انشعاب برق " به صورت آزمایشی به مجموعه شاخص‌های ده‌گانه بررسی سهولت کسب و کار، توسط گروه Doing Business اضافه شد. اما ده شاخص پیشین همچنان محور و مبنای ارزیابی‌ها قرار گرفت. این شاخص‌ها بیانگر اصطکاک تولیدکنندگان با نهادها و حوزه‌های مختلف است که به غلط یا درست در مسیر صنعتگران و کارآفرینان قرار گرفته‌اند.

بهبود شاخص‌های مزبور علاوه بر آنکه ایجاد فرصت برای سرمایه گذاران داخلی تلقی می شود برای سرمایه‌گذاران خارجی که با اتکاء و استناد به آمارهای فضای کسب و کار قصد بررسی موقعیت و شرایط کشوری را برای سرمایه گذاری دارند ترغیب کننده خواهد بود و باعث ارتقاء رتبه بندی جهانی کشورها در محاسبات بین المللی است.

هر چند شاخص‌های معرفی شده توسط بانک جهانی در ارزیابی مترتب بر آن تا حدود زیادی می‌تواند به ارائه تصویر کلی از فضای اقتصادی کشورها بپردازد اما باید اذعان نمود که این شاخص ها بدلیل محدود بودن قادر نیستند تمامی ابعاد و موقعیت کشورها را لحاظ نموده و در نتیجه راهنمای کامل و جامعی برای سرمایه گذاران باشند. عدم توجه به شاخص‌هایی مانند کیفیت خدمات زیربنایی و زیرساخت‌های موجود در اقتصاد کشورها، موقعیت جغرافیایی و اقلیمی کشورها و نحوه تعامل با سایر کشورها و همچنین نظام‌های سیاسی حاکم بر کشورها که موجب شکل‌گیری انواع نظام‌های اقتصادی کشورها می‌گردد و میزان رقابت‌پذیری و شفافیت موجود در نحوه فعالیت‌های اقتصادی کشورها از عوامل و متغیرهای محلی هستند که در محاسبات کنونی بانک جهانی مورد توجه قرار نگرفته‌اند.

۳.۲- روند شکل‌گیری شاخص‌های فضای کسب و کار

بسیاری از مواقع ، بر خلاف گفتهٔ معروف که « یک اندازه (الگو) برای همه مناسب نیست» برخی شاخص‌ها و الگوها که در سنجش و ارزیابی موقعیت کشورهای توسعه یافته خوب عمل می کند، می تواند در ارزیابی کشورهای در حال توسعه نیز کارآمد و قابل پذیرش باشد. از نظر محاسبات و ارزیابی‌های بانک جهانی برخی شاخص‌ها مانند مقررات ورود به عرصهٔ کسب وکار، کاهش تعداد دستورالعمل‌ها تا حد دستور العمل‌های واقعاً ضروری، ثبت آمارها وثبت مالیاتی و قواعد تأمین اجتماعی واستفاده از جدیدترین فن آوری ها برای الکترونیکی کردن فرآیند ثبت، نه تنها در کانادا و سنگاپور، لتونی و مکزیک، بلکه در هندوراس، ویتنام، مولداوی وپاکستان نیز بسیار مؤثر بوده‌اند به همین ترتیب، طراحی وایجاد دفاتر ثبت اطلاعات اعتباری موجب مردمی شدن بازارهای اعتباری در بلژیک وتایوان(چین) ونیز در موزامبیک، نامیبیا، نپال، نیکاراگوئه ولهستان شده است.

کشورهایی همچون استرالیا، دانمارک، هلند وسوئد بهترین تجربیات را در مقررات کسب وکار داشته‌اند. یعنی مقررات آنها قادر به ایفای وظیفهٔ اصلی ایجاد سهولت برای آغاز و انجام کسب وکار، بدون تحمیل بار اضافی به آن، بوده است. در این کشورها، سرمایهٔ انسانی مطلوب

در امور اجرایی عمومی واستفاده از فن آوری نوین، بار مقرراتی صاحبان کسب وکار را به حداقل می‌رساند. موقعی که بازارهای خصوصی فعال باشد، رقابت، نقش قوانین را به عهده می‌گیرد این کشورها ترکیبی از مقررات ساده با تعاریف دقیق و حمایت از حقوق مالکیت را به کار گرفته و به چیزی رسیده‌اند که سایر کشورها در تقلای رسیدن به آن هستند: تبدیل شدن دولت‌مردان در حوزه‌های قانونگذاری و اجرا از جایگاه آمرانه و اربابانه به عواملی در خدمت سیاست‌گذاری و نظارت بر حسن اجرای سیاست‌ها و قوانین برای خدمت‌رسانی هر چه بیشتر به فعالان اقتصادی از دست آوردهای مهم این کشورها محسوب می‌شوند که موجب می گردد تمامی آحاد کشور از فقیر و غنی در رعایت و ملتزم بودن به قانون هم نظر باشند.

در صورتی‌که این همگرایی در اجرای قانون دیده نشود محیط اقتصادی کشور به دوگانگی در اجرای قانون دچار خواهد شد. چنانکه در کتاب «راه دیگر» ، نوشته هرناندو دسوتو، گفته شده : « وقتی قانونی بودن مزیتی است که فقط قدرتمندان سیاسی واقتصادی از آن بهره می‌برند کسانی که از این امتیاز محرومند یعنی فقرا، چاره ای جز توسل به فعالیتهای غیر قانونی ندارند. (دسوتو، ۱۳۸۵)

قرار گرفتن فعالان اقتصادی در چارچوب فعالیتهای رسمی و قانونی کشور موجب می‌گردد شرکت‌ها به صورت رسمی تشکیل گردند و تشکیل رسمی شرکت ها به چهار دلیل سودمند است: اول آنکه مؤسسات حقوقی می‌توانند پس از کنار رفتن بنیانگذاران همچنان به فعالیت خود ادامه دهند. دوم آنکه با کنار هم قرار گرفتن توان سهامداران، منابع بزرگی پدید می‌آید. سوم آنکه، فعالیت رسمی شرکت با مسؤلیت تعریف شده و معین- که با قانونگذاری قانون تجاری فرانسه در سال ۱۸۰۷ آغاز شد- مخاطرات کسب وکار کاهش می‌یابد. چهارم آنکه، کسب وکارهای به ثبت رسیده، از خدماتی که توسط نظام حقوقی کشورها و دادگاه‌های عمومی یا بانک‌های تجاری خصوصی فراهم می‌شود، بهره مند می‌شوند. این خدمات برای بنگاه‌های ثبت نشده ارایه نمی شود. به طور خلاصه، تأسیس یک شرکت رسمی در چارچوب ضوابط حقوقی، مخاطرات هرگونه مشارکت در کسب وکار را کاهش داده و طول عمر واحتمال موفقیت آن را افزایش می‌دهد(F.Schneider, A.Dreher- ۲۰۰۶).

کشورهای صاحب تجربه موفق، صرف نظر از کمیت وکیفیت مقررات، در چگونگی ارزیابی و اصلاح قوانین نیز مشترکاتی دارند. مثلاً کشورهایی از قبیل کانادا که حداقل زمان برای ثبت

یک کسب وکار را برقرار کرده‌اند برگه‌های ثبتی ساده‌ای دارند که از طریق اینترنت قابل دسترسی است. کشورهایی از قبیل آلمان، تایلند و ایالات متحده که به حداقل زمان لازم برای ضمانت حسن اجرای یک قرارداد وثیقه‌ای رسیده‌اند، ضمانت اجرای خارج از دادگاه را مجاز کرده‌اند. نحوه طراحی مقررات، کارآیی آثار اقتصادی واجتماعی آن را تعیین می‌کند. تجربه‌های موفق، به کشورهای ثروتمند و توسعه یافته منحصر نمی شوند بلکه کشورهایی با اصلاحات قانونی در ساز و کارهای خود می‌کوشند این تجربه‌ها را در کشور خویش بکار گیرند. در بسیاری از موارد، اصلاح برخی از مقررات کسب وکار موفقیت آمیز بوده است.

البته گزینه‌های اصلاحی همیشه برای کشورهای فقیر وثروتمند، یکسان نیست. گاهی پیش می‌آید که تجربه‌های موفق در کشورهای توسعه یافته، به سختی قابل انتقال به کشورهای فقیر است. ورشکستگی مثالی است که نشان می‌دهد وقتی قوانین بغرنج ورشکستگی در یک کشور توسعه یافته موجب ضمانت حسن اختتام فعالیت‌های اقتصادی است اما همین ساز و کارها در کشورهای در حال توسعه معمولاً منجر به ناکارآمدی وحتی فساد می‌شوند. دراین قبیل موارد کشورهای در حال توسعه لازم است با توجه به شرایط خاص کشور خویش و با بومی سازی مقررات الگوهای کشورهای ثروتمند را ساده کنند تا با موقعیت و شرایط خاص خود هماهنگ و سازگار باشد.

با توجه به نکات فوق بانک جهانی کوشیده است پس از نقد و ارزیابی معیارهای مختلف و تجزیه و تحلیل متغیرهای موثر بر شکل‌گیری و گسترش فعالیت‌های اقتصادی در کشورهای مختلف، شاخص‌هایی را به عنوان مبنا و پایه تجزیه و تحلیل فضای عمومی اقتصادی کشورها معرفی نماید و پس از کسب نظرات صاحب‌نظران و دولت‌مردان در مناطق مختلف جهان به یکسان‌سازی این شاخص‌ها بپردازد. پذیرش عمومی رتبه بندی کشورهای جهان بر اساس این شاخص‌ها، توسط صاحب نظران و سیاستگذاران در کشورهای مختلف بیانگر موفقیت بانک جهانی در دستیابی به شاخص‌های مطلوب و مورد نظر برای سنجش و نقد فضای عمومی اقتصادی کشورهای مختلف در جهان است.

۳.۳- شاخص های فضای کسب و کار از نظر بانک جهانی

بررسی‌ها، تشخیص و آزمون و مقایسه مداوم شاخص‌های معرفی شده توسط کارشناسان بانک جهانی و تعیین عوامل موثر بر محیط اقتصادی کشورها و تلاش برای یافتن تعدادی معین از این شاخص‌ها برای ارزیابی جامع، همه جانبه و دقیق شاخص‌ها موجب شده است که در

نهایت بانک جهانی شاخص‌های ده‌گانه را به عنوان مهمترین و اصلی‌ترین شاخص‌های سنجش و ارزیابی فضای کسب و کار معرفی کند.

بانک جهانی با استناد به ۱۰ شاخص پیش‌گفته، رتبه سهولت کسب و کار را در کشورهای مختلف محاسبه و به صورت مقایسه ای برای تمامی ۱۸۳ کشور گزارش می‌نماید لازم به ذکر است در روش‌شناسی Doing Business به جهت آسان‌سازی و امکان‌پذیر ساختن برخی محاسبات، مفروضاتی در مطالعه وارد شده اند که به نوبه خود تاحدودی از دقت محاسبات و همچنین از قدرت تشخیص و تعیین دقیق و منطبق بر واقعیت شاخص فضای کسب و کار می‌کاهد. برای مثال برخی امور مهم در آغاز و انجام یک کسب و کار شامل میزان و کیفیت خدمات زیرساختی، مجاورت کشور با بازارهای بزرگ و همچنین نظامهای متفاوت در اقتصاد کلان کشورها را در این مطالعه مستقیماً مورد توجه قرار نداده است. همچنین مبنای بررسی و ارزیابی شاخص‌های محاسباتی، قوانین و مقررات مکتوب کشورهاست در حالیکه در بسیاری کشورها بین سازوکارهای مکتوب و آنچه در عمل به اجرا در می‌آید فاصله زیادی وجود دارد.

پژوهش‌های بانک جهانی برای محاسبه شاخص های مورد نظر در کشورهای مختلف با تکیه بر روش‌های گوناگون و توجه به شش اصل مهم صورت گرفته است که این شش اصل در شاخص‌های مختلف مبنای تشخیص و محاسبه می‌باشد:

گروهی از صاحب نظران و اشخاص با تجربه به همراه مشاوران دانشگاهی، قوانین و مقررات نافذ[۹] را جمع آوری و تحلیل می کنند.

کسب اطلاعات اولیه به ساخت یک ابزار یا پرسشنامه ارزیابی می‌انجامد که برای متخصصان محلی طراحی شده است. این پرسشنامه‌ها قادرند وضعیت کلی شاخص‌ها را مشخص نمایند تا وکلای شرکت‌های بزرگ و مشاوران فعالان اقتصادی برای ورود به حوزه

---

[۹] - in force

کسب و کار یا وکلای دعاوی[۱۰] و قضات برای برخورداری از ضمانت حسن اجرای قراردادها بتوانند از آنها استفاده کنند.

پرسشنامه حول یک پرونده فرضی و یکسان ساخته می‌شود تا امکان مقایسه بین کشورهای گوناگون در زمانهای مختلف و در عرصه‌های مختلف با اطمینان هر چه بیشتر فراهم گردد.

در چند مرحله برای کسب اطلاعات و جمع‌بندی آنها (معمولاً چهار مرحله) از تعامل متخصصان محلی با گروه ارزیاب و پژوهشگر فضای «کسب و کار» استفاده می‌شود.

نتایج مقدماتی بدست آمده برای اصلاح نهایی پرسشنامه جهت جمع آوری اطلاعات گسترده و حداکثری، به دانشگاهیان و شاغلان نشان داده می‌شود تا نواقص و خطای پژوهش به حداقل برسد.داده‌ها از لحاظ درستی در معرض آزمون‌های متعددی قرار می‌گیرد تا پس از بازبینی و تعدیل اطلاعات جمع آوری شده شاخص نهایی بدست آید.

در تحقیقات بانک جهانی برای محاسبه و ارزیابی شاخص ها ورتبه بندی کشورهای جهان بر مبنای شاخص‌های بدست آمده از روش‌های گوناگون همانند پاسخ‌های آگاهانه و ناآگاهانه کمک گرفته شده است تا بتوان ارزیابی دقیق‌تر و درست‌تری انجام داد. برای ارزیابی دقیق فضای کسب و کار شاخص‌های جمعی نسبت به شاخص های منفرد قدرت پیش بینی بیشتری دارد. بر همین اساس کوشش می شود تا در ارزیابی نهایی برای رتبه بندی کشورها مجموع شاخص ها مورد توجه قرار گیرد.

یکی از اهداف بانک جهانی از انجام پروژه Doing Business ارائه الگوهای مناسب و تشویق کشورها به انجام اصلاحات برای بهبود فضای کسب و کار است. در این راستا علاوه بر رتبه‌بندی کشورها بر اساس وضعیت نسبی شاخص های کسب و کار، به رتبه بندی کشورهای اصلاحگر نیز می پردازد و اصلاحات انجام شده را در گزارش خود ذکر می نماید.

۳.۴- چگونگی ارزیابی و رتبه بندی شاخص ها

تا قبل از دهه ۱۹۴۰ و ظهور عقاید و نقطه نظرات جان مینارد کینز[۱۱]، چارچوب منظمی برای اندازه‌گیری درآمد و مخارج ملی در اقتصاد کشورها و در ادبیات اقتصادی وجود نداشت.

---

[۱۰] - litigation lawyers

پس از طرح عقاید کینز و محاسبه حساب‌های ملی در کشورهای جهان در روش شناسی بانک جهانی داده ها و اطلاعات اقتصادی پیچیده به حدی ساده شد که بتواند نمایی کلی از اقتصاد هر کشور را نشان دهد. به این ترتیب با تکیه بر این اطلاعات و حسابهای ملی محاسبه شده می‌توان عملکرد و ساختار اقتصاد کشورها را با دقتی بیش از سابق ارزیابی کرد. با تبدیل شدن این روش به یک استاندارد بین المللی، مقایسه جایگاه مالی کشورها نیز امکان پذیر شد.

علاوه بر اقتصاد ملی و محاسبات مربوط به آن، در سطوح اقتصاد بنگاه‌ها نیز دستیابی به روش‌ها و ابزارهای سنجش اطلاعات، مدیران و صاحبان شرکت‌ها را در جایگاهی قرار داد که دسترسی به آمار و اطلاعات را به سهولت امکان‌پذیر سازد.

در هر کشور ترکیبی از متخصصان همان کشور اعم از افراد شاغل در سازمان‌های رسمی یا صاحب‌نظران مستقل و نیز متخصصان خارجی برای جمع‌آوری و استخراج شاخص‌ها به کار گرفته می‌شوند. پس از کسب آمار و اطلاعات از کشورهای مختلف واحد اطلاعات مخاطرات محیط کسب وکار از ۱۷ تحلیلگر اهل محیط، استفاده می‌کند تا ارزیابی های اولیه را انجام دهد. سپس ۱۰۰ نفر متخصص خارجی، تحلیل‌های آنها را بررسی می‌کنند. رده بندی‌ها با روش دلفی انجام می‌شود، به ترتیبی که تحلیل‌گران خارجی، رده بندی‌های قبلی خود و میانگین نمرهٔ کل افراد برای هر شاخص را مبنای تعیین و تشخیص نهایی شاخص قرار می دهند.

رتبه در هر شاخص معدل صدک رتبه های بدست آمده در شاخص‌های ده‌گانه است.

اگر کشوری در حوزه یکی از شاخص‌ها قوانین و مقررات خاصی نداشته باشد، امتیاز «غیرفعال» می‌گیرد. برای مثال در ایسلند برای شروع یک کسب و کار به ۵ دستورالعمل، ۵ روز زمان و ۳٪ درآمد سرانه سالیانه و ۱۵.۸٪ درآمد سرانه نیاز است. ایسلند در این چهار شاخص به ترتیب رتبه های ۱۴، ۴، ۱۹ و ۶۷م صدک را بدست آورده است. بنابراین به طور میانگین ایسلند در شاخص شروع کسب و کار رتبه ۲۶م صدک را کسب می کند.

---

[11] - John Maynard Keynes

لازم به ذکر است جمع آوری، طبقه بندی و تجزیه و تحلیل داده‌های آماری می تواند با چالش‌هایی از قبیل کمبود زیرساخت برای تغییر داده ها یا ناسازگاری بین سیستم ها مواجه گردد.[۱۲]

ارائه گزارش بانک جهانی در خصوص فضای کسب و کار در سالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ تصویر روشنی از وضعیت عمومی اقتصاد کشورها نشان می‌دهد. این گزارش با تکیه بر شاخص‌های ده‌گانه ارائه شده است که هر یک از شاخص‌ها نیز بر مولفه‌های مختلفی مترتب است که در این فصل بصورت جداگانه به بررسی هر یک از این شاخص‌ها پرداخته می‌شود.

۳.۵- اهمیت نسبی شاخص‌ها

آنچه مسلم است توانمندسازی بخش خصوصی از جمله سیاست‌های اقتصادی توسعه‌ای است که در تمام دنیا مورد استفاده است. توانمند سازی بخش خصوصی از جمله سیاست‌های اجتماعی و اشتراک مدار است که سه ضلع آن دولت، نهادهای مدنی و بازار می باشند .این مهم جز با ایجاد فضای مناسب برای شکل گیری صنوف وتشکل ها میسر نیست. تجربه چین در زمینه رشد بخش خصوصی در اقتصاد این موضوع را به اثبات رسانیده است که محیط کسب و کار مناسب شرط لازم برای رشد بخش خصوصی است و خصوصی سازی به تنهایی و بدون توجه به الزامات محیط کسب و کار نمی تواند از انتقال اقتصاد از بخش دولتی به بخش خصوصی کفایت کند .

بر این اساس بخش خصوصی، تشکل ها و اتاق بازرگانی به عنوان تشکل فراگیر باید در قانون مورد حمایت و تقویت قرار گیرند. تا زمانیکه بنگاه ها به صورت یکه و تنها در مقابل دستگاه های دولتی قرار گیرند، شاهد شکوفایی بخش خصوصی نخواهیم بود. با این تفسیر تعجیل در واگذاری سرمایه های ملی پیش ازفراهم شدن زمینه های لازم و ایجاد فضای رقابتی بین دولت و بخش خصوصی مشکل ساز خواهد بود.

صرف نظر از تاثیر منفی فضای کسب و کار بر سمت عرضه اقتصاد، در بازار کار نیز به نظرمی رسد گریزی از انعطاف پذیری بیشتر برای جذب نیروی کار جدید برای بازار کار نیست.

---

[۱۲] جهت اطلاع بیشتر به مباحث عمومی فناوری اطلاعات، جمع‌آوری و ترجمه مهدی و فائزه انصاریان مراجعه فرمایید.

به نظر می رسد تمایل مدیریت بازار کار به سمت امنیت (Security) بیشتر و انعطاف (Flexibility) کمتر، مشکلات فراوانی را برای اقتصاد کلان کشورها پدید آورده است. به گونه ای که قوانین کار موجود در کشورها بیشتر به دفاع از حقوق کارگران مشغول توجه دارد تا آنکه زمینه را برای اشتغال بیشتر فراهم نماید.

مطالعات نظری و تجربی نشان می دهند یک معاوضه (Trade off) گریزناپذیر بین حمایت از نیروی کار شاغل (insiders) و ایجاد فضا برای اشتغال نیروی کار غیرشاغل (Outsiders) وجود دارد .توصیه اصلی در این زمینه آن است که تعدیل دستمزدهای واقعی (real wages) حتماً با تغییرات بهره وری نیروی کار سازگار باشد.

شفاف سازی و تسهیل قوانین در تمامی عرصه های کسب و کار شامل کلیه مراحل فعالیت اقتصادی از مرحله شکل گیری تولید تا انحلال فعالیت شرط لازم برای ترغیب به مشارکت آحاد اقتصادی بویژه سرمایه گذار خارجی است که این مهم توسط نهادها و موسساتی در داخل کشور و همچنین نهادها و سازمانهای بین المللی انجام می شود(Casero– ۲۰۰۴). سرمایه گذاران خارجی و حتی فعالان اقتصادی در داخل کشورها می کوشند با استفاده از این اطلاعات و همچنین رتبه بندی ها در خصوص آغاز فعالیتهای اقتصادی خویش تصمیم گیری کنند.

برخی سازمانهای بین المللی که کشورها را بر اساس وضعیت اقتصادی آنها ارزیابی و رتبه بندی می‌کنند به شرح زیر می‌باشند.

– شاخص اطمینان سرمایه گذاری «ای تی کرنی» هر ساله از مدیران دنیا در مورد احساس آنها از میزان ریسک و فرصتهای موجود در بازارهای سراسر دنیا و یا به عبارتی جذابیت بازارهای مختلف دنیا نظرسنجی می کند. و بر اساس آن کشورها را رتبه بندی می کند.

– بنیاد فریزر شاخص آزادی اقتصادی را محاسبه می کند.

– بنیاد هریتیج هر ساله گزارشی از بررسی سیاستهای اقتصادی کشورها تحت عنوان شاخص آزادی اقتصادی منتشر می کند. در این گزارش هر کشوری که بازار آزادتری داشته باشد رتبه بهتری کسب می کند و کیفیت سیاست اقتصادی و سطح قیمت ها را در نظر نمی گیرد.

– سازمان بین المللی کار ILO کشورها را بر اساس هفت معیار مربوط به امنیت شغلی رتبه بندی می کند.

– صندوق بین المللی پول هر ساله شاخص رقابت اقتصادی را منتشر میکند.

– سازمان شفافیت بین المللی شاخص فساد اقتصادی را منتشر می کند.

کلیه این شاخص ها درصدد هستند تصویری از وضعیت اقتصادی و یا اجتماعی کشورها را برای شناخت هر چه بیشتر سرمایه گذاران معرفی نمایند.

در این پژوهش تمرکز مباحث بر شاخص های مربوط به فضای کسب و کار است که توسط بانک جهانی در قالب پروژه Doing Business مطرح شده است.

۳.۶- شاخص‌های ده‌گانه

بانک جهانی برای بررسی و ارزیابی فضای کسب و کار در کشورهای مختلف از ده شاخص اصلی استفاده می کند که هر یک از آنان دارای چند شاخص فرعی می باشند با جمع بندی گزارشها و اطلاعات مربوط به این شاخصها وضعیت فضای اقتصادی کشور را نمره داده و سپس به رتبه بندی آنها می پردازد. این ده شاخص به شرح زیر می باشند.

۳.۶.۱- شاخص شروع کسب وکار

شاخص شروع کسب و کار کل فرآیندی که یک کارآفرین و سرمایه گذار به منظور تاسیس یک شرکت از شروع فرآیند ثبت شرکت تا کسب آمادگی رسمی برای شروع یک کسب وکار تجاری و یا صنعتی انجام می دهد را بررسی می کند. در این شاخص چالشهای مربوط به فراهم نمودن شرایط برای آغاز یک فعالیت جدید (منظور فرآیند ثبت شرکت است) شامل تعداد مراحلی که لازم است یک کارآفرین برای آغاز یک فعالیت اقتصادی قانونی طی نماید، را بررسی می کنند. متوسط زمان لازم برای انجام فرایند و میزان هزینه و حداقل سرمایه مورد نیاز برای آغاز فعالیت به صورت درصدی از سرانه درآمد ناخالص ملی به عنوان معیارهای اصلی این بررسی مورد توجه قرار گرفته است.

ورود به کسب و کار نیاز به کسب اطلاعات دارد. دستگاه حکومتی می تواند با فراهم کردن اطلاعات لازم و استفاده از فن آوری اطلاعات و در اختیار قرار دادن آنها، کارآفرینان و فعالان

اقتصادی را در مسیر ثبت شرکت یاری نموده و بدون معطلی شرایط پشت سر گذاردن این مرحله را فراهم نماید. برای مثال تهیه یک برگه حاوی شرایط لازم برای ثبت نام واحد و جمع آوری اطلاعات آماری مربوط به نظام تجاری و مالیاتی و سایر اطلاعات دیگر بار کارآفرینان را کم کرده و به سرعت در افزایش تعداد مشاغل جدید می انجامد.

بررسی مقررات ورود به کسب و کار و قوانین نیروی کار نشان می دهد که برای مقابله با تجربه های قانونی ناکارآمد، ناعادلانه، یا فاسد، این قوانین باید شفاف و آسان باشند. دفاتر ثبت در دسترس و امکان دسترسی به دفاتر مأمورین عالی رتبه دولتی[۱۳] و دستگاههای مسئول در صدور موافقت نامه ها یا دادگاه های اجرایی کارآمد به اجرای قوانین کمک می کند. در برخی کشورهای توسعه یافته قوانین به طور کلی برای یک بازه زمانی تعریف می شوند و در پایان دوره مورد بازبینی قرار می گیرند. قوانین به روز شده و متناسب با شرایط هر کشور و تسهیل کننده برای طی کردن این مرحله به بهبود شرایط ورود به کسب و کار و اوضاع نیروی کار کمک می کند.

Doing Business ، به ثبت همه دستورالعمل‌هایی می‌پردازد که یک کارآفرین به طور رسمی به آنها نیاز دارد تا یک کسب و کار صنعتی یا تجاری را به شکل قانونی آغاز کند. این دستورالعمل‌ها شامل اطلاعات لازم برای به دست آوردن اجازه ها و مجوزهای لازم – و تکمیل کلیه نوشته ها، تأییدات و اطلاعیه ها – برای شروع کار است. پرسشنامه تهیه شده در بانک جهانی به محاسبه هزینه و زمان انجام دادن هر دستورالعمل در شرایط عادی می پردازد و نیز حداقل سرمایه لازم برای شروع را نیز در نظر می گیرد. فرض می شود که چنین اطلاعاتی کاملاً در دسترس است و همه عوامل حکومتی مرتبط با این فرآیند، به شکل کارآمد و بدون فساد کار می کنند.

در جمع آوری داده های مربوط به این شاخص، برای آنکه فضای کسب و کار بین کشورها قابل مقایسه شود، ۱۰ فرض به شرح زیر به کار گرفته شده است.

---

[۱۳] - ombudsman

- شرکت از نوع مسؤولیت محدود است (اگر بیش از یک نوع شرکت با مسؤولیت محدود در یک کشور وجود داشته باشد، متداول ترین نوع بنگاه ها در نظر گرفته می شود).
- در پرجمعیت ترین شهر کشور قرار دارد.
- مالکیت آن صددرصد داخلی است و بنیانگذاران آن پنج نفر هستند که هیچ یک شخصیت حقوقی ندارند.
- ارزش سرمایه اولیه شرکت ۱۰ برابر درآمد سرانه داخلی است و نقداً پرداخت می شود.
- به فعالیت های صنعتی و تجاری معمولی نظیر تولید و فروش محصولات یا خدمات به عموم مردم می پردازد.
- مجتمع تجاری (تولیدی) و دفاتر خود را اجاره می کند.
- از مشوق های خاص سرمایه گذاری یا هر گونه مزایای ویژه برخوردار نیست.
- یک ماه پس از شروع کار حداقل ۱۰ و حداکثر ۵۰ کارمند دارد که همگی اتباع داخلی هستند.
- گردش مالی آن حداقل به اندازه ۱۰۰ برابر درآمد سرانه است.
- سند مالکیتی ۱۰ صفحه ای برای شرکت خود دارد.

برای نمونه بررسی بانک جهانی نشان می‌دهد فرآیند آغاز یک کسب و کار جدید در استرالیا (کشور حایز رتبه نخست در عرصه آغاز کسب و کار) در مقایسه با کشورهای عضو OECD به شرح زیر است.

شاخص	استرالیا	OECD
تعداد مراحل	۲	۶ /۰
زمان لازم برای انجام مراحل (روز)	۲	۱۴/۹
هزینه (درصد از سرانه درآمد ناخالص ملی)	./۸	۵ /۱
حداقل سرمایه لازم برای شروع کسب و کار (درصد از سرانه درآمد ناخالص ملی)	۰	۳۲/۵

جدول ۱-۳ : شاخص‌های آغاز کسب وکار در استرالیا

فرآیند این شاخص در کشور استرالیا شامل دو مرحله به شرح جدول زیر می‌باشد:

شماره مرحله	فرآیند	زمان لازم جهت انجام فرآیند (روز)	هزینه انجام فرآیند (دلار استرالیا)
I	تکمیل فرم ASIC (۲۰۱) درخواست ثبت شرکت و دریافت گواهی شرکت و شماره شرکت استرالیایی "CAN" (Australian Company Number)	۱	۴۰۰
II	ارتباط اینترنتی (بر خط) با نهاد مالیاتی از طریق شماره ACN از طریق تماس اینترنتی، شرکت با توجه به میزان گردش مالی و ویژگی کاری یک شماره شناسایی ۱۱ رقمی ABN دریافت می کند. (Australian Business Number) چنانچه شرکت مورد نظر دارای کارکن هم باشد بایستی فرم در نظر گرفته شده را نیز تکمیل نماید.	۱	بدون هزینه

جدول ۲-۳: مراحل آغاز کسب و کار در استرالیا

از الزامات آغاز رسمی و قانونی یک فعالیت، طی نمودن فرآیند انتخاب نام خاص برای شرکت، سپرده گذاری و اخذ گواهی بانکی، ثبت قانونی شرکت، انتشار اعلامیه در روزنامه رسمی، تهیه دفاتر حسابداری، پرداخت حق تمبر و اعلام کارکنان به نهاد مربوطه مانند تامین اجتماعی است.

به طور کلی وجود مقررات ورود به کسب وکار لازم است زیرا هیچ کشوری نمی تواند بدون وضع و اجرای قوانین به اداره امور اقتصادی کشور بپردازد بر اساس تئوری منفعت

عمومی پیگو[۱۴] بازارهای فاقد مقررات به شکست های متنوعی از قدرت انحصاری گرفته تا آثار جانبی ناخواسته (externalities) دچار می شوند. از طریق وضع مقررات بسیاری از نارسایی های بازار را می توان جبران کرد. در بحث ورود به بازار طبق نظریه پیگو، دولت بر تازه واردان نظارت می کند تا اطمینان یابد که مصرف کنندگان در جامعه کالاهای باکیفیت از فروشندگان «تأیید شده» خریداری کنند. به این ترتیب تازه واردان موظف به رعایت حداقل استانداردهایی در کیفیت محصولات خود می گردند. ثبت رسمی شرکتها همچنین به آنها اعتبار لازم برای فعالیت در بازار و تعامل با شرکتهای دیگر را می دهد. (Jankove– ۲۰۰۲) البته آمارها نشان می دهند چنانچه این قوانین خیلی دست وپاگیر و زیاد باشند سبب بهبود و تسریع در میزان ورود کسب و کارهای جدید و سلامت بازار در کشورهای با مقررات زیاد نشده‌اند.

در آغاز یک کسب و کار هر چه تعداد روز وهزینه اداری تأسیس بیشتر باشد مشکلات کارآفرینان را بیشتر کرده وهر جا که پای مقامات حکومتی و دخالت یافتن سلیقه های فردی و همچنین شیوع روابط پنهانی در انجام کارها در میان باشد حتی امکان افزایش مشکلات نیز وجود دارد. فرآیند دشوار ثبت شرکت، احتمال ثبت کسب و کار جدید را برای کارآفرینان بالقوه کم تر می نماید و آنها را به اقتصاد غیررسمی سوق می دهد(دریهر، اشنایدر–۲۰۰۶). مشاهده می شود که در کشورهای فقیر آغاز کسب وکار هم دارای قوانین بیشتر وهم دارای هزینه بالاتر وزمانبرتر از کشورهای ثروتمند می باشد. این موضوع با «تئوری منفعت عمومی قانونگذاری» مطابقت ندارد (که طبق آن قانونگذاری بیشتر برای جامعه مطلوب است) اما «نظریه انتخاب عمومی» تأیید می کند که مقررات ورود به کسب و کار به نفع سیاستمداران و بوروکرات هاست. نظریه انتخاب عمومی قانونگذاری را از نظر اجتماعی اثربخش نمی داند. استیگلیتز[۱۵] قانونگذاری برای ورود را سدی در مقابل تازه واردان می داند و مک چسنی و دسوتو معتقدند قوانین ورود به این خاطر وضع می شوند که مقامات دولتی ازدادن مجوزها امتناع کرده و در ازای موافقت خود رشوه دریافت کنند و به رانت خواری بپردازند.برای تسهیل ورود به کسب وکار هم نظام اداری و هم نظام حقوقی نیاز به اصلاحات دارند. وضع مقررات سخت گیرانه

---

[۱۴] Pigou’s public interest theory of regulation

[۱۵] Steigleitez

برای ورود به کسب وکار، موجب سرمایه گذاری خصوصی کمتر، قیمتهای مصرف کننده بیشتر، فساد اداری بیشتر وبزرگتر شدن اقتصاد غیر رسمی می شود.

هرچند هیچ حکومتی امکان ثبت یک کسب وکار جدید را طی یک مرحله منفرد فراهم نکرده است، ولی برخی از کشورها به چنین حدی نزدیک شده اند. مثلاً در کانادا، شخص کارآفرین، ازطریق مرکز بایگانی الکترونیک اینترنتی، برگه ثبت فدرال را تکمیل کرده ودر همان ساعت، شماره کسب وکار دریافت می کند. او با همین شماره، درخواست شمارهٔ مالیاتی از ادارهٔ امور گمرکی ومالیاتی، تخفیف پرداختها، وجوازهای تخصصی را تکمیل می کند. در استرالیا نیز چنین فرآیندی وجود دارد.

هدف از دستورالعمل	درصد کشورها
ثبت مالیاتی	۹۳
ثبت نیروی کار	۸۷
ثبت اداری	۷۶
سپرده بانکی	۶۸
گواهی دفتر اسناد رسمی	۶۳
خدمات درمانی	۶۲
آگهی در روزنامه	۳۶
نشان شرکت	۳۸
ثبت در دادگاه	۳۲
اتاق بازرگانی	۲۷
اداره آمار	۱۷
محیط زیست	۱۲

جدول ۳-۳ :مراحل مربوط به آغاز کسب و کار در کشورهای مختلف

منبع: پایگاه داده های «انجام کسب و کار»

به جز مراحل ذکر شده فایدهٔ سایر مرحله ها مورد تردید است. با وجود این در کشورهایی که برای ورود به کسب وکار مقررات فراوان وضع می کنند، تنوع گیج کننده ای دیده می شود.

در یک بررسی به منظور مشخص کردن تعداد مراحل مربوط به تسهیل در آغاز کسب و کار مراحل زیر در کشورهای مختلف معرفی شده‌اند.

تحلیل شش سال سابقه اصلاح ساختار در کشورهای جهان (از گزارش سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹) مؤید آن است که در اقتصادهای نسبتاً فقیر اما با مدیریت خوب اقتصادی و سیاستگذاری مناسب در زمان آغاز فعالت بنگاه ده روز کاهش و در بهبود رشد سرمایه گذاری ۲۷ واحد درصد تأثیرگذار بوده است.

۳.۶.۲- اخذ مجوزها

پس از آنکه کارآفرین و یا سرمایه گذار موفق به ثبت یک کسب و کار جدید گردید، موظف است مقرراتی را به منظور عملیاتی نمودن فعالیت پشت سر بگذارد. برای بررسی این فرآیند بانک جهانی از یک مدل فرضی بهره گرفته است و میزان سهولت یا سختی تعامل با مراجع قانونی صادر کننده مجوزهای ساخت یک انبار برای مصارف صنعتی را به عنوان نمونه کسب مجوزهای کسب و کار مورد بررسی قرار می دهد. چراکه فعالیتهای ساختمانی از بزرگترین بخش های هر فعالیت اقتصادی است و تقریبا ۱۰٪ درآمد ملی در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاریهای اقتصادی (OECD) به فعالیتهای ساختمانی اختصاص دارد. به علاوه صدور چنین مجوزهایی کاملا منطقی است. منازل و اداراتی که به طور استاندارد ساخته شده اند، جان انسانها را نجات می دهند. (خیرخواهان، ۲۰۰۶)

برای بررسی این فرآیند گزارشات Doing Business بر بررسی فرآیندهای عملیات کسب استعلامها و مجوزهای بخش ساختمان اعم از اخذ مجوزهای فنی و پروانه های لازم، تکمیل فرم ها، رعایت دستورالعملهای بازرسی، مقررات ایمنی و اقدامات مربوط به دریافت انشعابات آب و برق و گاز و ... مبتنی است. هدف نهایی از این بررسی ها محاسبه زمان و هزینه اتمام هر مرحله در شرایط واقعی و متعارف برای فعالان اقتصادی است.

جدول زیر شاخص مربوط به سهولت اخذ مجوزهای ساخت در کشورهای برتر منطقه و جهان و همچنین میانگین کشورهای عضو MENA و OECD را نشان می دهد.

شاخص اخذ پروانه	بحرین	منطقه MENA	هنگ کنگ	منطقه OECD
تعداد مراحل	۱۳	۱۸ /۹	۷	۱۵ /۱
مدت انجام (روز)	۴۳	۱۵۹ /۳	۶۷	۱۵۷ /۰
هزینه (درصد از درآمد سرانه)	۵۴/۶	۳۵۸ /۴	۱۸ /۷	۵۶ /۱

جدول۴-۳:وضعیت شاخص سهولت اخذ مجوزهای ساخت در جهان

در کشور نخست جهان برای دریافت مجوز ساخت و ساز ۱۱ مرحله باید طی شود که ۷۴ روز به طول انجامیده و هزینه ای معادل ۹.۳٪ درآمد ملی صرف آن می شود. در حالی که در منطقه MENA مدت زمان صرف شده حدوداً سه برابر و هزینه مورد نیاز بسیار بالاتر است.

جدول زیر جزییات مربوط به تعداد مراحل اخذ مجوز ساخت کارگاه در کشور سنت وینسنت را به نمایش می گذارد:

ارزش کارگاه ۳۵۰۰ هزار XCD در شهر Kingston در نظر گرفته شده است:

شماره مرحله	فرآیند	زمان لازم جهت انجام فرآیند (روز)	هزینه انجام فرآیند (XCD)
I	دریافت مجوز ساخت از واحد طراحی فیزیکی	۴۲	۳۰۰
II	درخواست و دریافت بازرسی بر شروع فعالیتهای ساختمانی	۱	بدون هزینه
III	بازرسی تصادفی (Random) در طی مراحل ساخت	۱	بدون هزینه
IV	درخواست و دریافت بازرسی از انجام کار	۱	بدون هزینه

شماره مرحله	فرآیند	زمان لازم جهت انجام فرآیند (روز)	هزینه انجام فرآیند (XCD)
V	تقاضای انشعاب برق	۱	بدون هزینه
VI	انجام بازرسی در خصوص دریافت انشعاب برق و در نهایت دریافت مجوز انشعاب	۷	بدون هزینه
VII	دریافت انشعاب برق	۲۱	۲۵۰
VIII	تقاضای انشعاب آب	۱	بدون هزینه
IX	انجام بازرسی در خصوص دریافت انشعاب آب	۱	بدون هزینه
X	دریافت انشعاب آب	۷	۳۰۰
XI	دریافت خط تلفن ثابت	۷	۱۲۵

جدول ۵-۳ : جزئیات مراحل اخذ مجوز ساخت کارگاه در کشور سنت وینسنت

به طور کلی برای احداث یک کارگاه ابتدا باید اسناد زمین مورد نظر از نظر کاربری توسط نهادی مانند شهرداری تایید شوند و مالیات مربوطه پرداخت شود. بنابراین نقشه و مدارک لازم برای درخواست مجوز به سازمان متولی صدور مجوز ارائه می‌شود. پس از اخذ مجوز لازم، برای شروع فعالیتهای ساختمانی درخواست انجام بازرسی از سوی یک شرکت ناظر مستقل می شود. در طول مراحل ساخت نیز بازرسی های سرزده صورت می گیرد که در قوانین کشورها دفعات بازرسی در جریان ساخت یک واحد تعیین شده است. پس از اتمام ساخت کارگاه برای دریافت پایان کار، درخواست بازرسی نهایی می شود. پس از آن برای دریافت انشعاب برق اقدام می شود که پس از انجام بازرسی های لازم مجوز انشعاب صادر می شود. پس از اخذ مجوز انشعاب نیز مدتی سپری می شود تا انشعاب برق وصل شود که در هر یک از این مراحل هزینه های مربوطه باید پرداخت شوند. انشعاب آب و فاضلاب نیز با طی مراحل مشابه اخذ می شود. خط تلفن ثابت نیز مدتی پس از درخواست و پرداخت هزینه مربوطه وصل خواهد شد.

این مراحل در کشورهای مختلف دارای تفاوتهایی است که موجب افزایش زمان و هزینه های مربوط به آن می شود.

۳.۶.۳- استخدام و اخراج نیروی کار:

یکی از شاخص‌هایی که به صورت ملموس بر فضای کسب و کار تأثیر می‌گذارد شاخص مربوط به استخدام و اخراج نیروی‌کار است. وجود بازار کار انعطاف‌ناپذیر به عنوان یکی از موانع پیش‌روی ایجاد فرصت‌های شغلی محسوب می‌شود و موجب انتقال نیروی‌کار از بخش رسمی به بخش غیررسمی اقتصاد می‌شود. مشکلات و سختی هایی که کارفرمایان در استخدام و یا اخراج کارگران با آن مواجه اند در این شاخص مستتر است.

برای بررسی این شاخص پرسشنامه هایی طراحی شده اند که در آنها از کارشناسان خواسته می شود به سوالاتی در مورد میزان آزادی عمل کارگر و کارفرما در تنظیم قرارداد، میزان ساعت کار، کار در ایام تعطیل و کارشبانه، نحوه استخدام و اخراج نیروی کار، هزینه های استخدام و اخراج نیروی کار برای کارفرما پاسخ دهند. در جدول رده بندی دامنه هر شاخص ارقام از صفر تا صد است . رقم بالاتر مبین سختی و غیرمنعطف تر بودن مقررات است . شاخص های استخدام نیروی کار براساس پاسخ هایی که به پرسشهای مطرح شده در فرم های پرسشنامه داده شده است تهیه می شود.

ناگفته نماند که به منظور ایجاد همسانی میان شرایط در کشورهای مختلف برخی مفروضات در قبال نیروی کار ومحیط کار در نظرگرفته شده است . از جمله این مفروضات می توان به واقع شدن شرکت در شهر پرجمعیت،کارگر مورد بررسی مرد، تمام وقت و با ۲۰ سال سابقه کاری باشد، عضو اتحادیه کارگران نمی باشد مگر آنکه عضویت دراتحادیه اجباری باشد شرکت با مسئولیت محدود و تماماً با مالکیت داخلی است . لازم به توضیح است اعمال محدودیت بر کار شبانه، کار در ایام تعطیل و در جریان قرارگرفتن یک نهاد ثالث به هنگام اخراج نیروی کار، نکات منفی تلقی شده و برای محاسبه شاخص امتیاز منفی می گیرد.

کشورهای دنیا برای حمایت از منافع کارگران و تأمین حداقل استاندارد زندگی برای مردم خود سیستم پیچیده ای از قوانین و نهادها بوجود آورده‌اند. تجربه نشان می دهد قوانین کار بیشتر و سخت تر موجب مشارکت کمتر نیروی کار و بالا رفتن نرخ بیکاری بویژه در میان جوانان می گردد. در بسیاری کشورها سیستم تنظیم بازار کار علاوه بر حمایتهای بنیادی حقوق مدنی سه حوزه حقوقی را در بر می گیرد(Casero– ۲۰۰۴):

- قانون استخدام که به قراردادهای استخدام فردی مربوط است.

- قانون روابط کارگر و کارفرما که به چانه زنی، توافق و اجرایی شدن قراردادها بین کارگر و کارفرما و نیز سازماندهی اتحادیه های صنفی مربوط است.
- قانون تأمین اجتماعی برای پاسخگویی به نیازها و شرایط اجتماعی که اثر مهمی بر کیفیت زندگی از جمله مسائل کهولت سن، معلولیت، مرگ و میر، بیماری و بیکاری دارد.

این قوانین از منظر سه تئوری عمده انتخاب نهادی[۱۶] : تئوری اثربخشی، تئوری قدرت سیاسی و تئوری حقوقی قابل تجزیه و تحلیل می باشند.

بر اساس تئوری اثربخشی، نهادها تنظیم می‌شوند تا به اثربخش‌ترین وجه ممکن نیازهای یک جامعه را تأمین کنند. هر جامعه یک سیستم کنترل اجتماعی بر فعالیتهای اقتصادی انتخاب می کند که نیروهای بازار، حل اختلاف در دادگاهها، مقررات دولتی و مالیاتهای اصلاحی و یارانه ها را به صورت بهینه هماهنگ کند.

در تئوری قدرت سیاسی، نهادها توسط افرادی که قدرت را در دست دارند برای کسب منفعت به بهای ضرر کسانی که بیرون از قدرتند، شکل می گیرند. در این تئوری با رأی گیری صوری و همگرا با قدرت حاکم که فرصت بازتوزیع منابع را از بین می برند و همچنین بر اساس تئوری حقوقی، رویکرد یک کشور به مقررات و آئین نامه ها توسط سنت حقوقی آن کشور شکل می گیرد. بیشتر کشورهای دنیا ساختارهای حقوقی اولیه خود را از کشورهای پیشتاز در این زمینه یعنی انگلیس، فرانسه، آلمان و امثالهم گرفته اند. به طور کلی سنتهای حقوق مدنی و عرفی استراتژی های متفاوتی برای مقابله با موارد شکست بازار خصوصاً در تعادل بخشی به بازار نیروی کار به کار می گیرند(Casero– ۲۰۰۴).

برای ارزیابی این تئوریها داده هایی در مورد استخدام، روابط کارگر و کارفرما و قوانین تأمین اجتماعی جمع آوری و برای اندازه گیری میزان حمایت از نیروی کار کدگذاری شدند. این داده ها با اطلاعات موجود در مورد توسعه اقتصادی، سیاستهای دولتهای چپگرا، قدرت اتحادیه ها، موانع سیاسی فعالیت دولتها و منشأ حقوقی ترکیب شدند تا به عوامل تعیین کننده

---

[۱۶] Institutional choice theory

مقررات بازار کار برسیم. همچنین اطلاعات اقتصاد غیررسمی، مشارکت نیروی کار، بیکاری و دستمزدهای نسبی بررسی شدند تا مشخص شود چه کسی از مقررات بازار کار نفع می برد و چه کسی ضرر می کند.

تاکنون تحقیقات زیادی در مورد مقررات کار توسط سازمانهای مختلف انجام شده است مثل سازمان توسعه و همکاریهای اقتصادی (OECD) و... اما داده های بانک جهانی در پارادایمDoing Business کامل‌تر است.

چرا بیشتر دولت ها در بازار کار دخالت می‌کنند؟ تئوری مبنای بیشتر این دخالتها این است که بازارهای کار، ناکارآمد هستند و در نتیجه در روابط استخدامی رانت وجود دارد. کارفرمایان از کارگران سوء استفاده می کنند تا از آنها رانت دریافت کنند و این منجر به بی عدالتی و ناکارآمدی می شود(ریگلینی، ۲۰۰۵). از نظر دولتها کارفرمایان در مقابل گروههای آسیب پذیر، تبعیض قائل می شوند، حقوق کم می دهند، با تهدید به اخراج از آنها بیشتر از خواسته و توانشان کار می کشند، در مقابل تهدیدات جانی، بیماری یا معلولیت آنها را بیمه نمی کنند و ... در پاسخ به بی عدالتی و ناکارآمدی بازار کار آزاد، تقریباً همه کشورها برای حمایت از کارگران دخالت می کنند. تعیین مقررات بازار کار با هدف حمایت از کارگران در مقابل کارفرمایان به چهار شکل صورت می گیرد.(Ernestolopes– ۲۰۰۷)

اول، دولتها تبعیض در بازار کار را ممنوع می کنند و بعضی حقوق اولیه برای کارگران شاغل وضع می کنند مثل مرخصی زایمان یا حداقل دستمزد. دوم، دولتها روابط کارگر و کارفرما را تنظیم می کنند با مثلا محدود کردن نوع قراردادها و بالا بردن هزینه های تعدیل کارکنان و افزایش ساعات کار. سوم، در پاسخ به قدرت کارفرمایان در مقابل کارگران، دولتها به اتحادیه های کارگری قدرت می دهند تا به نمایندگی از کارگران در مذاکره با کارفرمایان استراتژی های خاصی به کار گیرند. و در نهایت، دولتها خود بیمه اجتماعی بیکاری، کهولت سن، معلولیت، بیماری، سلامت و عمر فراهم می کنند.

برخی کشورها ترکیبی از دخالتهای دولت در بازار کار را انتخاب می کنند که رفاه اجتماعی را حداکثر کند. تفسیر استاندارد این هدف، درمان شکستهای بازار مثل موارد سوء استفاده کارفرما از کارگر است و البته هزینه دخالت دولت در این موارد نیز باید توجیه شده باشد. بر اساس تئوری اثربخشی اگر دخالت دولت در بازار نیروی کار اثربخش باشد، نباید پیامدهای

زیادی مثل بیکاری، خارج شدن افراد از بازار کار و رشد اقتصاد غیررسمی داشته باشد(Riglieiny– ۲۰۰۵).

قوانین کار با ارائه گزینه های جایگزین قراردادهای استاندارد، انعطاف شرایط کار و فسخ قرارداد، روابط استخدامی افراد را تنظیم می کنند. برای ارزیابی همه این جنبه ها، ۴ شاخص فرعی محاسبه می شوند: (۱) قراردادهای استخدام متنوع؛ (۲) هزینه اضافه کار؛ (۳) هزینه اخراج کارکنان و (۴) رویه های اخراج. شاخص قوانین استخدام، بیش از سایر شاخصها نشانگر هزینه نهایی برای کارفرما در صورت تخلف از یک قرارداد سختگیرانه فرضی است که در آن شرایط کار مشخص شده است و کارگر را نمی توان اخراج کرد. به این ترتیب این شاخص یک معیار سنجش حمایت از کارگران (شاغل) است و تنها نشاندهنده قوانین فرمالیته حقوقی نیست.

بررسی های بانک جهانی نشان می دهد که سهولت استخدام نیروی کار با تکیه بر سه شاخص فرعی چسبندگی استخدام، هزینه های غیردستمزدی نیروی کار و هزینه های اخراج در برخی کشورها چگونه است.

کشور	شاخص چسبندگی استخدام	هزینه های غیردستمزدی نیروی کار (درصد از حقوق)	هزینه های اخراج (هفته دستمزد)
عراق	۳۸	۱۲	۰
اردن	۳۰	۱۱	۴
عمان	۲۴	۱۱	۴
عربستان سعودی	۱۳	۱۱	۸۰
امارات	۲۰	۱۳	۸۴
یمن	۳۳	۹	۱۷
منطقه MENA	۳۳ /۱	۱۴ /۸	۵۵ /۶
کشورهای OECD	۳۰ /۸	۲۰ /۷	۲۵ /۷

جدول۶-۳: وضعیت شاخص‌های سهولت استخدام در برخی کشورها

کارفرما وقتی به استخدام کارگر و کارمند تمایل دارد که قیود قانونی زیادی نداشته باشد و هزینه زیادی برای نیروی کار متحمل نشود. دشواری استخدام، اجبارهای بیمه، فشارهای اتحادیه ها، دشواری اخراج و ... همه موجب چسبندگی یا حساسیت بیشتر شاخص استخدام و اخراج نیروی کار می شوند.

هر شاخص ارزش معادل صفر تا صد داشته و ارقام بالاتر موید انعطاف پذیری کمتر در محدوده استخدام و اخراج نیروی کار است.

نرخ بالای بیکاری از مشکلات جدی اقتصاد کشورایران است به نحویکه براساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن ۲۹۹۱ هزار نفر بیکار در جامعه وجود دارد .به عبارت دیگر نزدیک به ۱۳ درصد از جمعیت فعال ۲۳ میلیونی کشور بیکار هستند . این نرخ در مناطق شهری به ویژه در میان اقشار جوان و خاصه زنان بیشتر است. موضوعی که رهایی از آن مستلزم تقویت جانب عرضه اقتصاد یعنی افزایش تولید است. معیارهایی که در محاسبه شاخص سهولت استخدام نیروی کار در پرسشنامه های بانک جهانی مورد توجه قرار می گیرد در جدول زیر مشاهده می گردد. بر اساس این معیارها امکان ارزیابی مشکلات استخدام نیروی کار و تداوم اشتغال نیروی کار در فعالیتهای اقتصادی در کشورهای مختلف فراهم می گردد.

استخدام	قراردادهای پاره وقت	آیا اشتغال پاره وقت ممنوع است؟ آیا کارگران پاره وقت از مزایای اجباری کارگران تمام وقت محروم هستند؟ آیا خاتمه دادن به فعالیت کارگران پاره وقت نسبت به قراردادهای تمام وقت، ساده تر و کم هزینه تر است؟
	قراردادهای با سررسید معین	آیا قراردادهای سررسید معین فقط برای موارد مقطعی مجاز است؟ حداکثر طول مدت قراردادهای با سررسید معین (بر حسب ماه) چقدر است؟

شرایط شغلی	ساعات کار	حداقل استراحت اجباری روزانه چقدر است؟ حداکثر تعداد ساعات کار هفتگی چقدر است؟ تفاوت (اضافه) دستمزد برای ساعات اضافه کاری چقدر است؟ آیا برای کار در ساعات شب، محدودیتهایی وجود دارد؟ آیا برای کار در تعطیلات هفتگی، محدودیت وجود دارد؟
	مرخصی ها	تعداد روزهای مرخصی سالانه همراه با حقوق در بخش صنعت، که قانون آن را اجباری می داند، چقدر است؟ آیا پرداخت بابت تعطیلات، اجباری است؟
	حداقل دستمزد	آیا حداقل دستمزد اجباری است؟ آیا شرایط کار در قانون اساسی به صراحت ذکر شده است؟
اخراج	زمینه‌های اخراج	آیا خاتمه دادن به یک قرارداد شغلی بدون دلیل، غیرمنصفانه قلمداد می شود؟ آیا قانون فهرستی از سیاست بخش عمومی درباره زمینه های «منصفانه» برای انفصال از خدمت تهیه کرده است؟ آیا مازاد نیروی کار، دلیل مناسبی برای انفصال از خدمت تلقی می شود؟
	دستورالعمل‌های اخراج	آیا کارفرما قبل از اخراج یکی از کارکنان مازاد خود باید اطلاعیه‌ای برای شخص ثالثی تهیه کند؟ آیا کارفرما باید برای انفصال از خدمت یکی از کارگران مازاد خود، موافقت شخص ثالثی را جلب کند؟ آیا کارفرما قبل از انفصال از خدمت جمعی از کارکنان خود، باید شخص ثالثی را مطلع گرداند؟ آیا کارفرما باید برای انفصال از خدمت جمعی از کارکنان خود، موافقت شخص ثالثی را جلب نماید؟

		آیا قانون، آموزشهای شغلی یا جانشین کردن افراد دیگری را قبل از انفصال از خدمت کارکنان، [برای کارفرما] الزامی کرده است؟ آیا قواعد حق تقدم برای انفصال از خدمت وضع شده است؟ آیا قواعد حق تقدم برای اشتغال مجدد [افراد منفصل از خدمت] وضع شده است؟
	اخطاریه و تاوان انفصال از خدمت	طول مدت اخطار اجباری برای کارکنان دارای ۲۰ سال سابقه، از لحاظ قانونی چه میزان (چند هفته) است؟ میزان غرامت انفصال از خدمت، برای کارکنان دارای ۲۰ سال سابقه خدمت، چند برابر دستمزد کامل ماهانه آنهاست؟
	امنیت شغلی	آیا حق امنیت شغلی در قانون اساسی ذکر شده است؟

جدول۷-۳: معیارهای محاسبه شاخص سهولت استخدام نیروی کار در پرسشنامه بانک جهانی

منبع: پایگاه داده های «کسب و کار»

۳.۶.۴- ثبت مالکیت

شاخص سهولت ثبت حقوق مالکیت در برگیرنده تعداد مراحل و همچنین هزینه های مترتب بر ثبت مالکیت می باشد. هر چه این مراحل کمتر و هزینه های مربوط به آن نیز کمتر باشد موجب تشویق فعالان اقتصادی می گردد و هر چه زمان و هزینه های مربوط به آن بیشتر باشد به عنوان مانعی فراروی سرمایه گذاران و فعالان اقتصادی است.

در محاسبه این شاخص توسط بانک جهانی در پروژه کسب و کار، پروسه کامل خرید یک زمین و ساختمان و انتقال حق مالکیت آن از یک فرد به فرد دیگر به عنوان یک نمونه از کل فرآیند ثبت مالکیت و برخورداری از حقوق مالکیت برای سرمایه گذاران و کارآفرینان تعریف می شود. این انتقال باید به گونه ای باشد که خریدار بتواند از این اموال برای توسعه تجارت خود به عنوان وثیقه جهت اخذ تسهیلات و یا فروش آن استفاده نماید.

فرآیند ثبت مالکیت لاجرم بایستی مراحل زیر را طی کند: استعلام اولیه در مورد املاک مورد نظر از نهادهای ثبت املاک و مستغلات، سپس اخذ گواهی مفاصا حساب مالیاتی، بررسی صورت مالیاتی املاک مورد نظر، اخذ گواهی پرداخت عوارض نوسازی ساختمان و گواهی اشتغال و تسویه حساب بیمه و اخذ گواهی تسویه حساب تامین اجتماعی از نهادهای ذی ربط. پس از آن خریدار املاک باید مالیات نقل و انتقال زمین را بپردازد و به دفاتر رسمی تهیه و گواهی سند، مراجعه کرده، سند خود را ثبت نماید.

برای محاسبه و تعیین این شاخص همانطور که گفته شد تعداد مراحل و زمان لازم برای طی کردن این مراحل مبنای ارزیابی قرار می گیرد. جدول زیر نشاندهنده وضعیت کشورهای برتر منطقه و جهان و همچنین متوسط منطقه MENA و OECD در سال ۲۰۱۰ می باشد.

شاخص ثبت مالکیت	عربستان سعودی	منطقه MENA	عربستان سعودی (برتر جهان)	منطقه OECD
تعداد مراحل	۲	۶ /۱	۲	۴ /۷
مدت انجام (روز)	۲	۳۶ /۱	۲	۲۵ /۰
هزینه(درصد از ارزش ملک)	۰	۵ /۷	۰	۴ /۶

جدول ۸-۳: وضعیت کشورهای جهان در شاخص ثبت مالکیت

منبع: گزارش Doing Business ۲۰۱۰

۳.۶.۵- اخذ اعتبار

شاخص اخذ اعتبار معیارهای مربوط به آگاهی افراد نسبت به اعتبارات و وضعیت ثبت و مبادله اطلاعات مربوط به اعتبارات و حقوق قانونی وام‌گیرندگان و وام دهندگان را اندازه‌گیری می‌کند.

این شاخص با استناد به تئوریهای قدرت وام دهنده یا حمایت نظام حقوقی از وام دهنده (power of creditors) و موسسات ثبت اطلاعات اعتباری (Information of credit) که نقش اساسی در تمایل وام دهندگان به اعطای اعتبار دارد و تأثیر زیادی بر نسبت اعتبارات خصوصی به **GDP** کشور دارد، محاسبه می شود.

شاخص اخذ اعتبار دو حوزه زیر را شامل می‌شود:

الف- حقوق قانونی؛

نشان می دهد که چگونه قوانین خوب در حوزه دریافت تسهیلات، ورشکستگی و وثایق ، حقوق وام دهنده و وام گیرنده را تامین و اعطای اعتبار را تسهیل می‌کند. این شاخص درجه حمایت قوانین وثیقه و ورشکستگی از حقوق وام گیرندگان و وام دهندگان و آثار آن در تسهیل وام دهی را اندازه گیری می کند. در محاسبه این شاخص مجموعاً ۱۰ ویژگی مورد بررسی قرار می گیرد که از این میان ۷ ویژگی ناظر بر قانون وثایق و ۳ ویژگی مرتبط با قانون ورشکستگی است. به هر یک از این ویژگی ها یک امتیاز تعلق می گیرد. بنابراین دامنه این شاخص از صفر تا ۱۰ می باشد و امتیاز بالاتر به مفهوم آن است که قوانین جهت ارائه تسهیلات به نحو مناسبی طراحی شده اند.

ب- اطلاعات اعتباری ؛

وضعیت ثبت، به اشتراک گذاری و کیفیت اطلاعات اعتباری افراد (حقیقی و حقوقی) و مبادله این اطلاعات بین موسسات مالی و دفاتر (دولتی و غیردولتی) همچنین میزان دسترسی بخشهای عمومی و خصوصی به اطلاعات وامها وضعیت ثبت اطلاعات اعتباری را نشان می‌دهد.

این شاخص معیارهای مربوط به آگاهی افراد نسبت به اعتبارات و حقوق قانونی وام دهندگان و وام گیرندگان را در برمی گیرد. این شاخص بین صفر تا ۶ بوده و ارقام بالاتر مبین دسترسی بهتر بخش های عمومی و خصوصی به اطلاعات اعتباری می باشد.

دو نوع از نهادها، موجب بسط دسترسی به اعتبار وبهبود تخصیص اعتبارات می شود: مؤسسات یا ادارات ثبت اطلاعات اعتباری وحقوق اعتبار دهنده و مجموعهٔ قوانین «معاملات وثیقه ای و ورشکستگی هر کشور» که در دسترس همگان قرار گیرد.

دولتها برای مطمئن ساختن بستانکاران از دریافت مطالباتشان چه کاری می توانند انجام دهند؟ تدوین قوانین مناسب درمورد عملکرد ادارات اعتباری خصوصی، نقطهٔ شروع و اقدام تعیین کننده ای است. برطرف نمودن موانع حقوقی تبادل اطلاعات اعتباری، از طرف بانک مرکزی، طراحی مناسب قوانین حمایت از مصرف کننده و قوانین حریم خصوصی، مشارکت و بهره گیری صحیح از اطلاعات اعتباری معتبر را تشویق می کنند. طراحی دستگاههای ثبت اعتبار وسعت پوشش بازار اعتباری و قوانین مربوط به جمع آوری، توزیع وکیفیت اطلاعات در میزان مطلوبیت و اثربخشی و همچنین افزایش اطمینان نقش موثری دارد.

جدول زیر وضعیت مربوط به شاخص اخذ اعتبار و همچنین عوامل موثر بر سهولت اخذ اعتبار را در کشور انگلستان که دارای رتبه اول در جهان می باشد نشان می دهد.

حوزه شاخص	دفاتر خصوصی ثبت وضعیت اعتباری مشتریان	دفاتر دولتی ثبت وضعیت اعتباری مشتریان	شاخص
اطلاعات اعتباری			۶
آیا اطلاعات مربوط به اعتبارات اعطایی به اشخاص و بنگاه ها مشخص است؟	بلی	خیر	۱
آیا اطلاعات مثبت و منفی اعتباری قابل دسترسی است؟	بلی	خیر	۱
آیا اطلاعات ثبت شده اعتباری در خصوص خرده فروشان اعتباردهندگان تجاری یا شرکت های عام المنفعه به مانند موسسات مالی انتشار می یابد؟	بلی	خیر	۱
آیا اطلاعات اعتباری بیش از ۲ سال شرکت ها و افراد منتشر می شود؟	بلی	خیر	۱
آیا اطلاعات مربوط به وام های اخذ شده با میزان کمتر از یک درصد درآمد سرانه منتشر می شود؟	بلی	خیر	۱
آیا تضمینی وجود دارد که به لحاظ قانونی وام گیرندگان قادر باشند وضعیت اطلاعات وام خود را از شعبه مرکزی موسسه اعتباری	بلی	خیر	۱

حوزه شاخص	دفاتر خصوصی ثبت وضعیت اعتباری مشتریان	دفاتر دولتی ثبت وضعیت اعتباری مشتریان	شاخص
پیگیری کنند؟			
پوشش	۸۴ /۶	۰	
تعداد اشخاص	۳۴۴۳۲۲۰۰	۰	
تعداد بنگاه ها	۷۴۳۶۸۷۰	۰	۱۰
شاخص حقوق قانونی			
آیا قانون اجازه می دهد که تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی در توافقات وثیقه ای مشترک وارد شوند؟			بلی
آیا قانون اجازه می دهد که انواع دارایی ها به عنوان وثیقه پذیرفته شوند؟			بلی
آیا قانون اجازه می دهد که انواع بدهی (به مفهوم عام) ایجاد و تضمین شود؟			بلی
آیا رویه متحدالشکلی برای تمامی حقوق مربوط به وثیقه در دارایی های منقول وجود دارد؟			بلی
آیا اعتباردهندگان بیمه شده به هنگام ورشکستگی شرکت نسبت به سایر طلبکاران در اولویت تام می باشند؟			بلی
در حین سازماندهی مجدد، آیا مطالبات وام دهندگان بیمه شده نسبت به تحت حکم قرار گرفتن خودکار استثنا می شوند؟			بلی
در حین سازماندهی مجدد، آیا کنترل مدیریت شرکت بر دارایی های شرکت به حالت تعلیق درمی آید؟			بلی
آیا قانون این اجازه را می دهد که افراد بر سر دادرسی و التزام به حکم صادره خارج از دادگاه به توافق برسند؟			بلی
آیا افراد بدون هیچ محدودیتی قادر هستند در تصمیم قضایی به حکم بیرون از دادگاه متوسل شوند؟			بلی

جدول ۹-۳ : شاخص اخذ اعتبار در انگلستان منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

دو دیدگاه عمده در مورد عوامل تعیین کننده میزان اعتبار خصوصی که یک نظام مالی به افراد و شرکتها می دهد، وجود دارد. بر اساس دیدگاه اول عامل موثر بر وجود اطمینان در اعطای وام، قدرت وام دهنده است. اگر وام دهندگان بتواند به راحتی وام خود را بازپس بگیرند و حتی در صورت عدم باز پرداخت بتوانند در مقابل وام خود سرمایه وام گیرنده را تصاحب کنند، تمایل بیشتری به پرداخت وام خواهند داشت. گرفتن وثیقه از وام گیرندگان نقش عمده ای در ایجاد این اطمینان و دریافت وام ایفا می کند. کشورهایی که حمایتهای قانونی محکمتری از اعتبار دهندگان دارند بازار استقراضی بزرگتر و نرخ سرمایه گذاری و رشد بهره وری بیشتری دارند.

بر اساس دیدگاه دوم، عامل اثرگذار بر تمایل به اعطای وام، اطلاعات است. حضور مؤسسات خصوصی ومؤسسات دولتی ثبت اعتبار به کاهش تفاوت نرخ های سود سپرده گذاران و سود تسهیلات می انجامد. (Jankove– ۲۰۰۶) برقرار کردن مقررات و انگیزه های مناسب، به منظور تسهیل شکل گیری نهادها و موسسات مالی و اعتباری خصوصی، گام اول در دسترسی هر چه بیشتر افراد به اعتبارات است.

حمایت حقوقی از اعتبار دهندگان را می توان با اصلاح قانون وثیقه ها بهبود بخشید: استفاده از شیوه های خارج از دادگاه ورجوع به اشخاص حقیقی و حقوقی مرضی الطرفین و یا استفاده از رویه های قضایی شفاف اختصاری، حذف موانعی که بر سر راه استفاده از دارایی ها به عنوان وثیقه وام ها وجود دارد، تقویت حقوق اعتبار دهندگان در توقیف اموال در دفاتر ثبت اعتبارات، وضع قوانین شفاف در مورد حق تقدم بستانکاران از وثیقه ها و افزایش توان بستانکاران برای باز پس گیری مطالبات خود به هنگام ورشکستگی بدهکاران می تواند دسترسی به اعتبارات را افزایش دهد.(Benmelech– ۲۰۰۶)

بدون حمایت‌های قانونی در هر یک از این حوزه ها، اعتبار دهندگان یا به خاطر ریسک موجود قیمت وامها را افزایش می دهند و یا اصلاً وام نمی دهند. تأثیر کلی چنین شرایطی، کاهش دسترسی به اعتبارات است.

عدم انتشار سری زمانی مربوط به اطلاعات اعتباری شرکتها و افراد و همچنین عدم امکان دریافت اطلاعات اعتباری وام گیرندگان از نهادهای پولی و مالی توسط وام دهندگان موجب می

گردد که با کاهش شاخص اطلاعات اعتباری، دسترسی به اعتبارات ضعیف گردد. دولت می تواند با تنظیم مقررات و آئین نامه های دقیق موجبات گسترش اطلاعات اعتباری و همچنین اعطای هر چه بیشتر اعتبارات را فراهم نماید.

۳.۶.۶- حمایت از سرمایه‌گذاران (سهامداران جزء)

پروژه کسب و کار به بررسی حقوق سهامداران اقلیت در شرکتهای سهامی عام و میزان حمایت های قانونی و اجرایی از این حقوق می‌پردازد.

تمرکز این شاخص بر معاملات مدیران یک شرکت با شرکتهای دیگری است که این مدیران در آنها ذی نفع هستند. به عبارت دیگر معاملاتی که در آنها منافع مدیران با منافع شرکت در تعارض است و اینکه سهامداران اقلیت تا چه حد می‌توانند در برابر چنین معاملاتی از حقوق خود دفاع نمایند.(Hammergren- ۲۰۰۰)

در سال‌های اخیر مطالعات زیادی به مسئله کاهش و در نهایت حذف سهامداران و تصاحب دارایی شرکتها توسط مدیران پرداخته اند که روشهای مختلف سوء استفاده مدیران از قدرت خود به ضرر سهامداران را نشان می دهند. دریافتهای اضافه بر حقوق مدیران، پاداشهای بسیار بزرگ، قیمت گذاری انتقالی بین واحد های مختلف سازمان، تخصیص فرصتهای درون شرکت، فعالیتهای مالی به صورت فردی مثل دادن وام‌های شخصی یا سرقت از روشهای شناخته شده‌ای هستند که در نهایت به تضعیف حقوق سهامداران جزء در یک شرکت می انجامد.(A.Musacchio- ۲۰۰۶)

در مطالعات بانک جهانی برای تشخیص و ارزیابی این شاخص پرونده فرضی انجام یک معامله بین دو شرکت که متعلق به یک نفر هستند ارائه می شود و از حقوقدانان هر کشور خواسته می شود قوانین ناظر بر چنین معامله ای را در کشور خود از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار دهند.(Jankov- ۲۰۰۲)

در مطالعات بانک جهانی شاخص‌های زیر سه بعد از مصادیق حمایت از سرمایه گذاران را که به عنوان مکانیزم‌های جلوگیری از تضییع حقوق سهام‌داران خرد تعریف شده اند، مورد بررسی قرار می‌دهد:

۱- شفافیت معاملات[۱۷] (گستره شاخص افشاء): بر اساس این شاخص هر چقدر فعالیت های اقتصادی در یک کشور از شفافیت بیشتری برخوردار باشد امکان شکل گیری و گسترش فساد کاهش می یابد.

۲- امکان تبانی برای معامله شخصی[۱۸] (گستره شاخص مسئولیت مدیر): بر اساس این شاخص نیز هر چقدر ساز و کارها و محدوده اختیارات مدیران شرکت مشخص و معین باشد امکان نظارت و کنترل مدیران شرکت بیشتر شده و در نتیجه حقوق سهامداران بیشتر حفظ می شود.

۳- توان سهامداران برای تعقیب قانونی سوء رفتار مدیران و کارشناسان[۱۹] (شاخص سهولت دادخواست سهامداران): این شاخص بیان می دارد که در صورت مشاهده هرگونه تخلف و سوء استفاده در داخل شرکت تا چه اندازه سهامداران قادر هستند برای بررسی و پیگیری سوء استفاده از محاکم استفاده نمایند.

شاخص حمایت از سهامداران در دامنه ۰ تا ۱۰ اندازه گیری می شود. ارقام بالاتر مبین شفافیت بیشتر، مسئولیت تعریف شده تر مدیر و توان بیشتر سهامدار برای تعقیب قضایی مدیران می باشد و هر چه فضای اقتصادی کشور دارای ابهام بیشتر و مسئولیت مدیران نامشخص تر و امکان پیگیری و دادستانی کشور ضعیف تر باشد حقوق سهامداران جزء بیشتر مورد تعرض قرار می گیرد.

جدول زیر وضعیت این شاخص را در دو کشور برتر دنیا و منطقه و همچنین حوزه منطقه **MENA** و **OECD** را نشان می دهد.

---

[۱۷] Disclosure

[۱۸] Approval

[۱۹] Litigation

شاخص	عربستان سعودی	MENA	نیوزلند	OECD
اندازه شاخص افشا (۱۰-۱)	۹	۶ /۳	۱۰	۵ /۹
اندازه شاخص مسئولیت مدیر (۱۰-۱)	۸	۴ /۸	۹	۵
اندازه شاخص قدرت تعقیب قانونی سهامداران (۱۰-۱)	۴	۳ /۷	۱۰	۶ /۶
اندازه شاخص حمایت قضایی از سهامداران (۱۰-۱)	۷	۴ /۹	۹ /۷	۵ /۸

جدول ۱۰-۳ : وضعیت شاخص حمایت از سهامداران در جهان

۳.۶.۷- پرداخت مالیات

این شاخص تمام انواع مالیات‌ها و پرداخت‌های اجباری یک شرکت با اندازه متوسط به دولت و صندوق‌های بازنشستگی که در یک سال مالی در حساب‌های شرکت منعکس می‌شود و بر درآمدهای اظهار شده موثر است را محاسبه می‌کند. مالیات برارزش افزوده در حساب‌ها منعکس نمیشود اما مراحلی را بر شرکت تحمیل می‌کند. زمان صرف شده برای انجام امور مالیاتی و درصدی از سود که تحت عنوان مالیات پرداخت می شود، پارامترهای لحاظ شده در محاسبه این شاخص هستند.

هدف از تدوین این شاخص، ارزیابی تعداد مراحل، مدت زمان مورد نیاز برای پراخت و نرخ کلی مالیاتهای پرداختی است.

در مطالعات بانک جهانی اهمیت بررسی شاخص پرداخت مالیات به دلیل آثار سوء سیاستهای مالیاتی ناکارآمد بر سرمایه گذاری و کارآفرینی مورد توجه قرار گرفته است و در این بررسی ها می توان با محاسبه همه مالیاتهایی که توسط فعالان اقتصادی در یک کشور پرداخت می شود را با نمونه استانداردسازی شده یک شرکت داخلی بر اساس صورتهای مالی آن مقایسه کرد. این بررسی نشان می دهد که نظام مالیاتی حاکم بر کشور تا چه اندازه با یک نظام مطلوب

و مناسب مالیاتی فاصله دارد و در نتیجه به عنوان یک عامل محدود کننده در انجام فعالیتهای اقتصادی محسوب می شود.

به عقیده دیویس و هنرکسون (۲۰۰۴) مالیات بر درآمد بنگاهها ممکن است در بخشهای مختلف آثار متفاوتی داشته باشد و بر تخصیص منابع بین بخش رسمی و غیررسمی اثر بگذارد. بر این اساس تاثیر مالیات بر اندازه بخش غیررسمی نیز در مطالعات بانک جهانی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته های دیگر این مطالعات نشان دهنده کاهش GDP و کاهش ثبت رسمی شرکتها تحت تاثیر نظام مالیاتی نامناسب و نامطلوب می باشد.

جدول زیر وضعیت مربوط به سهولت پرداخت مالیات را در کشور برتر منطقه و برتر جهان و همچنین متوسط منطقه MENA و OECD را نشان می دهد.

شاخص	قطر	MENA	مالدیو	OECD
کل نرخ مالیات (درصد از سود)	۱۱ /۳	۳۲ /۹	۹ /۱	۴۴ /۵
تعداد پرداخت در سال تحت عنوان مالیات	۱	۲۲ /۹	۱	۱۲ /۸
کل زمان صرف شده برای پرداخت مالیات	۳۶	۲۰۴ /۳	۰	۱۹۴ /۱

جدول ۱۱-۳ : وضعیت سهولت پرداخت مالیات در جهان

منبع: گزارش Doing Business ۲۰۱۰

۳.۶.۸- تجارت فرامرزی

فرآیند فعالیت های اقتصادی منجر به صادرات و همچنین کاهش واردات در هر کشور در بهبود تراز تجاری یک کشور از اهمیت بالایی برخوردار می باشند. بنابراین هر عاملی که منجر به بهبود و افزایش صادرات و همچنین کاهش واردات شود به توسعه تجارت کشور کمک شایانی می نماید.(Vinchiniy- ۲۰۰۳)

شاخص سهولت تجارت فرامرزی کلیه مراحل مربوط به انجام صادرات از مرحله اخذ کارت بازرگانی تا صادرات نهایی کالا و همچنین کلیه مراحل مربوط به واردات کالا و عوامل

موثر بر تسریع یا کندی این مراحل و هزینه های مترتب بر آن را به عنوان مبنای تجزیه و تحلیل این شاخص مورد بررسی قرار می دهد.

در محاسبات بانک جهانی شش معیار و شاخص فرعی مبنای تعین و ارزیابی شاخص سهولت تجارت فرامرزی قرار می گیرد. هزینه های مربوط به صادرات کالا بر اساس دلار به کانتینر و همچنین تعداد اسناد مباله شده برای صادرات کالا و همچنین مدت زمان صرف شده برای انجام صادرات کالا مشخص کننده وضعیت حاکم بر نظام تجاری کشور در حوزه صادرات می باشد. بدیهی است هر چه هزینه های مربوط به صادرات، تعداد اسناد تعیین شده و همچنین زمان مورد نیاز برای صادرات کالا کمتر باشد تولید کنندگان و صادرکنندگان به انجام صادرات تشویق و ترغیب می شوند.

در خصوص واردات نیز معیارهای سه گانه هزینه واردات بر اساس دلار به کانتینر، تعداد اسناد مورد مبادله و همچنین مدت زمان لازم برای واردات کالا مبنای محاسبه و تشخیص سهولت تجارت فرامرزی در کشور می باشد.

در مطالعات بانک جهانی بر عامل زمانبندی صحیح در کاهش هزینه ها در تجارت فرامرزی بیش از عامل تعرفه های صادرات و واردات تاکید شده است.

اگرچه سنگاپور نسبت به بسیاری از کشورهای پیشرفته اقتصادی کوچک محسوب می شود لیکن توانسته است با بهره گیری از استراتژی های سنجیده، ساختار صنعتی خود را تعمیق بخشد . این کشور درایجاد زیرساخت های تکنولوژی و حمایت از صنایع کوچک و متوسط شهرت دارد. از سال ۱۹۸۶ با ایجاد "دفتر بنگاه های کوچک " به عنوان یک آژانس مشاوره ای، صنایع کوچک و متوسط را از نظر مدیریت، کارآمدی، تامین مالی، اخذ اعتبار و دریافت کمک های هماهنگ از سایر موسسات حمایت کرد. اداره توسعه اقتصادی از طریق" برنامه ارتقا صنایع داخلی " به تشویق مقاطعه کاری با بنگاه های داخلی پرداخت ، به نحوی که شرکتهای فراملیتی راغب به تامین نیاز SMEها گردیدند. به این ترتیب، پس از تقویت بنگاه ها ورفع موانع تولید و صادرات زمینه حضور فعال بخش خصوصی در داخل و خارج کشور مهیا شد.

جدول زیر وضعیت این شاخص را در کشورهای برتر منطقه و جهان و همچنین کشورهای منطقه **MENA** و **OECD** نشان می دهد.

شاخص	امارات متحده عربی	MENA	سنگاپور	OECD
هزینه صادرات (دلار / کانتینر)	۵۹۳	۱۰۳۴ /۸	۴۵۶	۱۰۸۹ /۷
هزینه واردات (دلار / کانتینر)	۵۷۹	۱۳۲۱ /۷	۴۳۹	۱۱۴۵ /۹
اسناد لازم برای صادرات (تعداد)	۴	۶ /۴	۴	۴ /۳
اسناد لازم برای واردات (تعداد)	۵	۷ /۴	۴	۴ /۹
زمان لازم برای صادرات (روز)	۸	۳۳ /۵	۵	۱۰ /۵
زمان لازم برای واردات (روز)	۹	۲۵ /۹	۳	۱۱ /۰

منبع: گزارش Doing Business ۲۰۱۰

در نظام تجاری کشورهای جهان استفاده از ابزارها و روشهای جدید مانند به رسمیت شناختن امضاء الکترونیکی در اسناد واردات و صادرات، پذیرش پست الکترونیکی، تسهیل در فرآیندهای بازرسی، ارزیابی و ترخیص می تواند به بهبود این شاخص کمک فراوانی نماید.

۳.۶.۹- انحلال یک فعالیت

شاخص انحلال فعالیت میزان قوت و ضعف کانون ورشکستگی و تنگناهای اداری مربوط به فرآیند ورشکستگی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد زیرا یک سیستم سالم و توانمند در تشخیص و اعلام ورشکستگی این امکان را فراهم می نماید که شرکتهای قابل دوام و حیات

نجات یافته و تنها شرکتهایی به فعالیت خویش خاتمه دهند که امکان دوام حیات آنها وجود نداشته باشد.

برای تشخیص و تعیین شاخص پایان کسب و کار، بانک جهانی به بررسی یک شرکت داخلی میپردازد که پس از اعلام ورشکستگی، برای طی فرآیند قانونی و تسویه بدهی های معوقه و در نهایت تعطیلی شرکت می بایست در طی مدت زمانی با صرف هزینه هایی به فعالیت خویش پایان دهد. شرکت مذکور دارای بستانکارانی است که به منظور وصول مطالبات معوق خود، باید متحمل خسارت ناشی از زمان طولانی تسویه گردند. شاخص موردنظر مبین میزان قدرت و ضعف قانون ورشکستگی و طی کردن فرآیندهای آن در کشورهاست. از سوی دیگر این شاخص نحوه دسترسی سریعتر بستانکاران به مطالبات خود از شرکت ورشکسته را بررسی مینماید.

در واقع وجود یک سیستم سالم اعلام ورشکستگی، این امکان را فراهم می نماید که بنگاههایی که امکان احیا و نجات را دارند، از مابقی که لازم است به فعالیت خود خاتمه دهند، متمایز شوند. هنگامی که فرآیند ورشکستگی کارآمد باشد دسترسی به اعتبار خارجی نیز آسانتر وارزانتر است. تجربه بحران اقتصادی بازارهای نوظهور در دهه ۱۹۹۰ این آموزه ارزشمند را به دنبال داشت که یک سامانه اعلام ورشکستگی موفق تا چه اندازه می تواند مفید باشد. قوانین اعلام ورشکستگی ناکارا به فضای سرمایه گذاری لطمه می زنند. در چنین فضایی ریسک و هزینه مطالبات معوق بانکی به جهت اطاله دادرسی افزایش می یابد. اعلام ورشکستگی در یک فرآیند غیرکارا باعث می شود سرمایه انسانی و دارایی های کسب و کارهایی که امکان حیات ندارند، برای سالها بلاتکلیف بوده و امکان تخصیص مجدد و یا استفاده در مصارف کارآمدتر از آنها سلب شود.(Feldmann– ۲۰۰۶)

بانک جهانی برای محاسبه این شاخص از سه پارامتر «زمان»، «هزینه» لازم برای اعلام ورشکستگی و «نرخ بازستانی» استفاده می کند که هر یک از پارامترها به مفهوم زیر است :

زمان: مدت زمان مورد نیاز برای اعلام ورشکستگی، تسویه کامل بدهیها و مطالبات شرکت ورشکسته و خاتمه دادن به فعالیت شرکت است.

هزینه: عبارتست از هزینه دادخواهی و سایر هزینه هایی که توسط شرکت ورشکسته بایستی برای طی کردن مراحل مختلف پرداخت گردد.

نرخ بازستانی: درصدی از مطالبات است که توسط بستانکاران شرکت ورشکسته قابل وصول است . (همایش بررسی دستاوردهای پروژه کسب و کار در ایران)

قرارداد وام یکی از مفید ترین قراردادها در هر اقتصادی است زیرا بنگاهها را قادر به تامین مالی سرمایه گذاری ها می کند و به افراد در تامین مصارف کمک می کند. اما برای بازپرداخت وام نیز مثل هر قراردادی باید ضمانت اجرایی وجود داشته باشد. جوامع مختلف برای این منظور مکانیزمها یا نهادهای حقوقی بوجود می آورند که به طلبکاران اجازه می دهند در صورت عدم وصول طلب خود، بدون توسل به زور دارایی های بدهکار را ضبط کنند. بعضی از نهادهای ضمانت وام برای مسدود کردن دارایی و اخذ طلب خویش نیاز به دادگاه ندارند. اما در مورد بنگاه هایی که بیش از یک طلبکار دارند بیشتر جوامع کار را از طریق ورشکستگی به دادگاه ارجاع می دهند. هر چه قوانین و ساز و کارها برای وصول مطالبات طلبکاران پس از پایان فعالیت دقیق تر، شفاف تر و کارآمدتر باشد، تأمین منابع مالی برای شرکتها آسانتر است.

هدف اصلی از ورشکستگی به حداکثر رساندن کل ارزش دریافتی های اعتبار دهندگان، سهامداران، کارکنان وشرکای دیگر است. و هدف دوم بازسازی فعالیت های قابل ترمیم و فروش فعالیت های غیر قابل ترمیم می باشد و هدف سوم انتقال تدریجی و آرام و حساب شده بر اساس اولویت دعاوی بین بخشهای موفق و ناموفق یک شرکت به منظور کاهش مخاطره های سرمایه گذاران است.

نهادهای مربوط به ورشکستگی بویژه در کشورهای در حال توسعه عموما عملکرد ضعیفی دارند. در مطالعه بانک جهانی به نهادهای متولی امور ورشکستگی در کشورهای مختلف پرونده فرضی یک بنگاه در آستانه ورشکستگی داده می شود. این بنگاه یک هتل با تعداد مشخصی کارمند، سرمایه و ساختار مالکیت مشخص است که ارزش آن به صورت یکپارچه و در صورت فروش قطعه قطعه تعیین شده است. ارزش بنگاه بر اساس درآمد سرانه هر کشور نرمالیزه می شود. پاسخ دهندگان در مورد احتمال عدم پرداخت بدهی از طرف این هتل فرضی و روند وصول طلب توضیح می دهند.

در مطالعات بانک جهانی از متخصصان روند ورشکستگی خواسته می شود رویه انحلال فعالیت بدهکار را تشریح کنند تا مشخص شود در هر کشور از کدامیک از رویه های توقیف ، تسویه و یا فعال سازی مجدد استفاده می شود. زمان و هزینه رویه مورد نظر محاسبه می شود

و ویژگیهای حقوقی و اقتصادی هر رویه مطالعه می شود تا به کارآمدترین رویه از نظر اقتصادی برسیم.

در بسیاری موارد هنگام ورشکستگی به دلیل ناکارآمدی نهادها حدود نیمی از ارزش هتل فرضی از بین می رود. یافته های محققان بانک جهانی همچنین نشان می دهند این شاخص همبستگی زیادی با درآمد سرانه و منشا حقوقی هر کشور دارد و نشانگر امکان توسعه بازار اعتباری کشورها می باشد.

مسدود کردن دارایی بدهکار بر اساس قرارداد وقتی تنها یک طلبکار وجود دارد بدون نیاز به دادگاه و اعلام ورشکستگی موجب حداکثر کارایی نتیجه می شود. در کشورهای فقیرتر و با منشا حقوق فرانسوی برای طلبکار عمده، اولویت در نظر گرفته نمی شود. توقیف وقتی کارایی دارد که وثیقه، کل کسب و کار بدهکار باشد نه قسمتی از آن. (Jankov– ۲۰۰۸)

قانون ورشکستگی باید متناسب با درآمد و ظرفیت های نهادی هر کشور باشد. اگر نظام قضایی ناکارآمد باشد، بهتر است منابع موجود، صرف نظام های پیچیده ورشکستگی نشود. در قانون معاملات وثیقه ای و قراردادها، حقوق سهامداران بدون وثیقه مانند تامین کنندگان، مسئولین مالیات و کارکنان نیز باید در نظر گرفته شود.

رعایت ترتیب وحق تقدم در رسیدگی به دعاوی و ثبات آن نیز به دو دلیل مهم است. اولاً اعتبار دهندگان اولویت دار، در صورتی که از تقدم دریافت مطالبات خود به هنگام بروز ورشکستگی شرکت– مطمئن نباشند، وام نخواهند داد. دوم اینکه وجود اولویتهای متفاوت در درون و برون سیستم ورشکستگی می تواند منجر به انحراف انگیزه ها شود و بعضی از اعتبار دهندگان را ترغیب کند که با تلف کردن منابع، تسریع در باز پرداخت طلب ایشان یا تسریع در اعلام ورشکستگی را به مدیران شرکت، القا کنند.

بانک جهانی در پروژه Doing Business برای بررسی این شاخص از متغیرهای زمان لازم برای خاتمه فعالیت، هزینه های صرف شده برای تسویه حسابها و نرخ بازستانی طلبکاران از شرکت ورشکسته استفاده می کند.

جدول زیر وضعیت این شاخص را در کشورها برتر منطقه و جهان و همچنین متوسط کشورهای منطقه MENA و OECD را نشان می دهد.

شاخص	بحرین	MENA	ژاپن	OECD
زمان (سال)	۲ /۵	۳ /۵	۰/۶	۱ /۷
هزینه (درصد از ارزش ملک)	۱۰	۱۴ /۱	۴	۸ /۴
نرخ بازستانی (سنت از یک دلار)	۶۳ /۲	۲۹ /۹	۹۲ /۵	۶۸ /۶

جدول ۱۳-۳:وضعیت شاخص انحلال فعالیت در جهان

منبع: گزارش ۲۰۱۰ Doing Business

همانگونه که مشاهده می شود هر چه زمان و هزینه مربوط به این فرآیند کمتر و نرخ بازستانی بیشتر باشد نشاندهنده مطلوب بودن شاخص سهولت انحلال یک فعالیت می باشد.

۳.۶.۱۰- الزام‌آور بودن قراردادها

بانک جهانی در پروژه کسب و کار به بررسی کارآمدی سیستم قضایی یک کشور در حل و فصل اختلافات تجاری به عنوان یکی دیگر از شاخص های مورد نظر خود می‌پردازد. در این بررسی زمان، هزینه و تعداد مراحل مورد نیاز برای رسیدگی به یک دعوی، صدور رأی در مورد آن و اجرای رأی صادره را مورد بررسی قرار می‌دهد

اطلاعات این شاخص از طریق بررسی قوانین آئین دادرسی مدنی و دیگر قوانین مربوط به آئین رسیدگی در دادگاه‌ها و پرسشنامه‌هایی که توسط حقوقدانان محلی متخصص در این زمینه تکمیل شده، گردآوری شده است.

این شاخص مبین میزان کارایی قراردادها در هنگام بروز دعاوی حقوقی میان اشخاص حقیقی و حقوقی می باشد. آنچه مسلم است یک نظام دادرسی و حل اختلاف کارآ به صاحبان کسب و کار این اطمینان را می دهد که دامنه تعامل خود را گسترش داده و به مشتریان و تامین کنندگان مالی جدید روی آورند. قطعا تحت چنین شرایطی ضمن کاهش هزینه های معاملاتی، برای بنگاهها امکان توسعه فعالیت و تغییر فضا از جو عدم اطمینان به فضای اعتماد و همکاری بیشتر فراهم می شود. اما وقتی دادگاهها کارآمد نباشد معاملات کمتر و فقط بین گروههای کوچک که به هم اعتماد دارند انجام می پذیرد.

برای تعیین و تشخیص این شاخص سه فاکتور مهم برای سهولت هرچه بیشتر در اجرای قراردادها مورد توجه قرار گرفت:

تعداد مراحل مورد نیاز وتصریح شده در قانون یا رویه های اجرایی دادگاه که باید بین طرفین دعوا ودادگاه طی شود.

هزینهٔ طرح دعوا- به صورت درصدی از درآمد سرانه – که در خلال حل و فصل دعوا صرف می شود و شامل هزینه های دادگاه، دستمزد وکیل مدافع و پرداخت به متخصصان دیگر است.

زمان لازم برای حل وفصل دعوا، از موقع طرح دعوی توسط شاکی در دادگاه تا زمان رفع ورجوع آن یا پرداخت بدهی.

در بسیاری از کشورهای توسعه یافته برای حل و فصل دعاوی تجاری، شوراهای حل اختلاف تخصصی مبنای رسیدگی به دعاوی است و کمتر به دادگاه های رسمی و نماینده قانونی آنان تکیه می شود.

هر چه دادگاه های رسمی دارای مقبولیت اجتماعی و کارآمدی بیشتر باشند موجب کاهش مراحل دادرسی، کاهش زمان وکاهش هزینه می گردد در نتیجه امید به اجرای عادلانه را بیشتر می کند. کمتر بودن تعداد مراحل و هزینه های مترتب بر آن، به عدالت بیشتر و بی طرفی بیشتر در نظام قضایی منجر می گردد.(A.Musacchio- ۲۰۰۶)

به منظور افزایش شفافیت اذهان عمومی وپاسخگویی و ایجاد اعتماد هر چه بیشتر به نظام قضایی، به سیستم های اطلاعاتی وآماری قضایی نیاز است تا اطلاعات مربوطه علنی شده وبه اطلاع عموم برسد. به کارگیری رویه شفاهی، ساده سازی فرآیند صدور اخطاریه، محدود کردن تعداد و زمان استینافها، کاهش یا حذف ضرورت صدور اخطاریه قانونی ودست آخر، ساده سازی قوانین مربوط به ارایهٔ شواهد موجب کاهش زمان وهزینه حل وفصل دعاوی می شود.

جدول زیر وضعیت شاخص الزام آور بودن قراردادها را در کشورهای برتر جهان و منطقه و همچنین متوسط کشورهای **MENA** و **OECD** را در بررسی های بانک جهانی در سال ۲۰۱۰ نشان می دهد.

شاخص	یمن	MENA	لوکزامبورگ	OECD
فرآیند قانونی (تعداد)	۳۶	**۴۳ /۳**	۳۶	۳۰ /۶
زمان لازم برای دادرسی (روز)	۵۲۰	۶۷۹ /۹	۳۲۱	۴۶۲ /۴
هزینه (درصد از ارزش مورد دعوی)	/۵ ۱۶	۲۳ /۷	۹ /۷	۹ /۲

جدول ۱۴-۳ : وضعیت شاخص الزام آور بودن قراردادها در جهان

منبع: گزارش Doing Business ۲۰۱۰

همانگونه که مشاهده می گردد هر چه تعداد فرآیندهای قانونی رسیدگی به دعاوی و زمان مربوط به این رسیدگی و هزینه های مترتب بر ان کمتر باشد، بیانگر وضعیت بهتر و مطلوبتری می باشد.



فصل چهارم : فضای کسب و کار در ایران

فصل چهارم : فضای کسب و کار در ایران

۴.۱- مقدمه

در فصل‌های گذشته تبیین شد که ایجاد یک کسب و کار فرآیندی است که عوامل گوناگونی بر آن اثر می‌گذارد. این عوامل طیف وسیعی از زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در بر می‌گیرند. از آنجا که ایجاد کسب‌وکارهای گوناگون، که نیازهای جامعه را پوشش می‌دهد، زمینه‌ساز توسعه عمومی کشور و ارتقاء سطح زندگی افراد جامعه است، پرداختن به عوامل مؤثر بر ایجاد و توسعه کسب‌وکارها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود.

در ادبیات اقتصادی محیط کسب‌وکار مجموعه ساز و کارها، ساختارها و روابط و مناسباتی است که بر عملکرد بنگاه تاثیر می‌گذارد در حالی که سرمایه‌گذار یا کارآفرین به عنوان یک فعال اقتصادی به تنهایی توانایی اثرگذاری مورد نیاز بر این عوامل و ساختارها را ندارد. این عوامل از دلایل اصلی رونق یا رکود در اقتصاد هر کشور می‌باشند. چشم‌انداز موجود از محیط کسب و کار در هر کشور، عامل تشویق و ترغیب فعالین اقتصادی یا دلسردی و عقب‌نشینی آنها در ورود به عرصه کسب‌وکار (ایجاد و توسعه بنگاه‌های اقتصادی) می‌باشد.

فراهم بودن زمینه فعالیت برای عوامل اقتصادی در طول تاریخ همواره به عناوین مختلف مطرح بوده و در مباحث اقتصادی هر روز عنوانی به خود گرفته است. اما به طور کلی همیشه این دغدغه وجود داشته است که چگونه می‌توان زمینه رشد و موفقیت فعالیت‌های اقتصادی را روز به روز مهیاتر نمود. طی سالیان اخیر این موضوع تحت عنوان "محیط (فضای) کسب و کار" توسط نهادهای بین‌المللی با محوریت بانک جهانی مورد توجه جدی قرار گرفته‌است.

واژه فضای کسب و کار در ادبیات اقتصادی قدمت زیادی ندارد اما مفهوم فضای کسب و کار و بهبود آن که در بر گیرنده مجموعه عوامل محیطی برون‌زا و درون‌زا در یک فعالیت اقتصادی می‌باشد از دیر باز مورد توجه صاحب نظران اقتصادی بوده است. کلیه صاحب‌نظران، در چارچوب مکاتب اقتصادی در کشورهای مختلف، کوشیده‌اند که در انجام تجزیه و تحلیل‌ها، نقش عوامل محیطی را در موفقیت و عدم موفقیت‌ها مورد توجه قرار دهند.

بسته به اینکه مکاتب اقتصادی را در کجای طیف، از اقتصاد کاملا آزاد رقابتی مبتنی بر مکانیزم قیمت‌ها (اقتصاد کلاسیک) تا اقتصاد کاملا بسته و دولتی مبتنی بر اقتصاد دستوری (اقتصاد مارکسیسم)، در نظر بگیریم، محیط بیرونی و درونی کلیه بنگاه‌ها و بخش‌های اقتصادی تحت تاثیر عوامل مختلفی شکل گرفته و بر فعالیت‌های اقتصادی تاثیر می‌گذارند. بویژه نوع، میزان و نحوه دخالت دولت در عرصه فعالیت‌های اقتصادی نقش بسیار تعیین کننده‌ای بر سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های فعالان اقتصادی دارد.

امروزه مقایسه شاخص‌هایی که نشانگر عملکرد این عوامل هستند با وضعیت حاکم بر سایر جوامع و کشورها برای فعالان اقتصادی اهمیت بسیار زیادی دارد؛ اما اگر در محاسبه این شاخص‌ها وحدت رویه‌ای حاکم نباشد امکان مقایسه میان شاخص‌ها به حداقل می‌رسد و در نتیجه نمی‌توان به ارزیابی وضعیت کشورها نسبت به یکدیگر پرداخت. برای پرهیز از این چندگانگی در ارزیابی وضعیت شاخص‌ها و قضاوت میان کشورها بانک جهانی کوشیده است از شاخص‌های استاندارد شده‌ای استفاده کند و با یک رویه ثابت به محاسبه آنها بپردازد. گزارش‌های بانک جهانی که از سال ۲۰۰۴ تاکنون بصورت سالانه منتشر می‌شود در صدد است که این امکان را برای فعالین اقتصادی فراهم نماید.

پیش از تمرکز بانک جهانی بر مفهوم بهبود فضای کسب و کار، محور مباحث مطرح شده توسط بانک جهانی خصوصا در دهه‌های پایانی قرن بیستم مباحث مربوط به خصوصی‌سازی و کوچک‌سازی دولت بود زیرا از نظر مدیران و صاحب‌نظران بانک جهانی، کوچک‌سازی دولت‌ها و انجام خصوصی‌سازی در کلیه کشورها زمینه‌ساز تحولات اساسی در اقتصاد آنهاست و لذا لازم است که این سیاست توسط کلیه کشورها مورد توجه قرار گیرد. رویکرد کشور چین در مسئله خصوصی‌سازی زمینه ساز طرح مباحث جدیدی پیرامون این مسئله گردید(Haggard– ۲۰۰۵).

بانک جهانی که از متولیان اصلی اصلاحات اقتصادی با محوریت خصوصی‌سازی در جهان به شمار می‌رود با تغییر رویکرد خود از تمرکز بر بحث خصوصی‌سازی به چگونگی بهبود محیط کسب‌وکار موجب گردید که با توجه به تجربیات موفق سالیان اخیر کشور چین و دیگر کشورهایی که همراه خصوصی‌سازی و با تکیه بر اصلاح موانع محیطی راه را برای کارآفرینان هموار کرده‌اند، زمینه رشد را برای دیگر کشورها نیز فراهم آورد.

بر اساس رویکرد جدید در بررسی انجام و تداوم فعالیت‌های اقتصادی در کشورهای مختلف علاوه بر عوامل تکنیکی و درون‌زا عوامل بسیاری بر محیط تاثیرگذار هستند که همواره مورد توجه سرمایه‌گذاران و فعالین اقتصادی بوده‌اند. مناسب بودن این عوامل موجب تشویق و ترغیب فعالان اقتصادی در انجام

فعالیت‌های اقتصادی می‌شوند. در ابتدا برای درک اهمیت عوامل مورد توجه سرمایه‌گذاران و فعالین اقتصادی و برای درک بهتر از رفتار فعالین عرصه‌های اقتصادی می‌توان به این مثال توجه کرد که با توجه به اصلاحات صورت گرفته در اتحادیه اروپا برای افزایش رقابت در میان کشورهای عضو، کارآفرین مقیم یکی از کشورهای اروپایی می‌تواند شرکت خود را در هر یک از کشورهای عضو اتحادیه اروپا که موقعیت بهتری برای او ایجاد کند به ثبت برساند. بنابر وجود ساز و کارهای روان و متناسب ۱۵۰۰۰ بنگاه اقتصادی آلمانی به جای ثبت شرکت خود در آلمان که هزینه بسیار زیادی را متوجه او می‌کند با ثبت شرکت در لندن با سرمایه مورد نیاز یک پوند نسبت به کشور آلمان در هزینه‌های اسناد رسمی و سایر هزینه های مربوط به راه‌اندازی یک فعالیت اقتصادی صرفه جویی می‌کنند(خیرخواهان، گزارش بانک جهانی،۲۰۰۶).

مثال فوق تنها یک مورد از مجموعه عوامل مورد توجه برای سرمایه‌گذاران و فعالین اقتصادی را در دو کشور مقایسه نموده است که هر چند این عوامل به صورت مستقل و مستقیم در شاخص‌های مربوط به فضای کسب و کار که توسط بانک جهانی ارزیابی می‌شوند قرار ندارد، اما علاوه بر آن موارد بسیار زیادی نیز وجود دارند که حتی در شاخص‌های مربوط به محاسبه فضای کسب و کار نیز مورد توجه قرار نگرفته‌اند اما بر تصمیم‌گیری و اقدامات سرمایه‌گذاران مؤثر می‌باشند که به چند مورد آن به اختصار اشاره می‌شود(B.Malligan- ۲۰۰۵)

۱- **ظرفیت محیط:** مقصود از ظرفیت محیط "غنی بودن" یا "فقیر بودن" محیط، یا سطح و میزان منابعی است که در دسترس بنگاه قرار می‌گیرد. در محیط غنی، بنگاه‌ها به منابع بیشتری دسترسی دارند؛ این محیط‌ها سازمان‌های بسیاری را به خود جذب می‌کنند. در محیط‌های غنی (در مقایسه با محیط‌های فقیر) سازمان‌ها کمتر درصدد انباشتن، انبار کردن یا تجمیع منابع بر می‌آیند. محیط‌های فقیر موجب تشدید رقابت می‌شوند و باعث می‌گردند که سازمان‌ها منابع را انبار کنند؛ این محیط‌ها بر سازمان‌ها فشار می‌آورند تا در زمینه به کارگیری و استفاده نمودن از منابع با راندمانی بالا عمل کنند.

۲- **محیط پایدار و ناپایدار:** مقصود از محیط پایدار و ناپایدار میزان تغییر و جابجایی ارکان و عوامل تشکیل دهنده سازمان است. سازمانی که در محیط پایدار و با ثبات قرار دارد، می‌تواند کارهای خود را استاندارد کند. ولی محیط ناپایدار موجب می‌شود که سازمان نتواند امور را پیش بینی کند و در برابر این پدیده مقاومت خواهد کرد. هر یک از جنبه‌های محیط سازمان (اقتصادی، حقوقی و تکنولوژیک) می‌تواند پایدار یا ناپایدار باشد.

۳- **محیط متشنج:** مقصود از محیط متشنج این است که بین ارکان یا عوامل درونی و بیرونی سازمان نوعی رابطه متضاد و متناقص وجود دارد. در یک محیط متشنج روابط متقابل بین ارکان یا اجزای محیط بسیار آسیب‌پذیر، ناآرام و متداخل است. تغییر در هر یک از عوامل دامنه این تنش‌ها و تعارض‌ها حتی می‌تواند به حوزه‌های بیرونی سازمان نیز کشیده شود و اثرات شدیدی بر سایر عوامل دارد.

عوامل ذکر شده نمونه‌هایی است که نشان می‌دهد عوامل متعددی بر محیط کسب و کار تاثیر گذار است. اما بانک جهانی با توجه به عوامل فوق و بسیاری عوامل دیگر کوشیده است قالب واحد و یکسانی را برای ارزیابی عوامل موثر بر محیط کسب و کار تعریف و مورد سنجش قرار دهد.

بررسی‌های نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های ارزیاب در خصوص محیط اقتصادی کشورها، منحصر به بانک جهانی و شاخص فضای کسب و کار نبوده و نمی‌باشد. تاریخچه این بررسی‌ها نشان می‌دهد که در قرن بیستم نیز بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی با تمرکز بر برخی عوامل و فاکتورها کوشیده‌اند به ارائه مدلی برای ارزیابی محیط اقتصادی بپردازند که در آینده به آنها اشاره خواهد شد.

کشور ما هم سالیانی است که به این موضوع توجه لازم را نموده است به طوری که در برنامه های توسعه سوم و چهارم به این موضوع اشاراتی شده است. در برنامه سوم توسعه به اصلاح ساختار اداری و اقتصادی اشاره شده است و با توجه به تاثیر محیط مناسب کسب و کار و سهولت انجام امور برای توسعه و گسترش فعالیت‌های اقتصادی، سیاست‌گذاری‌های لازم را نموده است.

در برنامه سوم توسعه علاوه بر تأکید بر بهبود فضای کسب و کار و توانمندسازی بخش خصوصی برای اولین بار سعی شد با معرفی چارچوبی برای واگذاری سهام شرکت‌های دولتی و متعلق به دولت، مبنای سنجیده‌تری برای خصوصی‌سازی فراهم گردد که مفاد قانون مذکور در قانون برنامه چهارم توسعه تنفیذ شد.[۱]

[۱] برای نمونه می توان به ماده های ۲،۳،۹، ۴۹و ۵۹ برنامه سوم توسعه اشاره کرد.)

در برنامه چهارم توسعه نیز هم پیوندی فعال با اقتصاد جهانی و رونق بخشیدن به تجارت خارجی بخشی از اهداف بود که قانونگذار کوشیده بود به عنوان مکمل سیاست‌های تنفیذ شده برنامه سوم برای توانمندسازی بخش خصوصی و بهبود فضای کسب و کار بر آن تأکید نماید تا شرایط مطلوب برای دستیابی به رشد اقتصادی فراهم گردد(بخش اول، فصول ۱و ۲ برنامه توسعه چهارم).

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز در مواد پیشنهادی لایحه برنامه پنجم ذیل عنوان بهبود فضای کسب‌وکار و تطابق آن با سیاست‌های برنامه پنجم، علاوه بر تأکید بر موارد مطرح شده در برنامه‌های سوم و چهارم در قالب برخی پیشنهادها خواستار اصلاح قانون کار و قانون تامین‌اجتماعی و نیز تقویت پوشش‌های بیمه‌ای برای کاهش خطرات تولید و سرمایه‌گذاری به منظور بهبود فضای کسب و کار و همچنین ضرورت توجه به حق برند شده است. پالایش مستمر مقررات، رویه‌ها و دستورالعمل‌های مخل سرمایه‌گذاری و تقویت توان تولیدی از سایر پیشنهادات این مرکز برای بهبود فضای کسب‌وکار می‌باشد.

همچنین، بند «۳-۲۱» سیاست‌های برنامه پنجم توسعه، ابلاغی مقام رهبری نیز به موضوع بهبود فضای کسب‌وکار پرداخته و بر اساس آن، دولت موظف شده است با فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای ثبات اقتصاد کلان، کاهش خطرپذیری‌های اقتصادی، فراهم آوردن زیرساخت‌های لازم و ارائه مستمر آمار و اطلاعات در قالب برنامه پنجم توسعه، شرایط را برای بهبود فضای کسب‌وکار مهیا کند. مواد ۶۶ تا ۶۸ لایحه برنامه پنجم توسعه نیز زیر عنوان «بهبود فضای کسب‌وکار» پیشنهاد شده‌اند.

توجه لازم به فراهم نمودن بهبود فضای کسب و کار در طی برنامه‌های سوم و چهارم و تأکید مجدد بر آن در برنامه پنجم توسعه گویای آنست که در چند سال گذشته از نظر سیاست‌گذاری به این مقوله مهم پرداخته شده است، هر چند در عمل امکان دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده فراهم نشده است. تأملی در شاخص‌های مربوط به بخش فضای کسب و کار می‌تواند عوامل مؤثر بر این عدم موفقیت را مشخص نماید.

در این بخش ما به بررسی وضعیت کلی محیط کسب و کار در ایران می پردازیم. در ابتدا برای آشنایی بیشتر به مروری کوتاه بر کلیت موضوع ارزیابی‌های محیط کسب‌وکار و وضعیت اقتصادی می‌پردازیم، سپس کارهای تحقیقاتی که در این زمینه در کشورمان انجام گرفته‌است را بررسی و در بخش سوم موارد اصلاحی شاخص‌های سنجش محیط کسب و کار کشورمان را مرور می‌کنیم؛ در انتها ارزیابی کلی و مختصری از موقعیت کنونی ایران خواهیم داشت.

۴.۲- نحوه ارزیابی محیط اقتصادی

در عرصه جهانی مراکز و مجامع گوناگون بین‌المللی از منظرهای متفاوت به ارزیابی محیط اقتصادی کشورها و عوامل مؤثر بر موفقیت یا عدم موفقیت آنها در دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده می‌پردازند. بنیاد هریتیج، موسسه فریزر، سازمان شفافیت بین‌الملل و بانک جهانی هرکدام از منظری و با معیارهایی اقتصاد کشورها و محیط کسب و کار آنها را مورد ارزیابی قرار می‌دهند؛ اما به نظر می‌رسد مورد استنادترین و دقیق‌ترین ارزیابی توسط بانک جهانی در قالب مباحث مربوط به فضای کسب و کار (Doing Business)صورت می‌گیرد.

شاخص شفافیت بین‌المللی (Transparency International - TI)درک فساد کشورها **CPI**[۱]را بر حسب درجه فساد موجود در میان مقامات‌اداری و سیاستمداران، رتبه‌بندی می نماید. این شاخص یک شاخص ترکیبی می باشد که بر مبنای داده‌هایی در ارتباط با فساد که توسط آمارگیری از کارآفرینان و کارشناسان برجسته در سازمان‌های مختلف انجام می گیرد، محاسبه می‌شود. این شاخص منعکس کننده نظرات کارآفرینان و تحلیلگران در سراسر جهان است که شامل افرادی در درون کشور مورد ارزیابی نیز می‌باشد. شاخص درک فساد (**CPI**) بر روی فساد در بخش عمومی(شامل دولت) متمرکز شده است و فساد را سوء استفاده بخش عمومی و دستگاه‌های دولتی از منافع افراد جامعه تعریف می‌نماید. عدد این شاخص(**CPI**) بین ۰ تا ۱۰ می باشد که از مجموع نظرسنجی‌ها و ارزیابی‌ها بدست می‌آید. کشوری با کمترین نمره دارای بالاترین درجه فساد و بالعکس کشوری با بالاترین نمره دارای کمترین درجه فساد می باشد.[۲]

تأملی در این شاخص و رتبه بندی کشورهای جهان با تکیه بر این شاخص نشان می‌دهد هر چه کشورها از فساد بیشتری برخوردار باشند، محیط اقتصادی برای انجام فعالیت‌های سالم اقتصادی محدودتر بوده و انگیزه انجام فعالیت‌های مولد و مبتنی بر تولید کاهش می‌یابد زیرا فعالان اقتصادی در چنین محیطی

---

[۱] Corruption Perception Index

[۲] جهت اطلاع بیشتر به سایت مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام مراجعه فرمائید.

احساس امنیت لازم را نداشته و علاقه‌ای به گسترش فعالیت‌های اقتصادی نیز ندارند(F.Schneider-۲۰۰۶).

گسترش فساد و رونق اقتصاد پنهانی و زیرزمینی، فضای شفاف و رقابتی را از میان برده و با حذف فعالیت‌های مبتنی بر سود و رقابت، شرایط را برای برخورداری از رانت فراهم می‌نماید(Thum, Choi-۲۰۰۵)

پس از ارائه محاسبات و مباحث مربوط به فضای کسب و کار در ایران جهت تکمیل این بحث به شاخص‌های دیگری نیز توجه خواهد شد تا همگرایی هر چه بیشتر این مباحث روشن گردد. با توجه به تمرکز شاخص‌های پروژه Doing Business بر رتبه‌بندی سهولت کسب و کار و بهبود محیط کسب‌کار، در این گزارش وضعیت ایران در این شاخص‌ها بررسی می‌شود. و با ملاحظه عوامل محیطی فرامرزی در این مقایسه بر منطقه خاور میانه و شمال آفریقا تمرکز می‌شود.

در حال حاضر ارزیابی بانک جهانی بر اساس شاخص‌های ده‌گانه است. این شاخص‌ها در ابتدا محدودتر بوده‌اند و به تدریج تکمیل و تصحیح شده‌اند.

بانک جهانی بر مبنای این شاخص‌ها محیط کسب و کار را برای کشورهای جهان اندازه‌گیری نموده و کشورها را بر اساس مناسب‌ترین محیط برای شروع یک کسب و کار رتبه‌بندی می‌نماید. از اهداف بانک جهانی این است که با ارائه تجربه کشورهای پیشرو زمینه بهبود محیط را برای دیگر کشورها نیز فراهم کند.

۴.۳- بررسی شاخص‌های بانک جهانی برای ایران و مقایسه آن

تاکنون بررسی‌های متعددی در رابطه با جایگاه ایران در جدول رتبه بندی بانک جهانی صورت گرفته است. با توجه به آنکه بر اساس سند چشم انداز، مقرر شده است که ایران در سال ۱۴۰۴ یعنی پایان برنامه هشتم توسعه مقام اول کشورهای منطقه را کسب کند، در این پژوهش کوشش شده است که موقعیت کشور ایران در بین کشورهای شمال افریقا و خاورمیانه که به عنوان منطقه منا (MENA) شناخته می‌شود بررسی شود. جهت روشن‌تر شدن این وضعیت شاخص‌های مربوط به فضای کسب و کار در دو سال ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ مورد بررسی قرار گرفته است تا روند تغییرات در طی برنامه چهارم توسعه نیز لحاظ شده باشد.

در این بخش هدف ما این است که به بررسی محیط کسب و کار پرداخته و نشان دهیم کشورمان از لحاظ محیط کسب و کار در مقایسه با کشورهای MENA، جهان سوم، کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته در چه وضعیتی قرار دارد. در تمامی شاخص‌ها نشان خواهیم داد که فعالان کسب وکار با چه موانعی در دوران فعالیت خود مواجه خواهند شد و آنرا با محیط کنونی کشورمان مقایسه خواهیم نمود.

علاوه بر بررسی وضعیت فضای کسب و کار در ایران و مقایسه آن با کشورهای حوزه منا، به بررسی جایگاه ایران و مقایسه آن با کشورهای جهان نیز پرداخته شده است تا نشان داده شود که وضعیت ایران در مقایسه با گروه کشورهای توسعه‌یافته، در حال توسعه و همچنین کشورهای مشابه چگونه می‌باشد. برای مقایسه وضعیت ایران با میانگین ۵ کشور از کشورهای جهان سوم (اکراین- عراق- بنگلادش- نیجریه- پاکستان) و همچنین ۵ کشور دیگر که کشورهای رقیب و همتراز ایران هستند، به عنوان کشورهای در حال توسعه (کره جنوبی- سنگاپور- مالزی- ترکیه- امارات) و در نهایت ۵کشورکه به عنوان کشورهای توسعه‌یافته تلقی می‌شوند(فرانسه- انگلیس- ژاپن- استرالیا- کانادا)، در نظر گرفته شده‌اندکه این مقایسه امکان شناسایی نقاط قوت و مزیت‌های قابل اتکای ایران در تسریع بهبود محیط کسب‌وکار را فراهم می‌نماید.

۴.۳.۱- شاخص آغاز کسب و کار[۱]

این شاخص مجموعه فرآیندها و اقداماتی را در بر می‌گیرد که یک کارآفرین یا یک فعال اقتصادی بایستی پشت سر گذارد تا امکان آغاز فعالیت اعم از فعالیت‌های تجاری، خدماتی یا صنعتی فراهم گردد. بانک جهانی برای سنجش و ارزیابی این شاخص از چهار معیار مختلف و متفاوت استفاده می‌نماید. معیارهایی چون تعداد مراحل، زمان لازم برای پشت سر گذاشتن این مراحل بر حسب روز، هزینه مورد نیاز برای طی کردن این مراحل و همچنین حداقل سرمایه یا درصد از درآمد سرانه که یک فعال اقتصادی برای این مراحل بایستی بپردازد. این شاخص‌ها به صورت جداگانه مورد تشخیص و محاسبه قرار می‌گیرند و پس از مشخص شدن نمره هر یک از آنها، امکان رتبه‌بندی کشورها بر حسب هر یک از این شاخص‌ها فراهم می‌گردد. به ترتیب به بررسی پارامترهای فوق‌الذکر می‌پردازیم.

---

[۱] Starting a business

۴.۳.۱.۱- تعداد مراحل[۱] (شروع کسب و کار):

منظور از تعداد مراحل در شاخص شروع کسب و کار، آن تعداد موانع و مراحل قانونی است که یک سرمایه‌گذار برای آغاز کسب و کار با آنها مواجه می شود و در نتیجه بایستی با طی کردن این مراحل امکان شروع فعالیت را بدست آورد. این فرآیندها در کشورهای مختلف متفاوت می باشند اما به عنوان یک گلوگاه لازم است که فعالان اقتصادی ازآن گذر نمایند. جدول زیر به بررسی این شاخص در دو سال ۲۰۰۶و ۲۰۱۰ برای کشورهای عضو منا می‌پردازد.

رتبه در منطقه	کشور	تعداد فرآیندها در ۲۰۰۶	تعداد فرآیندها در ۲۰۱۰	تغییر در فرآیند
۱	عربستان	۱۳	۴	+۹
۲	عمان	۱۰	۵	+۵
۳	لبنان	۶	۵	+۱
۴	اسرائیل	۵	۵	۰
۵	یمن	۱۲	۶	+۶
۶	مصر	۱۰	۶	+۲
۷	مراکش	۶	۶	۰
۸	قطر	–	۶	–
۹	سوریه	۱۲	۷	+۵
۱۰	**ایران**	**۸**	**۷**	**+۱**
۱۱	بحرین	–	۷	–

[۱] Procedures (number)

رتبه در منطقه	کشور	تعداد فرآیندها در ۲۰۰۶	تعداد فرآیندها در ۲۰۱۰	تغییر در فرآیند
۱۲	اردن	۱۰	۸	+۲
۱۲	امارات	۱۰	۸	+۲
۱۳	تونس	۱۰	۱۰	۰
۱۴	فلسطین	۱۲	۱۱	+۱
۱۵	عراق	۱۱	۱۱	۰
۱۶	کویت	۱۳	۱۳	۰
۱۷	الجزایر	۱۴	۱۴	۰

Source:Doing Business database

جدول۱-۴: رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس تعداد مراحل شروع کسب و کار

در لیست کشورهای MENA، عربستان بهترین پیشرفت را از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ انجام داده‌است و نسبت به کل کشورهای موجود در سال ۲۰۱۰ کمترین تعداد فرآیند (یعنی ۴ مرحله) را دارا می‌باشد. کشورهایی شامل اسرائیل و مراکش و تونس و عراق و کویت و الجزایر از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ تغییری نداشته‌اند و بدترین وضعیت را در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ کشور الجزایر (با ۱۴ مرحله) دارا می‌باشد. تعداد فرآیند و مراحلی که توسط فعالان اقتصادی در کشور ایران بایستی طی شوند از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ تنها یک مرحله کاهش یافته است و نسبت به کشورهای منطقه از وضعیت متوسط رو به بالا (یعنی ۷ مرحله) برخوردار می باشد و روند رو به رشدی نداشته است، چرا که هنوز ایران در رده کشورهای متوسط و نه پیشتاز قرار دارد. ایران در منطقه MENA در سال ۲۰۱۰ دارای رتبه ۱۰ می باشد. این شاخص نشان می دهد که آغاز یک کسب و کار در کشور ایران مستلزم پشت سر گذاشتن ۷ مرحله می باشد در حالیکه اگر کشور ایران بخواهد بر اساس سند چشم انداز مقام اول منطقه را کسب کند بایستی این مراحل را به حداقل ممکن کاهش دهد وشرایط بهتر و آسانتری را برای سرمایه گذاران فراهم نماید.

تقریباً می‌توان گفت تمامی کشورها از لحاظ تعداد فرآیندها در سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰، یا تعداد مراحلشان تغییری نکرده است و یا تعداد مراحلشان را کاهش داده‌اند چرا که هر چه تعداد مراحل فرآیندها کمتر باشد سرمایه گذاری در آن کشور راحت تر خواهد بود بعبارتی موانع کمتری بر سر راه یک کارآفرین وجود دارد.

۴.۳.۱.۲- زمان برحسب روز[۱] (در شروع کسب و کار):

تعداد روزها در شاخص شروع کسب و کار هر چه بیشتر باشد نشان دهنده طولانی‌تر بودن زمان لازم برای آغاز کسب و کار می شود و بدین طریق بسیاری از کارآفرینان بالقوه تعدادشان کم می‌شود. جدول شماره ۴-۴به بررسی این شاخص در دو سال ۲۰۰۶و ۲۰۱۰ برای کشورهای عضو منا می‌پردازد.

در لیست کشورهای MENA عربستان بهترین پیشرفت را از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ انجام داده است (از ۶۴ روز به ۵ روز) و نسبت به کل کشورهای موجود در سال ۲۰۱۰ بهترین وضعیت را (۵ روز) دارا می باشد. کشورهایی که در این لیست (از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰) تغییری نداشته‌اند شامل عراق و کویت و اسرائیل و الجزایر و مراکش و تونس می باشند که بدترین وضعیت را در سال ۲۰۱۰ کشور عراق (۷۷ روز) و در سال ۲۰۰۶ کشور فلسطین (۹۳ روز) دارا می باشد. ایران از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ توانسته است زمان در شروع کسب و کار را ۱۹روز کاهش دهد که روند رو به رشدی به شمار می‌آید. در حال حاضر ایران از وضعیت متوسط رو به بالائی برخوردار است و در منطقه MENA در سال ۲۰۱۰ در رتبه پنجم که رتبه خوبی است قرار دارد. اما تحقق اهداف سند چشم‌انداز تلاش بیشتری را می‌طلبد.

رتبه در منطقه	کشور	تعداد روزها درسال ۲۰۰۶	تعداد روزها درسال ۲۰۱۰	تغییر در تعداد روزها
۱	عربستان	۶۴	۵	+۵۹
۲	قطر	–	۶	–
۳	مصر	۲۲	۷	+۱۵
۴	لبنان	۴۶	۹	+۳۷
۵	**ایران**	**۲۸**	**۹**	**+۱۹**
۶	بحرین	–	۹	–

[۱] Time (days)

رتبه در منطقه	کشور	تعداد روزها درسال ۲۰۰۶	تعداد روزها درسال ۲۰۱۰	تغییر در تعداد روزها
۷	تونس	۱۱	۱۱	۰
۸	یمن	۶۳	۱۲	+۵۱
۹	عمان	۳۵	۱۲	+۲۳
۱۰	مراکش	۱۲	۱۲	۰
۱۱	اردن	۱۶	۱۳	+۳
۱۲	امارات	۲۰	۱۵	+۵
۱۳	سوریه	۴۳	۱۷	+۲۶
۱۴	الجزایر	۲۴	۲۴	۰
۱۵	اسرائیل	۳۴	۳۴	۰
۱۶	کویت	۳۵	۳۵	۰
۱۷	فلسطین	۹۳	۴۹	+۴۴
۱۸	عراق	۷۷	۷۷	۰

Source:Doing Business database

جدول۲-۴: رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس زمان بر حسب روز

اکثریت کشورهای MENA از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ تعداد روزهایشان را به میزان قابل توجهی کاهش داده‌اند و یا تغییری در میزان زمانشان انجام نشده است.

۴.۳.۱.۳-هزینه[۱] (برای شروع کسب و کار)

منظور از هزینه در شروع کسب و کار آن میزان پول و هزینه‌ای(بر حسب دلار) است که طی مراحل شروع یک کسب و کار یک کارآفرین باید بپردازد و هر چه این مقدار هزینه بالاتر و گرانتر شود احتمال ثبت کسب و کار برای بسیاری از کارآفرینان بالقوه کم می‌شود. جدول شماره ۵ به بررسی این شاخص در دو سال ۲۰۰۶و ۲۰۱۰ برای کشورهای عضو منا می‌پردازد.

---

[۱] Cost (% of income per capita)

رتبه در منطقه	کشور	هزینه در سال ۲۰۰۶	هزینه در سال ۲۰۱۰	تغییر
۱	بحرین	–	۰/۵	–
۲	کویت	۲/۲	۱	+۱/۲
۳	عمان	۴/۸	۲/۲	+۲/۶
۴	**ایران**	**۶/۳**	**۳/۹**	**+۲/۴**
۵	اسرائیل	۵/۳	۴/۲	+۱/۱
۶	تونس	۱۰	۵/۵	+۴/۵
۷	امارات	۳۲/۷	۶/۲	+۲۶/۵
۸	قطر	–	۷/۱	–
۹	عربستان	۶۸/۵	۷/۷	+۶۰/۸
۱۰	الجزایر	۱۲/۴	۱۲/۱	+۰/۳
۱۱	مصر	۱۰۴/۹	۱۶/۱	+۸۸/۸
۱۲	مراکش	۱۳/۴	۱۶/۱	−۲/۷
۱۳	سوریه	۳۴/۵	۲۷/۸	+۶/۷
۱۴	اردن	۸۲/۸	۴۹/۵	+۳۳/۳
۱۵	فلسطین	۸۲/۷	۵۵	+۲۷/۷
۱۶	عراق	۴۳/۴	۷۵/۹	−۳۲/۵
۱۷	لبنان	۱۰۸/۴	۷۸/۲	+۳۰/۲
۱۸	یمن	۲۴۰/۲	۸۳	+۱۵۷/۲

Source:Doing Business database

جدول ۳-۴: رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس هزینه (درصدی از درآمد سرانه)

در سال ۲۰۱۰ کشور بحرین (با هزینه ۰/۵) بهترین وضعیت را دارا می باشد و بهترین پیشرفت را کشور یمن از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ با کاهش دادن هزینه (از ۲۴۰/۲ به ۸۳) دارا می باشد. کشور مراکش از سال ۲۰۰۶ به سال ۲۰۱۰ افزایش هزینه داشته و یک روند نزولی را (۲/۷-) طی کرده است. در سال ۲۰۰۶ کشور یمن (۲۴۰/۲) و نیز این کشور در سال ۲۰۱۰ (۸۳) بدترین وضعیت را دارا می باشد. کشور ایران در

میزان هزینه برای شروع کسب و کار از سال ۲۰۰۶ به سال ۲۰۱۰ یک روند صعودی را طی نموده (۲/۴) یعنی هزینه‌هایش را از میزان ۶/۳ به ۳/۹ کاهش داده است و در کشورهای منطقه MENA در سال ۲۰۱۰ دارای رتبه چهارم که رتبه خوبی است، می باشد.

اکثریت کشورها از سال ۲۰۰۶ به سال ۲۰۱۰ پیشرفت و تعداد اندکی افت وضعیتی داشته‌اند. یعنی بیشتر کشورها سعی کردند هزینه های لازم را برای شروع کسب و کار کاهش داده و در راستای بهبود و سهولت انجام کسب و کار گام بردارند.

۴.۳.۱.۴-حداقل از سرمایه یا درصد از درآمد سرانه[۱] (در شاخص شروع کسب و کار):

منظور از حداقل سرمایه لازم مقدار سرمایه‌ای است که شخص کارآفرین باید قبل از ثبت کسب و کار در حساب بانکی خود سپرده‌گذاری کند. این حساب در خلال فرآیند ورود به کسب و کار مسدود می شود و در بسیاری از کشورها تا زمان انحلال هویت حقوقی همچنان مسدود می ماند و هر چه قانون شروع کسب و کار، این مقدار سرمایه را بیشتر وضع کند کار آفرینان کوچکتر و دارای سرمایه کمتر از صحنه رقابت خارج شده و رقابت کمتری بین کارآفرینان وجود خواهد داشت و تنها عده کمی توانایی کارآفرینی را دارند.

جدول شماره ۴-۴ به بررسی این شاخص در دو سال ۲۰۰۶و ۲۰۱۰ برای کشورهای عضو منا می‌پردازد.

کشور اسرائیل چه در سال ۲۰۰۶ و چه در سال ۲۰۱۰ بهترین وضعیت (یعنی صفر) را داراست و از لحاظ کاهش میزان حداقل سرمایه برای شروع کسب و کار کشور سوریه بالاترین تغییر صعودی را داشته اما هنوز در جایگاه مطلوبی قرار ندارد و بهترین تغییر صعودی را کشور یمن از سال ۲۰۰۶ به سال ۲۰۱۰ داشته است (از ۲۷۰۳/۲ به صفر کاهش داده است). از میان کشورهای MENA کشور سوریه چه در سال ۲۰۰۶ (۵۱۱۱/۹) و چه در سال ۲۰۱۰ (۱۰۱۲/۵) دارای وخیم ترین وضعیت می باشد و کشور فلسطین از لحاظ تغییرات عددی نه تنها از سال ۲۰۰۶ به سال ۲۰۱۰ پیشرفتی نداشته بلکه میزان حداقل سرمایه‌اش برای شروع کسب و کار افزایش یافته و یک روند نزولی (۱۶۴-) داشته است (یعنی از ۵۶/۴ به ۲۲۰/۴ افزایش یافته است). کشور ایران از سال ۲۰۰۶ به سال ۲۰۱۰ توانسته است پیشرفت اندکی در کاهش میزان

[۱] Min. capital (%of income per capita)

حداقل سرمایه (مثبت ۰/۹) داشته باشد یعنی از میزان ۱/۷ به ۰/۸ کاهش یابد و در منطقه MENA در سال ۲۰۱۰ در رتبه هفتم که رتبه متوسط خوبی می باشد قرار دارد اما این میزان صعود در راستای تحقق اهداف چشم‌انداز کافی نبوده و می‌بایست در این حوزه تلاش‌های بیشتری صورت گیرد.

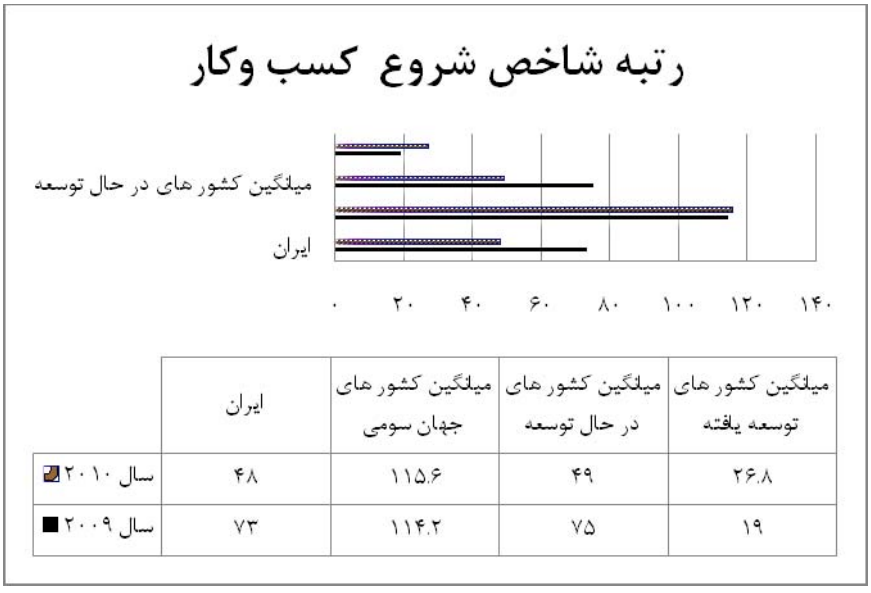
رتبه در منطقه	کشور	حداقل سرمایه در ۲۰۱۰	حداقل سرمایه در ۲۰۰۶	تغییر در حداقل سرمایه
۱	یمن	۰	۲۷۰۳/۲	+۲۷۰۳/۲
۲	عربستان	۰	۱۲۳۶/۹	+۱۲۳۶/۹
۳	مصر	۰	۷۳۹/۸	+۷۳۹/۸
۴	امارات	۰	۴۱۶/۹	+۴۱۶/۹
۵	تونس	۰	۲۹/۸	+۲۹/۸
۶	اسرائیل	۰	۰	۰
۷	**ایران**	**۰/۸**	**۱/۷**	**+۰/۹**
۸	مراکش	۱۱/۸	۷۰۰/۳	+۶۸۸/۵
۹	اردن	۱۹/۹	۱۰۱۱/۶	+۹۹۱/۷
۱۰	عراق	۳۰/۳	۳۱/۶	+۱/۳
۱۱	الجزایر	۳۱	۵۵/۱	+۲۴/۱
۱۲	لبنان	۵۱	۶۸/۵	+۲۷/۵
۱۳	قطر	۵۹	–	–
۱۴	کویت	۵۹/۲	۱۳۳/۸	+۷۴/۶
۱۵	بحرین	۱۹۵/۲	–	–
۱۶	فلسطین	۲۲۰/۴	۵۶/۴	−۱۶۴
۱۷	عمان	۲۷۳/۶	۶۴۸/۹	۳۷۵/۳
۱۸	سوریه	۱۰۱۲/۵	۵۱۱۱/۹	۴۰۹۹/۴

Source:Doing Business database

جدول ۴-۴: رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس حداقل از سرمایه (درصد از درآمد سرانه)

همه کشورهای MENA در سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ توانسته‌اند حداقل سرمایه را در شروع کسب و کار کاهش دهند و تنها یک کشور (فلسطین) حداقل سرمایه‌اش افزایش داشته است.

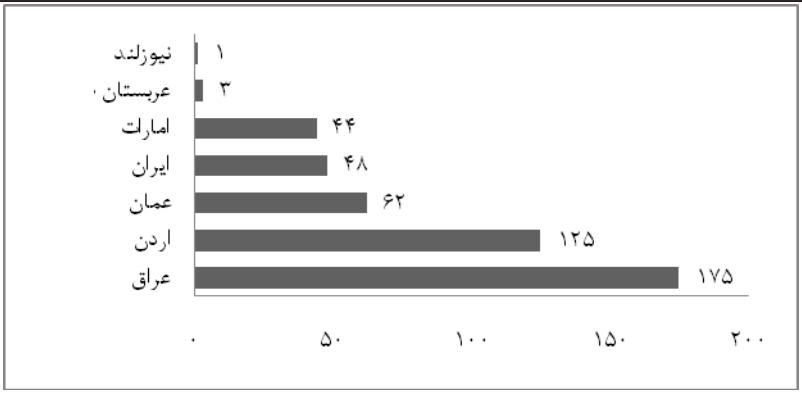
با توجه به جایگاه ایران در سال‌های ۲۰۰۶ و۲۰۱۰در رتبه‌بندی کشورهای منطقه منا، روند کشور روندی صعودی است و رتبه ما در این شاخص، رتبه متوسط رو به بالایی به حساب می‌آید اما این میزان رشد برای تحقق اهداف چشم انداز آهنگ کندی دارد. البته ایران در شاخص شروع کسب و کار در سال ۲۰۱۰ روند موفقیت آمیزتری نسبت به سال ۲۰۰۹ داشته و در این شاخص رتبه نزدیک به کشورهای در حال توسعه را دارا می‌باشد. ایران در این شاخص دارای رتبه بهتری نسبت به رتبه شاخص‌های دیگرش می باشد. (نمودار۴-۱)



	ایران	میانگین کشور های جهان سومی	میانگین کشور های در حال توسعه	میانگین کشور های توسعه یافته
سال ۲۰۱۰	۴۸	۱۱۵.۶	۴۹	۲۶.۸
سال ۲۰۰۹	۷۳	۱۱۴.۲	۷۵	۱۹

Source:Doing Business database

نمودار ۱-۴: جایگاه ایران در شاخص شروع کسب و کار



Source:Doing Business database,۲۰۱۰

نمودار ۲-۴ مقایسه رتبه کشورهای منتخب منطقه منا در شاخص سهولت شروع فعالیت (در کنار ذ کر نام کشور دارای رتبه نخست در جهان)

همانگونه که توضیح داده شد اولین شاخص مربوط به بخش فضای کسب و کار، شاخص آغاز فعالیت می‌باشد. در کشور ایران این شاخص در حال حاضر به شرح زیر می‌باشد که لازم است برای دستیابی به روند بهبود اقدامات لازم صورت پذیرد. در ایران ۷ مرحله به شرح ذیل برای شروع یک کسب و کار جدید نیاز است: اخذ تمامی پروانه‌ها و مجوزها، تکمیل فرم‌ها و اخذ تأییدیه از دستگاه‌های ذی‌ربط به منظور آغاز فعالیت به صورت رسمی و قانونی. طی مراحل مزبور ۹ روز به طول می‌انجامد. جدول شماره ۷ مراحل شروع کسب و کار در ایران را شرح می دهد.

مرحله	زمان عملیات	شرح عملیات	دستگاه مرتبط
اول	یک روز	جستجو برای یافتن نام	ثبت شرکت ها
دوم	یک روز	سپرده گذاری و اخذ	بانک ملی
سوم	سه روز(این رقم در سال های قبل ۲۰ روز بود)	ثبت شرکت	ثبت شرکت ها
چهارم	یک روز(این رقم در سال های قبل ۲۰ روز	انتشار اعلامیه در	روزنامه رسمی
پنجم	یک روز	تهیه دفاتر حسابداری	ثبت شرکت ها

ششم	یک روز	پرداخت حق التمبر	ثبت شرکت ها
هفتم	یک روز	اعلام کارکنان به تامین	تامین اجتماعی

Source:Doing Business database,۲۰۱۰

جدول ۵-۴: فرآیند شروع کسب و کار در جمهوری اسلامی ایران

جدول ۵-۴ شروع یک کسب و کار در ایران را در سال‌های ۲۰۰۸و ۲۰۰۹و ۲۰۱۰ نشان می‌دهد. و در جدول ۴-۶ شاخص‌های سهولت آغاز کسب و کار در ایران با متوسط منطقه منا و OECD مقایسه می‌شود.

شروع یک کسب و کار (ثبت شرکت)	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰
رتبه	.....	۷۳	۴۸
مراحل(تعداد)	۸	۸	۷
مدت زمان لازم برای انجام فرایند (روز)	۲۸	۲۸	۹
هزینه(درصد از درامد سرانه)	۵.۳	۴.۶	۳.۹
حداقل سرمایه مورد نیاز(درصد از درامد سرانه)	۱.۳	۱.۰	۰.۸

Source:Doing Business database

جدول ۶-۴: تعداد فرآیند، زمان و هزینه آغاز کسب و کار جدید در ایران در گزارش‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۸

شروع یک کسب و کار (ثبت شرکت)	ایران	منطقه MENA	منطقه OECD
مراحل (تعداد)	۷	۷.۹	۵.۷
مدت زمان لازم برای انجام فرایند(روز)	۹	۲۰.۷	۱۳.۰
هزینه (درصد از درامد سرانه)	۳.۹	۳۴.۱	۴.۷
حداقل سرمایه مورد نیاز(درصد از درامد سرانه)	۰.۸	۱۲۹.۷	۱۵.۵

Source:Doing Business database,۲۰۱۰

جدول۷-۴: مقایسه شاخص‌های سهولت آغاز کسب و کار جدید در ایران با متوسط منطقه MENA و OECD در گزارش ۲۰۱۰

۴.۳.۲. شاخص سهولت دریافت مجوزهای ساخت و ساز[۱]

این شاخص به بررسی مراحل مختلف برای کسب مجوزهای لازم برای آغاز یک فعالیت اقتصادی می پردازد. فرآیند ثبت قانونی، انتخاب نام برای شرکت، پرداخت عوارض و مالیات، کسب استعلام و مجوزهاو سایر موارد در قالب این شاخص ارزیابی می‌گردد. برای سنجش این شاخص از متغیرهای تعداد مراحل، زمان لازم برای طی کردن مراحل، هزینه‌های مترتب بر این مراحل به عنوان اصلی‌ترین فاکتورهای این بررسی استفاده می‌گردد که به شرح زیر است.

۴.۳.۲.۱- فرآیندها (اخذ مجوزها)

منظور از تعداد فرآیندها در شاخص اخذ مجوزها آن تعداد مراحل مقرراتی می‌باشد که به منظور عملیاتی نمودن فعالیت پس از ثبت کسب و کار توسط کارآفرین باید مراعات و طی شود که این فرآیندها شامل عملیات بخش ساختمان اعم از اخذ مجوزها، پروانه‌های لازم، تکمیل فرم‌ها، رعایت دستورالعمل‌های بازرسی مقررات ایمنی و اقدامات به انشعابات آب، برق، گاز و ... می باشد. که هرچه این تعداد فرآیندها بیشتر باشد رغبت کارآفرینان برای سرمایه گذاری و کارآفرینی کمتر می شود. در این بررسی‌ها بانک جهانی جهت و مدت رویه مجوزهای ساخت یک انبار برای مصارف صنعتی را مبنا قرار داده است. هدف نهایی از محاسبه این شاخص، محاسبه زمان و هزینه‌های انجام این اقدامات در یک شرایط واقعی و متعارف می‌باشد. جدول شماره ۸-۴ تعداد فرآیندها و مراحلی را که در کشورهای حوزه منا باید طی نمایند را در دو سال ۲۰۰۶و ۲۰۱۰ نشان می‌دهد.

---

[۱] Dealing with Construction Permits

رتبه در منطقه	کشور	تعداد فرآیندها در ۲۰۰۶	تعداد فرآیندها در ۲۰۱۰	تغییر در فرآیند
۱	بحرین	–	۱۳	–
۲	عراق	۱۴	۱۴	۰
۳	یمن	۱۵	۱۵	۰
۴	عمان	۱۶	۱۶	۰
۵	امارات	۲۱	۱۷	+۴
۶	**ایران**	**۱۹**	**۱۷**	**+۲**
۷	عربستان	۱۸	۱۷	+۱
۸	اردن	۲۲	۱۹	+۳
۹	مراکش	۱۹	۱۹	۰
۱۰	قطر	–	۱۹	–
۱۱	اسرائیل	۲۰	۲۰	۰
۱۱	لبنان	۲۰	۲۰	۰
۱۱	تونس	۲۰	۲۰	۰
۱۱	فلسطین	۲۱	۲۱	۰
۱۲	الجزایر	۲۲	۲۲	۰
۱۶	مصر	۲۸	۲۵	+۳
۱۷	کویت	۲۵	۲۵	۰
۱۸	سوریه	۲۶	۲۶	۰

Source:Doing Business database

جدول ۸-۴: رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس تعداد فرآیندها

کشور بحرین در سال ۲۰۱۰ کمترین تعداد فرآیند (۱۳) را داراست و بهترین روند رو به رشد در این حوزه از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ مربوط به کشور امارات (با کاهش۴مرحله) می‌باشد. کشور سوریه با بیشترین تعداد فرآیندها چه در سال ۲۰۰۶ و چه در سال ۲۰۱۰ (۲۶ فرآیند) دارای وخیم‌ترین وضعیت می‌باشد و

کشورهای کویت و الجزایر و فلسطین و تونس و لبنان و اسرائیل و مراکش و عمان و یمن و عراق در تعداد فرآیندشان از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ تغییری حاصل نشده است. کشور ایران توانسته است تعداد فرآیندهایش را از ۱۹ به ۱۷ کاهش دهد و یک روند صعودی ۲+ را داشته باشد. در سال ۲۰۱۰ ایران در کشورهای منطقه MENA دارای رتبه ششم که رتبه متوسط رو به بالایی می باشد، قرار دارد و هنوز نتوانسته در رده کشورهای پیشتاز قرار گیرد.

کشورهای منطقه MENA از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ تعداد فرآیندهایشان تغییر نکرده یا کاهش یافته و ایران نیز با یک روند صعودی(۲+) در سال ۲۰۱۰ در جایگاه ششم منطقه قرار گرفته است.

۴.۳.۲.۲-زمان (اخذ مجوزها)

منظور از زمان اخذ مجوزها تعداد روزهایی است که یک کارآفرین برای اخذ گواهی باید صرف کند. هر چه تعداد این روزها کمتر باشد جذابیت بیشتری برای کارآفرینان ایجاد می کند.

جدول شماره ۹-۴ به بررسی زمان لازم برای اخذ مجوز در کشورهای عضو منطقه منا در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ می‌پردازد.

رتبه	کشور	تعداد روزها در ۲۰۰۶	تعداد روزها در ۲۰۱۰	تغییر در تعداد روزها
۱	بحرین	–	۴۳	–
۲	امارات	۹۷	۶۴	+۳۳
۳	قطر	–	۷۶	–
۴	تونس	۹۳	۸۴	+۹
۵	اردن	۱۰۷	۸۷	+۳۰
۶	عربستان	۱۲۵	۹۴	+۳۱
۷	کویت	۱۱۴	۱۰۴	+۱۰
۸	یمن	۱۰۷	۱۰۷	۰
۹	سوریه	۱۲۸	۱۲۸	۰
۱۰	مراکش	۱۷۳	۱۶۳	+۱۰
۱۱	فلسطین	۱۹۲	۱۹۹	-۷

۱۲	لبنان	۲۱۱	۲۱۱	۰
۱۳	عراق	۲۱۵	۲۱۵	۰
۱۴	مصر	۲۴۹	۲۱۸	+۳۱
۱۵	اسرائیل	۲۳۵	۲۳۵	۰
۱۶	الجزایر	۲۴۰	۲۴۰	۰
۱۷	عمان	۲۴۲	۲۴۲	۰
۱۸	**ایران**	**۶۷۰**	**۳۲۲**	**+۳۴۸**

Source:Doing Business database

جدول ۹-۴: رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس زمان (اخذ مجوزها)

کشور بحرین در سال ۲۰۱۰ دارای بهترین وضعیت (۴۳ روز) می باشد و با وجود این‌که بهترین پیشرفت را از لحاظ تغییر عددی در تعداد روزها کشور ایران داشته اما هنوز در بدترین جایگاه کشورهای منطقه MENA می باشد. از لحاظ روند نزولی در تغییر تعداد روزها کشور فلسطین از سال ۲۰۰۶ (۱۹۲ روز) به سال ۲۰۱۰ (۱۹۹ روز) افزایش در تعداد روزهایش دیده می شود. ایران در سال ۲۰۰۶ (۶۷۰ روز) و سال ۲۰۱۰ (۳۲۲ روز) در بدترین جایگاه MENA قرار دارد. همانطور که گفته شد در این قسمت ایران در رتبه ۱۸ کشورهای منطقه MENA قرار دارد و بهبود فضای کسب و کار در ایران، مستلزم توجه جدی به این نقطه ضعف بزرگ می‌باشد.

در کشورهای منطقه MENA تغییر در تعداد روزها از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ بسیار با هم متفاوت هستند. یک سری از کشورها بدون تغییر مانده‌اند و یک سری روند صعودی داشتند و یکی از کشورها روند نزولی را طی کرده است(فلسطین). با وجود این‌که ایران از سال ۲۰۰۶ تاسال ۲۰۱۰ روندی صعودی را پشت سر گذاشته است اما متأسفانه هنوز در بدترین جایگاه منطقه منا قرار دارد.

۴.۳.۲.۳-هزینه (اخذ مجوزها):

منظور از هزینه آن مقدار پولی(بر حسب دلار) است که برای اخذ گواهی باید صرف شود و هر چه این هزینه کمتر باشد تمایل کارآفرینان برای ایجاد کسب و کار بیشتر می شود. جدول شماره ۱۰-۴ به بررسی هزینه‌های اخذ مجوز در سال‌های ۲۰۰۶و ۲۰۱۰ برای کشورهای عضو منا می‌پردازد.

رتبه	کشور	هزینه در سال ۲۰۰۶	هزینه در سال ۲۰۱۰	تغییر در هزینه
۱	قطر	–	۰/۶	–
۲	امارات	۰	۳۰/۷	−۳۰/۷
۳	عربستان	۰	۳۲/۸	−۳۲/۸
۴	الجزایر	۷۰/۷	۳۹/۶	+۳۱/۱
۵	بحرین	–	۵۴/۶	–
۶	اسرائیل	۰	۱۰۷/۲	−۱۰۷/۲
۷	کویت	۰	۱۲۴/۱	−۱۲۴/۱
۸	یمن	۹۳/۷	۱۴۴/۱	−۵۰/۴
۹	لبنان	۵۲/۱	۱۹۴/۸	−۱۴۲/۷
۱۰	مراکش	۲/۳	۲۶۳/۷	−۲۶۱/۴
۱۱	مصر	۵	۳۳۱/۶	−۲۶۶/۶
۱۲	**ایران**	**۳۳۱۱/۵**	**۳۶۵/۹**	**+۲۹۴۵/۶**
۱۳	عراق	۴۸۸/۴	۳۹۷/۹	+۹۰/۷
۱۴	عمان	۰	۴۲۷/۹	−۴۲۷/۹
۱۵	سوریه	۱۰/۵	۵۴۰/۳	−۵۲۹/۸
۱۶	اردن	۰/۳	۶۹۷/۱	−۶۹۶/۸
۱۷	تونس	۰/۵	۹۹۸/۳	−۹۹۷/۸
۱۸	فلسطین	۴۶۷/۴	۱۱۱۰/۶	−۶۴۳/۲

Source:Doing Business database

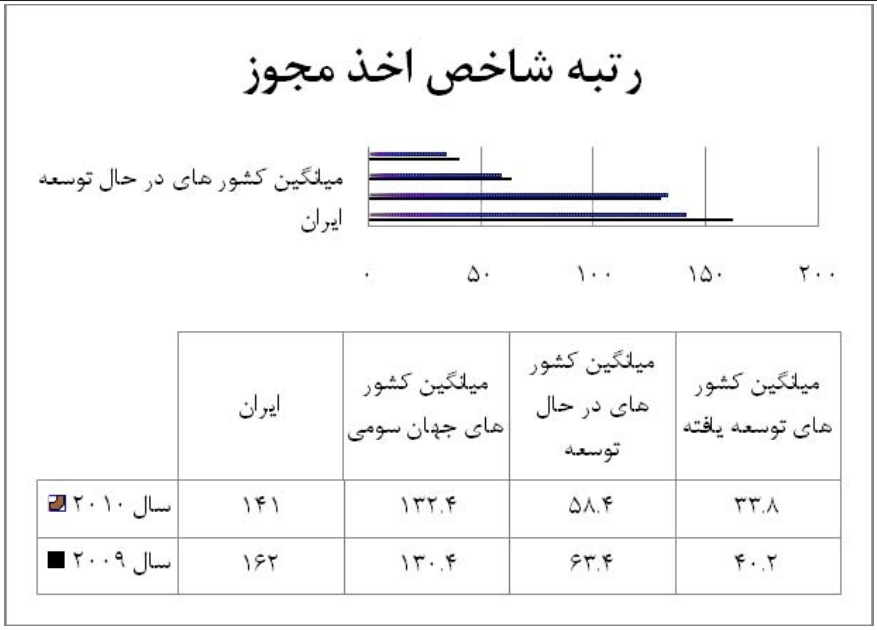
جدول۱۰-۴: رتبه‌بندی کشورهای منطقه منا بر اساس هزینه

کشور قطر در سال ۲۰۱۰ دارای بهترین وضعیت (یعنی کمترین هزینه ۰/۶) می‌باشد و با وجود این‌که بهترین پیشرفت از لحاظ تغییر در هزینه از نظر عددی از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ از آن کشور ایران است اما هنوز در جایگاه متوسط رو به پایینی در منطقه MENA قرار دارد. کشور تونس از سال ۲۰۰۶ (۰/۵) به سال ۲۰۱۰ (۹۹۸/۳) بیشترین روند نزولی (۹۹۷/۸-) را داشته و ایران در سال ۲۰۰۶ (۳۳۱۱/۵) و کشور فلسطین در سال ۲۰۱۰ (۱۱۱۰/۶) دارای بدترین وضعیت در منطقه می باشند. کشور ایران علی رغم روند صعودی از سال ۲۰۰۶ (۳۳۱۱/۵) به سال ۲۰۱۰ (۳۶۵/۹) باز در رتبه خوبی در منطقه MENA قرار ندارد و دارای رتبه دوازدهم که رتبه متوسط رو به پائینی است، می باشد.

کشورهای منطقه MENA دارای روندهای متفاوت صعودی و نزولی می باشند. ایران نیز با وجود روندی صعودی، هنوز نتوانسته در این حوزه جایگاه در خوری را در منطقه احراز کند.

شاخص اخذ مجوز در سال ۲۰۰۹ یکی از وخیم‌ترین رتبه‌های شاخص‌های ایران می باشد که اگرچه در سال ۲۰۱۰ روند رو به رشدی داشته اما در مقایسه با کشورهای جهان سومی هنوز از آنها عقب‌تر می‌باشد. (نمودار۳-۴)

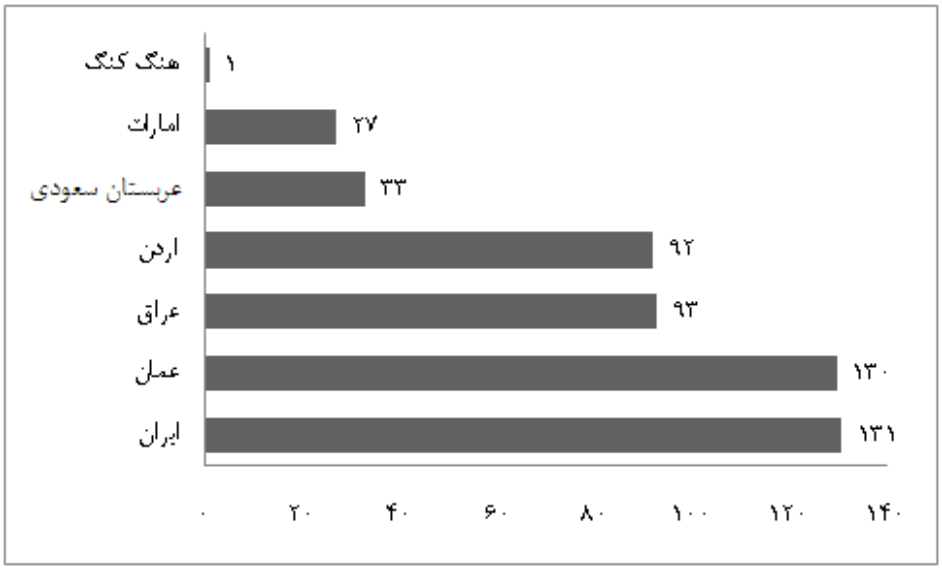
برقراری توازنی مناسب بین آسانی انجام کسب و کار و ایمنی مصرف کننده، مستلزم اصلاحات دائمی است. تحقق اهداف سند چشم‌انداز مستلزم اهتمام جدی به این حوزه و انجام اصلاحات به طور دائمی است.



	ایران	میانگین کشور های جهان سومی	میانگین کشور های در حال توسعه	میانگین کشور های توسعه یافته
سال ۲۰۱۰	۱۴۱	۱۳۲.۴	۵۸.۴	۳۳.۸
سال ۲۰۰۹	۱۶۲	۱۳۰.۴	۶۳.۴	۴۰.۲

Source:Doing Business database

نمودار ۳-۴ : جایگاه ایران در شاخص اخذ مجوزها



Source:Doing Business database,۲۰۱۰

نمودار۴-۴ مقایسه رتبه کشورهای منتخب منطقه منا در شاخص سهولت اخذ مجوزهای ساختمانی جهت تاسیس کارگاه (در کنار ذکر نام کشور دارای رتبه نخست در جهان)

در جدول شماره ۴-۱۱ شاخص سهولت اخذ پروانه ساختمانی در کشورهای برترمنطقه و جهان با متوسط منطقه **MENA** و**OECD** مقایسه می‌شود.

فرایند اخذ پروانه	بحرین	منطقه MENA	هنگ کنگ	منطقه OECD
تعداد مراحل	۱۲	۱۸.۹	۷	۱۵.۱
مدت انجام(روز)	۴۳	۱۵۹.۳	۶۷	۱۵۷.۰
هزینه (درصد از درامد سرانه)	۵۴.۶	۲۵۸.۴	۱۸.۷	۵۶.۱

Source:Doing Business database,۲۰۱۰

جدول۳-۱۱: مقایسه شاخص سهولت اخذ پروانه ساختمانی (جهت تاسیس کارگاه)در کشورهای برتر منطقه و برترجهان با متوسط منطقه MENA و OECD

جدول شماره ۱۲-۴ مراحل قانونی ساخت و راه‌اندازی کارگاه در ایران را بر مبنای گزارش ۲۰۱۰ بانک جهانی نشان می‌دهد.

شماره مرحله	فرآیند	زمان لازم جهت انجام فرایند (روز)	هزینه انجام فرایند (ریال)
۱	اخذ گواهی پرداخت مالیات زمین	۱	بدون هزینه
۲	درخواست تایید مکانی از دفتر خدمات الکترونیک شهرداری ناحیه	۱	بدون هزینه
۳	بازرسی از محل توسط شهرداری	۱	بدون هزینه
۴	اخذ تایید مکانی از دفتر خدمات الکترونیک شهرداری منطقه	۱۰	۴۵۵۰۲۱۰
۵	اخذ مجوز ساخت	۳۰	۸۵۰۰۰۰۰
۶	به خدمت گرفتن یک شرکت ناظر مستقل	۱	بدون هزینه
۷	اولین بازرسی از طرف شهرداری	۱	بدون هزینه
۸	دومین بازرسی از طرف شهرداری	۱	بدون هزینه
۹	سومین بازرسی از طرف شهرداری	۱	بدون هزینه
۱۰	چهارمین بازرسی از سوی شهرداری	۱	بدون هزینه
۱۱	پنجمین بازرسی توسط شهرداری	۱	بدون هزینه
۱۲	درخواست بازرسی نهایی	۱	بدون هزینه
۱۳	انجام بازرسی نهایی	۱	بدون هزینه
۱۴	اخذ گواهی پایان کار	۱	۸۶۰۰۰۰
۱۵	اخذ و انشعاب آب و فاضلاب	۲۷۰	۱۲۷۰۰ (معادل دلار امریکا)
۱۶	اخذ انشعاب برق	۱۸۰	۳۲۷۸۲۰۰
۱۷	دریافت خط تلفن ثابت	۱	۸۵۰۰۰۰۰

Source:Doing Business database,۲۰۱۰

جدول۱۲-۴: مراحل قانونی ساخت و راه اندازی کارگاه در ایران در در گزارش ۲۰۱۰

جدول ۴-۱۵ وضعیت شاخص اخذ پروانه ساختمانی جهت تأسیس کارگاه در ایران را در سال‌های ۲۰۰۸،۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ نشان می‌دهد.

فرآیند اخذ پروانه	Doing Business ۲۰۰۸	Doing Business ۲۰۰۹	Doing Business ۲۰۱۰
رتبه در جهان	....	۱۶۲	۱۴۱
تعداد مراحل	۱۹	۱۹	۱۷
مدت انجام (روز)	۶۷۰	۶۷۰	۳۲۲
هزینه (درصد از درآمد سرانه)	۶۵۲.۴	۵۱۴.۲	۲۶۵.۹

Source:Doing Business database,۲۰۱۰

جدول ۴-۱۵: وضعیت شاخص اخذ پروانه ساختمانی جهت تاسیس کارگاه در ایران در سال‌های مختلف

فرایند اخذ پروانه	ایران	امارات	عمان	عربستان سعودی
رتبه در جهان	۱۴۱	۲۷	۱۲۰	۲۳
تعداد مراحل	۱۷	۱۷	۱۶	۱۷
مدت انجام (روز)	۳۲۲	۶۴	۲۴۲	۹۴
هزینه (درصد از درآمد سرانه)	۳۶۵.۹	۲۰.۷	۴۲۷.۹	۳۲.۸

Source:Doing Business database,۲۰۱۰

جدول ۴-۱۴: منتخب منطقه

۴.۳.۳. شاخص استخدام[۱]

مشکلات، موانع و سختی‌هایی که کارفرمایان در انجام فعالیت‌های خود در استخدام یا اخراج کارگران با آن روبرو می‌باشند، از شاخص‌های مهم دیگری است که در محاسبات فضای کسب و کار مورد توجه قرار گرفته است. برای محاسبه و تعیین این شاخص از متغیرهای سختی کار، سختی استخدام، دشواری کار و هزینه‌های اخراج به عنوان اصلی‌ترین فاکتورها به شرح زیر استفاده می‌گردد.

۴.۳.۳.۱-سختی استخدام

سختی استخدام کردن و یا اخراج کردن نیروی کار یکی از شاخص‌های دیگر سنجش فضای کسب و کار است. منظور از این شاخص مشکلات وسختی‌هایی است که کارفرمایان در استخدام و همچنین اخراج نیروی کار با آنها مواجه‌اند و دامنه آن از صفر تا صد است. رقم بالاتر مبین سختی و غیرمنعطف‌تر بودن مقررات است.

جدول شماره ۴-۱۵ به بررسی این شاخص در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ در کشورهای حوزه منا می‌پردازد.

رتبه	کشور	سختی استخدام در سال ۲۰۰۶	سختی استخدام در سال ۲۰۱۰	تغییر در سختی استخدام
۱	بحرین	–	۰	–
۲	عمان	۱۱	۰	+۱۱
۳	کوبت	۰	۰	۰
۴	امارات	۰	۰	۰
۵	مصر	۰	۰	۰
۶	قطر	–	۰	–
۷	عربستان	۰	۰	۰
۸	سوریه	۱۱	۱۱	۰

[۱] Employing Workers

رتبه	کشور	سختی استخدام در سال ۲۰۰۶	سختی استخدام در سال ۲۰۱۰	تغییر در سختی استخدام
۹	**ایران**	**۱۱**	**۱۱**	**۰**
۱۰	اسرائیل	۱۱	۱۱	۰
۱۱	اردن	۱۱	۱۱	۰
۱۲	یمن	۰	۲۲	-۲۲
۱۳	تونس	۲۸	۲۸	۰
۱۴	عراق	۳۳	۳۳	۰
۱۵	فلسطین	۳۳	۳۳	۰
۱۶	الجزایر	۴۴	۴۴	۰
۱۷	لبنان	۴۴	۴۴	۰
۱۸	مراکش	۱۰۰	۸۹	+۱۱

Source:Doing Business database

جدول۴-۱۵: جدول رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس سختی استخدام کردن

در سال ۲۰۰۶ کشورهای کویت و امارات و مصر و عربستان و یمن دارای بهترین وضعیت (یعنی صفر) می باشند. در سال ۲۰۱۰ همان کشورهای ۲۰۰۶ به استثنای کشور یمن که روندی نزولی داشته بعلاوه کشورهای بحرین و عمان و قطر دارای بهترین وضعیت می‌باشند و بهترین پیشرفت در تغییر سختی استخدام مربوط به کشور عمان است که سختی استخدام را ۱۱+ بهبود بخشیده و از ۱۱ به صفر رسانده است. بعد از عمان از لحاظ تغییر عددی (۱۱+) مراکش قرار دارد که از ۱۰۰ به ۸۹ رسیده اما هنوز در وضعیت وخیمی نسبت به کشورهای منطقه MENA قرار دارد. بیشترین افت را کشور یمن از صفر به ۲۲ از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ داشته و کشور مراکش در سال ۲۰۰۶ (۱۰۰) و در سال ۲۰۱۰ (۸۹) در بدترین جایگاه کشورهای منطقه MENA قرار دارد و رتبه ۱۸ را دارا است. کشور ایران در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ دارای عدد ۱۱ می باشد و تغییری در سختی استخدام از سال ۲۰۰۶ به سال ۲۰۱۰ نداشته است. ایران در منطقه MENA دارای رتبه ۹ می باشد که رتبه متوسطی محسوب می‌شود.

در نگاهی که به کل کشورهای منطقه MENA در این قسمت می‌اندازیم تغییر در سختی استخدام از سال ۲۰۰۶ به سال ۲۰۱۰ به ندرت دیده می‌شود و تعداد کمی از کشورها مثل عمان و مراکش پیشرفت

صعودی داشته‌اند و تنها کشور یمن در این حوزه افت کرده است. در کشور ایران تغییری در این شاخص به وجود نیامده و ایران کماکان در رتبه ۹ منطقه قرار دارد که مطلوب نمی‌باشد و با توجه به این نکته که بازار کار انعطاف‌ناپذیر مانع ایجاد مشاغل جدید شده و کارآفرینان را به اقتصاد غیر رسمی سوق می‌دهد، مسئولین باید توجه بیشتری به این حوزه داشته باشند. قراردادهایی با سررسید معین، ورود کارکنان جدید را آسان می‌کند. این قرادادها در سال ۱۹۷۹ در فرانسه به کار گرفته شد تا جایگزینی کارکنان انفصال از خدمت، افزایش موقتی فعالیت و فعالیت‌های فصلی سر و سامان یابد و نیز قراردادهای گروه‌های محروم از قبیل جوانان و زنان تسهیل شود. (میدری و قودچانی، ۱۳۸۷، ص۱۱۴)

۴.۳.۳.۲-سختی ساعات کار[۱] (شاخص استخدام):

منظور از سختی ساعات کار آن مقدار سختی ساعات کاری است که از طرف کارفرمایان به کارمندان به صورت قانونی اعمال می شود.

جدول شماره ۴-۱۶ به بررسی وضعیت شاخص سختی کار در منطقه منا در سال های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ می‌پردازد.

رتبه	کشور	سختی ساعات کار در ۲۰۰۶	سختی ساعات کار در ۲۰۱۰	تغییر در سختی ساعات کار
۱	بحرین	–	۰	–
۲	اردن	۰	۰	۰
۳	کویت	۰	۰	۰
۴	لبنان	۰	۰	۰
۵	سوریه	۰	۰	۰
۶	تونس	۱۳	۱۳۱	۰
۷	مصر	۲۰	۲۰	۰

[۱] Rigidity of hours index

رتبه	کشور	سختی ساعات کار در ۲۰۰۶	سختی ساعات کار در ۲۰۱۰	تغییر در سختی ساعات کار
۸	عراق	۲۰	۲۰	۰
۹	قطر	–	۲۰	–
۱۰	امارات	۲۰	۲۰	۰
۱۱	یمن	۲۰	۲۰	۰
۱۲	**ایران**	**۲۷**	**۲۷**	**۰**
۱۳	عربستان	۶۰	۴۰	+۲۰
۱۴	الجزایر	۴۰	۴۰	۰
۱۵	اسرائیل	۴۰	۴۰	۰
۱۶	مراکش	۴۰	۴۰	۰
۱۷	عمان	۴۰	۴۰	۰
۱۸	فلسطین	۴۰	۴۰	۰

Source:Doing Business database

جدول ۴-۱۶: رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس سختی ساعات کار

کشور عربستان بهترین پیشرفت(۲۰+) را از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ از۶۰ به ۴۰ داشته است و کشورهای بحرین و اردن و کویت و لبنان و سوریه نیز کمترین سختی ساعات کار را در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ (یعنی صفر) دارند. کشور فلسطین در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ (با رقم ۴۰) و رتبه هجدهم در کشورهای منطقه MENA دارای بدترین وضعیت می باشد. کشور ایران از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ هیچ تغییری در سختی کارش انجام نگرفته و (با رقم ۲۷) و دارای رتبه دوازدهم که رتبه متوسط رو به پائینی در کشورهای منطقه MENAاست، می‌باشد.

همه کشورها به جز کشور عربستان در سختی ساعت کار از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ تغییری ایجاد نکرده‌اند. انعطاف‌پذیری در ساعات کار از آنجا که انعطاف‌پذیری بازار کار را افزایش می‌دهد (این اقدام در

صربستان. مونته‌نگرو انجام شد.(خیرخواهان، ۲۰۰۶))حائز اهمیت می‌باشد و برای قرار گرفتن در رده کشورهای پیشتاز باید مورد توجه قرار گیرد.

۴.۳.۳.۳-دشواری کار (شاخص استخدام)[۱]:

منظور از دشواری کار، مشکلات و سختی‌هایی است که کارفرمایان از نیروهای کاری خود با توجه به مقررات انتظار دارند و دامنه آن از صفر تا صد است. رقم بالاتر مبین سختی و غیر منعطف تر بودن مقررات است.جدول شماره ۴-۱۷ به بررسی وضعیت دشواری کار در کشورهای حوزه منا در سال‌های ۲۰۰۶و ۲۰۱۰ می‌پردازد.

رتبه	کشور	دشواری کار در ۲۰۰۶	دشواری کار در ۲۰۱۰	تغییر در دشواری کار
۱	عمان	۰	۰	۰
۲	کویت	۰	۰	۰
۳	امارات	۰	۰	۰
۴	عربستان	۰	۰	۰
۵	اسرائیل	۰	۰	۰
۶	قطر	–	۲۰	–
۷	عراق	۲۰	۲۰	۰
۸	فلسطین	۲۰	۲۰	۰
۹	لبنان	۳۰	۳۰	۰
۱۰	یمن	۳۰	۳۰	۰
۱۱	بحرین	–	۳۰	–
۱۲	الجزایر	۴۰	۴۰	۰
۱۳	**ایران**	**۵۰**	**۵۰**	**۰**
۱۴	مراکش	۵۰	۵۰	۰

[۱] Rigidity of employment index (۰-۱۰۰)

۱۵	سوریه	۵۰	۵۰	۰
۱۶	مصر	۶۰	۶۰	۰
۱۷	اردن	۶۰	۶۰	۰
۱۸	تونس	۸۰	۸۰	۰

Source:Doing Business database

جدول۴-۱۷: رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس دشواری کار

کشورهای عمان و کویت و امارات و عربستان و اسرائیل دارای بهترین وضعیت در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ یعنی (صفر) می‌باشد. کشور تونس در سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ (با رقم ۸۰) دارای بدترین وضعیت در کشورهای منطقه MENA با رتبه ۱۸ می‌باشد. کشور ایران (با رقم ۵۰) در سال‌های ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ در وضعیت متوسط رو به پائینی در منطقه MENA قرار گرفته است و دارای رتبه سیزدهم در لیست کشورهای منطقه MENA می‌باشد.

همه کشورهای MENA در این جدول از سال ۲۰۰۶ به سال ۲۰۱۰ هیچ تغییری در دشواری کارشان رخ نداده است. به نظر می‌رسد کشورهای منطقه و بویژه ایران توجهی به این حوزه نداشته و اقدامی در جهت کاهش دشواری کار انجام نداده‌اند.

۴.۳.۳.۴-هزینه های اخراج (شاخص استخدام)[۱]:

منظور از هزینه‌های اخراج آن مقدار پولی (یا حداقل دستمزد اجباری) است که طبق قانون باید یک کارفرما برای اخراج کارمندش بپردازد و هر چه این هزینه پایین‌تر باشد، تمایل کارآفرینان برای ایجاد کسب و کار بیشتر می شود. جدول شماره ۴-۱۸ به بررسی شاخص هزینه‌های اخراج در کشورهای حوزه منا در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ می‌پردازد.

[۱] Redundancy costs (weeks of salary)

رتبه	کشور	هزینه های اخراج در۲۰۰۶	هزینه های اخراج در ۲۰۱۰	تغییر در هزینه های اخراج
۱	عراق	۰	۰	۰
۲	بحرین	–	۴	–
۳	اردن	۴	۴	۰
۴	عمان	۴	۴	۰
۵	لبنان	۱۷	۱۷	۰
۶	یمن	۱۷	۱۷	۰
۷	تونس	۱۷	۱۷	۰
۸	الجزایر	۱۷	۱۷	۰
۹	قطر	–	۶۹	–
۱۰	کویت	۷۸	۷۸	۰
۱۱	عربستان	۸۰	۸۰	۰
۱۲	سوریه	۸۰	۸۰	۰
۱۳	امارات	۸۴	۸۴	۰
۱۴	مراکش	۸۵	۸۵	۰
۱۵	**ایران**	**۸۷**	**۸۷**	**۰**
۱۶	اسرائیل	۹۱	۹۱	۰
۱۷	فلسطین	۹۱	۹۱	۰
۱۸	مصر	۱۳۲	۱۳۲	۰

Source:Doing Business database

جدول۴-۱۸: رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس هزینه های اخراج

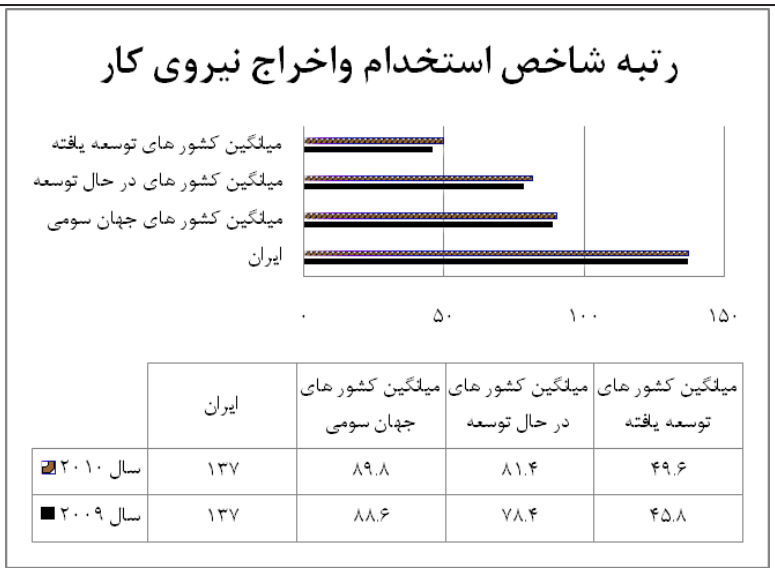
کشور عراق با رقم هزینه‌های اخراج صفر در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ دارای بهترین رتبه منطقه MENA می باشد، یعنی رتبه یک را دارد. کشور مصر با رقم ۱۳۲ در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ و قرار گرفتن در رتبه هجدهم منطقه MENA، بدترین جایگاه در مورد هزینه‌های اخراج را دارا می باشد، چرا که بیشترین هزینه اخراج در منطقه مربوط به این کشور است. ایران نیز با رقم ۸۷ از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ هیچ تغییری پیدا نکرده و دارای رتبه پانزدهم که رتبه متوسط رو به پائینی است، می‌باشد.

کل کشورهای منطقه MENA از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ هیچ تغییری در هزینه‌های اخراجشان روی نداده است و تغییر آنها در این حوزه معادل صفر است. ایران نیز از این کشورها مستثنی نیست و در سال ۲۰۱۰ در همان رتبه‌ای قرار دارد که در سال ۲۰۰۶ قرار داشته است و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز با چنین روندی بعید به نظر می‌رسد.

یکی دیگر از شاخص‌هایی که نسبت به میانگین سه حوزه دیگر مقایسه‌ای ما (کشورهای جهان سومی–کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته) تفاوت بسیاری را در نمودارها نشان می‌دهد، رتبه شاخص استخدام واخراج نیروی کار در ایران می‌باشد که این شاخص یکی از مهمترین نقاط ضعف ایران را در کسب و کار نشان می‌دهد. (نمودار۴–۵)

مقررات اشتغال در بیشتر موارد به حمایت از مشاغل موجود و به زیان کل کارگران تمام می‌شود. برای مثال هزینه‌های سنگین بازخرید معمولا با هدف کاهش ریسک بیکاری تصویب می‌شوند اما فایده‌برندگان آن کسانی هستند که از قبل صاحب شغل بوده‌اند. در عین حال هزینه‌های سنگین، کارفرمایان را مجبور می‌سازد تا استخدام‌های جدید را متوقف سازند. در نتجه مشاغل کمتری در اقتصاد ایجاد می‌گردند. چنین سیاست‌هایی نه تنها باعث کاهش ریسک نمی‌شوند بلکه احتمال پیدا کردن شغل را نیز کاهش می‌دهند. (خیرخواهان، ۲۰۰۶)

با توجه به جایگاه ایران در این شاخص و در راستای تحقق اهداف می‌بایست به جای به کار بردن راه‌حل‌های مقطعی به دنبال راه‌حل‌های اساسی و بلندمدت باشیم.

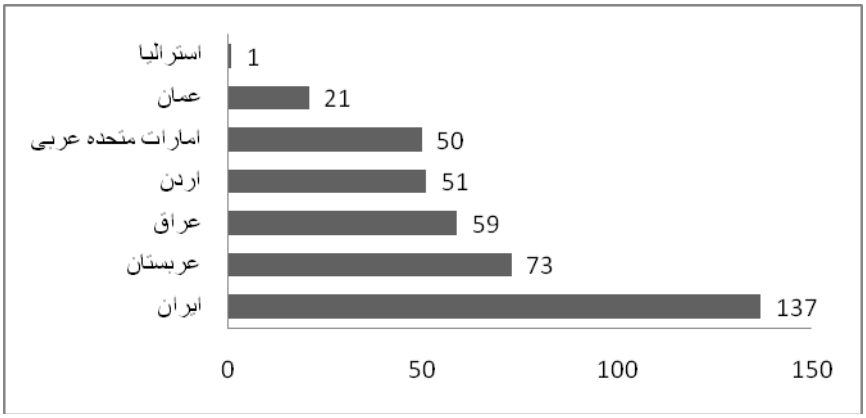


	ایران	میانگین کشور های جهان سومی	میانگین کشور های در حال توسعه	میانگین کشور های توسعه یافته
سال ۲۰۱۰	۱۳۷	۸۹.۸	۸۱.۴	۴۹.۶
سال ۲۰۰۹	۱۳۷	۸۸.۶	۷۸.۴	۴۵.۸

Source:Doing Business database

نمودار ۴-۵ : جایگاه ایران در شاخص استخدام و اخراج نیروی کار

در نمودار ۴-۶ رتبه کشورهای منتخب منطقه در شاخص استخدام نیروی کار در کنار ذکر نام کشور دارای رتبه نخست در جهان با هم مقایسه می‌شوند.



Source:Doing Business database, ۲۰۱۰

نمودار۴-۶: مقایسه رتبه کشورهای منتخب منطقه منا در شاخص استخدام نیروی کار(در کنار ذکر نام کشور دارای رتبه نخست در جهان)

جدول شماره ۴-۱۹ نشان می‌دهد که وضعیت شاخص‌های استخدام در ایران در چند سال اخیر بدون تغییر مانده است.

وضعیت ایران	Doing Business ۲۰۰۸	Doing Business ۲۰۰۹	Doing Business ۲۰۱۰
رتبه	....	۱۳۷	۱۳۷
شاخص چسبندگی استخدام	۲۹	۲۹	۲۹
هزینه های اخراج (هفته دستمزد)	۸۷	۸۷	۸۷

Source:Doing Business database, ۲۰۱۰

جدول ۴-۱۹: شاخص سهولت استخدام و اخراج نیروی کار در ایران

در جدول ۴-۲۰ شاخص سهولت استخدام و اخراج نیروی کار در ایران با متوسط منطقه منا و OECD مورد مقایسه قرار می‌گیرد.

وضعیت ایران	ایران	منطقه MENA	منطقه OECD
شاخص چسبندگی استخدام	۲۹	۲۴.۵	۲۶.۴
هزینه های اخراج (هفته دستمزد)	۸۷	۵۳.۴	۲۶.۶

Source:Doing Business database, ۲۰۱۰

جدول ۴-۲۰:مقایسه شاخص سهولت استخدام و اخراج نیروی کار در ایران با متوسط منطقه MENA و OECD

جدول شماره ۴-۲۱ وضعیت شاخص‌های فوق‌الذکر را در کشورهای همجوار نشان می‌دهد. همانگونه که ملاحظه می شود کشورهای مورد بحث در شاخص‌های مورد نظر در وضعیت بهتری نسبت به ایران قرار دارند.

	ایران	امارات	عراق	عربستان سعودی	عمان
رتبه در جهان	۱۳۷	۵۰	۵۹	۷۳	۲۱
شاخص چسبندگی استخدام	۲۹	۷	۲۴	۱۲	۱۲
هزینه های اخراج (هفته دستمزد)	۸۷	۸۴	۰	۸۰	۴

Source:Doing Business database, ۲۰۱۰

جدول ۴-۲۱: شاخص سهولت استخدام و اخراج نیروی کار در ایران وکشورهای منتخب منطقه

۴.۳.۴. شاخص ثبت مالکیت[۱]

شاخص ثبت مالکیت سهولت ثبت حقوق مالکیت را مورد بررسی قرار می‌دهد که برای تشخیص و تعیین آن، فرآیند کامل خرید یک زمین یا ساختمان و انتقال مالکیت آن از فردی به فرد دیگر را بررسی می‌کنند و دارای سه پارامتر تعداد فرآیند، طول مدت و هزینه انتقال می‌باشد که بصورت جداگانه بررسی می‌شود.

۴.۳.۴.۱-شاخص تعداد فرآیند[۲](شاخص ثبت مالکیت)

شاخص ثبت حقوق مالکیت شامل تعداد مراحل و هزینه‌های مترتب بر ثبت مالکیت می‌باشد که هر چه تعداد این فرآیندها و هزینه‌های مربوط به آن کمتر باشد نشان دهنده وضعیت بهتر کسب و کار و باعث جذب کارآفرین و سرمایه گذار بیشتر می باشد.

---

[۱] Registering Property

[۲] Procedures (number)

جدول شماره ۴-۲۲ وضعیت این شاخص را در کشورهای حوزه منا در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ نشان می‌دهد.

رتبه	کشور	تعداد فرآیندها در ۲۰۰۶	تعداد فرآیندها در ۲۰۱۰	تغییر در تعداد فرآیندها
۱	امارات	۱	۱	۰
۲	عربستان	۴	۲	+۲
۳	عمان	۲	۲	۰
۴	بحرین	–	۲	–
۵	تونس	۴	۴	۰
۶	سوریه	۴	۴	۰
۷	عراق	۵	۵	۰
۸	یمن	۶	۶	۰
۹	فلسطین	۷	۷	۰
۱۰	مصر	۷	۷	۰
۱۱	اردن	۷	۷	۰
۱۲	اسرائیل	۷	۷	۰
۱۳	کویت	۸	۸	۰
۱۴	لبنان	۸	۸	۰
۱۵	مراکش	۵	۸	-۳
۱۶	**ایران**	**۹**	**۹**	**۰**
۱۷	قطر	–	۱۰	–
۱۸	بحرین	–	۱۱	–

Source: Doing Business database

جدول:۴-۲۲ رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس فرآیندهای ثبت مالکیت

کشور امارات چه در سال۲۰۰۶ وچه در سال ۲۰۱۰ (با تعداد فرآیند ۱) دارای رتبه اول و بهترین وضعیت در منطقه MENA می‌باشد و کشورعربستان بعنوان تنها کشوری است که از سال ۲۰۰۶(با تعداد فرآیند۴) به سال ۲۰۱۰ (با تعداد فرآیند۲) کاهش تعداد فرآیند داشته و بهترین پیشرفت را در منطقه MENA دارد. کشور بحرین در سال ۲۰۱۰(با تعداد فرآیند۱۱) دارای بیشترین تعداد فرآیند در منطقه MENA و رتبه هجدهم وبدترین وضعیت می‌باشد وکشور مراکش تنها کشوری در منطقه است که از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ افت(افزایش ۳ مرحله) داشته است. کشور ایران از سال ۲۰۰۶ به سال ۲۰۱۰ (با تعداد فرآیند۹)تغییری نداشته ودارای رتبه شانزدهم در منطقه MENA که رتبه پایینی است، می‌باشد. برای بهبود این شاخص باید تعداد فرآیندها برای ثبت مالکیت را کاهش دهیم.

اکثر کشورهای منطقه MENA از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ تغییری نداشته‌اند و تنها کشور عربستان(روند صعودی) و کشور مراکش (روند نزولی) تغییر داشته‌اند.

۴.۳.۴.۲-شاخص زمان[۱] (شاخص ثبت مالکیت):

یکی از بخش‌های شاخص ثبت مالکیت بر اساس مدت زمان انجام فرآیند بر حسب روز مطرح می شود که هر چه این تعداد روزها کمتر باشد نشان دهنده وضعیت بهتر کسب و کار و موجب جذب کار آفرین و سرمایه‌گذار بیشتر می‌باشد.

جدول شماره ۴-۲۳ به بررسی این شاخص در کشورهای عضو منا در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ می‌پردازد.

امارات در سال ۲۰۰۶ (۲ روز) و کشور عربستان در سال ۲۰۱۰ (۲ روز) دارای بهترین وضعیت منطقه MENA می‌باشند. کشور مصر از سال ۲۰۰۶ (با ۱۹۳ روز) به سال ۲۰۱۰ (با ۷۲ روز) توانسته بیشترین کاهش تعداد روزها را داشته باشد، با وجود این هنوز در وضعیت وخیمی قرار دارد و دارای رتبه هفدهم

[۱] Time (days)

می‌باشد. کشور اسرائیل در سال‌های ۲۰۰۶ و۲۰۱۰ (با ۱۴۴ روز) دارای رتبه هجده و بدترین وضعیت منطقه MENA می‌باشد. کشور ایران از سال ۲۰۰۶ به سال ۲۰۱۰ (با ۳۶ روز) تغیری نداشته و دارای رتبه یازدهم که رتبه متوسط رو به پایینی در منطقه MENA است، می باشد و برای بهبود این شاخص ایران باید تعداد روزها برای فرآیند ثبت مالکیت را کاهش دهد. با انجام اصلاحات می‌توان شرایط ثبت مالکیت را بهتر است.

رتبه	کشور	تعداد روزها در ۲۰۰۶	تعداد روزها در ۲۰۱۰	تغییر در تعداد روزها
۱	عربستان	۴	۲	+۲
۲	امارات	۲	۲	۰
۳	عراق	۸	۸	۰
۴	عمان	۱۶	۱۶	۰
۵	قطر	–	۱۶	–
۶	سوریه	۲۷	۱۹	+۸
۷	یمن	۲۱	۱۹	+۲
۸	اردن	۲۱	۲۱	۰
۹	لبنان	۲۵	۲۵	۰
۱۰	بحرین	–	۳۱	–
۱۱	**ایران**	**۳۶**	**۳۶**	**۰**
۱۲	تونس	۴۷	۳۹	+۸
۱۳	فلسطین	۶۸	۴۷	+۲۱
۱۴	مراکش	۴۷	۴۷	۰
۱۵	الجزایر	۵۱	۴۷	+۴
۱۶	کویت	۷۵	۵۵	+۲۰
۱۷	مصر	۱۹۳	۷۲	+۱۲۱
۱۸	اسرائیل	۱۴۴	۱۴۴	۰

Source: Doing Business database

جدول ۴-۲۳: جدول رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس زمان

کشورهای منطقه MENA در این شاخص از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ یا تغییری نداشته و یا پیشرفت صعودی داشته‌اند. ایران در ۲۰۱۰ در همان جایگاهی قرار دارد که در سال ۲۰۰۶ قرار داشته است.

۴.۳.۴.۳-شاخص هزینه[۱] (شاخص ثبت مالکیت)

یکی از بخش‌های شاخص ثبت مالکیت بر مبنای هزینه‌های مترتب بر ثبت مالکیت بر مبنای درصد از ارزش ملک مطرح می‌شود که هر چه این ارقام پایین‌تر باشد، نشان‌دهنده وضعیت بهتر کسب و کار و جذب کار آفرین وسرمایه‌گذار بیشتر می‌باشد.جدول شماره ۴-۲۴ وضعیت این شاخص را در کشورهای عضو منا در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ نشان می‌دهد.

[۱] Cost (% of property value)

رتبه	کشور	هزینه در ۲۰۰۶	هزینه در ۲۰۱۰	تغییر در هزینه ها
۱	عربستان	۰	۰	۰
۲	قطر	–	۰/۳	–
۳	کویت	۰/۶	۰/۵	+۰/۱
۴	فلسطین	۱/۳	۰/۷	+۰/۶
۵	مصر	۶/۸	۰/۹	+۵/۹
۶	بحرین	–	۰/۹	–
۷	امارات	۲	۲	۰
۸	عمان	۳	۳	۰
۹	یمن	۳/۹	۳/۸	+۰/۱
۱۰	مراکش	۷	۴/۹	+۲/۱
۱۱	اسرائیل	۷/۵	۵	+۲/۵
۱۲	لبنان	۵/۹	۵/۸	+۰/۱
۱۳	تونس	۶/۱	۶/۱	۰
۱۴	الجزایر	۷/۵	۷/۱	+۰/۴
۱۵	اردن	۱۰	۷/۵	+۲/۵
۱۶	عراق	۶/۷	۷/۷	−۱
۱۷	**ایران**	**۱۰/۶**	**۱۰/۵**	**+۰/۱**
۱۸	سوریه	۳۰/۸	۲۸	+۲/۸

Source:Doing Business database

جدول ۴-۲۴:رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس هزینه ثبت مالکیت

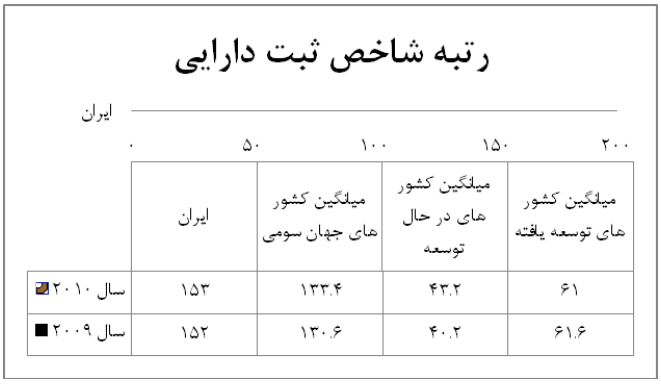
کشور عربستان در سال‌های ۲۰۰۶ و۲۰۱۰ با هزینه صفر دارای بهترین وضعیت و کمترین هزینه و رتبه اول در منطقه MENA می‌باشد و کشور مصر از سال ۲۰۰۶(با رقم ۶.۸) به سال ۲۰۱۰(با رقم۰.۹) دارای بهترین پیشرفت (مثبت ۵.۹) می‌باشد. کشور سوریه در سال ۲۰۰۶ (با رقم۳۰.۸) و سال ۲۰۱۰ (با رقم ۲۸) دارای رتبه هجدهم در منطقه MENA وبیشترین هزینه و بدترین وضعیت می باشد و کشور عراق تنها

کشوری است که از سال ۲۰۰۶(با رقم ۶.۷) به سال ۲۰۱۰ (با رقم ۷.۷) روند نزولی داشته است. کشور ایران علی‌رغم اینکه از سال ۲۰۰۶ (با رقم ۱۰.۶) به سال ۲۰۱۰ (با رقم ۱۰.۵) روندی صعودی را طی کرده اما هنوز در جایگاه نامناسبی(رتبه ۱۷ منطقه) قرار دارد. برای اصلاح این شاخص ایران باید هزینه‌هایش را برای ثبت مالکیت کاهش دهد. اکثر کشورهای منطقه MENA در این شاخص از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ پیشرفت صعودی داشته وتعدادی از آنها بدون تغییر مانده‌اند و تنها کشورعراق افت داشته است.

در این شاخص نکته جالب توجه این می‌باشد که رتبه کشورهای در حال توسعه نسبت به رتبه میانگین کشورهای توسعه یافته دارای وضعیت بهتری می‌باشد که نشان دهنده دشواری ثبت دارایی در کشورهای توسعه یافته نسبت به کشورهای در حال توسعه می‌باشد. ایران نیز دارای رتبه بالاتری نسبت به سه حوزه مقایسه‌ای دیگر وحدودا نزدیک به رتبه کشورهای جهان سومی می‌باشد. (نمودار۴-۷)

اگر ثبت اموال به صورت ساده، سریع و با هزینه کم انجام شود، کارآفرین‌ها می‌توانند بر روی کسب و کار اصلی خود متمرکز شوند. با تشویق کارآفرینان به تهیه سند رسمی، حقوق مالکیت آنها تقویت می‌شود. بدون کسب اسناد رسمی، کارآفرینان سرمایه‌گذاری کمتری کرده و به دشواری تسهیلات و اعتبارات مالی به دست می‌آورند. اگر مراحل ثبت اموال دشوار باشد مالکیت خیلی سریع به بخش غیر رسمی منتقل می‌شود.(خیرخواهان، ۲۰۰۶)

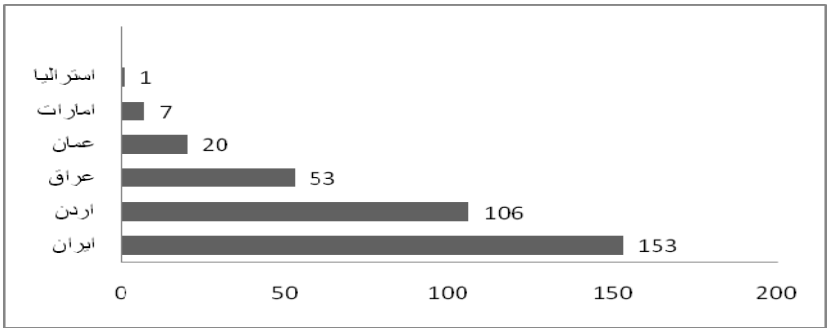
با توجه به موارد فوق‌الذکر برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز توجه به شاخص ثبت مالکیت و برنامه‌ریزی جهت بهبود در این حوزه لازم و ضروری می‌نماید.



Source: Doing Business database

نمودار ۴-۷: جایگاه ایران در شاخص ثبت دارایی و مالکیت

در نمودار ۴-۸ رتبه کشورهای منطقه منا در شاخص سهولت ثبت مالکیت در کنار ذکر نام کشور دارای رتبه نخست جهان با هم مقایسه می‌گردند.



Source: Doing Business database, ۲۰۱۰

نمودار ۴-۸: مقایسه رتبه کشورهای منتخب منطقه منا در شاخص سهولت ثبت مالکیت (در کنار ذ کر نام کشور دارای رتبه نخست در جهان)

در جدول شماره ۴-۲۵ شاخص سهولت ثبت مالکیت در کشور منطقه و برتر جهان با متوسط منطقه MENAو OECD با هم مقایسه می‌شوند.

شاخص	عربستان سعودی	منطقه MENA	عربستان سعودی (برتر جهان)	منطقه OECD
تعداد مراحل	۲	۶.۱	۲	۴.۷
مدت انجام (روز)	۲	۳۶.۱	۲	۲۵.۰
هزینه(درصد از ارزش ملک)	۰	۵.۷	۰	۴.۶

Source: Doing Business database, ۲۰۱۰

جدول ۴-۲۵: مقایسه شاخص سهولت ثبت مالکیت در کشور برتر منطقه و برتر جهان با متوسط منطقه MENA و OECD

جدول شماره ۴-۲۶ مکانیسم ثبت مالکیت در ایران را نشان می‌دهد.

شماره مرحله	فرآیند	زمان‌لازم برای انجام فرایند(روز)	هزینه (ریال)	دستگاه متولی
۱	بررسی املاک در دایره ثبت املاک ومستغلات	۲ تا ۳ روز (قابلیت همزمانی با مراحل ۲و۴و۳و۵و۶و۷)	۴۰۰۰	سازمان ثبت اسناد
۲	اخذ گواهی مفاصا حساب مالیاتی صورت وضعیت مالیات از اداره مالیات	۲ تا ۷ روز (قابلیت همزمانی با مراحل ۱و۳و۴و۵و۶و۷)	۵ درصد از ارزش منطقه ای ملک	سازمان امور مالیاتی
۳	اخذ گواهی پرداخت عوارض نوسازی ساختمان	یک روز(قابلیت همزمانی با مراحل ۱و۲و۴و۵و۶و۷)	بدون هزینه	شهرداری
۴	اخذ گواهی پایان کار ساختمان	۳۰ روز (همزمان با مراحل ۱و۲و بدون هزینه ۳و۵و۶و۷)	بدون هزینه	شهرداری
۵	اخذ گواهی اشتغال و تسویه حساب بیمه	۷ تا ۲۰ روز (همزمان با مراحل ۱و۲و۳و۴و۵و۷)	بدون هزینه	وزارت کارو امور اجتماعی
۶	اخذ گواهی تسویه حساب تامین اجتماعی	۷ روز(همزمان با مراحل ۱و۲و۳و۴و۵و۷)	بدون هزینه	سازمان تامین اجتماعی
۷	پرداخت مالیات نقل و انتقال در بانک ملی	یک روز(همزمان با مراحل ۱و۲و۳و۴و۵و۶)	۵ درصد ارزش ملک (مالیات انتقال) بعلاوه نیم درصد از ارزش ملک (حق تمبر)	سازمان امور مالیاتی

شماره مرحله	فرآیند	زمان‌لازم برای انجام فرایند(روز)	هزینه (ریال)	دستگاه متولی
۸	تهیه و گواهی سند در دفتر اسناد رسمی	یک تا ۳ روز	حدودا ۱۲۶۰۰۰۰	دفاتر اسناد رسمی
۹	ثبت سند	۲ روز	مبلغ ثبت در حال حاضر در همان مرحله هشتم اخذ می شود	اداره ثبت اسناد و املاک

Source: Doing Business database, ۲۰۱۰

جدول ۴-۲۶: سازوکار ثبت مالکیت در ایران

جدول ۴-۲۷ وضعیت شاخص سهولت ثبت مالکیت در ایران را در سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ نشان می‌دهد.

وضعیت ایران	Doing Business ۲۰۰۸	Doing Business ۲۰۰۹	Doing Business ۲۰۱۰
رتبه	....	۱۵۲	۱۵۳
تعداد مراحل	۹	۹	۹
مدت انجام (روز)	۳۶	۳۶	۳۶
هزینه (درصد از ارزش ملک)	۱۰.۶	۱۰.۶	۱۰.۵

Source: Doing Business database, ۲۰۱۰

جدول ۴-۲۷: شاخص سهولت ثبت مالکیت در ایران

در جدول شماره ۴-۲۸ شاخص سهولت ثبت مالکیت در ایران با متوسط منطقه منا و OECD مقایسه می‌شود.

شاخص	ایران	منطقه MENA	منطقه OECD
تعداد مراحل	۹	۶.۱	۴.۷
مدت انجام(روز)	۳۶	۳۶.۱	۲۵.۰
هزینه(درصد از ارزش ملک)	۱۰.۵	۵.۷	۴.۶

Source: Doing Business database, ۲۰۱۰

جدول ۴-۲۸: مقایسه شاخص سهولت ثبت مالکیت در ایران با متوسط منطقه MENA و OECD

جدول شماره ۴-۲۹ بیانگر این واقعیت است که رتبه ایران در مقایسه با کشورهای منطقه غیرقابل قبول است.

شاخص	ایران	امارات	عراق	عربستان سعودی	عمان
رتبه	۱۵۳	۷	۵۲	۱	۲۰
تعداد مراحل	۹	۱	۵	۲	۲
مدت انجام(روز)	۲۶	۲	۸	۲	۱۶
هزینه(درصد از ارزش ملک)	۱۰.۵	۲	۷.۷	۰	۲

Source: Doing Business database, ۲۰۱۰

جدول ۴-۲۹: شاخص سهولت ثبت مالکیت در ایران و کشورهای منتخب منطقه

۴.۳.۵- شاخص اخذ اعتبار[۱]

این شاخص به بررسی وضعیت ثبت، به اشتراک‌گذاری و مبادلات اطلاعات اعتباری و حقوق قانونی تسهیلات گیرندگان و تسهیلات دهندگان می‌پردازد که در سه حوزه قدرت حقوق قانونی، عمق اطلاعات اعتباری، دفاتر ثبت رسمی به شرح زیر اندازه‌گیری می‌شود.

۴.۳.۵.۱- قدرت حقوق قانونی[۲] (شاخص اخذ اعتبار):

شاخص حقوق قانونی از بخش‌های شاخص اخذ اعتبار می‌باشد که دامنه آن از صفر تا ده است و ارقام بالاتر مبین تنظیم بهتر قوانین و در نتیجه دسترسی مطلوب تر به اعتبارات می باشد و هر چه این ارقام بالاتر باشد، سرمایه گذاران و کارآفرینان بیشتر خواهند بود.

جدول شماره ۴-۳۰ به بررسی این شاخص در حوزه کشورهای منا در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ می‌پردازد.

در کشورهای منطقه MENA بهترین کشوری که تفاوت بسیار زیادی هم با کشورهای دیگر در این شاخص دارد کشور اسرائیل (با عدد ۹) می‌باشد و بعد از اسرائیل، کشور عربستان (با عدد ۴) قرار دارد. کشور فلسطین چه در سال ۲۰۰۶ و چه در سال ۲۰۱۰ (با عدد صفر) دارای بدترین وضعیت و رتبه هجدهم یعنی پائین ترین رتبه منطقه می باشد. کشور ایران در این حوزه از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ هیچ تغییری نداشته و دارای رقم ۴ می باشد که نسبت به کشورهای منطقه MENA رقم خوبی به شمار می‌رود.

تمام کشورهای منطقه MENA از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ تغییری در روند قدرت حقوق قانونی شان انجام نگرفته است (یعنی تغییر در قدرت حقوق قانونی آنها صفر بوده است). ایران در این حوزه در رتبه ۶ منطقه MENA قرار دارد.

---

[۱] Getting Credit

[۲] Strength of legal rights index (۰-۱۰)

رتبه	کشور	قدرت حقوق قانونی	قدرت حقوق قاونی	تغییر در
		در ۲۰۰۶	در ۲۰۱۰	قدرت حقوق قانونی
۱	اسرائیل	۹	۹	۰
۲	عربستان	۴	۴	۰
۳	امارات	۴	۴	۰
۴	کویت	۴	۴	۰
۵	بحرین	–	۴	–
۶	**ایران**	**۴**	**۴**	**۰**
۷	اردن	۴	۴	۰
۸	عمان	۴	۴	۰
۹	مصر	۳	۳	۰
۱۰	لبنان	۳	۳	۰
۱۱	مراکش	۳	۳	۰
۱۲	تونس	۳	۳	۰
۱۳	الجزایر	۳	۳	۰
۱۴	قطر	–	۳	–
۱۵	عراق	۳	۳	۰
۱۶	یمن	۲	۲	۰
۱۷	سوریه	۱	۱	۰
۱۸	فلسطین	۰	۰	۰

Source:Doing Business database

جدول ۴-۳۰: رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس قدرت حقوق قانونی

[۱] Depth of credit information index (۰-۶)

۴.۳.۵.۲- شاخص اطلاعات اعتباری[۱] (اخذ اعتبار):

یکی از بخش‌های شاخص اخذ اعتبار شاخص اطلاعات اعتباری می باشد که میزان و کیفیت دسترسی به اطلاعات اعتباری بخش خصوصی یا غیر خصوصی را نشان می دهد، این شاخص از صفر تا شش می باشد و رقم بالاتر مبین فراگیری بیشتر اطلاعات اعتباری دستگاه‌های دولتی و خصوصی می‌باشد.

مؤسسات خصوصی بهتر از مؤسسات عمومی، مبادلات اعتباری را تسهیل می‌کنند. علاوه بر این احتمالا این مؤسسات، قرض‌دهندگان را مشتری اصلی خود می‌دانند. مؤسسات خصوصی معمولا فقط در یکی از دو حوزه اشخاص حقیقی یا حقوقی به صورت تخصصی کار می‌کنند در حالیکه مؤسسات عمومی سعی می‌کنند هر دو را پوشش دهند. مؤسسات خصوصی، اطلاعات را از حوزه وسیع‌تری از قبیل اعتبار دهندگان تجاری، خرده‌فروشان، دادگاه‌ها و اسناد عمومی دیگر جمع‌آوری می‌کنند (میدری و قودچانی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۶).

جدول شماره ۴-۳۱ به بررسی این شاخص در حوزه کشورهای منا در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ می‌پردازد.

رتبه	کشور	عمق اطلاعات اعتباری در ۲۰۱۰	عمق اطلاعات اعتباری در ۲۰۰۶	تغییر در عمق اطلاعات اعتباری
۱	عربستان	۶	۵	+۱
۲	مصر	۶	۲	+۴
۳	اسرائیل	۵	۵	۰
۴	امارات	۵	۲	+۳
۵	مراکش	۵	۱	+۴
۶	تونس	۵	۲	+۳
۷	لبنان	۵	۴	+۱
۸	کویت	۴	۳	+۱
۹	بحرین	۴	–	–
۱۰	**ایران**	**۳**	**۳**	**۰**
۱۱	فلسطین	۳	۰	+۳

۱۲	اردن	۲	۲	۰
۱۳	عمان	۲	۲	۰
۱۴	الجزایر	۲	۱	+۱
۱۵	قطر	۲	–	–
۱۶	یمن	۲	۰	+۲
۱۷	عراق	۰	۰	۰
۱۸	سوریه	۰	۰	۰

Source:Doing Business database

جدول ۴-۳۱ رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس عمق اطلاعات اعتباری

کشور عربستان در سال ۲۰۰۶ (با رقم ۵) و در سال ۲۰۱۰ (با رقم ۶) در بهترین وضعیت کشورهای منطقه MENA قرار دارد. کشور مراکش از سال ۲۰۰۶ (با رقم یک) به سال ۲۰۱۰ (با رقم ۵) و کشور مصر از سال ۲۰۰۶ (با رقم ۲) به سال ۲۰۱۰ (با رقم ۶) دارای بهترین پیشرفت در سال ۲۰۰۶ به سال ۲۰۱۰ نسبت به کشورهای منطقه MENA بوده‌اند. کشورهای عراق و سوریه در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ و کشور یمن در سال ۲۰۰۶ دارای بدترین وضعیت (یعنی رقم صفر می باشند) که در رده آخر این جدول قرار گرفته‌اند. ایران در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ (با رقم ۳) هیچ تغییری در عمق اطلاعات اعتباری‌اش ایجاد نکرده است و در سال۲۰۱۰دارای وضعیت متوسط رو به بالایی نسبت به کشورهای منطقه MENA می باشد. اما هنوز جا برای پیشرفت بیشتر دارد.

همه کشورهای منطقه MENA از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ یا تغییر نکرده‌اند و یا روندی صعودی داشته‌اند زیرا که هر چه این رقم بالاتر می رود جذب سرمایه گذاران و کارآفرینان بیشتر می‌شود.

۴.۳.۵.۳-پوشش دفاتر ثبت رسمی دولتی[۱] (شاخص اخذ اعتبار):

یکی دیگر از بخش‌های شاخص اخذ اعتبار میزان پوشش دفاتر ثبت رسمی دولتی برای فراهم نمودن اطلاعات، موقعیت و امکانات مربوط به اخذ اعتبار می‌باشد که بر مبنای درصد از جمعیت بزرگسال گفته

[۱] Public registry coverage (% of adults)

می شود. هر چه این رقم پائین‌تر باشد، نشان دهنده کمتر دولتی بودن سیستم کسب و کار آن کشور می‌باشد و مطلوب‌تر است.

جدول شماره ۴-۳۲ به بررسی این شاخص در کشورهای حوزه منا در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ می‌پردازد.

بدلیل اینکه این شاخص یک شاخص منفی می‌باشد، رتبه اول این شاخص نشانده بدترین وضعیت برای کسب و کار می باشد و بهترین وضعیت از آن کشورهایی است که رقم پائین‌تری دارند مثل اسرائیل، عربستان، بحرین، کویت، مراکش، قطر، عراق و سوریه. بهترین پیشرفت را کشوری داشته که بیشترین کاهش را از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ انجام داده باشد که در منطقه MENA کشور مراکش و بعد از آن عربستان را شامل می‌شود. کشور ایران در این شاخص که شاخصی منفی می باشد دارای رتبه اول و بدترین وضعیت می‌باشد و بیشترین افت را از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ در منطقه MENA کشور ایران دارد. کشور ایران در سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ از رقم ۱۳/۷ به ۳۱/۳ افزایش داشته که نشان‌دهنده دولتی‌تر شدن سیستم کسب و کار در ایران می‌باشد و باید به این شاخص که شاخص منفی می‌باشد توجه جدی‌تری شود.

رتبه	کشور	پوشش دفاتر ثبت رسمی عمومی در ۲۰۰۶	پوشش دفاتر ثبت رسمی عمومی در ۲۰۱۰	تغییر در پوشش دفاتر ثبت رسمی عمومی
۱	**ایران**	**۱۳.۷**	**۳۱.۳**	**+۱۷.۶**
۲	تونس	۸.۲	۱۹.۹	+۱۱.۷
۳	عمان	–	۱۷	–
۴	لبنان	۳.۵	۸.۳	+۴.۸
۵	امارات	۱.۵	۷.۳	+۵.۸
۶	فلسطین	۰	۶.۵	+۶.۵
۷	مصر	۱.۲	۲.۵	+۱.۳
۸	اردن	۰.۶	۱	+۰.۴
۹	الجزایر	–	۰.۲	–
۱۰	یمن	۰.۱	۰.۲	+۰.۱
۱۱	اسرائیل	۰	۰	۰

۱۲	عربستان	۰.۲	۰	-۰.۲
۱۳	بحرین	-	۰	-
۱۴	کویت	۰	۰	۰
۱۵	مراکش	۲	۰	-۲
۱۶	قطر	-	۰	-
۱۷	عراق	۰	۰	۰
۱۸	سوریه	۰	۰	۰

Source:Doing Business database

جدول ۴-۳۲: رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس پوشش دفاتر ثبت رسمی عمومی(دولتی)

بیشتر کشورهای منطقه MENA که دارای اوضاع کسب و کار موفق‌تری می باشند در سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ عدد این شاخص را کاهش داده‌اند. کشورهائی که دارای اوضاع کسب و کار ناموفق‌تری می باشند یک روند افزایشی را از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ طی کرده‌اند که نشان‌دهنده دولتی تر شدن سیستم کسب و کار در آن کشورها می باشد.

۴.۳.۵.۴-پوشش دفاتر ثبت رسمی خصوصی[۱] (شاخص اخذ اعتبار)

یکی دیگر از بخش‌های شاخص اخذ اعتبار، پوشش دفاتر ثبت رسمی خصوصی برای در اختیار گذاردن موقعیت، امکانات و اطلاعات مربوط به اخذ اعتبار می‌باشد که بر مبنای درصد از جمعیت بزرگسال بیان می‌شود. هر چه این رقم بالاتر باشد نشان‌دهنده کمتر دولتی بودن سیستم کسب و کار آن کشور می‌باشد و فرصت‌های بیشتری برای مردم عادی و کارآفرینان و سرمایه گذاران ایجاد می‌کند.جدول شماره ۴-۳۳ به بررسی این شاخص در کشورهای حوزه منا در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ می‌پردازد.

رتبه	کشور	پوشش دفاتر ثبت رسمی خصوصی در ۲۰۰۶	پوشش دفاتر ثبت رسمی خصوصی در ۲۰۱۰	تغییر در پوشش دفاتر ثبت رسمی خصوصی

[۱] Private bureau coverage (%of adults)

۱	اسرائیل	–	۸۹.۸	–
۲	بحرین	–	۳۴.۹	–
۳	کویت	۱۶.۱	۳۰.۴	+۱۴.۳
۴	عربستان	۱۰.۲	۱۷.۹	+۷.۷
۵	مراکش	۰	۱۴	۰
۶	امارات	۰	۱۲.۶	۰
۷	مصر	۰	۸.۲	+۸.۲
۸	لبنان	۰	۰	۰
۹	تونس	۰	۰	۰
۱۰	**ایران**	۰	۰	۰
۱۱	اردن	۰	۰	۰
۱۲	عمان	۰	۰	۰
۱۳	الجزایر	۰	۰	۰
۱۴	قطر	–	۰	–
۱۵	یمن	۰	۰	۰
۱۶	عراق	۰	۰	۰
۱۷	فلسطین	۰	۰	۰
۱۸	سوریه	۰	۰	۰

Source:Doing Business database

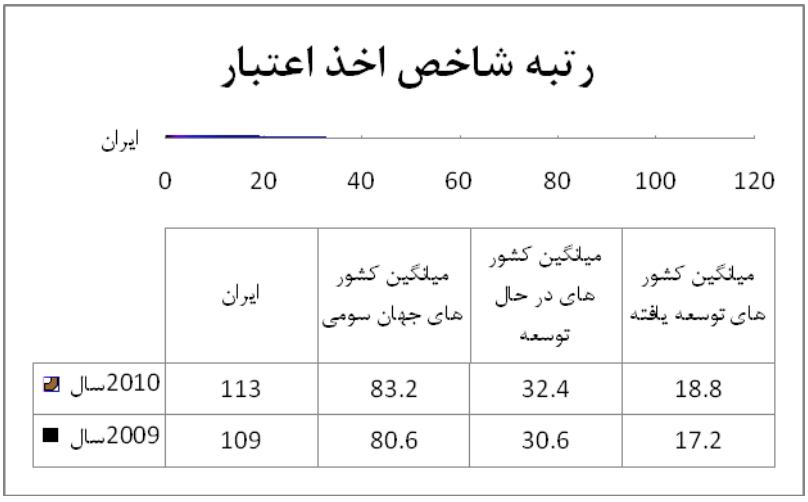
جدول ۴-۳۳: رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس پوشش دفاتر ثبت رسمی خصوصی

در سال ۲۰۱۰ کشور اسرائیل با تفاوت چشم‌گیری نسبت به کشورهای منطقه MENA (با رقم ۸۹/۸) در بهترین جایگاه قرار دارد که نشان‌دهنده کمتر دولتی بودن سیستم کسب و کار در آن کشور است و کشور کویت دارای بهترین پیشرفت از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ (با تغییر ۱۴/۳) می باشد. در این شاخص به جز کشورهای اسرائیل، بحرین، کویت، عربستان، مراکش و مصر بقیه کشورهای منطقه MENA در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ با رقم صفر دارای بدترین وضعت می باشند که نشان‌دهنده دولتی بودن نظام کسب و کار در آن کشورها است. ایران جز کشورهایی است که در بدترین وضعیت قرار دارند و در سال ۲۰۰۶ و

۲۰۱۰ با رقم صفر دارای رتبه دهم در کشورهای منطقه MENA می باشد که نشان‌دهنده دولتی بودن سیستم کسب و کار در ایران است.

همه کشورهای منطقه MENA در این شاخص از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ یا تغییری نداشته‌اند و یا روند صعودی خوبی را طی کرده‌اند. ایران در این حوزه وضعیت مطلوبی ندارد.

تفاوت زیادی بین کشورهای جهان سومی و ایران با رتبه کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته وجود دارد. ایران نیز در این شاخص نسبت به سه حوزه دیگر دارای رتبه بالاتری می باشد و دارای وضعیت نامناسب‌تری می‌باشد (نمودار۴-۹) در کشورهایی دسترسی بنگاه‌ها به اعتبارات بیشتر است که ادارات ثبت اعتبار اقدام به توزیع همزمان اطلاعات مثبت و منفی، شامل داده‌های اعتبار دهندگان تجاری، خرده‌فروشان، بنگاه‌های خدمات عمومی، جمع‌آوری و در دسترس قرار دادن اطلاعات بصورت الکترونیکی می‌کنند. دسترسی به وام‌ها نیز در کشورهایی بیشتر است که قوانین وثیقه اجازه می‌دهد همه دارایی‌ها به عنوان وثیقه استفاده شوند (خیرخواهان،۲۰۰۶). با توجه به نامطلوب بودن جایگاه ایران در این شاخص در سال ۲۰۱۰میلادی ضروری است که با مطالعه تجربه کشورهای موفق در این حوزه و با در نظر گرفتن شرایط بومی ایران، اصلاحات مورد نیاز صورت پذیرد.

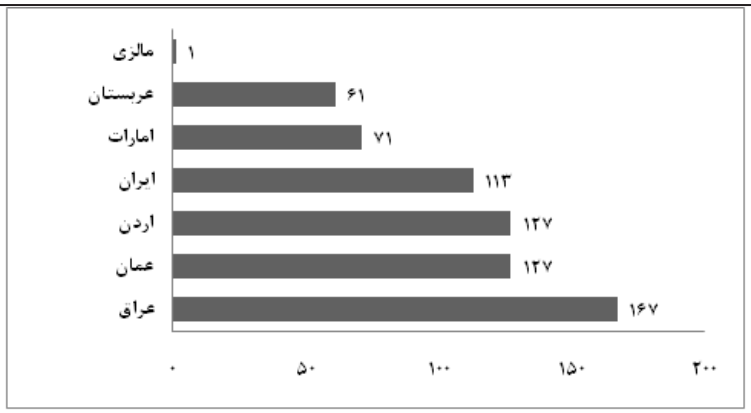


	ایران	میانگین کشور های جهان سومی	میانگین کشور های در حال توسعه	میانگین کشور های توسعه یافته
2010سال	113	83.2	32.4	18.8
2009سال	109	80.6	30.6	17.2

Source:Doing Business database

نمودار ۴-۹ : جایگاه ایران در شاخص اخذ اعتبار

در نمودار شماره ۴-۱۰ رتبه کشورهای منتخب منا در شاخص اخذ اعتبار با هم مقایسه می شوند.



Source:Doing Business database, ۲۰۱۰

نمودار۴-۱۰: مقایسه رتبه کشورهای منتخب منطقه منا در شاخص اخذ اعتبار (در کنار ذ کر نام کشور دارای رتبه نخست در جهان)

در جدول۴-۳۴ شاخص سهولت اخذ اعتبار در کشور برتر منطقه و برتر جهان با متوسط منطقه منا و OECD مقایسه می‌شوند.

شاخص	عربستان سعودی (رتبه دوم منطقه پس از اسرائیل)	MENA	مالزی	OECD
شاخص حقوق قانونی(۱۰-۰)	۴	۲.۳	۱۰	۶.۸
شاخص اطلاعات اعتباری(۶-۰)	۶	۲.۳	۶	۴.۹
پوشش ثبت توسط نهاد دولتی (درصد از جمعیت بزرگسال)	۰	۵.۰	۴۸.۵	۸.۸
پوشش ثبت توسط نهاد خصوصی (درصد از جمعیت بزرگسال)	۱۷.۹	۱۰.۹	۸۲	۵۹.۶

Source:Doing Business database,۲۰۱۰

جدول ۴-۳۴: مقایسه شاخص سهولت اخذ اعتبار در کشور برتر منطقه و برتر جهان با متوسط منطقه MENA و OECD

در جدول ۴-۳۵ سهولت اخذ اعتبار در ایران با متوسط منطقه منا و OECD مورد مقایسه قرار می‌گیرد.

شاخص	ایران	MENA	OECD
شاخص حقوق قانونی	۴	۳.۳	۶.۸
شاخص اطلاعات اعتباری	۳	۳.۳	۴.۹
پوشش ثبت توسط نهاد دولتی(درصد از جمعیت بزرگسال)	۲۱.۳	۵.۰	۸.۸
پوشش ثبت توسط نهاد خصوصی (درصد از جمعیت بزرگسال)	۰	۱۰.۹	۵۹.۶

Source:Doing Business database,۲۰۱۰

جدول ۴-۳۵: مقایسه شاخص سهولت اخذ اعتبار در ایران با متوسط منطقهMENA و OECD

جدول ۴-۳۶ رتبه ایران در شاخص سهولت اخذ اعتبار را بر مبنای گزارش‌های ۲۰۰۸، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ بانک جهانی نشان می‌دهد.

شاخص	Doing Business ۲۰۰۸	Doing Business ۲۰۰۹	Doing Business ۲۰۱۰
رتبه	....	۱۰۹	۱۱۳
شاخص حقوق قانونی	۴	۴	۴
شاخص اطلاعات اعتباری	۴	۴	۴
پوشش ثبت توسط نهاد دولتی(درصد از جمعیت بزرگسال)	۲۲.۲	۲۱.۷	۲۱.۳
پوشش ثبت توسط نهاد خصوصی (درصد از جمعیت بزرگسال)	۰	۰	۰

Source:Doing Business database,۲۰۱۰

جدول ۴-۳۶: شاخص سهولت اخذ اعتبار در ایران

جدول ۴-۳۷ شاخص سهولت اخذ اعتبار در ایران و کشورهای منطقه را نشان می دهد.

	ایران	امارات	عراق	عربستان سعودی	عمان
رتبه	۱۱۳	۷۱	۱۶۷	۶۱	۱۲۷
شاخص حقوق قانونی	۴	۴	۳	۴	۴
شاخص اطلاعات اعتباری	۲	۵	۰	۶	۲
پوشش ثبت توسط نهاد دولتی(درصد از جمعیت بزرگسال)	۳۱.۳	۷.۳	۰	۰	۱
پوشش ثبت توسط نهاد خصوصی (درصد از جمعیت بزرگسال)	۰	۱۲.۶	۰	۱۷.۹	۰

جدول شماره ۴-۳۷ شاخص سهولت اخذ اعتبار در ایران و کشورهای منتخب منطقه را نشان می‌دهد.

Source:Doing Business database,۲۰۱۰

جدول ۴-۳۷: شاخص سهولت اخذ اعتبار در ایران و کشورهای منتخب منطقه

۴.۳.۶. شاخص حمایت از سرمایه گذاران[۱]

حمایت از سرمایه‌گذاران، منافع بسیار زیادی برای جامعه دارد و در جایی‌که استثمار سهامداران اقلیت مهار شده است، سرمایه‌گذاری ارزش ویژه و بالایی داشته و تمرکز مالکیت کمتر است. در این شرایط سرمایه‌گذاران از وجود تنوع دارایی‌ها سود می‌برند و کارآفرینان نیز به نقدینگی دسترسی دارند(خیرخواهان، ۲۰۰۶).

[۱] Protecting Investors

این شاخص به بررسی میزان حمایت قانون از حقوق سهامداران اقلیت در شرکت‌های سهامی عام می‌پردازد که در چهار مورد شاخص افشا، مسئولیت‌پذیری، سهولت دادخواست سهامداران و حمایت از سرمایه‌گذاران به شرح زیر بررسی می‌شود.

۴.۳.۶.۱-شاخص افشا[۱] (شاخص حمایت از سرمایه گذاران)

آسان‌ترین نوع اصلاحات در هر کشوری افزایش سطح افشاگری است. سرمایه‌گذاران باید آگاه باشند که مدیران شرکت چه منافعی در معاملات پیشنهادی دارند. به طوری که بتوانند از طریق رأی دادن، معاملاتی را که به منافع آنها آسیب می‌رساند را متوقف سازند یا برای دریافت خسارت اقامه دعوی کنند(خیرخواهان، ۲۰۰۶) دامنه این شاخص از صفر تا ده است و ارقام بالاتر مبین افشای بیشتر می‌باشد که عملکرد بهتر شاخص حمایت از سرمایه گذاران را نشان می‌دهد.

جدول ۴- ۳۸ به بررسی این شاخص در کشورهای حوزه منا در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ می‌پردازد.

در لیست کشورهای منطقه MENA از لحاظ عددی کشور لبنان در سال ۲۰۰۶ (با رقم ۹) و در سال ۲۰۱۰ کشور عربستان با (رقم ۹) دارای بهترین وضعیت می‌باشند. کشور تونس از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ توانسته است بهترین پیشرفت (تغییر وضعیت ۵+ و رسیدن از صفر به پنج) را انجام دهد ولی هنوز نتوانسته در رتبه خوبی در منطقه MENA قرار گیرد و دارای رتبه سیزدهم می باشد. کشور تونس در سال ۲۰۰۶ (با رقم صفر) و کشور عراق در سال ۲۰۱۰ (با رقم ۴) دارای بدترین وضعیت منطقه می باشند. کشور ایران از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ در این شاخص تغییری نکرده است و دارای رقم پنج می‌باشد و اوضاع وخیمی در این شاخص دارد و دارای رتبه شانزدهم در کشورهای منطقه MENA می‌باشد. برای اصلاح مشکلات این شاخص باید توجه و اهتمام جدی در ایران بعمل آید.

[۱] Extent of disclosure index (۰-۱۰)

رتبه	کشور	افشا در ۲۰۰۶	افشا در ۲۰۱۰	تغییر در افشا
۱	عربستان	۷	۹	+۲
۲	لبنان	۹	۹	۰
۳	بحرین	–	۸	–
۴	مصر	۷	۸	+۱
۵	عمان	۸	۸	۰
۶	اسرائیل	۷	۷	۰
۷	کویت	۷	۷	۰
۸	فلسطین	۶	۶	۰
۹	الجزایر	۶	۶	۰
۱۰	سوریه	۶	۶	۰
۱۱	یمن	۶	۶	۰
۱۲	مراکش	۶	۶	۰
۱۳	تونس	۰	۵	+۵
۱۴	قطر	–	۵	–
۱۵	اردن	۵	۵	۰
۱۶	**ایران**	**۵**	**۵**	**۰**
۱۷	امارات	۴	۴	۰
۱۸	عراق	۴	۴	۰

Source:Doing Business database

جدول۴-۳۸: رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس افشاء

تقریباً می توان گفت اکثر کشورهای منطقه MENA از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ در این شاخص تغییری پیدا نکرده‌اند و تنها تعداد اندکی از آنها پیشرفت داشته‌اند.

۴.۳.۶.۲- مسئولیت پذیری (شاخص مسئولیت مدیر)[۱] (شاخص حمایت از سرمایه گذاران)

[۱] Extent of director liability index (۰-۱۰)

یکی دیگر از بخش‌های شاخص حمایت از سرمایه گذاران، شاخص مسئولیت مدیر می باشد که دامنه آن از صفر تا ده می‌باشد. هر چه این رقم بالاتر باشد گستره بیشتر شاخص مسئولیت مدیر را نشان می‌دهد و همچنین نشان‌دهنده عملکرد بهتر شاخص حمایت از سرمایه گذاران است.

جدول ۴-۳۹ به بررسی این شاخص در حوزه کشورهای منا در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ می‌پردازد.

رتبه	کشور	مسئولیت پذیری در ۲۰۰۶	مسئولیت پذیری در ۲۰۱۰	تغییر در مسئولیت پذیری
۱	اسرائیل	۹	۹	۰
۲	عربستان	۷	۸	+۱
۳	کویت	۷	۷	۰
۴	امارات	۷	۷	۰
۵	الجزایر	۶	۶	۰
۶	قطر	–	۶	–
۷	فلسطین	۵	۵	۰
۸	تونس	۴	۵	+۱
۹	عمان	۵	۵	۰
۱۰	عراق	۵	۵	۰
۱۱	سوریه	۵	۵	۰
۱۲	بحرین	–	۴	–
۱۳	اردن	۴	۴	۰
۱۴	یمن	۴	۴	۰
۱۵	**ایران**	**۴**	**۴**	**۰**
۱۶	مصر	۳	۳	۰
۱۷	مراکش	۲	۲	۰
۱۸	لبنان	۱	۱	۰

Source:Doing Business database

جدول۴-۳۹: رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس مسئولیت پذیری

کشور اسرائیل چه در سال ۲۰۰۶ (با رقم ۹) و چه در سال ۲۰۱۰ (با رقم ۹) دارای رتبه اول در منطقه MENA می‌باشد و کشور عربستان نیز در سال ۲۰۰۶ (با رقم ۷) به سال ۲۰۱۰ (با رقم ۸) بهترین پیشرفت را در منطقه MENA داشته است. لبنان در سال‌های ۲۰۰۶ و۲۰۱۰ (با رقم یک) دارای رتبه هجدهم و بدترین وضعیت منطقه MENA می باشد. ایران از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ با رقم ۴ تغییری نداشته و دارای رتبه پانزدهم که رتبه بدی است، می باشد و باید در این شاخص نیز اصلاحاتی را انجام دهد.

اکثر کشورهای منطقه MENA از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ در این شاخص تغییری نداشته‌اند و تنها کشور عربستان و تونس روندی صعودی را پشت سر گذاشته‌اند.

۴.۳.۶.۳-شاخص سهولت دادخواست سهامداران[1] (شاخص حمایت از سرمایه‌گذاران)

یکی دیگر از بخش‌های شاخص حمایت از سرمایه گذاران، شاخص سهولت دادخواست سهامداران می‌باشد که دامنه آن از صفر تا ده است. ارقام بالاتر مبین توان بیشتر سهامداران برای تعقیب قانونی سوء رفتار مدیران و عملکرد بهتر شاخص حمایت از سرمایه گذاران می‌باشد.

جدول ۴-۴۰ به بررسی این شاخص در کشورهای حوزه منا در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ می‌پردازد.

کشور اسرائیل در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ (با رقم ۹) دارای رتبه اول و بهترین وضعیت می باشد و کشور عربستان تنها کشوری است که از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ تغییر داشته است (روند صعودی ۱+ داشته). کشور ایران در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ با رقم صفر و با رتبه هجده در منطقه MENA دارای بدترین وضعیت می باشد.

در تمامی کشورهای منطقه MENA بجز کشور عربستان تغییری در سهولت دادخواست سهامداران از سال ۲۰۰۶ به سال ۲۰۱۰ رخ نداده است و تغییر همه کشورها صفر بوده است.

[1] Ease of shareholder suits index (۰-۱۰)

رتبه	کشور	سهولت دادخواست سهامداران در ۲۰۰۶	سهولت دادخواست سهامداران در ۲۰۱۰	تغییر در سهولت دادخواست سهامداران
۱	اسرائیل	۹	۹	۰
۲	فلسطین	۷	۷	۰
۳	تونس	۶	۶	۰
۴	کویت	۵	۵	۰
۵	بحرین	–	۵	–
۶	مصر	۵	۵	۰
۷	لبنان	۵	۵	۰
۸	عربستان	۳	۴	+۱
۹	الجزایر	۴	۴	۰
۱۰	قطر	–	۴	–
۱۱	عراق	۴	۴	۰
۱۲	اردن	۴	۴	۰
۱۳	عمان	۲	۲	۰
۱۴	سوریه	۲	۲	۰
۱۵	امارات	۲	۲	۰
۱۶	یمن	۲	۲	۰
۱۷	مراکش	۱	۱	۰
۱۸	**ایران**	**۰**	**۰**	**۰**

Source:Doing Business database

جدول ۴-۴۰: رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس سهولت دادخواست سهامداران

[۱] Strength of investor protection index (۰-۱۰)

۴.۳.۶.۴-شاخص حمایت از سهامداران (شاخص حمایت از سرمایه گذاران)[1]

دامنه این شاخص از صفر تا ده می باشد و رقم بالاتر نشان دهنده عملکرد بهتر شاخص حمایت از سرمایه گذاران است. هر چه این ارقام بالاتر باشد جذب کارآفرینان و سرمایه گذاران در آن کشور بیشتر خواهد بود.

جدول ۴-۴۱ به بررسی این شاخص در کشورهای حوزه منا در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ می‌پردازد.

رتبه	کشور	حمایت از سرمایه گذاران در ۲۰۰۶	حمایت از سرمایه گذاران در ۲۰۱۰	تغییر در حمایت از سرمایه گذاران
۱	اسرائیل	۸.۳	۸.۳	۰
۲	عربستان	۵.۷	۷	۱.۳
۳	کویت	۶.۳	۶.۳	۰
۴	فلسطین	۶	۶	۰
۵	بحرین	–	۵.۷	–
۶	تونس	۳.۳	۵.۳	+۲
۷	مصر	۵	۵.۳	+۰.۳
۸	الجزایر	۵.۳	۵.۳	۰
۹	لبنان	۵	۵	۰
۱۰	عمان	۵	۵	۰
۱۱	قطر	–	۵	–
۱۲	عراق	۴.۳	۴.۳	۰
۱۳	اردن	۴.۳	۴.۳	۰
۱۴	سوریه	۴.۳	۴.۳	۰
۱۵	امارات	۴.۳	۴.۳	۰

۱۶	یمن	۴	۴	۰
۱۷	مراکش	۳	۳	۰
۱۸	**ایران**	**۳**	**۳**	**۰**

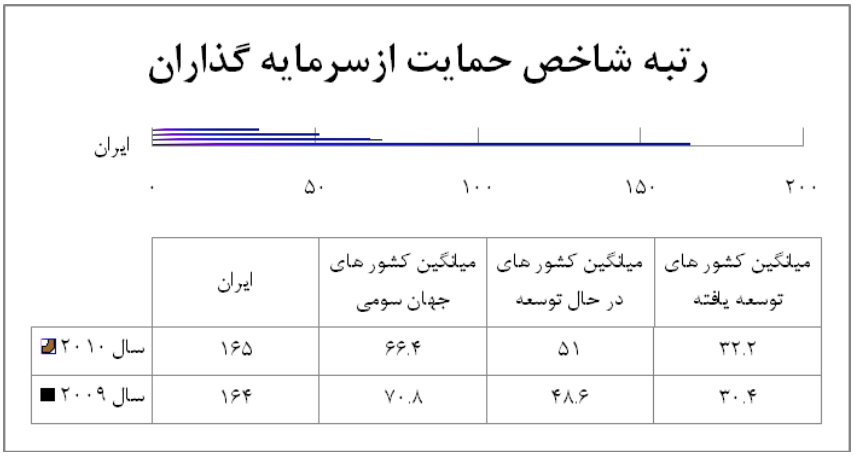
Source:Doing Business database

جدول ۴-۴۱: رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس حمایت از سرمایه گذاران

کشور اسرائیل چه در سال ۲۰۰۶ و چه در سال ۲۰۱۰ (با رقم ۸/۳) دارای رتبه اول و بهترین وضعیت منطقه MENA می‌باشد و کشور تونس از سال ۲۰۰۶ (با رقم ۳/۳) به سال ۲۰۱۰ (با رقم ۵/۳) دارای بیشترین پیشرفت (مثبت دو) می باشد و بعد از آن بهترین پیشرفت را کشور عربستان از سال ۲۰۰۶ (با رقم ۵/۷) به سال ۲۰۱۰ (با رقم ۷)به دست آورده است. کشور ایران و مراکش چه در سال ۲۰۰۶ و چه در سال ۲۰۱۰ (با رقم ۳) به ترتیب دارای رتبه هجدهم و هفدهم منطقه MENA و بدترین وضعیت منطقه می باشند. جهت بهبود وضعیت نامطلوب ایران در منطقه منا انجام اصلاحات و تلاش برای جذب کارآفرینان ضروری است.

اکثر کشورهای منطقه MENA از سال ۲۰۰۶ به سال ۲۰۱۰ تغییری در حمایت از سرمایه گذاران نداشته‌اند و تنها سه کشور عربستان، تونس و مصر روندی صعودی را پشت سر گذاشته‌اند.

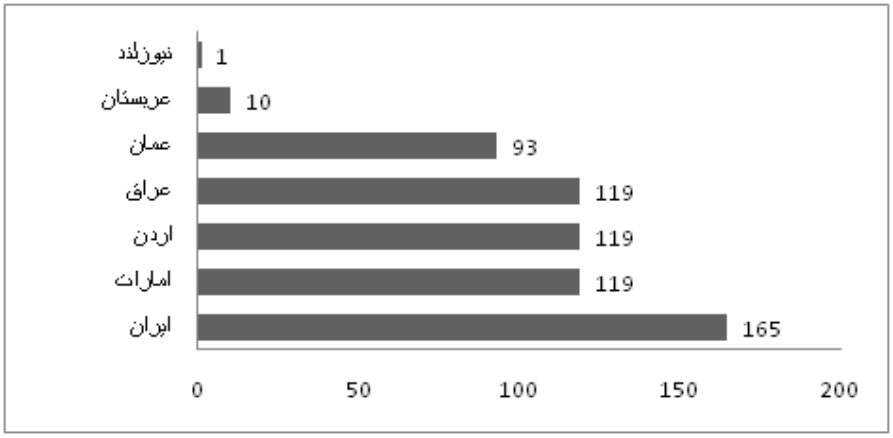
یکی از بدترین رتبه های ایران نسبت به سه حوزه مقایسه‌ای دیگر در این شاخص دیده می شود و تفاوت بسیاری با سه حوزه دیگر دارد. این شرایط نشان دهنده نداشتن شرایط لازم برای حمایت از سرمایه گذاران می باشد که نقش به سزایی درحوزه کسب و کار ایفا می‌کند.(نمودار۴-۱۱)



	ایران	میانگین کشور های جهان سومی	میانگین کشور های در حال توسعه	میانگین کشور های توسعه یافته
سال ۲۰۱۰	۱۶۵	۶۶.۴	۵۱	۳۲.۲
سال ۲۰۰۹	۱۶۴	۷۰.۸	۴۸.۶	۳۰.۴

Source:Doing Business database

نمودار ۴-۱۱ : جایگاه ایران در شاخص حمایت از سرمایه‌گذاران



Source:Doing Business database, ۲۰۱۰

نمودار ۴-۱۲ : مقایسه رتبه کشورهای منتخب منطقه منا در شاخص حمایت قضایی از سهامداران جز (در کنار ذ کر نام کشور دارای رتبه نخست در جهان)

در جدول ۴- ۴۲ شاخص حمایت از سهامدارن جزء در کشور برتر منطقه و برتر جهان بر مبنای گزارش ۲۰۱۰ بانک جهانی با متوسط منطقه منا و OECD با هم مقایسه می‌شوند.

شاخص	عربستان سعودی (دوم منطقه پس از اسرائیل)	منطقه MENA	نیوزلند	منطقه OECD
اندازه شاخص افشا (۱۰-۰)	۹	۶.۳	۱۰	۵.۹
اندازه شاخص مسولیت مدیر (۱۰-۰)	۸	۴.۸	۹	۵
اندازه شاخص قدرت تعقیب قانونی سهامداران(۱۰-۰)	۴	۳.۷	۱۰	۶.۶
اندازه شاخص حمایت قضایی از سهامداران جز(۱۰-۰)	۷	۴.۹	۹.۷	۵.۸

Source:Doing Business database, ۲۰۱۰

جدول ۴-۴۲: مقایسه شاخص سهولت حمایت از سهامداران جز در کشوربرتر منطقه و برتر جهان با متوسط منطقه MENA و OECD

جدول ۴-۴۳ مبین رتبه شاخص حمایت قضایی از سهامداران جزء در ایران در سال‌های مختلف و مقایسه آن با متوسط منطقه منا و OECD می‌باشد.

	Doing Business ۲۰۰۸	Doing Business ۲۰۰۹	Doing Business ۲۰۱۰
رتبه	.....	۱۶۴	۱۶۵
رقم شاخص	۳	۳	۳
	ایران	منطقه MENA	منطقه OECD
رقم شاخص(DB۲۰۱۰)	۳	۴.۹	۵.۸

Source:Doing Business database, ۲۰۱۰

جدول ۴-۴۳ شاخص حمایت قضایی از سهامداران جز در ایران در سال های مختلف و مقایسه آن با متوسط منطقه در گزارش ۲۰۱۰

	ایران	امارات	عراق	عربستان سعودی	عمان
رتبه	۱۶۵	۱۱۹	۱۱۹	۱۶	۹۳
رقم شاخص	۲	۴.۳	۴.۳	۷.۰	۵.۰

Source:Doing Business database, ۲۰۱۰

جدول ۴-۴۴: شاخص حمایت قضایی از سهامداران جز در ایران و کشورهای منتخب منطقه

۴.۳.۷. شاخص سهولت پرداخت مالیات[۱]

این شاخص به بررسی فرآیندهایی می‌پردازد که یک شرکت با اندازه متوسط در یک سال مالی برای پرداخت مالیات باید بپردازد. که با توجه به عواملی چون تعداد پرداخت، زمان صرف شده، نرخ مالیات و مأخذ تعلق مالیات به شرح زیر محاسبه می‌گردد.

۴.۳.۷.۱-شاخص تعداد پرداخت[۲] (شاخص پرداخت مالیات)

یکی از بخش‌های شاخص پرداخت مالیات شاخص تعداد پرداخت‌ها می باشد که هرچه این تعداد کمتر باشد نشان دهنده وضعیت بهتر برای جذب کارآفرینان و سرمایه گذاران می باشد. این شاخص تعداد پرداخت‌ها را در یک سال مالی نشان می دهد.

جدول ۴-۴۵ وضعیت این شاخص را در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ در کشورهای حوزه منا نشان می‌دهد.

رتبه	کشور	تعدا پرداخت در سال ۲۰۰۶	تعداد پرداخت در سال ۲۰۱۰	تغییر در تعداد پرداخت
۱	قطر	-	۱	-

[۱] Paying Taxes

[۲] Payments (number per year)

رتبه	کشور	تعدا پرداخت در سال ۲۰۰۶	تعداد پرداخت در سال ۲۰۱۰	تغییر در تعداد پرداخت
۲	عراق	۱۳	۱۳	۰
۳	امارت	۱۴	۱۴	۰
۴	عربستان	۱۴	۱۴	۰
۵	عمان	۱۴	۱۴	۰
۶	کویت	۱۴	۱۵	-۱
۷	لبنان	۱۹	۱۹	۰
۸	سوریه	۲۰	۲۰	۰
۹	**ایران**	**۲۲**	**۲۲**	**۰**
۱۰	تونس	۲۲	۲۲	۰
۱۱	بحرین	-	۲۵	-
۱۲	اردن	۲۶	۲۶	۰
۱۳	فلسطین	۲۷	۲۷	۰
۱۴	مراکش	۲۸	۲۸	۰
۱۵	مصر	۴۲	۲۹	+۱۳
۱۶	اسرائیل	۳۴	۳۳	+۱
۱۷	الجزایر	۴۶	۳۴	+۱۲
۱۸	یمن	۴۴	۴۴	۰

Source:Doing Business database

جدول ۴-۴۵: رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس تعداد پرداخت

کشور قطر در سال ۲۰۱۰ دارای بهترین وضعیت در حوزه کشورهای منطقه MENA می‌باشد و کشور مصر از سال ۲۰۰۶ (با رقم ۴۲) به سال ۲۰۱۰ (با رقم ۲۹) دارای بهترین پیشرفت (۱۳+) است که البته هنوز جایگاه خوبی در منطقه MENA ندارد و دارای رتبه ۱۵ می‌باشد. کشور الجزایر نیز همانند مصر در جایگاه خوبی قرار ندارد ولی بعد از کشور مصر یک پیشرفت صعودی (۱۲+) را داشته است. یمن در سال ۲۰۱۰ و کشور الجزایر در سال ۲۰۰۶ دارای بدترین وضعیت منطقه MENA می باشند. کشور کویت تنها

کشوری در منطقه MENA می باشد که از سال ۲۰۰۶ به سال ۲۰۱۰ (۱-) افت کرده است. کشور ایران در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ (با رقم ۲۲) هیچ تغییری نداشته و دارای رتبه نهم که رتبه متوسطی در منطقه MENA است، می باشد.

از سال ۲۰۰۶ به سال ۲۰۱۰ در اکثر کشورهای منطقه MENA تغییری رخ نداده و تنها کشور کویت روندی نزولی و کشورهای مصر و اسرائیل و الجزایر روندی صعودی را طی کرده‌اند.

۴.۳.۷.۲-شاخص زمان صرف شده[۱] (شاخص پرداخت مالیات)

شاخص زمان صرف شده، براساس زمان (ساعت) پرداخت مالیات در یک سال مالی می باشد که هر چه این زمان کمتر باشد جذب کارآفرینان و سرمایه گذاران بیشتر خواهد بود.

جدول شماره ۴-۴۶ به بررسی این شاخص را در کشورهای حوزه منا در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ می‌پردازد

رتبه	کشور	زمان صرف شده در ۲۰۰۶	زمان صرف شده در ۲۰۱۰	تغییر در زمان صرف شده
۱	امارات	۱۲	۱۲	۰
۲	قطر	–	۳۶	–
۳	بحرین	–	۳۶	–
۴	عمان	۵۲	۶۲	-۱۰
۵	عربستان	۶۹	۶۷۹	-۱۰
۶	اردن	۱۰۱	۱۰۱	۰
۷	کویت	۱۱۸	۱۱۸	۰
۸	فلسطین	۱۵۴	۱۵۴	۰
۹	لبنان	۱۸۰	۱۸۰	۰

[۱] Time (hours per year)

۱۰	تونس	۲۶۸	۲۲۸	+۴۰
۱۱	اسرائیل	۲۳۰	۲۳۰	۰
۱۲	یمن	۲۴۸	۲۴۸	۰
۱۳	عراق	۳۱۲	۳۱۲	۰
۱۴	سوریه	۳۳۶	۳۳۶	۰
۱۵	**ایران**	**۳۴۴**	**۳۴۴**	**۰**
۱۶	مراکش	۳۵۸	۳۵۸	۰
۱۷	الجزایر	۴۵۱	۴۵۱	۰
۱۸	مصر	۵۰۴	۴۸۰	+۲۴

Source:Doing Business database

جدول ۴-۴۶: رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس زمان صرف شده

کشور امارات از سال ۲۰۰۶ به سال ۲۰۱۰ (با رقم ۱۲) تغییری نکرده است و دارای رتبه یک و بهترین وضعیت MENA می باشد. کشور تونس از سال ۲۰۰۶ (با ۲۶۸ ساعت) به سال ۲۰۱۰ (با ۲۲۸ ساعت) توانسته است ۴۰ ساعت را کاهش داده و بهترین پیشرفت در لیست منطقه MENA را داشته باشد اما هنوز در جایگاه مطلوبی در این لیست قرار ندارد و دارای رتبه دهم می باشد. کشور مصر چه در سال ۲۰۰۶ (با ۵۰۴ ساعت) و چه در سال ۲۰۱۰ (با ۴۸۰ ساعت) دارای رتبه هجدهم و بدترین وضعیت منطقه MENA می‌باشد. و بیشترین افت از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ مربوط به کشورهای عمان و عربستان (منفی ده ساعت) می‌باشد. کشور ایران در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ (با ۳۴۴ ساعت) ثابت بوده و تغییری نداشته و دارای رتبه پانزدهم که رتبه متوسط رو به پائینی است، می باشد و باید برای جذب سرمایه گذاران و کارآفرینان سعی شود که زمان پرداخت مالیات کاهش یابد.

بیشترکشورهای منطقه MENA از سال ۲۰۰۶ به سال ۲۰۱۰ تغییری نکرده‌اند و تنها تعداد اندکی از کشورها رشد (تونس و مصر) یا افت (عمان و عربستان) داشته‌اند.

۴.۳.۷.۳-شاخص مالیات بر سود[۱] (شاخص پرداخت مالیات)

[۱] Profit tax (%)

این شاخص، میزان مالیات بر سود را برحسب درصد بیان می کند که هر چه این درصد پائین تر باشد جذابیت بیشتری برای کارآفرینان و سرمایه گذاران دارد.

جدول ۴- ۴۷ به بررسی این شاخص را در کشورهای حوزه منا در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ می‌پردازد.

کشورهای قطر و امارات و بحرین به ترتیب دارای رتبه اول تا سوم منطقه MENA (با رقم صفر درصد سود) می باشند که در بهترین وضعیت منطقه قرار دارند. کشور یمن با ۳۵/۱ درصد دارای رتبه هجدهم و بدترین وضعیت منطقه MENA می باشد. ایران با ۱۷/۹ درصد در رتبه چهاردهم که رتبه ضعیفی است، قرار دارد.

در سال ۲۰۰۶ در سایت Doing Business آماری از این شاخص نداشته‌ایم و تنها آمار سال ۲۰۱۰ کشورهای منطقه MENA در دسترس می باشد که ارقام آن از صفر تا ۳۵/۱ درصد است.

رتبه	کشور	مالیات بر سود در ۲۰۰۶	مالیات بر سود در ۲۰۱۰	تغییر در مالیات بر سود
۱	قطر	–	۰	–
۲	امارات	–	۰	–
۳	بحرین	–	۰	–
۴	عربستان	–	۲.۱	–
۵	کویت	–	۴.۷	–
۶	لبنان	–	۶.۱	–
۷	الجزایر	–	۶.۶	–
۸	عمان	–	۹.۷	–
۹	مصر	–	۱۳.۸	–
۱۰	عراق	–	۱۴.۹	–
۱۱	تونس	–	۱۵	–
۱۲	اردن	–	۱۵.۱	–
۱۳	فلسطین	–	۱۶.۲	–
۱۴	**ایران**	–	**۱۷.۹**	–

۱۵	مراکش	–	۱۸.۱	–
۱۶	سوریه	–	۲۳.۲	–
۱۷	اسرائیل	–	۲۴.۷	–
۱۸	یمن	–	۳۵.۱	–

Source:Doing Business database

جدول ۴-۴۷: رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس مالیات بر سود

۴.۳.۷.۴-شاخص مالیات بر کار و مشارکت[۱] (شاخص پرداخت مالیات)

یکی از بخش‌های شاخص پرداخت مالیات، شاخص مالیات بر کار و مشارکت و فعالیت‌های اقتصادی انجام شده توسط فعالان اقتصادی می‌باشد. هر چه این درصد کمتر باشد برای سرمایه‌گذاران جذاب‌تر و موجب سرمایه‌گذاری بیشتر می‌شود.

جدول ۴- ۴۸ به بررسی این شاخص در کشورهای حوزه در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ می‌پردازد.

رتبه	کشور	مالیات بر کار و مشارکت در ۲۰۰۶	مالیات بر کار و مشارکت در ۲۰۱۰	تغییر در مالیات بر کار و مشارکت
۱	سوریه	–	۰	–
۲	فلسطین	–	۰	–
۳	اسرائیل	–	۵.۳	–
۴	کویت	–	۱۰.۷	–
۵	قطر	–	۱۱.۳	–
۶	یمن	–	۱۱.۳	–
۷	عمان	–	۱۱.۸	–
۸	عربستان	–	۱۲.۴	–

[۱] Labor tax and contributions (%)

۹	اردن	–	۱۲.۴	–
۱۰	عراق	–	۱۳.۵	–
۱۱	امارات	–	۱۴.۱	–
۱۲	بحرین	–	۱۴.۷	–
۱۳	مراکش	–	۲۲.۲	–
۱۴	لبنان	–	۲۴.۱	–
۱۵	توسن	–	۲۵.۲	–
۱۶	مصر	–	۲۵.۶	–
۱۷	**ایران**	–	**۲۵.۹**	–
۱۸	الجزایر	–	۲۹.۷	–

Source:Doing Business database

جدول ۴-۴۸: رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس مالیات بر کار و مشارکت

به ترتیب کشورهای سوریه و فلسطین در این شاخص با عدد صفر دارای رتبه اول و دوم و بهترین وضعیت در منطقه MENA می باشند. الجزایر با رقم ۲۹/۷ دارای رتبه هجدهم و بدترین وضعیت منطقه MENA می‌باشد. در سال ۲۰۱۰ ایران با رقم ۲۵/۹ در رتبه هفدهم که رتبه بدی است، قرار دارد..

تنها آمار سال ۲۰۱۰ در این شاخص در سایت Doing Business در دسترس ما بوده است که ارقام آن در کشورهای منطقه MENA از صفر تا ۲۹/۷ می‌باشد. هر چه این عدد کمتر باشد وضعیت بهتری را در کسب و کار آن کشور نشان می دهد.

۴.۳.۷.۵-شاخص سایر مالیاتها[۱] (شاخص پرداخت مالیات):

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر شاخص پرداخت مالیات، تنوع و تکثر مالیات‌هایی است که دولت بر اساس مأخذ تعلق مالیات تعیین می‌کند. کثرت مأخذ تعلق مالیاتی از عوامل بازدارنده سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی می‌باشد در نتیجه هر چه ارقام این شاخص کمتر باشد نشان دهنده وضعیت بهتر کسب و

[۱] Other taxes (%)

کار در آن کشور و جذب بیشتر کارآفرینان و سرمایه گذاران می باشد. جدول ۴- ۴۹ به بررسی این شاخص در کشورهای حوزه منا در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ می‌پردازد.

رتبه	کشور	سایر مالیات ها در ۲۰۰۶	سایر مالیات ها در ۲۰۱۰	تغییر در سایر مالیات ها
۱	قطر	–	۰	–
۲	امارات	–	۰	–
۳	عربستان	–	۰	–
۴	کویت	–	۰	–
۵	لبنان	–	۰	–
۶	عراق	–	۰	–
۷	عمان	–	۰.۱	–
۸	بحرین	–	۰.۴	–
۹	**ایران**	–	**۰.۴**	–
۱۰	فلسطین	–	۰.۶	–
۱۱	مراکش	–	۱.۴	–
۱۲	یمن	–	۱.۴	–
۱۳	اسرائیل	–	۲.۵	–
۱۴	اردن	–	۳.۶	–
۱۵	مصر	–	۳.۶	–
۱۶	سوریه	–	۱۹.۷	–
۱۷	تونس	–	۲۲.۵	–
۱۸	الجزایر	–	۳۵.۷	–

Source:Doing Business database

جدول ۴-۴۹: رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس سایر مالیات‌ها

به ترتیب کشورهای قطر و امارات و عربستان و کویت و لبنان و عراق در رتبه یک تا شش (با عدد صفر) منطقه MENA قرار دارند. کشور الجزایر با رقم ۳۵/۷ و رتبه هجده دارای بدترین وضعیت در منطقه

MENA می باشد. کشور ایران با عدد ۴.۰و رتبه نهم در لیست کشورهای منطقه MENA در وضعیت متوسطی قرار گرفته است.

در این شاخص نیز تنها آمار سال ۲۰۱۰ در دست می باشد که در حوزه منطقه MENA ارقام آن از صفر تا ۳۵/۷ می باشد.

۴.۳.۷.۶-شاخص کل نرخ مالیات[۱] (شاخص پرداخت مالیات)

یکی از بخش‌های شاخص پرداخت مالیات، شاخص کل نرخ مالیات می‌باشد که ارقام آن هر چه کمتر باشد نشان‌دهنده وضعیت بهتر کسب و کار و جذب بیشتر کارآفرینان و سرمایه گذاران است.

جدول ۴- ۵۰ به بررسی این شاخص در کشورهای حوزه منا در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ می‌پردازد.

کشور قطر در سال ۲۰۱۰ (با رقم ۱۱.۳) دارای بهترین وضعیت و کشور امارات در سال ۲۰۰۶ (با رقم ۱۴.۴) دارای بهترین وضعیت منطقه MENA می‌باشند. کشور یمن از سال ۲۰۰۶ (با رقم ۱۹۵) به سال ۲۰۱۰ (با رقم۴۷.۸) دارای بهترین پیشرفت (یعنی کاهش ۱۴۷.۲) در منطقه MENA بوده است اگر چه هنوز در جایگاه مطلوبی در منطقه قرار ندارد و دارای رتبه شانزدهم می‌باشد. کشور الجزایر در سال ۲۰۱۰ (با رقم ۷۲) و کشور یمن در سال ۲۰۰۶ (با رقم ۱۹۵) دارای بدترین وضعیت در منطقه در این دو سال قرار دارند و کشور لبنان از سال ۲۰۰۶ (با رقم ۳۵.۴) به سال ۲۰۱۰ (با رقم ۳۰.۲) بیشترین افت (۵.۲-) را داشته است.کشور ایران از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ (با رقم ۴۴.۲) تغییری نداشته و دارای رتبه پانزدهم که رتبه متوسط رو به پائینی در منطقه MENA است، می باشد.

از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ در اکثرکشورها این شاخص تغییر کرده است(روند صعودی یا نزولی).

---

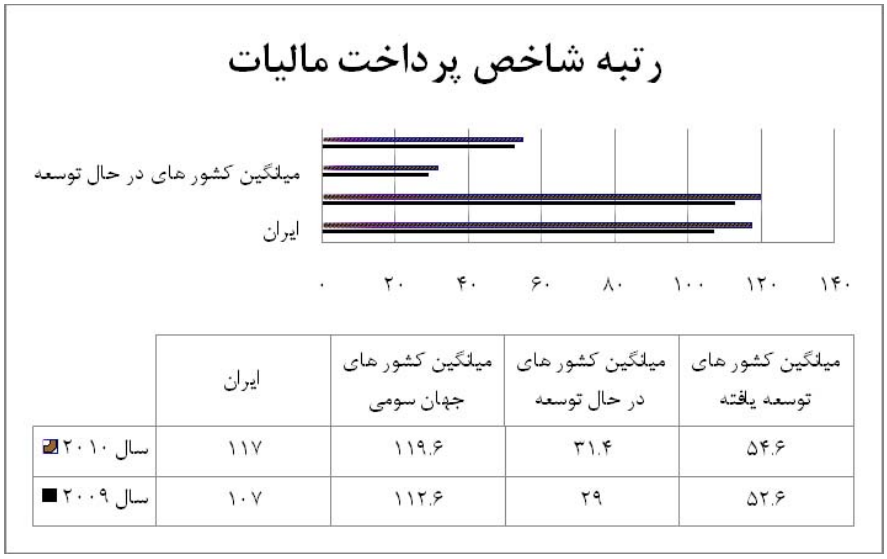
[۱] Total tax rate (% profit)

رتبه	کشور	کل نرخ مالیات در ۲۰۰۶	کل نرخ مالیات در ۲۰۱۰	تغییر در کل نرخ مالیات
۱	قطر	–	۱۱.۳	–
۲	امارات	۱۴.۴	۱۴.۱	+۰.۳
۳	عربستان	۱۴.۵	۱۴.۵	۰
۴	بحرین	–	۱۵	–
۵	کویت	۱۴.۴	۱۵.۵	−۱.۱
۶	فلسطین	۲۲.۸	۱۶.۸	+۶
۷	عمان	۱۹.۵	۲۱.۶	−۲.۱
۸	عراق	۲۴.۷	۲۸.۴	−۳.۷
۹	لبنان	۳۵.۴	۳۰.۲	−۵.۲
۱۰	اردن	۳۱.۱	۳۱.۱	۰
۱۱	اسرائیل	۴۰	۳۲.۶	+۷.۴
۱۲	مراکش	۴۳.۴	۴۱.۷	+۱.۷
۱۳	سوریه	۴۶.۵	۴۲.۹	+۳.۶
۱۴	مصر	۵۴.۳	۴۳	۱۱.۳
۱۵	**ایران**	**۴۴.۲**	**۴۴.۲**	**۰**
۱۶	یمن	۱۹۵	۴۷.۸	+۱۴۷.۲
۱۷	تونس	۶۱	۶۲.۸	−۱.۸
۱۸	الجزایر	۷۶.۹	۷۲	−۴.۹

Source:Doing Business database

جدول ۴-۵۰: رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس کل نرخ مالیات

پرداخت مالیات یکی از شاخص‌های قابل توجه می‌باشد که در آن رتبه کشورهای توسعه یافته بالاتر از رتبه کشورهای در حال توسعه می‌باشد و این نشان از پرداخت مالیات‌های سنگین‌تر در کشورهای توسعه یافته نسبت به کشورهای در حال توسعه می‌باشد و رتبه ایران نیز در این شاخص نزدیک به رتبه کشورهای جهان سومی می‌باشد(نمودار۴-۱۳).

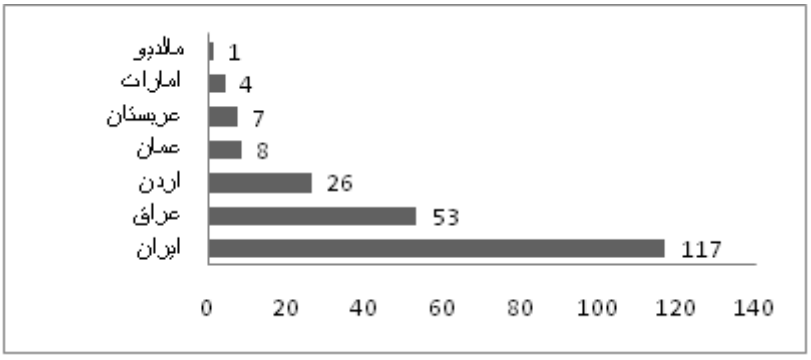


	ایران	میانگین کشور های جهان سومی	میانگین کشور های در حال توسعه	میانگین کشور های توسعه یافته
سال ۲۰۱۰	۱۱۷	۱۱۹.۶	۳۱.۴	۵۴.۶
سال ۲۰۰۹	۱۰۷	۱۱۲.۶	۲۹	۵۲.۶

Source:Doing Business database

نمودار ۴-۱۳ : جایگاه ایران در شاخص پرداخت مالیات

در نمودار ۴-۱۴ رتبه کشورهای منتخب منطقه منا در کنار ذکر نام کشور دارای رتبه نخست در جهان مورد مقایسه قرار می‌گیرند.



Source:Doing Business database, ۲۰۱۰

نمودار ۴-۱۴: مقایسه رتبه کشورهای منتخب منطقه منا در شاخص پرداخت مالیات (در کنار ذ کر نام کشور دارای رتبه نخست در جهان)

در جدول شماره ۴-۵۱ شاخص سهولت پرداخت مالیات در کشور برتر منطقه و جهان با متوسط منطقه منا و OECD مقایسه می‌شوند.

	قطر	منطقه MENA	مالدیو	منطقه OECD
کل نرخ مالیات (درصد از سود)	۱۱.۳	۳۲.۹	۹.۱	۴۴.۵
تعداد پرداخت در سال تحت عنوان مالیات	۱	۲۲.۹	۱	۱۲.۸
کل زمان صرف شده برای پرداخت مالیات(ساعت)	۳۶	۲۰۴.۲	۰	۱۹۴.۱

Source:Doing Business database, ۲۰۱۰

جدول ۴-۵۱: مقایسه شاخص سهولت پرداخت مالیات در کشوربرتر منطقه و برتر جهان با متوسط منطقه MENA و OECD

در جدول ۴-۵۲ رتبه شاخص سهولت پرداخت مالیات در ایران در سال‌های مختلف نمایش داده شده است.

	Doing Business ۲۰۰۸	Doing Business ۲۰۰۹	Doing Business ۲۰۱۰
رتبه	....	۱۰۷	۱۱۷
کل نرخ مالیات (درصد از سود)	۴۴.۲	۴۴.۲	۴۴.۲
تعداد پرداخت در سال تحت عنوان مالیات	۲۲	۲۲	۲۲
کل زمان صرف شده برای پرداخت مالیات(ساعت)	۲۴۴	۲۴۴	۲۴۴

Source:Doing Business database, ۲۰۱۰

جدول ۴-۵۲: شاخص سهولت پرداخت مالیات در ایران

در جدول ۴- ۵۳ شاخص سهولت پرداخت مالیات در ایران با متوسط منطقه منا و OECD مقایسه می‌شوند.

	ایران	منطقه MENA	منطقه OECD
کل نرخ مالیات (درصد از سود)	۴۴.۲	۲۲.۹	۴۴.۵
تعداد پرداخت در سال تحت عنوان مالیات	۲۲	۲۲.۹	۱۲.۸
کل زمان صرف شده برای پرداخت مالیات(ساعت)	۲۴۴	۲۰۴.۲	۱۹۴.۱

Source:Doing Business database, ۲۰۱۰

جدول ۴-۵۳: مقایسه شاخص سهولت پرداخت مالیات در ایران با متوسط منطقه MENA و OECD

جدول ۴- ۵۴ شاخص سهولت پرداخت مالیات در ایران و کشورهای منتخب منطقه را با هم مقایسه می‌کند.

	ایران	امارات	عراق	عربستان سعودی	عمان
رتبه	۱۱۷	۴	۵۳	۷	۸
کل نرخ مالیات (درصد از سود)	۴۴.۲	۱۴.۱	۲۸.۴	۱۴.۵	۲۱.۶
تعداد پرداخت در سال تحت عنوان مالیات	۲۲	۱۴	۱۳	۱۴	۱۴
کل زمان صرف شده برای پرداخت مالیات(ساعت)	۲۴۴	۱۲	۲۱۲	۷۹	۶۲

Source:Doing Business database, ۲۰۱۰

جدول ۴-۵۴: مقایسه شاخص سهولت پرداخت مالیات در ایران و کشورهای منتخب منطقه

۴.۳.۸. شاخص تجارت فرامرزی[۱]

این شاخص به بررسی میزان سهولت انجام فعالیت‌های تجاری با سایر کشورها می‌پردازد و برای تشخیص و تعیین میزان این سهولت از مواردی چون تعداد اسناد برای صادرات، زمان صرف شده برای صادرات، هزینه صادرات و همچنین واردات کالا و خدمات به شرح زیر استفاده می‌کند.

۴.۳.۸.۱-شاخص تعداد اسناد برای صادرات (شاخص تجارت فرامرزی)[۲]

یکی از قسمت‌های شاخص تجارت برون مرزی براساس تعداد اسناد لازم برای صادرات آن کشور مطرح می شود که هر چه این تعداد کمتر باشد شرایط ایده آل تری برای کسب و کار در بخش صادرات ایجاد می کند و سرمایه گذاران و کارآفرینان بیشتری را جذب می‌کند.

جدول ۴- ۵۵ به بررسی این شاخص در کشورهای حوزه منا در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ می‌پردازد.

کشور اسرائیل در سال ۲۰۰۶ (با تعداد ۵) و کشور امارات در سال ۲۰۱۰ (با تعداد ۴) دارای بهترین وضعیت منطقه MENA می‌باشند و کشور سوریه از سال ۲۰۰۶ (با تعداد ۱۲) به سال ۲۰۱۰ (با تعداد ۸) بهترین پیشرفت (۴+) را داشته، اگرچه هنوز در جایگاه مناسبی در منطقه MENA قرار ندارد و دارای رتبه ۱۵ می‌باشد. کشورهای عراق و عمان چه در سال ۲۰۰۶ و چه در سال ۲۰۱۰ (با رقم ۱۰) دارای بدترین وضعیت و رتبه ۱۸ و ۱۷ می‌باشند و کشور مراکش از سال ۲۰۰۶ (با رقم ۶) به سال ۲۰۱۰ (با رقم ۷) منفی یک افزایش تعداد اسناد برای صادرات داشته و تنها کشوری است که افت کرده است. کشور ایران در سال‌های ۲۰۰۶و ۲۰۱۰ (با رقم ۷) تغییری نداشته و در رتبه ۱۳ منطقه MENA قرار دارد که رتبه متوسط رو به پائینی است و باید اصلاحات لازم در جهت کاهش تعداد اسناد برای صادرات بعمل آید.

---

[۱] Trading Across Borders

[۲] Documents to export(number)

رتبه	کشور	تعداد اسناد برای صادرات در ۲۰۰۶	تعداد اسناد برای صادرات در ۲۰۱۰	تغییر در تعداد اسناد برای صادرات
۱	امارات	۷	۴	+۳
۲	اسرائیل	۵	۵	۰
۳	عربستان	۵	۵	۰
۴	بحرین	–	۵	–
۵	تونس	۵	۵	۰
۶	قطر	–	۵	–
۷	لبنان	۶	۵	+۱
۸	مصر	۸	۶	+۲
۹	فلسطین	۶	۶	۰
۱۰	یمن	۶	۶	۰
۱۱	اردن	۷	۷	۰
۱۲	مراکش	۶	۷	-۱
۱۳	**ایران**	**۷**	**۷**	**۰**
۱۴	کویت	۱۰	۸	+۲
۱۵	سوریه	۱۲	۸	+۴
۱۶	الجزایر	۹	۸	+۱
۱۷	عمان	۱۰	۱۰	۰
۱۸	عراق	۱۰	۱۰	۰

Source:Doing Business database

جدول ۴-۵۵: رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس تعداد اسناد برای صادرات

کشورهای منطقه MENA از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ یا تغییر نکردند یا روند صعودی داشته‌اند و تنها کشور مراکش افت کرده است.

۴.۳.۸.۲-شاخص زمان صرف شده برای صادرات[۱] (شاخص تجارت فرامرزی)

یکی از بخش‌های شاخص تجارت فرامرزی براساس زمان صرف شده برای صادرات برحسب تعداد روز مطرح می شود که هر چه ارقام کمتر باشد نشان دهنده وضعیت بهتر کسب و کار و جذب بیشتر کارآفرینان و سرمایه گذاران است.

جدول ۴- ۵۶ به بررسی این شاخص در کشورهای حوزه منا در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ می‌پردازد.

رتبه	کشور	زمان صرف شده برای صادرات در ۲۰۰۶	زمان صرف شده برای صادرات در ۲۰۱۰	تغییر در زمان صرف شده برای صادرات
۱	امارات	۱۲	۸	+۴
۲	اسرائیل	۱۲	۱۲	۰
۳	مصر	۲۷	۱۴	+۱۳
۴	بحرین	–	۱۴	–
۵	مراکش	۱۸	۱۴	+۴
۶	تونس	۱۸	۱۵	+۳
۷	سوریه	۴۹	۱۵	+۳۴
۸	عربستان	۱۳	۱۷	-۴
۹	اردن	۲۸	۱۷	+۹
۱۰	کویت	۲۰	۱۷	+۳
۱۱	الجزایر	۱۵	۱۷	-۲

[۱] Time toexport (days)

۱۲	قطر	–	۲۱	–
۱۳	عمان	۲۲	۲۲	۰
۱۴	فلسطین	۲۵	۲۵	۰
۱۵	**ایران**	**۲۶**	**۲۵**	**+۱**
۱۶	لبنان	۲۲	۲۶	−۴
۱۷	یمن	۳۳	۲۷	+۶
۱۸	عراق	۱۰۲	۱۰۲	۰

Source: Doing Business database

جدول ۴-۵۶: رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس زمان صرف شده برای صادرات

کشور امارات در سال ۲۰۰۶ (با ۱۲ روز) و در سال ۲۰۱۰ (با ۸ روز) دارای بهترین وضعیت در منطقه MENA می‌باشد. کشور سوریه در سال ۲۰۰۶ (با ۴۹ روز) به سال ۲۰۱۰ (با ۱۵ روز) دارای بهترین پیشرفت (+۳۴) در منطقه MENA بوده است. کشور عراق چه در سال ۲۰۰۶ و چه در سال ۲۰۱۰ (با ۱۰۲ روز) دارای بدترین وضعیت منطقه MENA و رتبه هجده می‌باشد. کشور عربستان و کشور لبنان دو کشوری هستند که بیشترین افت را در این شاخص از سال ۲۰۰۶ به سال ۲۰۱۰ (افزایش چهار روز) داشتند. کشور ایران از سال ۲۰۰۶ (با ۲۶ روز) به سال ۲۰۱۰ (با ۲۵ روز) توانسته یک روز را کاهش دهد اما هنوز در جایگاه متوسط رو به پائینی در کشورهای منطقه MENA (با رتبه ۱۵) می باشد و برای بهبود وضعیت این شاخص باید تعداد روزها برای صادرات را کاهش دهد.

اکثر کشورهای منطقه MENA از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ تغییر(نزولی یا صعودی) داشته‌اند و تنها تعداد اندکی از آنها بدون تغییر مانده‌اند.

۴.۳.۸.۳-شاخص هزینه صادرات[۱] (شاخص تجارت فرامرزی)

یکی از بخش‌های شاخص تجارت فرامرزی، هزینه صادرات برحسب دلار برای هر کانتینر می‌باشد. هر چه این هزینه کمتر باشد جذابیت بیشتری در کسب و کار برای کارآفرینان و سرمایه گذاران ایجاد می‌کند و نشان دهنده اوضاع بهتر کسب و کار می‌باشد.

[۱] Cost to export (US$ per container)

جدول ۴- ۵۷ به بررسی این شاخص در کشورهای حوزه منا در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ می‌پردازد.

کشور امارات با ۵۹۳ دلار دارای کمترین هزینه و رتبه یک در کشورهای منطقه MENA و بهترین وضعیت می باشد. کشور عراق با ۳۹۰۰ دلار دارای بیشترین هزینه و رتبه ۱۸ و بدترین وضعیت منطقه MENA می باشد. کشور ایران با ۱۰۶۱در رتبه چهاردهم کشورهای منطقه MENA قرار دارد که رتبه متوسط رو به پائینی است و ایران برای بهبود این شاخص باید هزینه‌های صادراتش را کاهش دهد.

رتبه	کشور	هزینه صادرات(دلار) در ۲۰۰۶	هزینه صادرات(دلار) در ۲۰۱۰	تغییر در هزینه صادرات
۱	امارات	–	۵۹۳	–
۲	اسرائیل	–	۶۶۵	–
۳	عربستان	–	۶۸۱	–
۴	مراکش	–	۷۰۰	–
۵	اردن	–	۷۳۰	–
۶	قطر	–	۷۳۵	–
۷	مصر	–	۷۳۷	–
۸	تونس	–	۷۸۳	–
۹	عمان	–	۸۲۱	–
۱۰	فلسطین	–	۸۳۵	–
۱۱	بحرین	–	۹۵۵	–
۱۲	لبنان	–	۱۰۰۲	–
۱۳	کویت	–	۱۰۶۰	–
۱۴	**ایران**	–	**۱۰۶۱**	–
۱۵	یمن	–	۱۱۲۹	–
۱۶	سوریه	–	۱۱۹۰	–
۱۷	الجزایر	–	۱۲۴۸	–
۱۸	عراق	–	۳۹۰۰	–

Source: Doing Business database

جدول ۴-۵۷: رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس هزینه صادرات

۴.۳.۸.۴-شاخص تعداد اسناد برای واردات[۱] (شاخص تجارت فرامرزی)

یکی از بخش‌های شاخص تجارت فرامرزی براساس تعداد اسناد لازم برای واردات مطرح می شود که هر چه این تعداد کمتر باشد نشان‌دهنده وضعیت بهتر کسب و کار و جذب بیشتر سرمایه‌گذاران و کارآفرینان در آن کشور می‌باشد.

جدول ۴- ۵۸ به بررسی این شاخص در کشورهای حوزه منا در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ می‌پردازد.

رتبه	کشور	تعداد اسناد برای واردات در ۲۰۰۶	تعداد اسناد برای واردات در ۲۰۱۰	تغییر در تعداد اسناد برای واردات
۱	اسرائیل	۴	۴	۰
۲	امارات	۸	۵	+۳
۳	عربستان	۹	۵	+۴
۴	مصر	۸	۶	+۲
۵	بحرین	–	۶	–
۶	فلسطین	۶	۶	۰
۷	تونس	۷	۷	۰
۸	قطر	–	۷	–
۹	اردن	۱۲	۷	+۵
۱۰	لبنان	۱۱	۷	+۴
۱۱	**ایران**	۸	۸	۰
۱۲	سوریه	۱۸	۹	+۹
۱۳	یمن	۹	۹	۰

[۱] Documents to import(number)

۱۴	الجزایر	۹	۹	۰
۱۵	مراکش	۱۱	۱۰	+۱
۱۶	کویت	۱۱	۱۰	+۱
۱۷	عمان	۱۰	۱۰	۰
۱۸	عراق	۱۰	۱۰	۰

Source: Doing Business database

جدول ۴-۵۸: رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس تعداد اسناد برای واردات

اسرائیل در سال ۲۰۰۶ (با رقم ۵) و کشور امارات در سال ۲۰۱۰ (با رقم ۴) دارای بهترین وضعیت منطقه MENA می باشند. کشور سوریه از سال ۲۰۰۶ (با رقم ۱۲) به سال ۲۰۱۰ (با رقم ۴) بهترین پیشرفت صعودی را در منطقه MENA (۴+) داشته است. کشور سوریه در سال ۲۰۰۶ (با رقم ۱۲) و کشور عراق و عمان (با رقم ۱۰) در سال ۲۰۱۰ دارای بدترین وضعیت منطقه می باشند و کشور مراکش از سال ۲۰۰۶ (با رقم ۶) به سال ۲۰۱۰ (با رقم ۷) تنها کشوری است که افت (۱-) داشته است. کشور ایران از سال ۲۰۰۶ (با رقم ۷) به سال ۲۰۱۰ (با رقم ۷) تغییری نداشته و دارای رتبه سیزدهم که رتبه متوسط رو به پائینی در کشورهای منطقه MENA است، می باشدو باید برای بهبود این شاخص تعداد اسناد لازم برای صادرات را کاهش دهد.

کشورهای منطقه MENA در این شاخص از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ در سه وضعیت (روند صعودی یا نزولی یا بدون تغییر) قرار گرفته‌اند.

۴.۳.۸.۵-شاخص زمان صرف شده برای واردات[۱] (شاخص تجارت فرامرزی)

یکی از بخش‌های شاخص تجارت فرامرزی براساس زمان صرف شده برای واردات برحسب روز مطرح می شود که هر چه این زمان کمتر باشد وضعیت کسب و کار بهتر و جذب کارآفرینان و سرمایه گذاران بیشتر می باشد.

جدول ۴- ۵۹ به بررسی این شاخص در کشورهای حوزه منا در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ می‌پردازد.

---

[۱] Time to import (days)

اسرائیل در سال ۲۰۰۶ (با رقم ۱۲) و امارات در سال ۲۰۱۰ (با رقم ۹) در بهترین وضعیت منطقه MENA قرار دارند و کشور سوریه از سال ۲۰۰۶ (با رقم ۶۳) به سال ۲۰۱۰ (با رقم ۲۱) بهترین پیشرفت منطقه را (۴۲+) داشته است اگرچه هنوز در رتبه یازدهم منطقه MENA می‌باشد. عراق چه در سال ۲۰۰۶ و چه در سال ۲۰۱۰ (با رقم ۱۰۱) دارای رتبه هجده و بدترین وضعیت منطقه MENA می باشد. لبنان و الجزایر کشورهایی هستند که افت برابری از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ داشته‌اند (یعنی ۱-). ایران در سال ۲۰۰۶ (با رقم ۳۹) به سال ۲۰۱۰ (با رقم ۳۸) یک روز کاهش داشته (یعنی روندی صعودی را طی کرده است) اما هنوز در جایگاه مطلوبی در کشورهای منطقه MENA نمی باشد و در رتبه شانزدهم قرار دارد و برای بهبود وضعیت این شاخص باید زمان صرف شده برای واردات را کاهش دهد.

رتبه	کشور	زمان صرف شده برای واردات در ۲۰۰۶	زمان صرف شده برای واردات در ۲۰۱۰	تغییر در زمان صرف شده برای واردات
۱	امارات	۱۲	۹	+۳
۲	اسرائیل	۱۲	۱۲	۰
۳	مصر	۲۹	۱۵	+۱۴
۴	بحرین	–	۱۵	–
۵	مراکش	۳۰	۱۷	+۱۳
۶	عربستان	۳۴	۱۸	+۱۶
۷	اردن	۲۸	۱۹	+۹
۸	کویت	۲۰	۱۹	+۱
۹	قطر	–	۲۰	–
۱۰	تونس	۲۹	۲۱	+۸
۱۱	سوریه	۶۳	۲۱	+۴۲
۱۲	الجزایر	۲۲	۲۳	-۱
۱۳	یمن	۲۸	۲۵	+۳
۱۴	عمان	۲۶	۲۶	۰

۱۵	لبنان	۳۴	۳۵	-۱
۱۶	**ایران**	**۳۹**	**۳۸**	**+۱**
۱۷	فلسطین	۴۰	۴۰	۰
۱۸	عراق	۱۰۱	۱۰۱	۰

Source:Doing Business database

جدول ۴-۵۹: رتبه‌بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس زمان صرف شده برای واردات

۴.۳.۸.۶-شاخص هزینه واردات[۱] (شاخص تجارت فرامرزی)

یکی از بخش‌های شاخص تجارت فرامرزی، هزینه واردات در هر کانتینر بر حسب دلار آمریکا می‌باشد که هر چه این هزینه کمتر باشد جذب سرمایه گذاران و کارآفرینان بیشتر و نشان‌دهنده وضعیت بهتر کسب و کار در آن کشور می‌باشد.

جدول ۴- ۶۰ به بررسی این شاخص در کشورهای حوزه منا در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ می‌پردازد.

رتبه	کشور	هزینه واردات در ۲۰۰۶	هزینه واردات در ۲۰۱۰	تغییر در هزینه واردات
۱	امارات	-	۵۷۹	-
۲	اسرائیل	-	۶۰۵	-
۳	قطر	-	۶۵۷	-
۴	عربستان	-	۶۷۸	-
۵	مصر	-	۸۲۳	-
۶	تونس	-	۸۵۸	-
۷	بحرین	-	۹۹۵	-
۸	مراکش	-	۱۰۰۰	-
۹	عمان	-	۱۰۳۷	-

[۱] Cost to import (US$ per container)

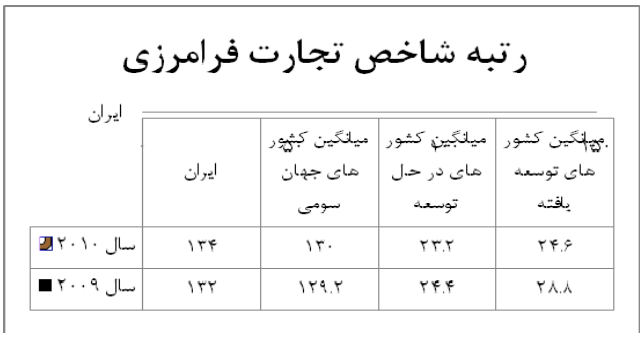
۱۰	لبنان	–	۱۲۰۳	–
۱۱	کویت	–	۱۲۱۷	–
۱۲	فلسطین	–	۱۲۲۵	–
۱۳	اردن	–	۱۲۹۰	–
۱۴	الجزایر	–	۱۴۲۸	–
۱۵	یمن	–	۱۴۷۵	–
۱۶	سوریه	–	۱۶۲۵	–
۱۷	**ایران**	–	**۱۷۰۶**	–
۱۸	عراق	–	۳۹۰۰	–

Source:Doing Business database

جدول ۴-۶۰: رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس هزینه واردات

کشور امارات با ۵۷۹ دلار دارای کمترین هزینه و بهترین وضعیت در لیست کشورهای منطقه MENA می باشد. کشور عراق با ۳۹۰۰ دلار دارای بیشترین هزینه در لیست کشورهای منطقه MENA و رتبه هجده و بدترین وضعیت می‌باشد. کشور ایران با ۱۷۰۶ دارای رتبه هفدهم و بعد از عراق دارای بدترین وضعیت در کشورهای منطقه MENA می باشد که برای اصلاح این شاخص باید ایران هزینه های وارداتش را کاهش دهد

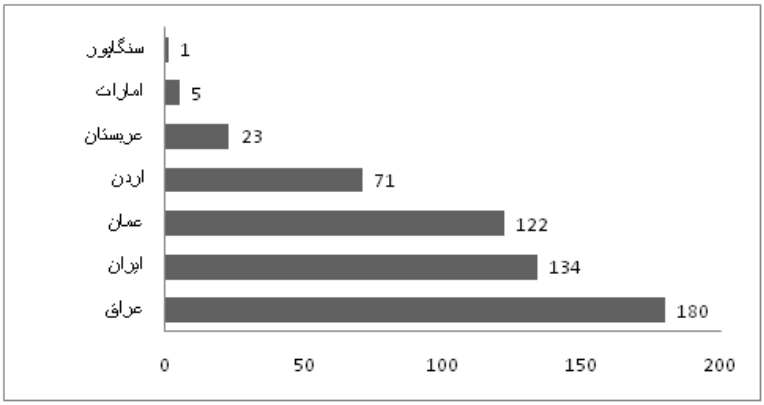
رتبه کشورهای توسعه یافته با کشورهای در حال توسعه در این شاخص نزدیک به هم هستند ونیز ایران با کشورهای جهان سومی نزدیک به هم می‌باشند. در حالی که رتبه ایران در مقایسه با دو حوزه دیگر(کشورهای توسعه یافته ودر حال توسعه) تفاوت چشم‌گیری دارد(نمودار۴-۱۵).



Source:Doing Business database

نمودار ۴-۱۵ : جایگاه ایران در شاخص تجارت فرامرزی

در نمودار شماره ۴-۱۶ رتبه شاخص تجارت برون‌مرزی کشورهای منتخب منطقه منا در کنار ذکر نام کشور دارای رتبه نخست با هم مقایسه می‌شوند.



Source:Doing Business database, ۲۰۱۰

نمودار ۴-۱۶: مقایسه رتبه کشورهای منتخب منطقه منا در شاخص تجارت برون مرزی (در کنار ذ کر نام کشور دارای رتبه نخست در جهان)

در جدول ۴- ۶۱ شاخص سهولت تجارت فرامرزی در کشور برتر منطقه و جهان با متوسط منطقه منا و OECD مورد مقایسه قرار می‌گیرد.

	امارات متحده عربی	منطقه MENA	سنگاپور	منطقه OECD
هزینه صادرات(دلار/کانتینر)	۵۹۳	۱۰۳۴.۱۸	۴۵۶	۱۰۸۹.۷
هزینه واردات(دلار/کانتینر)	۵۷۹	۱۲۲۱.۷	۴۳۹	۱۱۴۵.۹
اسناد لازم برای صادرات(تعداد)	۴	۶.۴	۴	۴.۳
اسناد لازم برای واردات(تعداد)	۵	۷.۴	۴	۴.۹
زمان لازم برای صادرات(روز)	۸	۲۲.۵	۵	۱۰.۵
زمان لازم برای واردات(روز)	۹	۲۵.۹	۳	۱۱.۰

Source:Doing Business database, ۲۰۱۰

جدول ۴-۶۱ : مقایسه شاخص سهولت تجارت فرامرزی در کشوربرتر منطقه و برتر جهان با متوسط منطقه MENA و OECD

جدول ۴- ۶۲ رتبه سهولت تجارت فرامرزی ایران را در سال‌های مختلف نشان می‌دهد.

	Doing Business ۲۰۰۸	Doing Business ۲۰۰۹	Doing Business ۲۰۱۰
رتبه	....	۱۳۲	۱۲۴
هزینه صادرات(دلار/کانتینر)	۸۶۰	۱۰۱۱	۱۰۶۱
هزینه واردات(دلار/کانتینر)	۱۳۲۰	۱۶۵۶	۱۷۰۶
اسناد لازم برای صادرات (تعداد)	۷	۷	۷
اسناد لازم برای واردات(تعداد)	۸	۸	۸
زمان لازم برای صادرات(روز)	۲۶	۲۶	۲۵
زمان لازم برای واردات(روز)	۲۹	۲۹	۲۸

Source:Doing Business database, ۲۰۱۰

جدول ۴-۶۲ : شاخص سهولت تجارت فرامرزی در ایران

جدول ۴- ۶۳ شاخص سهولت تجارت فرامرزی در ایران را با متوسط منطقه منا و OECD مقایسه می‌کند.

	ایران	منطقه MENA	منطقه OECD
هزینه صادرات(دلار/کانتینر)	۱۰۶۱	۱۰۳۴.۸	۱۰۸۹.۷
هزینه واردات(دلار/کانتینر)	۱۷۰۶	۱۲۲۱.۷	۱۱۴۵.۹
اسناد لازم برای صادرات(تعداد)	۷	۶.۴	۴.۳
اسناد لازم برای واردات(تعداد)	۸	۷.۴	۴.۹
زمان لازم برای صادرات(روز)	۲۵	۲۲.۵	۱۰.۵
زمان لازم برای واردات(روز)	۳۸	۲۵.۹	۱۱.۰

Source:Doing Business database, ۲۰۱۰

جدول ۴-۶۳: مقایسه شاخص سهولت تجارت فرامرزی در ایران با متوسط منطقه MENA و OECD

با توجه به جدول ۴- ۶۴ ملاحظه می‌شود که جایگاه ایران در این شاخص رضایت‌بخش نیست و علیرغم برخی اقدامات از جمله "کم کردن فرآیندها در بندر شهید رجایی" رتبه کشور در گزارش ۲۰۱۰ نسبت به گزارش قبلی ۲ رتبه تنزل دارد.

	ایران	امارات	عراق	عربستان سعودی	عمان
رتبه	۱۳۴	۵	۱۸۰	۲۳	۱۲۳
هزینه صادرات(دلار/کانتینر)	۱۰۶۱	۵۹۳	۳۹۰۰	۶۸۱	۸۲۱
هزینه واردات(دلار/کانتینر)	۱۷۰۶	۵۷۹	۳۹۰۰	۶۷۸	۱۰۲۷
اسناد لازم برای صادرات(تعداد)	۷	۴	۱۰	۵	۱۰
اسناد لازم برای واردات(تعداد)	۸	۵	۱۰	۵	۱۰
زمان لازم برای صادرات(روز)	۲۵	۸	۱۰۲	۱۷	۲۲
زمان لازم برای واردات(روز)	۲۸	۹	۱۰۱	۱۸	۲۶

Source:Doing Business database, ۲۰۱۰

جدول ۴-۶۴: شاخص سهولت تجارت فرامرزی در ایران و کشورهای منتخب منطقه

۴.۳.۹. شاخص اجرای قراردادها[۱]

این شاخص بیانگر میزان کارآیی قراردادها در هنگام بروز دعاوی حقوقی می‌باشد که برای تشخیص و تعیین آن از مواردی چون تعداد آیین دادرسی، زمان دادرسی و هزینه دادرسی به شرح زیر استفاده می‌گردد.

۴.۳.۹.۱-شاخص تعداد آئین دادرسی[۲] (شاخص اجرای قراردادها)

[۱] Enforcing Contracts

[۲] Procedures (number)

یکی از بخش‌های شاخص اجرای قراردادها براساس تعداد آئین دادرسی مطرح می شود که هر چه این تعداد کمتر باشد، دادرسی آسان‌تر و وضعیت کسب و کار بهتر و جذب سرمایه‌گذاران و کارآفرینان بیشتر خواهد بود.

جدول ۴- ۶۵ به بررسی وضعیت این شاخص در کشورهای حوزه منا در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ می‌پردازد.

رتبه	کشور	تعداد آیین دادرسی در ۲۰۰۶	تعداد آیین دادرسی در ۲۰۱۰	تغییر در تعداد آیین دادرسی
۱	اسرائیل	۳۶	۳۵	+۱
۲	یمن	۳۶	۳۶	۰
۳	لبنان	۳۷	۳۷	۰
۴	اردن	۳۹	۳۸	+۱
۵	**ایران**	**۳۹**	**۳۹**	**۰**
۶	تونس	۳۹	۳۹	۰
۷	مراکش	۴۰	۴۰	۰
۸	مصر	۴۲	۴۱	+۱
۹	قطر	–	۴۳	–
۱۰	عربستان	۴۳	۴۳	۰
۱۱	فلسطین	۴۴	۴۴	۰
۱۲	الجزایر	۴۷	۴۶	+۱
۱۳	بحرین	–	۴۸	–
۱۴	امارات	۴۹	۴۹	–
۱۵	کویت	۵۰	۵۰	۰
۱۶	عمان	۵۱	۵۱	۰
۱۷	عراق	۵۱	۵۱	۰
۱۸	سوریه	۵۵	۵۵	۰

Source:Doing Business database

جدول ۴-۶۵ : رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس تعداد آیین دادرسی

در سال ۲۰۰۶ کشورهای یمن و اسرائیل (با رقم ۳۶) و در سال ۲۰۱۰ (با رقم ۳۵) دارای بهترین وضعیت در منطقه MENA می‌باشند و کشورهای الجزایر و مصر و اسرائیل در سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ روند صعودی برابری (۱+) داشته‌اند. کشور سوریه در سال ۲۰۰۶ (با رقم ۵۵) و در سال ۲۰۱۰ (با رقم ۵۵) در رتبه هجدهم و بدترین وضعیت منطقه MENA می‌باشد. کشور ایران در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ (با رقم ۳۹) تغییری نداشته و در رتبه پنجم که رتبه خوبی محسوب می شود، قرار دارد

بیشتر کشورهای منطقه MENA از سال ۲۰۰۶ به ۲۰۱۰ تغییری نداشته و تنها تعداد کمی از آنها روندی صعودی را طی کرده‌اند.

۴.۳.۹.۲- شاخص زمان دادرسی[۱] (شاخص اجرای قراردادها)

یکی از بخش‌های شاخص اجرای قراردادها براساس زمان دادرسی که بر مبنای روزهای تقویم و از تاریخی که خواهان، دادخواست خود را در دادگاه ثبت می‌نماید تا زمان اجرای رأی محاسبه می شود. هر چه این ارقام کمتر باشند نشان‌دهنده وضعیت بهتر کسب و کار و جذب بیشتر کارآفرینان و سرمایه گذاران است. جدول ۴- ۶۴ به بررسی وضعیت این شاخص در کشورهای حوزه منا در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ می‌پردازد.

رتبه	کشور	زمان دادرسی در ۲۰۰۶	زمان دادرسی در ۲۰۱۰	تغییر در زمان دادرسی
۱	یمن	۵۲۰	۵۲۰	۰
۲	**ایران**	**۵۲۰**	**۵۲۰**	**۰**
۳	عراق	۵۲۰	۵۲۰	۰
۴	امارات	۵۳۷	۵۳۷	۰
۵	تونس	۵۶۵	۵۶۵	۰
۶	کویت	۵۶۶	۵۶۶	۰

[۱] Time (days)

رتبه	کشور	زمان دادرسی در ۲۰۰۶	زمان دادرسی در ۲۰۱۰	تغییر در زمان دادرسی
۷	قطر	–	۵۷۰	–
۸	عمان	۵۹۸	۵۸۹	۰
۹	فلسطین	۷۰۰	۶۰۰	+۱۰۰
۱۰	مراکش	۶۱۵	۶۱۵	۰
۱۱	الجزایر	۶۳۰	۶۳۰	۰
۱۲	بحرین	–	۶۳۵	–
۱۳	عربستان	۶۳۵	۶۳۵	۰
۱۴	اردن	۶۸۹	۶۸۹	۰
۱۵	لبنان	۷۲۱	۷۲۱	۰
۱۶	سوریه	۸۷۲	۸۷۲	۰
۱۷	اسرائیل	۸۹۰	۸۹۰	۰
۱۸	مصر	۱۰۱۰	۱۰۱۰	۰

Source:Doing Business database

جدول ۴-۶۶ : رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس زمان دادرسی

کشورهای یمن و ایران و عراق چه در سال ۲۰۰۶ و چه در سال ۲۰۱۰ (با رقم ۵۲۰ روز) به ترتیب دارای رتبه اول تا سوم منطقه MENA می‌باشند و کشور فلسطین از سال ۲۰۰۶ (با رقم ۷۰۰ روز) به سال ۲۰۱۰ (با رقم ۶۰۰ روز) دارای بهترین پیشرفت در منطقه MENA بوده است. کشور مصر چه در سال ۲۰۰۶ و چه در سال ۲۰۱۰ (با رقم ۱۰۱۰) و رتبه هجده در منطقه MENA دارای بدترین وضعیت می باشد. کشور ایران در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ با رقم ثابت ۵۲۰ روز دارای رتبه دوم منا و وضعیت خوبی در این شاخص می باشد.

۴.۳.۹.۳-شاخص هزینه دادخواست[۱] (شاخص اجرای قراردادها)

[۱] Cost (% of claim)

یکی از بخش‌های شاخص اجرای قراردادها براساس هزینه بعنوان درصدی از خواسته محاسبه شده می‌باشد که شامل هزینه‌های رسمی مانند ابطال تمبر، دستمزد وکلا و مشاوران حقوقی، هزینه کارشناس و هزینه اجرای رأی می‌باشد. هر چه این هزینه‌ها پائین‌تر باشد، کسب و کار وضعیت بهتری داشته و جذب سرمایه گذاران و کارآفرینان بیشتر خواهد بود.

جدول ۴- ۶۷ به بررسی وضعیت این شاخص در کشورهای حوزه منا در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ می‌پردازد.

کشور عمان چه در سال ۲۰۰۶ و چه در سال ۲۰۱۰ (با رقم ۱۳/۵) دارای کمترین هزینه و بهترین وضعیت و رتبه یک در منطقه MENA می‌باشد و کشور عراق از سال ۲۰۰۶ (با رقم ۳۲/۵) به سال ۲۰۱۰ (با رقم ۲۶/۲) بهترین پیشرفت را داشته اگرچه هنوز در جایگاه مطلوبی در منطقه MENA قرار ندارد و دارای رتبه چهاردهم می باشد. اردن در سال ۲۰۱۰ (با رقم ۳۱/۲) و کشور عراق در سال ۲۰۰۶ (با رقم ۳۲/۵) دارای بدترین وضعیت در منطقه MENA می‌باشند.کشور ایران چه در سال ۲۰۰۶ و چه در سال ۲۰۱۰ (با رقم ۱۷) دارای رتبه چهارم در منطقه MENA می‌باشد که در این شاخص ایران در جایگاه تقریباً خوبی قرار گرفته است.

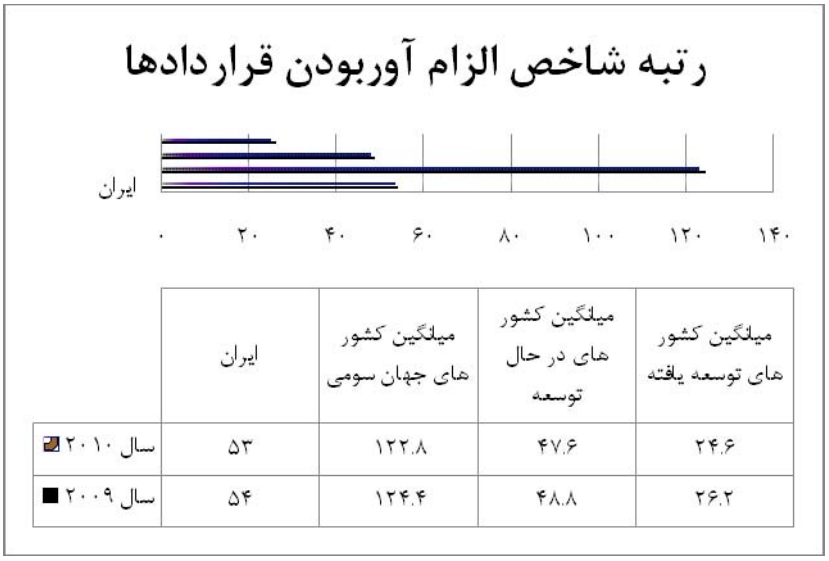
رتبه	کشور	هزینه دادرسی در ۲۰۰۶	هزینه دادرسی در ۲۰۱۰	تغییر در هزینه دادرسی
۱	عمان	۱۳.۵	۱۳.۵	۰
۲	بحرین	–	۱۴.۷	–
۳	یمن	۱۶.۵	۱۶.۵	۰
۴	**ایران**	**۱۷**	**۱۷**	**۰**
۵	کویت	۱۸.۸	۱۸.۸	۰
۶	فلسطین	۲۱.۲	۲۱.۲	۰
۷	قطر	–	۲۱.۶	–
۸	تونس	۲۱.۸	۲۱.۸	۰
۹	الجزایر	۲۱.۹	۲۱.۹	۰
۱۰	مراکش	۲۵.۲	۲۵.۲	۰

۱۱	اسرائیل	۲۵.۳	۲۵.۳	۰
۱۲	امارات	۲۶.۲	۲۶.۲	۰
۱۳	مصر	۲۶.۲	۲۶.۲	۰
۱۴	عراق	۳۲.۵	۲۷.۳	+۵.۲
۱۵	عربستان	۲۷.۵	۲۷.۵	۰
۱۶	سوریه	۲۹.۳	۲۹.۳	۰
۱۷	لبنان	۳۰.۸	۳۰.۸	۰
۱۸	اردن	۳۱.۲	۳۱.۲	۰

Source:Doing Business database

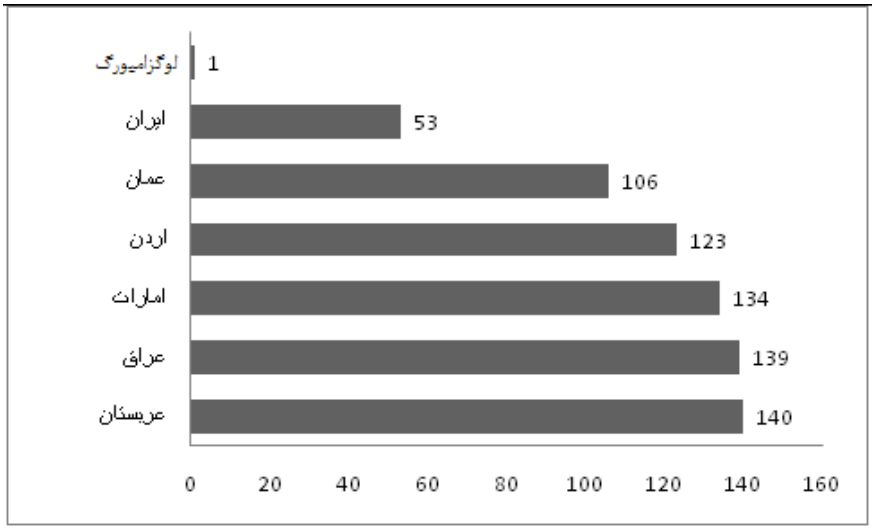
جدول ۴-۶۷: رتبه‌بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس هزینه دادرسی

ایران در این شاخص دارای رتبه‌ای نزدیک به میانگین کشورهای درحال توسعه می‌باشد و نسبت به کشورهای جهان سومی دارای رتبه بسیار بهتری می باشد(نمودار۴-۱۷).



Source:Doing Business database

نمودار ۴-۱۷ : جایگاه ایران در شاخص الزام‌آور بودن قراردادها



Source:Doing Business database, ۲۰۱۰

نمودار ۴-۱۸ : مقایسه رتبه کشورهای منتخب منطقه منا در شاخص الزام‌آور بودن قراردادها (در کنار ذ کر نام کشور دارای رتبه نخست در جهان)

در جدول ۴- ۶۸ شاخص الزام‌آور بودن قراردادها در کشور برتر منطقه و جهان با متوسط منطقه منا و OECD با هم مقایسه می‌شوند.

شاخص	یمن	منطقه MENA	لوگزامبورگ	منطقه OECD
فرآیند قانونی(تعداد)	۳۶	۴۲.۴	۲۶	۳۰.۶
زمان لازم برای دادرسی(روز)	۵۲۰	۶۷۹.۹	۳۲۱	۴۶۲.۴
هزینه(درصد از ارزش مورد دعوی)	۱۶.۵	۲۲.۷	۹.۷	۱۹.۲

Source:Doing Business database, ۲۰۱۰

جدول ۴-۶۸: مقایسه شاخص الزام آور بودن قراردادها در کشوربرتر منطقه و برتر جهان با متوسط منطقه MENA و OECD

جدول ۴- ۶۹ رتبه شاخص الزام‌آور بودن قراردادها در ایران را در سال‌های مختلف نشان می‌دهد.

شاخص	Doing Business ۲۰۰۸	Doing Business ۲۰۰۹	Doing Business ۲۰۱۰
رتبه	....	۵۴	۵۳
فرآیند قانونی(تعداد)	۳۹	۳۹	۳۹
زمان لازم برای دادرسی(روز)	۵۲۰	۵۲۰	۵۲۰
هزینه(درصد از ارزش مورد دعوی)	۱۷	۱۷	۱۷

Source:Doing Business database , ۲۰۱۰

جدول ۴-۶۹:شاخص الزام آور بودن قراردادها در ایران

در جدول۴-۷۰ شاخص الزام‌آوربودن قراردادها در ایران با متوسط منطقه منا و OECD مقایسه شده‌اند.

شاخص	ایران	منطقه MENA	منطقه OECD
فرآیند قانونی(تعداد)	۳۹	۴۳.۴	۲۰.۶
زمان لازم برای دادرسی(روز)	۵۲۰	۶۷۹.۹	۴۶۲.۴
هزینه(درصد از ارزش مورد دعوی)	۱۷	۲۳.۷	۱۹.۲

Source:Doing Business database, ۲۰۱۰

جدول ۴-۷۰: مقایسه شاخص الزام‌آور بودن قراردادها در ایران با متوسط منطقه MENA و OECD

جدول ۴-۷۳ شاخص الزام‌آور بودن قراردادها را در ایران و کشورهای منتخب منطقه با هم مقایسه می‌کند.	ایران	امارات	عراق	عربستان سعودی	عمان
رتبه	۵۳	۱۳۴	۱۳۹	۱۴۰	۱۰۶
فرآیند قانونی(تعداد)	۲۹	۴۹	۵۱	۴۲	۳۱
زمان لازم برای دادرسی(روز)	۵۲۰	۵۳۷	۵۳۰	۶۲۵	۵۹۸
هزینه(درصد از ارزش مورد دعوی)	۱۷	۱۶.۲	۲۷.۲	۲۷.۵	۱۲.۵

Source:Doing Business database, ۲۰۱۰

جدول ۴-۷۱: مقایسه شاخص الزام‌آور بودن قراردادها در ایران و کشورهای منتخب منطقه

۴.۳.۱۰. شاخص انحلال فعالیت[۱]:

این شاخص به بررسی سه مؤلفه مهم زمان، هزینه و نرخ بازستانی پس از ورشکستگی و انحلال یک بنگاه اقتصادی می‌پردازد که به ختم فعالیت‌های مربوط به تسویه‌حساب‌ها می‌انجامد. بررسی این شاخص به شرح زیر می‌باشد.

۴.۳.۱۰.۱- شاخص های زمان[۲] (شاخص های انحلال فعالیت)

یکی از بخش‌های شاخص انحلال فعالیت بر اساس زمان مطرح می شود که منظور از زمان همان مدت زمان مورد نیازبرای تسویه کامل بدهی‌ها و مطالبات شرکت ورشکسته و خاتمه فرآیند می‌باشد که در این جا بر حسب سال مطرح می‌شود. هر چه این زمان کمتر باشد نشان دهندهٔ وضعیت بهتر کسب وکار و رسیدن سرمایه گذاران به سرمایه شان در مدت زمان کمتر می‌باشد.

جدول ۴- ۷۲ به بررسی وضعیت این شاخص در کشورهای حوزه منا در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ می‌پردازد.

کشور تونس چه در سال ۲۰۰۶ و چه در سال ۲۰۱۰ (با رقم ۱/۳) دارای رتبهٔ اول منطقه MENA و بهترین وضعیت می‌باشد. کشور عربستان به عنوان تنها کشوری که در سال ۲۰۰۶(با رقم ۲/۸) به سال ۲۰۱۰ (با رقم ۱/۵) کاهش زمان و بهترین پیشرفت را در منطقه MENA داشته است. کشور عراق و فلسطین دارای رتبه هفده وهیجده و بدترین وضعیت منطقه MENA می‌باشند. ایران از سال ۲۰۰۶ (با رقم ۴/۵) به سال ۲۰۱۰ (با رقم ۴/۵) تغییری نداشته است و دارای رتبه پانزدهم که رتبه متوسط رو به پایینی است، می باشد و برای اصلاح این شاخص باید زمان انحلال فعالیت را در ایران کاهش دهند.

---

[۱] Closing a Business

[۲] Time (years)

رتبه	کشور	زمان در ۲۰۰۶	زمان در ۲۰۱۰	تغییر در زمان
۱	تونس	۱.۳	۱.۳	۰
۲	عربستان	۲.۸	۱.۵	+۱.۳
۳	مراکش	۱.۸	۱.۸	۰
۴	بحرین	–	۲.۵	–
۵	الجزایر	۲.۵	۲.۵	۰
۶	قطر	–	۲.۸	–
۷	یمن	۳	۳	۰
۸	اسرائیل	۴	۴	۰
۹	عمان	۴	۴	۰
۱۰	لبنان	۴	۴	۰
۱۱	تونس	۴.۱	۴.۱	۰
۱۲	کویت	۴.۲	۴.۲	۰
۱۳	مصر	۴.۲	۴.۲	۰
۱۴	اردن	۴.۳	۴.۳	۰
۱۵	**ایران**	**۴.۵**	**۴.۵**	**۰**
۱۶	امارات	۵.۱	۵.۱	۰
۱۷	عراق	–	–	–
۱۸	فلسطین	–	–	–

Source:Doing Business database

جدول ۴-۷۲: رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس زمان(سال)

۴.۳.۱۰.۲-شاخص هزینه[۱] (شاخص انحلال فعالیت)

یکی از بخش‌های شاخص انحلال فعالیت بر اساس هزینه که عبارت است از هزینه دادخواهی وسایر هزینه های قابل پرداخت برای انحلال یک فعالیت تعریف می‌شود و هر چه این هزینه کمتر باشد نشان

[۱] Cost (% of estate)

دهندهٔ وضعیت بهتر کسب وکار و جذب بیشتر سرمایه گذاران و کارآفرینان می‌باشد. جدول شماره ۷۵ به بررسی وضعیت این شاخص در کشورهای حوزه منا در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ می‌پردازد.

رتبه	کشور	هزینه انحلال کسب و کار در ۲۰۰۶	هزینه انحلال کسب و کار در ۲۰۱۰	تغییر در هزینه انحلال کسب و کار
۱	کویت	۱	۱	۰
۲	عمان	۴	۴	۰
۳	تونس	۷	۷	۰
۴	الجزایر	۷	۷	۰
۵	یمن	۸	۸	۰
۶	سوریه	۹	۹	۰
۷	اردن	۹	۹	۰
۸	**ایران**	**۹**	**۹**	**۰**
۹	بحرین	–	۱۰	–
۱۰	مراکش	۱۸	۱۸	۰
۱۱	قطر	–	۲۲	–
۱۲	عربستان	۲۲	۲۲	۰
۱۳	لبنان	۲۲	۲۲	۰
۱۴	مصر	۲۲	۲۲	۰
۱۵	اسرائیل	۲۳	۲۳	۰
۱۶	امارات	۳۰	۳۰	۰
۱۷	عراق	–	–	–
۱۸	فلسطین	–	–	–

Source:Doing Business database

جدول ۴-۷۳: رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس هزینه

کشور کویت در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ (با رقم یک) دارای رتبه اول و بهترین وضعیت یعنی کمترین هزینه در کشورهای منطقه MENA می‌باشد. کشورهای عراق و فلسطین دارای رتبه هفدهم و هیجدهم و بدترین وضعیت منطقهMENA می‌باشند و کشور ایران چه در سال ۲۰۰۶ و چه در سال ۲۰۱۰ (با رقم ۹) دارای رتبه هشتم که رتبه متوسط روبه بالایی در کشورهای منطقه MENA است، می باشد.

۴.۳.۱۰.۳-شاخص نرخ بازستایی[۱] (شاخص انحلال فعالیت)

یکی از بخش‌های شاخص انحلال فعالیت بر اساس نرخ بازستایی تعریف می‌شود که منظور از بازستایی در صدی از مطالبات است که توسط بستانکاران شرکت ورشکسته قابل وصول است. هر چه این میزان ارقام بالاتری باشد، نشان دهندهٔ وضعیت بهتر کسب وکار و جذب بیشتر کارآفرینان و سرمایه گذاران می باشد. جدول ۴- ۷۴ به بررسی وضعیت این شاخص در کشورهای حوزه منا در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ می‌پردازد.

رتبه	کشور	۲۰۰۶	۲۰۱۰	تغییر درنرخ بازستایی
۱	بحرین	–	۶۳.۲	–
۲	قطر	–	۵۲.۷	–
۳	تونس	۵۱.۵	۵۲.۳	+۰.۸
۴	اسرائیل	۴۲.۸	۴۴.۹	+۲.۱
۵	الجزایر	۴۱.۷	۴۱.۷	۰
۶	عربستان	۲۸.۴	۳۷.۵	+۹.۱
۷	عمان	۳۴.۷	۳۵.۱	+۰.۴
۸	مراکش	۳۵.۱	۳۵.۱	۰
۹	کویت	۳۸.۳	۳۴.۵	-۳.۸
۱۰	سوریه	۲۸.۴	۲۹.۵	+۱.۱
۱۱	یمن	۲۸.۲	۲۸.۶	+۰.۴

[۱] Recovery rate (cents on the dollar)

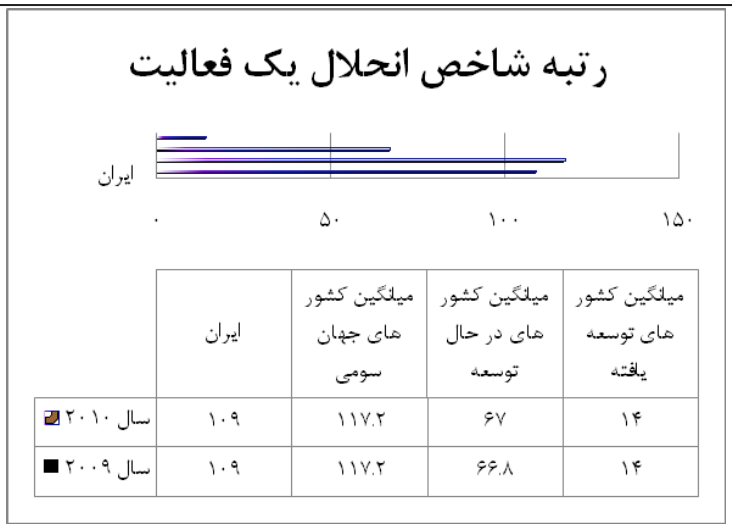
۱۲	اردن	۲۷.۹	۲۷.۳	−۰.۶
۱۳	**ایران**	**۱۹.۳**	**۲۳.۱**	**+۳.۸**
۱۴	لبنان	۱۸.۶	۱۹	+۰.۴
۱۵	مصر	۱۶.۱	۱۶.۸	+۰.۷
۱۶	امارات	۱۱.۷	۱۰.۲	−۱.۵
۱۷	عراق	–	–	–
۱۸	فلسطین	–	–	–

Source:Doing Business database

جدول ۴-۷۴: رتبه بندی کشورهای منطقه MENA بر اساس نرخ باز ستایی

کشور بحرین در سال ۲۰۱۰ (با رقم ۶۳/۲ درصد) و کشور تونس در سال ۲۰۰۶ (با رقم ۵۱/۵ درصد) دارای بهترین وضعیت منطقه MENA می‌باشد و کشور عربستان در سال ۲۰۰۶ (با رقم ۳۸/۴درصد)به سال ۲۰۱۰ (به رقم۳۷/۵درصد) دارای بهترین پیشر فت (۹/۱درصد) بوده است. کشورهای عراق و فلسطین دارای رتبه هفده و هیجده در منطقه MENA و بدترین وضعیت در منطقه می‌باشند و کشور کویت از سال ۲۰۰۶ (با رقم ۳۸/۳در صد) به سال ۲۰۱۰ (با رقم ۳۴/۵ درصد) بیشترین افت (۳/۸-درصد) را در حوزه کشورهای منطقه MENA داشته است.

ایران در این شاخص دارای رتبه‌ای نزدیکتر به کشورهای در حال توسعه و بهتر از کشورهای جهان سومی می‌باشد. وضعیت رتبه کشورهای توسعه‌یافته در این شاخص به مراتب قوی‌تر از سه حوزه دیگر(ایران-کشورهای جهان سومی وکشورهای در حال توسعه) می باشد(نمودار۴-۱۹).

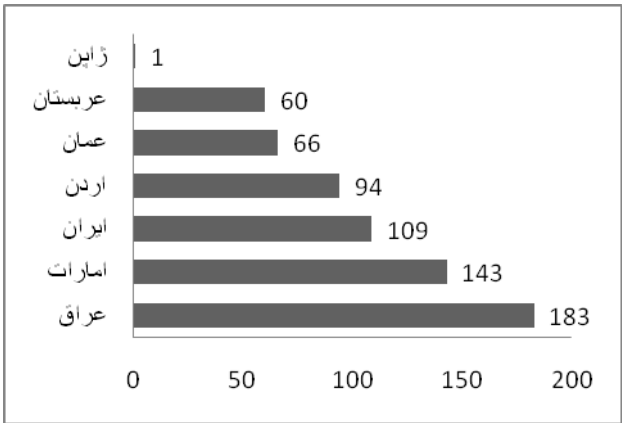


	ایران	میانگین کشور های جهان سومی	میانگین کشور های در حال توسعه	میانگین کشور های توسعه یافته
سال ۲۰۱۰	۱۰۹	۱۱۷.۲	۶۷	۱۴
سال ۲۰۰۹	۱۰۹	۱۱۷.۲	۶۶.۸	۱۴

Source:Doing Business database

نمودار ۴-۱۹: جایگاه ایران در شاخص انحلال فعالیت

در نمودار ۴-۲۰ رتبه کشورهای منتخب منطقه منا در شاخص سهولت انحلال فعالیت در کنار ذکر نام کشور دارای رتبه نخست جهان(ژاپن) با هم مقایسه می‌شوند.



Source:Doing Business database, ۲۰۱۰

نمودار ۴-۲۰:مقایسه رتبه کشورهای منتخب منطقه منا در شاخص سهولت انحلال فعالیت(در کنار ذ کر نام کشور دارای رتبه نخست در جهان)

شاخص	بحرین	منطقه MENA	ژاپن	منطقه OECD
زمان(سال)	۲.۵	۳.۵	۰.۶	۱.۷
هزینه(درصد از ارزش ملک)	۱۰	۱۴.۱	۴	۸.۴
نرخ بازستایی(سنت از یک دلار)	۶۳.۲	۲۹.۹	۹۲.۵	۶۸.۶

Source:Doing Business database, ۲۰۱۰

جدول ۴-۷۵: مقایسه شاخص سهولت انحلال یک فعالیت در کشوربرتر منطقه و برتر جهان با متوسط منطقه MENA و OECD

جدول ۴- ۷۶ رتبه ایران در شاخص سهولت انحلال فعالیت را در سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ نشان می‌دهد.

شاخص	Doing Business ۲۰۰۸	Doing Business ۲۰۰۹	Doing Business ۲۰۱۰
زمان(سال)	۴.۵	۳.۵	۱.۷
هزینه(درصد از ارزش ملک)	۹	۱۴.۱	۸.۴

Source:Doing Business database, ۲۰۱۰

جدول ۴-۷۶: شاخص سهولت انحلال یک فعالیت در ایران

در جدول ۴-۷۷ شاخص سهولت انحلال فعالیت در ایران و کشورهای منتخب منطقه با هم مقایسه می‌شوند.

	ایران	امارات	عراق	عربستان سعودی	عمان
رتبه	۱۰۹	۱۴۳	۱۸۳	۶۰	۶۶
زمان(سال)	۴.۵	۵.۱	فاقد کاربرد	۱.۵	۴.۰
هزینه(درصد از ارزش ملک)	۹	۳۰	فاقد کاربرد	۲۲	۴

Source:Doing Business database, ۲۰۱۰

جدول ۴-۷۷: مقایسه شاخص سهولت انحلال یک فعالیت در ایران و کشورهای منتخب منطقه



فصل پنجم: موانع بهبود فضای کسب و کار

فصل پنجم: موانع بهبود فضای کسب و کار

۱.۵ مقدمه

در سال‌های اخیر، موانع متعددی موجب شده‌اند که اقتصاد ایران علی‌رغم سیاستگذاری‌های مطلوب و مناسب در برنامه‌های پنج‌ساله و سند چشم‌انداز نتواند به اهداف تعیین شده دست یابد. کاهش شدید رشد اقتصادی و عدم گسترش مطلوب فعالیت‌های بخش خصوصی موجب شده‌است که رتبه ایران در رتبه‌بندی‌های مختلف، به‌خصوص بانک جهانی، رضایت‌بخش نباشد. در جستجوی دلایل و عوامل این وضعیت نامطلوب اقتصادی می‌توان عوامل متنوعی را برشمرد که به اختصار بدانها اشاره می‌شود.

مهم‌ترین این عوامل که از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی است بی‌اعتنایی و بی‌توجهی دولت به بخش خصوصی در تنظیم و تدوین سیاست‌های اقتصادی و عدم پایبندی دولت به سیاستگذاری خود در قبال بخش خصوصی است، که بیشترین نقش را در عدم توانمندسازی آن ایفا کرده است. در کنار عامل فوق عامل دیگری که می‌تواند موجب بی‌ثباتی و عدم تمایل فعالان اقتصادی به سرمایه‌گذاری و کارآفرینی شود تصمیم‌گیری‌های خلق‌الساعه و غیرکارشناسی است که فضای مه‌آلود و مبهمی را برای فعالیت‌های اقتصادی به دنبال دارد.

مانع دیگر که معمولا در بررسی‌های اقتصادی بدان کمتر توجه می‌شود عدم درک این واقعیت است که مکمل بودن دولت و بازار در فضای رقابتی اقتصادی به دموکراسی سیاسی مرتبط است. آزادی عمل برای مشارکت آگاهانه در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، تشکیل انجمن‌ها برای پیگیری مشکلات و نارضایتی‌ها از سیاست‌های دولت از این منظر اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. از یک زاویه وسیع‌تر حتی وجود امنیت اقتصادی نیز به فضای رقابتی و عادلانه در عرصه‌های سیاسی اقتصادی بستگی دارد. (S.Straub –۲۰۰۵)

فقدان نهادهای دموکراتیک در حوزه‌های سیاسی مانع توزیع عادلانه منابع در حوزه اقتصادی نیز می‌شود. شفاف نبودن فعالیت‌های اقتصادی و نبود امکان نظارت عمومی بر مسائل مالی و اقتصادی، فقدان جریان آزاد اطلاعات و وجود ارتباطات پنهان و ناسالم اقتصادی اهمیت نقش آفرینی نهادها در اقتصاد بازار را نشان می‌دهند؛ به‌طوری‌که وجود یک نظام شفاف در صیانت از حقوق مالکیت و شکل‌گیری دستگاه

کنترل کننده فساد، موجب ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی و سیاسی برای کاهش ریسک و نااطمینانی گشته و به بهبود فضای کسب و کار کمک می‌کنند. (Thum,choi- ۲۰۰۵)

عدم استمرار سیاست‌های سیاسی و اقتصادی و فقدان ضمانت اجرای لازم برای تحقق آنها نیز چالشی دیگر است که باید مورد توجه قرار گیرد. کارآیی یک بسته سیاستی در گرو دوام و پایداری آن است ولی معمولا در کشورهای در حال توسعه، سیاست‌های دولتی بسیار سیال و در حال تغییر است و پیش‌بینی دوره اجرای سیاست‌ها تقریبا غیرممکن است. بر این اساس سیاستگذاری و نظارت بر اجرای سیاست‌ها باید از طرف کسانی پیشنهاد و تعیین شود که پیش از این در صنعت بوده باشند و پس از این هم بمانند؛ زیرا از این طریق راجع به دوام سیاست‌ها اطمینان حاصل می‌شود. این افراد معمولا در قالب اتحادیه‌ها، اصناف و انجمن‌های کسب و کار متشکل هستند. امروزه یکی از مشکلات اساسی در ایران گسست نهادهای متولی و حاکمیتی از صاحبان واقعی کسب و کار است.

با مرور شرایط اقتصاد و کسب و کار در ایران بسیاری از عوامل و دلایل دیگر نیز قابل شناسایی است لیکن به منظور جستجو و شناسایی موانع بهبود محیط کسب و کار و نیز یافتن راهکار مناسب برای رفع این عوامل باید به شرایط موجود در محیط و ساختار اقتصاد کشور با دیدی جامع نگریسته شود. نظریه سه‌شاخه‌گی "پتی‌گرو" بیان می‌دارد که هر رفتاری تابع زمینه و ساختاری است. حال اگر هدف، ایجاد رفتار و محیط کارآفرینانه باشد، می‌بایست ساختارها و زمینه‌های موثر در شکل‌گیری محیط و رفتار کارافرینانه شناسایی و این عوامل با وضعیت ایده‌آل مقایسه شوند تا بتوان سیاستگذاری و برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام داد.

علاوه بر موارد پیش‌گفته توجه به عوامل محیطی و شرایط اقتصاد جهانی نیز در تقویت و گسترش محیط و رفتارهای کارآفرینانه ضروری است. به نظر می‌رسد در جهان همبسته معاصر نمی‌توان کشوری را یافت که از تجارت کالاها و خدمات، انتقال تکنولوژی و اطلاعات، و جریانات مالی بین‌المللی بی‌نیاز باشد، و خوداتکایی و خودبسندگی را در دستور کار خود قرار داده باشد چنین سیاستی در این فضا نه مطلوب است و نه مقدور. اما مسئله اصلی کشورهای در حال توسعه، تعامل مثبت و سازنده با سایر کشورها برای گذار موفقیت‌آمیز از جامعه سنتی به جامعه صنعتی است. (A.Benham- ۲۰۰۵)

در این تحول ساختاری، نقش دولت‌های ملی بسیار در خور توجه است و این نهاد در تسریع یا تعویق این تحول نقش کلیدی دارد. یکی از مسائل مهم سیاستگذاری اقتصادی برای تحقق این گذار، تنظیم مناسبات اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی است. بنابراین در این زمینه باید به دو سوال اساسی پرداخته شود؛

نخست آنکه از فرصت‌های موجود در اقتصاد جهانی چگونه بهره‌گیری شود تا منافع اقتصاد ملی در درازمدت تأمین گردد. دوم آنکه برای مقابله با تهدیدات موجود در محیط جهانی چه تمهیداتی باید اندیشیده شود.

در این فصل موانع موجود در بهبود فضای کسب و کار در دو بخش کلان و خرد مورد بررسی قرار می‌گیرند. بخش کلان مربوط به بررسی عوامل اساسی است که بر وضعیت محیط فعالیت‌های اقتصادی تاثیر گذار می‌باشند، که در فصل اول به آنها اشاره شد، و بخش خرد به بررسی شاخص‌های سنجش و بهبود فضای کسب و کار بر اساس گزارش‌های بانک جهانی اختصاص یافته‌است.

۲.۵-موانع کلان و اساسی در بهبود فضای کسب و کار

یکی از راه‌های شناخته شده برای ارزیابی محیط کسب و کار که در حوزه تحقیقات بازار مطرح است، الگوی تحلیل"PEST analysis" می‌باشد؛ در قالب این الگو عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیک ... به‌طور همزمان و در قالب یک سیستم به‌هم پیوسته مورد تحلیل قرار می‌گیرند. در این پژوهش از الگوی ذکر شده در فصل یک که بر اساس مطالعات بانک جهانی تنظیم شده‌است، استفاده گردید و فراخور شرایط برای تحلیل محیط کسب و کار در ذیل دسته‌بندی عوامل اساسی از چارچوب تحلیل Pest analysis بهره‌گیری شده است.

برای شناخت، سنجش و ارزیابی مشکلات و موانع موجود در رشد بخش خصوصی و بهبود محیط کسب‌وکار از دو روش استفاده می‌گردد. در روش اول که به‌صورت پیمایشی صورت می‌گیرد، با استفاده از نظرات صاحبان کسب‌وکار از طریق پرسشنامه به شناخت موانع پرداخته می‌شود و در روش دوم با استفاده از اندازه‌گیری هزینه‌های اداری و زمان‌سنجی مراحل انجام کار به شناخت این موانع پرداخته می‌شود. روش اول در مطالعات داخلی درباره شرایط و فضای کسب و کار در ایران بیشتر کاربرد داشته و برای مثال در مطالعات اخیر مرکز پژوهش‌های مجلس در ایران نیز به‌کار رفته‌است[۱] و روش دوم بیشتر در تحقیقات پروژه "انجام کسب و کار" توسط بانک جهانی در ایران به‌کار می‌رود. نتایج حاصل از هر دو روش

[۱] جهت اطلاع بیشتر به پیمایش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس پیرامون فضای کسب و کار در ایران (خرداد و مرداد ۱۳۸۹) مراجعه شود.

می‌تواند سودمند واقع شود و در این گزارش از نتایج حاصل از هر دو روش اعم از اینکه در مطالعات داخلی و یا خارجی استفاده شده باشند، بهره‌گیری شده است.

در فصل اول، بر اساس نظرسنجی‌های انجام شده توسط بانک جهانی و سایر مطالعات انجام شده در داخل و خارج از کشور، عوامل موثر بر محیط کلان اقتصادی و فضای کسب‌وکار در قالب سه دسته عمده شناسایی گردید:

۱- جایگاه، نقش، سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولت،
۲- سایر نهادهای اقتصادی و اجتماعی
۳- و نظام حقوقی و قضایی.

این سه دسته عوامل در اقتصاد کشورها از جمله کشور ما اصلی‌ترین زمینه‌ها و تمهیدات را برای آغاز و گسترش فعالیت‌های اقتصادی فراهم می‌نمایند. درصورتی‌که این عوامل قادر به ایفای وظایف و مسئولیت‌های خویش نباشند به‌صورت موانعی بر سر راه فعالان اقتصادی درآمده و فضای کسب‌وکار را نامطلوب می‌نمایند. در ادامه به بررسی موانع موجود در این سه دسته عامل پرداخت و نقش هریک از دسته عوامل در محیط کسب و کار طبق چارچوب مطرح شده در الگوی تبادلی اقتصاد کلان، که در فصل دوم (شکل ۱) ارایه شد، تبیین می‌گردد.

۵.۲.۱- نهاد دولت

منظور از دولت در این دسته‌بندی تمامی ساختار حکومت است که بر قانونگذاری، اجراء و نظارت در مسائل اقتصادی و حوزه کسب و کار اثرگذار است. در اینجا تاثیر دولت بر فضای کسب و کار از طریق موانع سیاسی- حقوقی در اقتصاد، تأمین زیرساخت‌های لازم برای تحقیقات و یا به‌کارگیری فناوری‌های نوین، مورد بحث قرار می‌گیرد.

هر چقدر دامنه حضور دولت در اداره امور کشور گسترده باشد، در صورت ناکارآمد بودن دولت، موانع ایجاد شده در فضای کسب‌وکار نیز بیشتر و گسترده‌تر خواهدبود. در چنین مواقعی دولت به‌دلیل بی‌نیازی و یا بی‌ارتباطی با فعالان بخش خصوصی به‌تنهایی به قانونگذاری، سازماندهی و ایجاد سازوکارهای مورد نظر خود می‌پردازد. انحصار دولت در قانونگذاری پیامدهای منفی گوناگونی مانند عدم درک دقیق و همه‌جانبه موانع موجود و همچنین ارائه راه‌حل‌های ذهنی و بی‌ارتباط با واقعیات را به‌دنبال

دارد که حاصل آن جدایی فعالان اقتصادی از این فرآیندها و بی‌انگیزگی آنان در مشارکت همه‌جانبه در بهبود فضای کسب‌وکار می‌گردد. (S.Straub– ۲۰۰۵)

تأملی در خط‌مشی‌گذاری و عملکرد دولت در کشور ایران خصوصا در طی برنامه چهارم به روشنی گویای آن است که دولت نه‌تنها در بهبود فضای کسب‌وکار نقش مثبت و سازنده‌ای نداشته بلکه در بسیاری موارد به‌عنوان مانعی در مقابل فعالان اقتصادی و صاحبان کسب‌وکار شناخته شده‌است.

بی‌ثباتی و تغییر مداوم در سیاست‌های دولت را نیز باید مورد توجه قرار داد که حاصل آن بی‌اعتمادی فعالان بخش خصوصی به سیاست‌های ابلاغی توسط دولت می‌باشد. بر این اساس تکیه بر مصوبات قانونی که مبنای ارزیابی بانک جهانی از فضای کسب‌وکار کشورها می‌باشد نیز قابل تردید است، زیرا ممکن است در بسیاری از مواقع در مصوبات قانونی کشور از بسیاری از امور گره‌گشایی شده باشد اما به دلیل عدم اجرای این مصوبات مشکل همچنان به قوت خود باقی باشد لذا هیچگاه نمی‌توان در ارزیابی شرایط حاکم بر اقتصاد صرفا به مصوبات قانونی اکتفا کرد؛ بدیهی است آنچه در کشور ما مبنای تصمیم‌گیری فعالان اقتصادی می‌باشد واقعیات حاکم بر روابط و مناسبات است، هر چند با مصوبات قانونی مغایرت‌های فراوان و حتی اساسی داشته‌باشد. دولت از جهات و ابعاد گوناگونی بر فضای کسب‌وکار و محیط اقتصادی کشورها تأثیرگذار است که به آن اشاره می‌گردد.

۵.۲.۱.۱– قانونگذاری دولت

بر اساس نظریه حکمرانی خوب، که طبق تعریف «اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری بر اساس قانون، پاسخگویی و اثربخشی» می‌باشد، "اقتصاد رقابتی مبتنی بر نهاد بازار" نیازمند مجموعه‌ای از الزامات و پیش‌نیازهاست که ایجاد آنها از طرفی از وظایف دولت است و از طرف دیگر به دولت نیز کمک می‌کند تا به ایفای نقش حاکمیت خود و پشتیبانی از بازار بپردازد. به عقیده استیگلیتز دولت باید بتواند یک چارچوب اطلاعاتی شفاف و نظام حقوقی کارآمد و یک سازوکار رقابتی عادلانه در فعالیت‌های اقتصادی ایجاد کند تا چهار هدف مهم در اقتصاد جامعه تامین شود: حفظ امنیت و سلامت در سازوکارهای بازار، ایجاد رقابت همه‌جانبه، حمایت از مصرف‌کنندگان و تضمین دسترسی گروه‌های فقیر و حاشیه‌ای به سرمایه. (Stigleitz– ۲۰۰۱)

ایفای چنین نقشی توسط دولت موجب افزایش سرعت و حجم مبادلات بین دولت و خانوار، دولت و بنگاه‌ها، و دولت و بازارها می‌شود که میزان ایجاد ارزش و ثروت در بازه زمانی مورد نظر (ثروت سرانه) را افزایش می‌دهد و این امر خود موجب افزایش قدرت سرمایه‌گذاری و ایجاد بستر کارآفرینی می‌شود. در

شرایط فعلی دولت در مواقعی که دچار بحران‌های پولی و قیمتی می‌شود دست به ایفای چنین نقشی می‌زند که آن هم با روش‌های غیر نظام‌مند و با دید کوتاه مدت است.

علاوه بر نکته فوق شواهد نشان می‌دهد در طی سال‌های گذشته در اداره بسیاری از شرکت‌های دولتی که به‌صورت بالادستی یا پایین‌دستی در انجام فعالیت‌های بخش خصوصی ایفای نقش می‌کنند، قانون تجارت ایران رعایت نمی‌شود که در نتیجه آن بخش خصوصی با مشکلات جدی روبرو می‌گردد. از سوی دیگر بسیاری از وظایف نهاد نظارتی از وظایف مقام‌های اجرایی تفکیک نشده‌است. در نتیجه این روند موجب کاهش کارآمدی و گسترش فساد می‌شود.

در کشور ایران دولت مسئول وضع عوارض، مالیات و جرایم بر فعالیت‌های تولید و خدمات (نرخ مالیات، مقررات مالیاتی و نظام دریافت عوارض و گستردگی جرایم اجتماعی)، است. ناکارآمدی قوانین تصویب شده توسط دولت و همچنین ناتوانی دستگاه‌های وابسته به دولت در ایفای درست این نقش عامل دیگر فساد و گستردگی اقتصاد زیرزمینی می‌گردد. در چنین شرایطی منابع مالی و اعتباری درگردش غیررسمی خود میان خانوار و بازار و بنگاه‌ها از کنترل دولت خارج می‌شوند و به کرات ممکن است که از چرخه اقتصاد کلان ملی خارج شوند و این موضوع ثروت سرانه را کاهش می‌دهد.

در سال‌های اخیر بروز بحران‌های زیست محیطی و آگاهی نسبت به برخی اثرات و پیامدهای منفی تخریب یا بی‌توجهی نسبت به محیط زیست، ضرورت تدوین قوانین حفاظت از محیط زیست برای بهره‌برداری پایدار نسل‌های حاضر را اجتناب‌ناپذیر کرده‌است. سازمان‌های دولتی باید موظف به رعایت این قوانین نیز گردند و در صورت عدم رعایت آنها مؤاخذه و کیفر شوند. اما واقعیات موجود نشان‌دهنده بی‌توجهی دولت و در بسیاری مواقع بخش خصوصی نسبت به این مسئله مهم می‌باشد.

قانونگذاری در ارتباط با تکنولوژی در مواردی چون دسترسی به تکنولوژی، واگذاری حق لیسانس، حق انحصاری اختراع و موضوعات مالکیت معنوی، بسترسازی برای دسترسی و تبادل اطلاعات و ارتباطات جهانی نیز از دیگر وظایف دولت‌هاست که در کشور ایران از وضعیت مطلوب و مناسبی برخوردار نیست.

نکته بسیار مهم در انجام وظیفه خطیر دولت در قانونگذاری، برقراری ارتباط تنگاتنگ میان دولت و فعالان بخش خصوصی و صاحبان کسب‌وکار می‌باشد. انجمن‌های صنفی و اتحادیه‌ها بایستی به‌عنوان رکن اصلی در تدوین قوانین توسط دولت‌ها محسوب شوند زیرا آنان علاوه بر دانش نظری از تجارب عملی

لازم برای شناخت همه‌جانبه عوامل مؤثر بر بهبود فضای کسب‌وکار برخوردار می‌باشند که این مسئله نیز در کشور ایران مورد کم‌توجهی می‌باشد.

۵.۲.۱.۲- سیاست‌های اقتصادی، مالی و تجاری

دولت در هر کشور باید متولی توسعه پایدار گردد، ثبات اقتصاد کلان را تضمین کند، بازارهای مالی را تحت کنترل خود درآورد، نقش خود را به درستی در زمینه توزیع مجدد منابع ایفا کند و علاوه بر اصلاحات قیمتی مجموعه‌ای از اقدامات غیرقیمتی را نیز سازماندهی نماید. مهم‌تر آنکه توسعه نیازمند تحول نهادهای اقتصادی است و نهادها به نوبه خود متاثر از گروه‌ها و منافع سیاسی هستند. اولویت اصلی در سیاستگذاری‌ها باید بالا بردن ظرفیت دولت برای حکمرانی خوب باشد. به عبارت دیگر برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و نتایج توسعه‌ای بهتر، نیاز به نهادهایی است که تعامل دولت، بازارها، سازمان‌ها و جامعه مدنی را به بهترین شکل برقرار سازند. (B.Mulligan– ۲۰۰۵)

هم‌اکنون اقتصاد ایران به میزان زیادی دولتی است. از جمله معضلات دولتی بودن اقتصاد بوجود آمدن بنگاه‌های انحصاری و رانت‌های دولتی است. تأمین اعتبار و کمک‌های بلاعوض برای پروژه‌ها توسط دولت بستر ایجاد رانت برای گروه‌هایی است که به ساختار حاکمیت نزدیک‌تر هستند و قدرت را در دست دارند. دولت با تاثیرگذاری‌های فراقانونی و اعمال نفوذ در بازار داخلی برای گرفتن قراردادها توسط پیمانکاران دولتی یا دادن قراردادهای پیمانی دولت به گروه‌هایی که قدرت سیاسی بیشتری دارند بر تقسیم منافع اثر می‌گذارد. این موضوع سرعت و حجم مبادلات پولی و غیر پولی را در چرخه اقتصاد کلان نا موزون کرده و مشکلات و تاخیرات فراوانی را در ساماندهی مجدد منابع و کسب و کار در بنگاه‌ها و خانوار موجب می‌شود. بدیهی است به دلیل ماهیت سیاسی چنین رانت‌هایی عمر کوتاه شرایط مناسب برای بنگاه‌ها و نهادهایی که از آن بهره می‌برند و تغییر مسیرهای جریان منایع، موجب ناکارآمدی و وقفه در ارزش آفرینی اقتصادی در این بنگاه‌ها و نهادها شود و این نوعی ضرر دو جانبه است که هم بنگاه‌های بی بهره از رانت و هم بنگاه‌های بهره‌مند از رانت را شامل می‌شود.(نیلی– ۱۳۸۳)

اقتصاد دولتی و بزرگ بودن حجم دولت در اقتصاد، علی‌رغم ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مانع شکوفایی و خلاقیت و عامل وجود انحصارات در اقتصاد است. پایین بودن بهره‌وری در بخش دولتی نیز ناشی از فقدان انگیزه رقابتی است. بنابراین علاوه بر بهبود عملکرد شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و اصلاح نظام مالی دولت، با توجه به تجربه جهانی، لزوم آزادسازی اقتصاد و خصوصی‌سازی در کشور احساس می‌شود. باید توجه داشت خصوصی‌سازی بدون ضمانت تنظیمی و نظارت مالکان بر مدیران

باعث می‌شود مالکان شرکت‌های خصوصی و انحصارزدایی شده از ایجاد رقابت جلوگیری کنند و موجب تشدید مشکلات اقتصادی شوند.

یکی دیگر از مشکلات کشور ما، سیاستگذاری‌های اقتصادی بدون دخیل بودن بخش خصوصی است تا حدی که بخش خصوصی در تهیه و تنظیم گزارش نظام تجاری ایران که برای درخواست عضویت به سازمان تجارت جهانی ارائه شده‌است و تصویری که از اقتصاد ایران برای آن سازمان ترسیم شده‌است، بی‌تأثیر و حتی بی‌اطلاع مانده‌است. (پیمایش فضای کسب‌وکار- ۱۳۸۹)

برای فعالان اقتصادی عدم اطمینان به سیاست‌های کلان دولت در بخش‌های مختلف مانع سرمایه‌گذاری و پیشرفت و نوآوری است. در کشورهایی که عمر قوانین و مقررات به اندازه عمر یک دولت است به‌طوری‌که در پایان دوران تصدی یک دولت تغییرات سیاسی عمده‌ای هنگام انتقال قدرت صورت می‌گیرد، عدم امنیت بر اقتصاد آن کشورها سایه می‌افکند و فعالان اقتصادی را از برنامه‌ریزی بلند مدت نامطمئن می‌سازد.

تأمین زیرساخت‌های لازم برای ورود و توسعه تکنولوژی، تأمین مالی تحقیق و پژوهش، بلوغ تکنولوژی و ظرفیت تولید، نیز از مسائلی است که باید در سیاست‌های دولت لحاظ شود.

۵.۲.۱.۳- سیاست خارجی، روابط دولت با نهادهای بین‌المللی اقتصادی

با توجه به‌درهم‌تنیدگی بسیار زیاد اقتصاد کشورها با یکدیگر و ضرورت تعامل مثبت و سازنده میان کشورها درصورتی‌که دولت نتواند زمینه‌سازی لازم را برای همکاری‌های گسترده در عرصه‌های مختلف با سایر کشورها فراهم نماید، اقتصاد داخلی نیز با تنگناهای گوناگون روبرو می‌گردد. (E.Neumayer- ۲۰۰۶)

تحولات اساسی در شیوه‌ها و تکنولوژی تولید و تجارت موجب تفاوت ارزش منابع در کشورهای مختلف و قیمت مناسب حمل و نقل و در دسترس قرارگرفتن انواع بازارهای منطقه‌ای و بین المللی به تغییر جایگاه خارجیان در چارچوب اقتصاد کلان و ایفای نقش به عنوان وارد کننده و خریدار منابع و نهاده‌ها و کالاها و خدمات میانی شده‌است.

در حال‌حاضر به‌دلایل مختلف که بیشتر آن ناشی از سیاست‌های متخذه توسط دولت در حوزه‌های سیاسی می‌باشد امکان تعامل مثبت با سایر کشورها به حداقل لازم رسیده‌است. عدم پیوستن به سازمان تجارت جهانی، عدم همکاری با بسیاری از اتحادیه‌ها و نهادهای بین‌المللی موجب شده‌است که شرایط لازم برای انتقال تکنولوژی و دانش فنی میان کشور ما با سایر کشورها به‌حداقل برسد. عدم تبادل و مبادله

کالاها و خدمات در حوزه‌های غیرنفتی با توجه به پتانسیل‌های بسیار زیاد کشور موجب شده‌است که تجار ایرانی در زمینه صادرات و واردات با ابهام‌ها و موانع گوناگون روبرو شوند.

عدم پایداری در تصمیمات و سیاستگذاری‌های بخش تجاری اعم از نظام‌های تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای و همچنین تثبیت دستوری نرخ ارز موجب شده‌است که از همه پتانسیل‌های موجود در کشور استفاده لازم صورت نگیرد. سایه سنگین خط‌مشی‌گذاری سیاست خارجی کشور بر بخش‌های مالی و پولی در عرصه بین‌المللی از موانع جدی دیگری است که در حال حاضر اقتصاد کشور ما با آن روبروست.

بدون توجه به موانع فوق نمی‌توان برای بهبود فضای کسب‌وکار در کشور اقدامات جدی انجام داد.

۵.۲.۲. سایر نهادها

انسان‌ها در دنیایی از نهادها زندگی و کار می‌کنند. فرصت‌ها، تهدیدها و چشم‌انداز آینده ما عمیقا به نهادهای موجود و نحوه عملکرد آنها بستگی دارد. نهادها مجموعه‌ای از قواعد رفتاری هستند که به انسان‌ها کمک می‌کنند تا انتظارات خود را درباره چگونگی رفتار دیگران شکل دهند و بدین ترتیب نهادها روابط متقابل میان انسان‌ها را تنظیم می‌کنند. عدم شکل‌گیری و استقرار نهادها می‌توانند به‌عنوان مانعی در بهبود فضای کسب‌وکار در نظر گرفته شوند که در حوزه‌های مختلف مورد اشاره قرار می‌گیرند. مهمترین وجه اقتصادی نهادها این است که بیشتر از آن که متولی خاصی داشته باشند نماینده دارند. مانند فرهنگ جامعه که چندین متولی دارد که باید نقش و اهمیت نمایندگان این نهادها و جایگاه مشخص آنها بارزتر باشد. همچنین نهاد مبادله و معامله (بازرگانی) که نماد آن بازار است شاید متولیان خاصی داشته باشد ولی نمایندگان این نهاد در فضای اقتصادی کشور اثرگذار می‌باشند.

نقش اساسی نهادها در اقتصاد کلان تنظیم الگوها و نگرش و ایجاد تنوع کافی در گردش منابع پولی و غیرپولی است. ایجاد پشتوانه نهادی در رفتار و نگرش صاحبان بنگاه‌ها، دولت و خانواردر نحوه تامین و تخصیص منابع و تشخیص مصارف می تواند تامین کننده توسعه مطلوب و پایدار باشد.

۵.۲.۲.۱-نهادهای اقتصادی

مهمترین نهادی که بر رفتارهای اقتصادی اشخاص حقیقی و حقوقی تاثیرگذار است نهاد بازار می‌باشد زیرا ساز و کار بازار، که احساسات بسیاری را بر علیه خود برانگیخته، ترتیبات اساسی است که از طریق آن انسان‌ها می‌توانند به تعامل با یکدیگر بپردازند و فعالیت‌هایی انجام دهند که برای طرفین معامله سودآور است.

در صورتی که نهاد بازار شکل نگیرد مشکلاتی که در جوامع بروز می‌کنند ناشی از وجود بازار نیستند بلکه وجود برخی روابط و مناسبات نامطلوب که موجب شکل‌گیری نابازار می‌شود چنین پیامدهای نامطلوبی را به دنبال دارد. که در این صورت تمهیدات مناسبی برای استفاده از مبادلات در بازار وجود ندارد. پنهان‌سازی اطلاعات و یا اطلاعات نامتقارن، فعالیت‌های کنترل نشده‌ای را به دنبال دارد که به قدرتمندان اجازه می‌دهد از اطلاعات نامتقارن خود بهره گرفته و منابع اقتصادی را به چنگ آورند، این موارد از عوامل مهمی هستند که کارامدی نهادهای بازار را به چالش کشیده و در نتیجه سبب بروز مشکلات اساسی در جامعه می‌گردند.(رنانی- ۱۳۸۹)

برای مقابله با این مشکلات باید تلاش کنیم تا بازار کارآمدتر و عادلانه‌تر و در نتیجه رقابتی عمل کند. در واقع بهره‌گیری از دستاوردهای مهم ساز و کار بازار با فراهم آوردن ترتیبات مناسب سیاسی و اجتماعی امکان‌پذیر می‌گردد. صاحب‌نظران معتقدند اقتصاد مبتنی بر رقابت به روابط و مناسبات همه جانبه‌ای نیازمند است و تحولات نهادی را علاوه بر نهادهای پولی و مالی در نهادهای مدیریتی، بازار کار، رابطه میان دولت و بخش خصوصی، فساد، شفافیت و تور حمایتی تأمین اجتماعی نیز مطرح و توصیه می‌نمایند. (C. Calderion -۲۰۰۴)

نهادهای مورد نیاز علاوه بر موارد فوق دربرگیرنده نهادهایی هستند که از حقوق مالکیت نیز دفاع می‌کنند و قراردادها را مورد حمایت قرار می‌دهند تا قراردادها بدون ترس منعقد شوند و زمانی که قرارداد منعقده برای هر یک از طرفین قرارداد مناسب نباشد لغو گردند. علاوه بر این نظامی از قوانین و دادگاه‌ها باید وجود داشته باشند که عملکرد بازارهای کامل را ممکن سازند. قوانین باید تدوین شوند و توسط قوه قهریه ضمانت اجرایی بیابند.

بدون حق مالکیت شفاف و باثبات یک کارآفرین انگیزه انباشت و نوآوری نخواهد داشت مگر آنکه بر بازده سرمایه‌گذاری و دارایی‌هایی که خلق شده یا افزایش یافته، کنترل لازم را داشته باشد. نهادهای تنظیم کننده قوانین پولی، مالی و تنظیم بازار بورس بویژه در کشورهای در حال توسعه برای مقابله با شکست بازار ضروری هستند. (E. Benmelech -۲۰۰۶)

علاوه‌بر این تمامی اقتصادهای پیشرفته دارای نهادهای تثبیت اقتصاد کلان همچون نهادهای پولی و مالی تثبیت کننده هستند؛ مهم‌ترین این نهادها، بانک مرکزی مستقل است که به منزله مهمترین رکن کنترل‌کننده بازار پول مانع از بروز بحران‌های بانکی می‌گردد.

در اقتصاد ایران همانند اکثر اقتصاد کشورهای در حال توسعه خصوصا کشورهای نفتی نهادهای اقتصادی تحت‌تاثیر روندهای اقتصاد داخلی و جهانی قرار دارند. نهادهای پیچیده و غیرشفاف موثر بر فعالیت‌های اقتصادی در معرض ابتلا به فساد قرار دارند. رانت آفرینی در اقتصاد به علت قیمت‌گذاری نامناسب در مورد نهاده‌های انرژی، نرخ نامناسب ارز، نرخ ناکارآمد تسهیلات بانکی، نرخ نامناسب سود بانکی و دولتی بودن بانک‌ها موجب ناکارآمدی بازار مالی شده‌اند. (رنانی- ۱۳۸۹)

کسری بودجه مداوم دولت از یک سو، نوسانات درآمدهای نفتی از سوی دیگر، حجم نقدینگی را دائماً دچار نوسان می‌سازد و به دلایل ضعف بازارهای مالی که قادر به هدایت منابع جدید پولی به بخش‌های تولیدی نمی‌باشند، این سرمایه‌های سرگردان در پی عملکرد سوداگران بخش‌های مختلف به بخش‌هایی که سودآوری بیشتری دارند سرازیر می‌شوند که از جمله آثار زیان‌بار چنین فرآیندی افزایش شدید و رشد بی‌رویه قیمت‌ها در بخش‌های غیر مولد مانند مسکن در سال‌های اخیر است.

فضای نامناسب کسب‌وکار نیز باعث شده است به رغم اهتمام متولیان اقتصاد کلان در حمایت از بنگاه‌های اقتصادی به طرق مختلف از جمله افزایش تسهیلات بانکی و کاهش نرخ های بهره، کمک‌های صورت‌گرفته به جای ارتقاء تولید، از طریق نشت در کانال‌های غیرتولیدی به رشد تقاضا و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها منجر شود. در واقع در سال‌های اخیر بر اساس نظریه مقداری پول، نقدینگی تزریق شده به جامعه به جای افزایش تولید به افزایش قیمت‌ها منجر شده و به رغم افزایش شدید نقدینگی، بخش مولد کشور همواره از کمبود نقدینگی گلایه‌مند است.

دسوتو در یک تحقیق پیرامون نظام بوروکراتیک حاکم بر کشورهای در حال‌توسعه و کشورهای توسعه‌یافته به این نتیجه دست‌یافت که نظام اداری در کشورهای درحال‌توسعه از سرعت بسیار کم برخوردار و درگیر موانع بسیار می‌باشد که در نتیجه بخش خصوصی و فعالان اقتصادی را در این کشورها به سمت اقتصاد زیرزمینی و غیررسمی سوق می‌دهد.(Desoto- ۲۰۰۳)

بر اساس بررسی‌های انجام شده در کشور ایران پیچیدگی و گستردگی این مراحل مشوق و محرک رشد و گسترش بخش‌های غیررسمی شده‌است که در جهت گریز از مقررات دست‌وپاگیر و مزاحمت‌های مختلف روزبه‌روز بیشتر مورد توجه فعالان اقتصادی قرار می‌گیرند.

در چنین محیط و شرایط نامناسبی، به‌طور بدیهی، تنها شرکت‌ها و مؤسساتی قادر به ادامه حیات می‌باشند که قادر به استفاده از بخش‌های غیررسمی باشند. شرکت‌های کوچک و متوسط در چنین

محیط‌هایی بیشتر مورد آسیب قرار می‌گیرند، زیرا به‌دلیل محدودیت در منابع و امکانات قادر نیستند همانند شرکت‌های بزرگ هزینه‌های مربوط به این بخش غیررسمی را بپردازند.

۵.۲.۲.۲-نهادهای اداری و آموزشی

به‌دلیل وجود درآمدهای نفتی و گسترش بی‌رویه و غیراصولی بخش‌های بوروکراتیک، کشور دارای سازمان اداری بزرگی است. سازمانی که دستگاه‌های اصلی هزینه‌بر، بخش‌های بسیار بزرگی دارند که به موازات هم فعالیت می‌کنند.

نهادهای تأمین اجتماعی که بایستی برای محافظت از افراد در مقابل مخاطرات مرتبط با درآمد و اشتغال و بیمه ساماندهی شود تنها ابزاری برای پرداخت‌های انتقالی برای حفظ انسجام اجتماعی و امنیت اقتصادی و در نهایت مشروعیت‌بخشی در برخی حوزه‌های اجتماعی است.

نظام انگیزشی در ایران در حوزه اقتصادی بسیار ناکارا است. در هر کشوری مجموعه تشویق‌ها و تنبیهات است که نظام انگیزشی را می‌سازد. در کشور ایران در حال حاضر مجموعه انگیزشی حاضر، انسان‌ها را به سمت تولید سوق نمی‌دهد و به همین دلیل باید دچار دگرگونی شود. ساز و کارهای اقتصادی موجود مروج واسطه‌گری، دلالی، بازارسیاه، رانت‌جویی و هر فعالیت غیرمفید و فاقد ارزش افزوده و سرکوب نظام انگیزشی نوآوران جامعه می‌باشد. اقتصاد ایران به هر دلیلی از اقتصاد مولد به سوی اقتصاد خدماتی و در بدترین شکل آن دلالی حرکت کرده و بخش‌های تولیدی در حال رکود است. ظرفیت‌های نوآوری و کارآفرینی و رابطه دانشگاه و صنعت نیز مورد بی‌توجهی هستند.

مهارت نیروی انسانی، مقررات نیروی کار و درصد بیکاری در گرو سیاستگذاری‌های نهادهای کار و تأمین اجتماعی است. شرایط فصلی و آب و هوایی، کانال‌های توزیع، هزینه‌های حمل و نقل، دسترسی به زمین و انرژی و مخابرات نیز تحت کنترل دیگر نهادهای اقتصادی می‌باشند.(مقیمی، احمدپور- ۱۳۸۷)

۵.۲.۲.۳-نهادهای اجتماعی

نهادهای اجتماعی درصدد می‌باشند که با ساماندهی روابط و مناسبات مطلوب اجتماعی اعم از شیوه زندگی، انجام مبادلات و قراردادها و همچنین گرایشات و نظرات، مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان را جهت حصول اطمینان هرچه بیشتر در جهت صیانت از حقوق خویش و تضمین آینده کمک نمایند.

برای مثال الگوهای مصرف را نمی‌توان از نظام‌های ارزشی و هنجاری ـ خواه اجتماعی یا فردی و یا توأماً ـ که معرف شخصیت مصرف‌کننده است، جدا ساخت. اگر چه گزینش‌های مصرفی مردم کشورهای

جهان سوم تحت تأثیر منابع گوناگون هدایت می‌شود، اما قطعاً نمایانگر ذهنیت آنان نیز هست. بدون نادیده انگاشتن بعد سودگرایی (ارضای نیازهای روانی) فرآیندهای مصرف اجتماعی، لازم است به ابعاد نمادی، یعنی معنای اجتماعی آنها نیز توجه داشت. کالاها و خدمات، سوای کیفیات طبیعی‌شان، دارای علایم رمزی نیز هستند و شاخص‌ها و عاملان یک قشربندی اجتماعی محسوب می‌شوند. (B. Mulligan- ۲۰۰۵)

در کشور ما برای مبارزه با تهاجم فرهنگی و جلوگیری از رواج الگوها و مدهایی که با عقاید عرفی و مذهبی مردم ما در تضاد هستند و حفظ هویت ملی، برخی روندهای جهانی مورد پذیرش نیستند. قضاوت‌های رسانه‌ای و تبلیغات نیز بر رفتارهای اقتصادی مردم تاثیرگذارند. اما به دلیل فقدان تبیین دقیق و همه جانبه این قضاوت در برخی مواقع تغییرات قانونی و اتفاقات و تاثیرات عمده که بر عوامل اجتماعی اثرگذار هستند، بر فضای کسب‌وکار تأثیر منفی و بازدارنده دارند.

در ایران بسیاری از اهداف اجتماعی و حتی سیاسی موجب شده‌است که برخی نهادها، سازمان‌ها و حتی شرکت‌های دولتی بدون توجیه قابل قبول شکل گیرند و دربرخی مواقع مانعی در فعالیت بخش خصوصی نیز بوجود آورند و در نتیجه از کارآمدی لازم برخوردار نباشند. تلاش بسیار گسترده مقامات دولتی خصوصا نمایندگان مجلس در شکل‌گیری برخی سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی بهترین گواه بر این‌گونه سیاستگذاری‌هاست. بسیاری از اقدامات دولت که بایستی به تقویت نهادهای اجتماعی و در نتیجه افزایش سرمایه اجتماعی منجر گردد به‌دلیل فقدان سیاستگذاری مناسب به ضد خود بدل شده‌اند.

عدم تقویت روحیه مبتنی بر اعتماد و فقدان اطمینان نسبت به برخی اقدامات و سیاست‌های دولت در حال‌حاضر موجب آسیب‌پذیری سرمایه اجتماعی و تضعیف نهادهای اجتماعی گردیده‌است.

۵.۲.۳. نظام حقوقی و قضایی

یکی‌دیگر از مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر بهبود محیط کسب‌وکار ایجاد و گسترش نظام حقوقی و قضایی مطلوب و مناسب برای صیانت از حقوق فعالان اقتصادی است. عدم وجود یک نظام قضایی مطلوب، اطمینان و اعتماد را نسبت به آینده انجام فعالیت‌های اقتصادی تضعیف می‌نماید و سرمایه‌گذاران در انجام سرمایه‌گذاری و ایجاد کسب‌وکار کم‌انگیزه خواهند شد. قانونگذاری دقیق و همه‌جانبه و ضمانت اجرایی مناسب برای تحقق آن موجب گسترش و تقویت فعالیت‌های اقتصادی در جامعه خواهد شد. (Klonowski- ۲۰۰۶)

از منظر اقتصاد کلان نظام حقوقی و قضایی کارآمد تضمین کننده ثبات در برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های اقتصادی و روان بودن گردش منابع پولی و غیر پولی است. ارزش آفرینی اقتصادی در سایه نظام حقوقی و قضایی کارامد می‌تواند چرخه اقتصاد کلان را امن و سالم نگاه دارد.

ابهام در قوانین حقوقی، چندگانگی و گسترش بی‌رویه مواد قانونی که موجب تفسیر به‌رأی و سلیقه‌ای شدن اجرای آن گردد از عوامل منفی دیگری است که در نظام قضایی کشور ما مشهود است.

اگر از منظر کلی، مطلوب بودن نظام قضایی را در گرو شرایط سریع‌بودن زمان دادرسی، بی‌طرف‌بودن نظام قضایی، کم‌هزینه و در دسترس بودن نظام دادرسی برای کلیه فعالان اقتصادی در دفاع از حقوق مالکیت آنان در نظر بگیریم، کشور ایران از این جنبه‌ها دارای اشکالات جدی و اساسی است.

ابهام در قوانین مربوط به روابط میان کارگر و کارفرما، حقوق ناشی از نحوه دستیابی به تکنولوژی و حقوق مرتبط به دانش فنی، ضوابط مربوط به حق برند و مالکیت معنوی، نامشخص بودن قوانین ضد انحصار و فعالیت‌های اقتصادی الکترونیکی از موانع مهم و اساسی است که موجب شده‌است فضای کسب‌وکار در کشور ایران در شرایط مطلوبی نباشد.

۵.۳. موانع موجود در بهبود فضای کسب و کار در حوزه خرد (شاخص‌های دهگانه)

درمطالعات Doing Business در هر یک از شاخص‌های استخراج شده، موانع موجود در شکل‌گیری و تداوم فعالیت‌های اقتصادی به طور کلی و در گزارش‌های ویژه هر کشور به طور خاص شناسایی شده است. در گزارش‌های Doing Business بسیاری از موانع موجود به صورت غیرمستقیم در عوامل زمان و هزینه بازتاب داده می‌شوند. اما مطالعات بنیادی این ارگان، عوامل متعددی را در نظر گرفته و برای سهولت ارزیابی و مقایسه فضای کسب‌وکار، برخی عوامل را به عنوان نشانه‌های وجود مشکل، و نه خود مشکل، بیان نموده‌است. بر این اساس در این مطالعات و رتبه بندی‌ها کوشش شده است کلیه عوامل بازدارنده و موثر در انجام یا عدم انجام فعالیت‌های اقتصادی در ۱۰ عنوان مستقل تقسیم و مورد بررسی قرار گیرد. این موانع بر اساس طبقه‌بندی بانک جهانی در کشور ایران به شرح زیر ذکر می‌گردد.[۱]

---

[۱] در بررسی موانع مربوط به شاخص‌های فضای کسب و کار از گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس پیرامون این موضوع و همچنین موارد مذکور در فصل چهارم استفاده شده است.

۵.۳.۱. چالش آغازین صاحبان کسب و کار با سیستم

در کشور ایران قوانین دست‌وپاگیر و غیرشفاف و وجود قوانین، بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های همپوشان و متعارض موجب کاهش سرمایه‌گذاری، عدم شکل‌گیری بنگاه‌ها و کمبود فرصت‌های شغلی و همچنین سوق دادن کارآفرینان به سمت اقتصاد غیررسمی می‌شود. در اقتصاد غیررسمی بنگاه‌ها از کنترل و نظارت دولت و نهادهای وابسته به دولت آزاد بوده و در نتیجه هزینه‌های مختلف و حتی مالیات نمی‌پردازند و در مقابل از بسیاری از منافع محروم می شوند. به این ترتیب بخشی از درآمدهای دولت نیز محقق نمی‌شود و دولت بار مالیاتی بر بنگاه‌های بخش رسمی را افزایش می‌دهد.

به‌دلیل فقدان نظارت‌های رسمی بر فعالیت‌های اقتصادی،در طی سال‌های گذشته خصوصا چند سال اخیر محصولات تولیدی این بخش فاقد استانداردهای کیفی است. از آنجایی‌که در بخش غیررسمی بنگاه‌ها قادر به دریافت اعتبارات بانکی نبوده و در نتیجه مجبور می‌شوند با استفاده از روش‌های غیررسمی و غیرقانونی به‌تأمین نیازهای آغاز فعالیت کسب‌وکار و طی کردن چرخه طولانی کسب مجوز و فعالیت بپردازند. استفاده از راه‌های میانبر و پرداخت‌های زیرمیزی از موارد منفی است که در اقتصاد کشور ظاهر می‌شود. کودکان زیر سن کار، کارگران قراردادی و زنان در این بخش با شدت بیشتری صدمه می‌بینند زیرا ۷۵ درصد کارکنان بخش غیررسمی را تشکیل می‌دهند. فساد نیز در بخش غیررسمی بسیار شایع است زیرا در این بخش فرصت‌های بسیاری برای گرفتن رشوه وجود دارد.

۵.۳.۲. عدم وجود رویه‌های استاندارد و شفاف (در شاخص اخذ مجوزها)

منطق و استدلال اعطای مجوز برای فعالیت‌های اقتصادی، تسهیل آغاز فعالیت، حمایت از ایمنی و سلامت عمومی است. مراحل دشوار اخذ مجوز و دشواری رعایت قوانین موجب بالا رفتن هزینه و یا سایر ملزومات برای فعالیت‌های اقتصادی در بخش رسمی می‌گردد که به فعالیت در بخش غیررسمی برای فرار از دغدغه استانداردهای ایمنی منجر می‌شود. دولت با انجام بازرسی‌های بی‌برنامه و ناکارآمد نیز هزینه‌های زیادی بر فعالان اقتصادی تحمیل نموده است.

سردرگمی فعالان اقتصادی برای اخذ مجوز و دریافت استعلام‌های گوناگون و پراکندگی سازمان‌ها و مؤسسات تعیین شده برای صدور مجوزها و همچنین زمان طولانی برای دریافت این مجوزها از موانع مهمی است که موجب نگرانی و تردید فعالان اقتصادی برای آغاز فعالیت و کسب مجوز در کشور ایران

می‌باشد. در بسیاری موارد با استفاده از روش‌های غیرقانونی و همراه با فساد برای رفع این مشکل اقدام می‌گردد که خود مانع جدیدی محسوب می‌شود.

۵.۳.۳. سختی استخدام و اخراج نیروی کار

نیروی کار آموزش ندیده، هزینه بالای استخدام و هزینه‌های مترتب براخراج کارکنان که هزینه‌های تولید را بالا برده، قیمت‌هایی را موجب می‌شوند که تولیدکنندگان ایرانی توان رقابت با کالاهای کشورهای دیگر را ندارند، ضوابط حاکم بر روابط کارگر و کارفرما که تحت عنوان قانون کار مطرح می‌شود از موانع مهمی است که فعالان اقتصادی را با نگرانی روبرو می‌کند. از سوی دیگر این شرایط موجب می‌شود که کارفرمایان به قراردادهای پنهانی پاره‌وقت و با سررسید معین متوسل شوند.

اغلب کارفرمایان و فعالان اقتصادی در ایران معتقدند قانون کار فعلی هزینه فعالیت اقتصادی را افزایش و تمایل سرمایه‌گذاران برای فعالیت اقتصادی را کاهش داده‌است. از سوی دیگر، تشکل‌های کارگری با بیان اینکه حمایت از حقوق کارگر تنها در سایه وجود یک قانون کار مناسب قابل دسترسی است، مشکلات موجود در تولید و سرمایه‌گذاری را خارج از حیطه قانون کار دانسته و آن را مربوط به سایر عوامل اقتصادی می‌دانند. تشکل‌های کارگری همچنین اعتقاد دارند که قانون کار فعلی توانسته است هدف صیانت از حقوق کارگران را برآورده کند و مشکلات موجود علاوه بر آنچه ذکر شد ناشی از اجرای نامناسب این قانون و نه نقص در قانون است. وضعیت فعلی قانون کار موجب شده‌است که علاقه‌ای برای به‌کارگیری بیکاران و افزایش اشتغال نزد فعالان اقتصادی وجود نداشته‌باشد.

دشواری استخدام و اخراج نیروی کار باعث می‌شود کارفرمایان بخش رسمی، مالیات و حق بیمه تأمین اجتماعی بیشتری بپردازند و در استخدام کارگران تبعیض قائل شوند. در بخش غیررسمی نیز مسائلی چون کار کردن بانوان و کودکان و محرومیت کارگران از مزایای اجتماعی بوجود بیاید.

عدم توازن مناسب بین انعطاف بازار کار برای صیانت از شاغلین و امیدواری برای شروع به کار بیکاران و ثبات شغلی از موانع مهمی است که فضای کسب‌وکار را از منظر این شاخص نامطلوب کرده‌است و از سوی دیگر به‌دلیل فقدان نظام جامع تأمین اجتماعی، امنیت و اطمینان نیروی کار نسبت به حوادث غیرمترقبه نیز کاهش می‌یابد.

قوانین انعطاف ناپذیر کار، هزینه‌های کسب‌وکار را بالا می‌برد و بنگاه‌ها نمی‌توانند خود را با فناوری‌های جدید و شوک‌های اقتصاد کلان و ورود نیروی کار مهاجر تطبیق دهند. حتی در شرایط رقابتی و آزادسازی تجاری نیز وجود مقررات کار پیچیده مانع انتقال کارگران از بخش‌های کمتر مولد به بخش‌های مولدتر می‌شوند.

فقدان قوانین مربوط به ساماندهی روابط نیروی کار و نقش اتحادیه‌ها و سندیکاها برای تنظیم روابط هر چه بیشتر کارفرما و کارگر نیز از دیگر موانعی است که در کشور ما وجود دارد.

۵.۳.۴. مشکلات فراوان ثبت املاک

طولانی بودن و دشواری رویه‌های ثبت اموال و املاک و هزینه‌های بالای مربوط به آن موجب می‌شود که کارآفرینان برای ثبت دارایی‌های خویش و طی کردن فرآیندهای قانونی مراحل ثبت برای کسب و کار اصلی و تعریف شده خود با مشکلات فراوانی روبرو شوند. در کشور ما بدون داشتن سند رسمی، حقوق مالکیت کارفرمایان و فعالان اقتصادی به راحتی نقض می‌شود، در نتیجه سرمایه‌گذاری کمتری کرده و به دشواری تسهیلات و اعتبارات مالی بدست می‌آورند. اگر مراحل ثبت اموال و املاک دشوار و پرهزینه باشد مالکیت خیلی سریع به بخش غیررسمی منتقل می‌شود.

هزینه بالای مراحل ثبت، کارآفرینان را تشویق به معاملات غیررسمی و عدم ارائه گزارش در خصوص ارزش دارایی می‌کند. این فرآیندهای پیچیده زمینه را برای فساد مساعد می‌سازد. مراحل ثبت اموال و املاک در ایران مستلزم پرداخت چندین حق‌الزحمه، مالیات نقل و انتقال و استعلام است که در نتیجه فرآیندی قضایی محسوب می‌شود.

پیچیدگی بیشتر با نااطمینانی، با افزایش هزینه معاملات و معمولا فرصت‌هایی برای تقلب و فساد همراه می‌باشد و بوروکراسی بیشتر نیز اشتباهاتی درباره تعیین دقیق مالک اموال بوجود می‌آورد. به طور کلی امنیت سند مهم‌تر از تعداد مراحل اداری، زمان و هزینه ثبت است. امنیت اسناد باعث تقویت بازارهای اموال و اعتبار، دسترسی به زمین، سرمایه‌گذاری بیشتر بخش خصوصی، فساد کمتر و رسمی شدن اقتصاد می‌گردد.

یک بررسی نشان می‌دهد کسانی که برای اموال خود اسناد رسمی دریافت کرده‌اند معمولا در خارج منزل به کار اشتغال پیدا کرده و اتکا به کار کودکان برای کسب درآمد در این خانواده ها کمتر شده‌است.

در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی به‌دلیل محیط پر تنش سیاسی در عرصه داخلی و خارجی و نبود امنیت اقتصادی در برخی موارد که موجب تعرض به حقوق مالکیت و مصادره اموال برخی افراد گشت، به احساس بی‌اعتمادی و عدم انگیزه برای ادامه فعالیت‌های اقتصادی افراد دامن زد.

سازمان ثبت اسناد، دفاتر اسناد رسمی، سازمان امور مالیات و شهرداری‌ها از اصلی‌ترین نهادهای مرتبط با این شاخص هستند که در حال حاضر در کندی انجام این فرایند موثر می‌باشند.

۵.۳.۵. محدودیت و ابهام در اخذ اعتبار

بازارهای مالی توسعه نیافته و دشواری تأمین مالی طرح‌ها و تغییرات سیاستی در پایان دوره تصدی یک دولت و عدم ثبات در اقتصاد کلان از جمله معضلات کشور ما در این شاخص هستند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در دومین گزارش مربوط به پایش محیط کسب و کار در ایران اعلام کرد مشکلات بانکی همچنان مهم‌ترین محدودیت برون‌زای بنگاه‌های ایرانی به شمار می‌رود و به موضوع تأمین مالی تولید و دریافت تسهیلات از بانک‌ها پرداخته‌است که در سال‌های اخیر بیشترین گلایه و مطالبه تولیدکنندگان ایرانی بوده‌است. در این گزارش به محدودیت ظرفیت ساختاری بانک‌ها و لزوم توسعه بازار سرمایه برای تأمین مالی طرح‌ها اشاره شده‌است و اینکه سیاست انقباضی بانک‌ها برای دریافت مطالبات پیشین و واردات کالاهایی که با هزینه سرمایه (بهره) بسیار کمی تولید شده‌اند در سال‌های اخیر فشار بسیار زیادی بر تولیدکنندگان ایرانی وارد کرده‌است. خلاء نهادهای مالی برای تأمین مالی طرح‌های تولیدی کوچک و متوسط، جلب عمده منابع بانک‌ها توسط شرکت‌های بزرگ دولتی و شبه‌دولتی نظیر پتروشیمی که می‌توانند از طریق فروش سهام و اوراق مشارکت نیز منابع مالی خود را تأمین کنند، فقدان ساز و کار هدایت سرمایه‌های سرگردان و پس‌اندازها به سوی طرح‌های تولیدی از دیگر مشکلات کشورمان در این شاخص است. از سوی دیگر مطالبات معوق بانک‌ها موجب حساسیت بیشتر آنها به دریافت وثایق کافی شده‌است که از عهده بسیاری از متقاضیان خارج است.

تضمین یک وام با وثیقه، ریسک اعطای وام را کاهش داده و برای کارآفرینان شرایط اعتباری بهتری فراهم می‌آورد. اگر اولویت اعتباردهنده در دریافت وثیقه به سایر مدعیان مانند مالیات‌ها، مطالبات کارگران، خریداران وثیقه یا سایرین واگذار شود، فواید دریافت وثیقه از بین می‌رود. این قضیه می‌تواند در هنگام ورشکستگی یا بحران‌های دیگر اتفاق بیفتد. سطح اعطای اعتبارات هنگامی که اعتباردهندگان در دریافت وثیقه‌های ضمانت شده، اولویت مطلق داشته باشند بیشتر می‌شود.

عدم پذیرش بسیاری از دارایی‌ها به عنوان وثیقه برای تضمین وام و نبود نظام جامع و کارآمد اطلاعات سوابق اعتباری و عدم سهولت استفاده از این سیستم که مربوط به قوانین بانکداری است، به کاهش موارد تایید وام و همچنین بازپرداخت‌های نامطمئن منجر می‌شود. اعتبار اعطایی به بخش خصوصی با تولید ناخالص داخلی همبستگی دارد. تعیین سقف رقم وام نیز به دشواری اخذ اعتبار منجر می‌شود.

علاوه بر موارد فوق کشور ما فاقد پوشش ثبت خصوصی اطلاعات اعتباری می‌باشد. به طور کلی دفاتر ثبت اطلاعات اعتباری در دنیا به عنوان پایگاه جامع اطلاعات اعتباری افراد حقیقی و حقوقی، با اخذ اطلاعات اعتباری از مؤسسات مالی و غیرمالی و تبادل این اطلاعات با مؤسسات اعتبارسنجی، به بانک‌ها و سایر وام‌دهندگان کمک می‌کنند تا وام‌گیرندگان را بر حسب ریسک، رتبه‌بندی و متناسب با ریسک آنها میزان و سود وام را تعیین و وثایق لازم را اخذ نمایند و به این ترتیب ریسک اعتباری بانک را کاهش دهند. اما بدلیل فقدان این سازوکار در کشور ایران صاحبان کسب و کار بایستی شخصا به جمع‌آوری این اطلاعات بپردازند.

۵.۳.۶. حمایت ناکافی از سهامداران خرد

در ایران قدرت اقتصادی تا حد زیادی ناشی از قدرت سیاسی است. اما تصمیم در مورد اینکه چه اطلاعاتی باید افشا شوند، یعنی تبیین قوانین افشا و تعیین قدرت سهامداران برای تعقیب مدیران متخلف، باید به نهادهای قضایی و حقوقی مربوطه محول شود.

حمایت ناکافی از سهامداران خرد و دشواری شرایط طرح دعاوی، آنها را از سرمایه‌گذاری منصرف می‌کند. در صورت عدم تمایل افراد به خرید سهام و تمرکز مالکیت بالا، سرمایه‌گذاران نمی‌توانند از دارایی‌های متنوع بهره‌مند شوند و برای تأمین اعتبار تنها به یک منبع مالی یعنی بانک‌ها متکی می‌شوند. در چنین شرایطی دسترسی کارآفرین به نقدینگی دشوار می‌شود. بنگاه‌های اقتصادی به خاطر مشکلات موجود در تأمین مالی به سطح کارای خود نمی‌رسند و رشد اقتصادی آنان متوقف می‌شود. از طرفی ریسک مصادره اموال با بالا رفتن تعداد مالکان کاهش می‌یابد اما از طرف دیگر انگیزه کارآفرین را برای فعالیتی که سود آن به دیگران می‌رسد نیز کاهش می‌دهد.

عدم وجود اطلاعات درباره معامله با طرف‌های مرتبط از بزرگ‌ترین موانع پیش‌روی سرمایه‌گذاران است. برخی کشورهای فقیر سعی می‌کنند تا عدم دسترسی سهامداران به اطلاعات دادگاه‌ها را با استفاده از بازرسان دولتی جبران کنند. این روش در مقایسه با شکایت به صورت شخصی ارزان‌تر و اثربخش‌تر است

زیرا بازرسان می‌توانند اطلاعات بیشتری از متهمان بدست آورند اما باید توجه داشت که بازرسان دولتی انگیزه‌های متفاوت نسبت به سهامداران دارند.

۵.۳.۷. ناکارآمدی نظام مالیاتی

جمع‌آوری مالیات برای تأمین زیرساخت‌های عمومی توسط دولت‌ها ضروری است. بدون این زیرساخت‌ها امکان بهره‌وری و رشد اقتصاد وجود ندارد. اما مالیات‌های غیر شفاف، سنگین و تبعیض آمیز که در برخی موارد از سود فعالان اقتصادی نیز بیشتر است، بنگاه‌ها را به توقف فعالیت تولیدی و یا فرار مالیاتی سوق می‌دهد.

فرار مالیاتی آثار سوء بسیاری بر اقتصاد دارد. فرار مالیاتی باعث تأمین نشدن درآمدهای مورد نیاز دولت برای هزینه‌های اجتماعی می‌شود. در نتیجه خدمات اجتماعی در حد مطلوب و با کیفیت از سوی دولت ارائه نمی‌شود. همچنین فرار مالیاتی سبب می‌شود درآمدها در سطح جامعه به نحو مناسب توزیع نشده و انباشت ثروت در دست گروه‌های خاص، نه فقط زمینه تقویت قدرت سیاسی و اقتصادی این گروه‌ها را فراهم می‌آورد بلکه شکاف طبقاتی موجب افزایش تنش‌های سیاسی و اجتماعی در جامعه می‌شود. در نهایت امنیت اقتصادی مورد نیاز برای گسترش فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری را دچار اختلال می‌کند. چنین پدیده‌ای در میان‌مدت و درازمدت سبب می‌شود تا رشد و توسعه اقتصادی دچار مشکل شود.

در کشورهای ثروتمند نرخ مالیات‌های تجاری پایین‌تر و پیچیدگی مالیاتی نیز کمتر است اما کشورهای فقیر تمایل دارند بنگاه‌ها را به عنوان نقاط جمع‌آوری مالیات در نظر بگیرند. کاهش معافیت‌ها و تعدیل نرخ مالیات برای گسترش پایه مالیاتی توصیه می‌شود.

بنگاه‌ها نرخ مالیاتی پایین‌تر را ترجیح می‌دهند زیرا به سادگی قابل پرداخت هستند. در صورتی‌که نرخ‌های مالیات بالا باشند، بنگاه‌ها در قبال پرداخت‌های مالیاتی انتظار دریافت خدمات مطلوب‌تری را دارند. اکثر اوقات و به خصوص در کشورهای در حال توسعه این اتفاق روی نمی‌دهد. همچنین واحدهای تولیدی مایلند تا نظام مالیاتی از شفافیت و عدم تبعیض در قوانین و اجرای قوانین برخوردار باشد که در حال‌حاضر در کشور ما این مشکل به‌طور جدی وجود دارد. همچنین عدم ساماندهی نظام جامع اطلاعاتی و استفاده ناقص از روش مالیات بر ارزش افزوده مشکل جدی دیگری است که در کشور با آن روبرو هستیم.

در برخی اوقات ممکن است به جای نرخ‌های مالیاتی ناکافی، بخش غیررسمی بزرگ یا مخارج عمومی ناکافی، مشکل دیگری ایجاد کند. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه پرداخت مالیات بالاتر رابطه مستقیم و مشخصی با نتایج اجتماعی بهتر ندارد. این مالیات‌ها، مخارج دولت در بهداشت و آموزش را افزایش نمی‌دهد، موجب ارتقای سواد و یا امید به زندگی نمی‌شود و مرگ و میر کودکان را کاهش نمی‌دهدو بلکه ممکن است به هزینه‌های تجملاتی و اشرافی‌گری تبدیل گردد. همچنین دریافت مالیات‌های بالا به معنای ارائه زیربناهای بهتر و خدمات عمومی بیشتر نیست. زیرا مکانیزم‌های نظارت بر نحوه خرج کردن درآمدهای مالیاتی توسط پرداخت‌کنندگان مالیات وجود ندارد.

۵.۳.۸. بی‌نیازی و بی‌اعتمادی به تجارت خارجی

نظریه‌های تجارت بین‌الملل بیشتر حاکی از آن است که تجارت آزاد جهانی به طور کلی به افزایش سطح تولید و درآمد منجر می‌شود. همچنین تجارت آزاد هر کشوری را قادر می‌سازد که تولید و مصرف بیشتری داشته باشد. در وضعیت رقابت کامل، با تجارت آزاد می‌توان به تخصیص مطلوب جهانی یا بهینه پارتو دست یافت.

امروزه کشور ایران با تعدد محدودیت‌های تجاری، فرآیند طولانی پیچیده واردات و صادرات و بی‌ثباتی در مقررات و قوانین مواجه است و مشکل بتوان کالایی را پیدا کرد که محدودیت‌های تجاری درباره آنها به کار گرفته نشود. به طور کلی، درحالی‌که یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست‌های بازرگانی موانع تعرفه‌ای است و تعرفه‌های گمرکی شکل و حجم تجارت یک کشور را با سایر کشورها تحت تاثیر قرار می‌دهد. در حال‌حاضر در ایران نوسانات بسیار زیاد در تعریف و اجرای تعرفه‌های گمرکی و مراحل اداری و زمان طولانی در گمرک، ضایعات کالا را افزایش می‌دهد و هزینه بالای گمرک موجب افزایش فساد می‌گردد. همچنین زیرساخت‌های تجاری نیز که از عوامل اصلی داخلی تعیین‌کننده تراز تجاری کشورهاست در کشور ما مورد توجه قرار نگرفته‌است. تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه مالی و اقتصادی بین‌المللی و نوسانات و تلاطم‌های جهانی در کشور ما به‌صورت مانعی در بخش تجارت خارجی است.

از دیگر عوامل اثرگذار بر تجارت فرامرزی نرخ ارز می‌باشد. در کشور ما صادرات و واردات کالاها و خدمات تولیدی و همچنین ساز و کار عرضه و تقاضا تعیین‌کننده نرخ ارز نیست و علت اعتراض مداوم بخش خصوصی بویژه صادرکنندگان و واردکنندگان همین است. در واقع حجم بالایی از عرضه ارز حاصل از صادرات نفت است که در اختیار دولت قرار دارد. دولت برای تأمین بودجه خود این ارز را به بانک مرکزی واگذار می‌کند تا بفروشد اما بانک مرکزی تمام آن را وارد بازار ارز نمی‌کند زیرا چنین تقاضایی در

بازار ارز وجود ندارد ودر صورت عرضه لاجرم نرخ ارز باید کاهش یابد که موجب افزایش قیمت کالاهای مصرفی وارداتی می‌گردد که از بین‌برنده تولید است. از سوی دیگر با کاهش نرخ ارز نرخ ارزی که بودجه دولت بر اساس آن محاسبه شده کمتر و دولت دچار کسری بودجه می‌گردد. در نتیجه این فرایند، دولت به عنوان مهمترین و اصلی‌ترین عرضه‌کننده و تقاضا کننده نرخ ارز به تعیین نرخ ارز به صورت تثبیتی می‌پردازد که موجب زیان تولیدکنندگان داخلی و صادرکنندگان می‌باشد.

با وجود نرخ تورم بالا در ایران و نرخ تورم ناچیز در شرکای تجاری ایران، دولت با ثابت نگه داشتن ارزش ریال، در حقیقت به تولیدکنندگان خارجی یارانه می‌دهد تا بازارهای ما را از دست تولیدکنندگان داخلی درآورند.

هزینه زیاد و غیر موثر برای کنترل مرزها و قاچاق نیز از دیگر معضلات تجارت خارجی است. در خاورمیانه بیش از ۶۰ درصد کانتینرهای باری وارداتی هنگام ترخیص گمرکی مورد بازرسی قرار می‌گیرند درحالی‌که در کشورهای توسعه‌یافته فقط ۵ درصد واردات بازرسی می شود. تفاوت نوع برخورد با واردات در کشورهای توسعه یافته به دلیل استفاده از سیاست ارزیابی «ریسک» می‌باشد. این اقدام به این صورت انجام می‌شود که مأمور گمرک به هنگام دریافت اسناد بار، اطلاعات مربوط را وارد رایانه می‌کند. این اطلاعات توسط نرم‌افزاری پردازش شده و احتمال اینکه محموله باید بازرسی شود را محاسبه می‌کند. احتمال برآورد شده بر اساس اطلاعاتی از قبیل کسب‌وکار، موسسه حمل و نقل، ماهیت کالاها و مقصد کالا محاسبه می‌شود. در برخی کشورها کانتینرها برای تعیین وزن و شکل اشیاء داخل آن اسکن می‌شوند. اگر مورد مشکوکی دیده نشد، کانتینر چراغ سبز گرفته و از گمرک عبور می‌کند. اگر چراغ زرد روشن شود اسناد به طور کامل کنترل می‌شوند ولی مهر و موم کانتینر باز نمی‌شود. اگر چراغ قرمز روشن شود کانتینر برای بازرسی باز می‌شود. با اجرای این سیستم سقف بازرسی‌های انجام شده کاهش می‌یابد و کشف کالاهای قاچاق افزایش پیدا می‌کند که بر سهولت در انجام فرایند گمرکی موثر می‌باشد.

البته استفاده از فواید ناشی از سیاست ارزیابی نسبی بر ریسک بستگی به داده‌هایی دارد که در این روش از آنها استفاده می‌شود. اگر هیچ اطلاعاتی وجود نداشته باشد که بتوان مشخصات بازرگان، موسسات حمل و نقل و غیره را تهیه نمود حتی پیچیده‌ترین نرم افزار ارزیابی ریسک نیز قابل استفاده نخواهد بود. در حال حاضر بدلیل عدم شفافیت در مسیر واردات و صادرات کالا امکان استفاده از این روش‌ها در کشور به حداقل رسیده است.

توافقات منطقه‌ای در امور گمرکی و حمل و نقل به طور مثال بین کشورهای محصور در خشکی و کشورهایی که به دریا دسترسی دارند، کاهش کنترل‌های مرزی و ایجاد قوانین حمل و نقل هماهنگ از جمله روش‌های کاهش این هزینه‌ها هستند.

بار مالی تحمیل شده ناشی از مراحل پیچیده اداری، بیشتر از زیربناهای حمل و نقل ضعیف و عقب مانده هزینه ایجاد می‌کند. مواجهه بازرگانان با تاخیرهای طولانی در انجام تشریفات گمرکی و تقاضای متعدد رشوه موجب می‌شود که آنان از عبور از مرزهای گمرکی مجاز اجتناب کنند و کالاها را از طریق قاچاق ارائه نمایند. ورود کالا از طریق قاچاق موجب می‌شود که نظارتی بر کیفیت کالای وارد شده صورت نپذیرد و درآمدهای پیش‌بینی شده از راه مالیات بر واردات نیز حاصل نشود.

۵.۳.۹. روند دادرسی طولانی (شاخص لازم الاجرا کردن قراردادها)

دشواری حل اختلاف تجاری و وصول طلب با استفاده از دادگاه‌ها، هزینه و زمان زیاد، عدم صلاحیت و فساد عوامل دادگاه، تاخیر در فرآیند تجدید نظر، زمان طولانی اجرای حکم، .... بنگاه‌ها را مجبور می‌سازد به دنبال ابزارهای دیگری برای حل و فصل اختلافات خود باشند. وقتی هزینه مراجعه به دادگاه بالاست، معاملات تجاری کمتری صورت می‌گیرد و کسانی که در این بازار حضور می‌یابند تنها گروه کوچکی از مردم هستند که به واسطه روابط یا معاملات قبلی با دادگاه‌ها ارتباط دارند. در این حالت ثروت کمتری خلق می‌شود.

فقدان نظام جامع اطلاعاتی در مورد دعاوی و همچنین عدم وجود بانک اطلاعاتی مناسب در خصوص حقوق قضایی مترتب بر قراردادها و نحوه انجام دادرسی‌ها از موانع مهمی است که فعالان عرصه اقتصادی را در مورد لازم‌الاجراء بودن قراردادها با تردید روبرو می‌کند.

اجرای آسان قراردادها رابطه نزدیکی با وام‌دهی بیشتر بانک‌ها دارد که در حاضر در کشور ما کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، همچنین وجود دادگاه‌هایی با کارایی بالا ورود بنگاه‌های جدید و استخدام بیشتر توسط بنگاه‌های فعال را افزایش می‌دهد. موانع اجرای قراردادها موجب تقاضا برای بودجه دولتی می‌شود. ضرورت و سلامت قوه قضائیه به‌عنوان حامی بنگاه‌های اقتصادی در هنگام بروز تعارض و طرح دعاوی در کشورهایی بالاتر است که صدور رأی پرونده‌ها سریع‌تر، مراحل اداری و هزینه‌های آن نیز کمتر است.

۷۰ درصد بنگاه‌های تولیدی در ایران به دلیل بی‌اعتمادی به سیستم قضایی، مطالبات خود را از مسیر قانونی دنبال نمی‌کنند. عدم اجرای قراردادها و یا دیر و ناقص اجرا شدن آنها علاوه بر بنگاه‌های متضرر به

زنجیره شرکا و طرف‌های معامله آنها و در نتیجه کل فضای کسب و کار ضربه می‌زند. (نصیری اقدم و نادران، ۱۳۸۵)

۵.۳.۱۰. ناکافی بودن قانون ورشکستگی

بی‌ثباتی سیاست‌های پولی، مالی و تجاری بویژه در بخش تولید موجب ضرر‌ده شدن بنگاه‌ها در کشور ما شده‌اند و ناتوانی بنگاه‌ها در پرداخت بدهی‌ها موجب ورشکستگی آنها می‌گردد.

قانون ورشکستگی کارآمد منابع مالی را صرف تولید و ایجاد اشتغال می‌کند و قدرت اعتباردهندگان را افزایش می‌دهد. بانک جهانی توصیه می‌کند تصمیم در مورد انحلال یا تجدید سازمان توسط سرپرست اموال به همراه بستانکار گرفته شود و اولویت مدعیان مشخص باشد.

درصورتی‌که بنگاه از عهده پرداخت بدهی خود طی زمان مشخصی برنمی‌آید، حساب‌ها باید تصفیه شوند. فرآیند طولانی باعث کاهش ارزش دارایی‌های بنگاه می‌شود. بی‌توجهی به کارآفرین ورشکسته مانع استفاده صحیح از ورشکستگی می‌شود. کاهش درصد مطالبات قابل وصول عامل بازدارنده قوی پیش روی سرمایه‌گذاری می‌باشد و موجب افزایش وام های پرداخت نشده و در نهایت موجب کاهش دسترسی به اعتبارات می‌گردد.

خروج آسان‌تر بنگاه‌ها به معنی ورود آسان‌تر آنها به فضای کسب‌وکار است. در کشور ما قوانینی که بدون دلیل روشن اقتصادی و صرفا به دلیل حمایت‌های خیرخواهانه بنگاه‌های فعال را تعطیل می‌کنند یا بنگاه‌های ضعیف را سرپا نگه می‌دارند به فضای کسب‌وکار لطمه می‌زنند.

از طرف دیگر عدم توجه کافی به مفهوم ورشکستگی موجب شده است که بسیاری از بنگاه‌ها علی‌رغم عدم توانایی برای ادامه فعالیت با استفاده از حمایت‌های دولت همچنان به فعالیت خویش ادامه دهند و موجب هدر رفتن بسیاری از اعتبارات و امکانات جامعه گردد.

فقدان نظام جامع ورشکستگی که کلیه مراحل مربوط به اعلام ورشکستگی تا رد کامل دیون شرکت را به‌سرعت و دقت به‌انجام رساند ازدیگر موانع مربوط به بهبود فضای کسب‌وکار در ایران است.

فصل ششم : راهبردهای اصلاحی در بهبود فضای کسب و کار

فصل ششم : راهبردهای اصلاحی در بهبود فضای کسب و کار

۶.۱- مقدمه

آموزه‌ای که از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی با هدف کاستن از نقش دولت و سپردن انتظام کامل اقتصادی به ساز و کار بازار در انگلستان و ایالات متحده آمریکا آغاز شد در کمتر از سه دهه با اتهام بی‌مسئولیتی به پایان راه خود رسید. بدون تردید یکی از نتایج بحران مالی فراگیر در دنیا که از ایالات متحده آغاز شد و ابتدا کشورهای اروپای غربی و سپس‌کشورهای آسیایی فعال در عرصه اقتصاد جهانی و به تدریج همه دنیا را فراگرفت، خاتمه بنیادگرایی بازار و ضرورت اعمال کنترل‌هایی برای تنظیم کارکرد بازارها با هدف تنظیم رفتار بنگاه‌ها و افراد به منظور ارتقای کارایی و رفاه اجتماعی است (حسین راغفر، ۱۳۸۸).

بنابر تجربه کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، بهبود فضای کسب و کار یا تحقق رتبه بالای آسانی کسب و کار به معنای نداشتن مقررات کسب و کار نیست؛ شواهد نشان می‌دهد که نیازی نیست برای بهبود فضای کسب و کار، بین حمایت اجتماعی (قانونی) و آسان‌سازی انجام کسب و کار یکی را انتخاب کنیم.

تمامی کشورهایی که در رتبه‌های برتر کسب و کار قرار می‌گیرند، فضای کسب و کار را تنظیم می‌کنند اما این کار را کم هزینه و با روش‌های بی‌دردسر انجام می‌دهند. اینگونه نیست که در نیوزلند هر بنگاهی برای خود کار کند یا کارگران در کانادا مورد سوء استفاده قرار گیرند و یا در هلند طلبکاران دارایی بدهکاران را بدون طی کردن روندی عادلانه تصرف کنند. در واقع مقررات ساده‌تر و مؤثرتر در کشورهای موفق وجود دارند و کسب و کار را آسان می‌کنند. (P.A.Casero–۲۰۰۴)

نگاهی به وضعیت و شرایط محیط کسب‌وکار در اقتصاد ایران نشان می‌دهد بسیاری از شاخص‌های محاسبه شده توسط بانک جهانی مربوط به سهولت کسب و کار[۱] در ایران در وضعیت بدی قرار دارند.

---

[۱] Ease of Doing Business

(رجوع شود به فصل ۴) انواع قوانین و مقررات ضدتولیدی یا غیرشفاف و غیرقابل تفسیر، نهادهای ناکارآمد بانکی، بیمه‌ای، مالیاتی، اعتباری، ثبتی و قضایی امکان رشد و بالندگی را از شرکت‌های تازه تأسیس در ایران گرفته‌اند و زمینه مساعد برای ظهور و بالندگی کارآفرینان وجود ندارد.

طبق نتایج فصل‌های پیشین، راهبرد اصلی بهبود وضعیت اقتصاد در کشور، "بهبود محیط کسب و کار" است و میزان این بهبود با تغییرات شاخص‌های ده‌گانه سنجش فضای کسب و کار ارزیابی می‌شود. اما اگر تغییرات شاخص‌های مذکور را نتایج اقدامات بهبود بدانیم پرسشی که مطرح می‌شود چگونگی تشخیص و انجام اقدامات اصلاحی است.

گام نخست در تشخیص اقدامات اصلاحی، درک ماهیت اصلاحات است؛ اصلاحات می‌توانند یک رخداد یا یک روند تلقی شوند و در هر مورد نحوه تشخیص کارگزاران اصلاحات و تعیین مسئولیت هر یک از آنان متفاوت است. بعد از تعیین اینکه چه اصلاحاتی باید صورت گیرد باید کارگزار یا کارگزاران اصلاحات را مشخص نماییم. انجام این مهم نتایج مثبتی به دنبال خواهد داشت، با تعیین کارگزار اصلاحات مشخص می‌شود که نهاد یا نهادهای پاسخگو در مورد انجام اصلاحات کدامند و این امر باعث می‌شود که راهبردها و اصلاحات پیشنهاد شده قابلیت اجرایی داشته باشند و در واقع ضمانتی برای کنترل و نظارت بر اجرای اصلاحات خواهد بود.

با رعایت ملاحظات فوق در این فصل، در ابتدا عوامل مؤثر بر بهبود محیط کسب و کار بررسی و متناسب با تأثیر آنها، حوزه‌های بهبود مربوط به هر یک شناسایی می‌شود؛ سپس مبتنی بر اهداف و ماهیت نیازهای بهبود محیط کسب و کار، راهبردهای بهبود شناسایی و در ارتباط با حوزه‌های کلان و خرد(شاخص‌های ده‌گانه) مطرح می‌شوند و در انتها با توجه به این نکته که توصیه‌های جهان‌شمول بانک جهانی در بسیاری مواقع پاسخگوی مشکلات بومی کشورها نیست و هر کشوری باید برای اجرای رهنمودهای بانک جهانی وضعیت خود را کاملا در نظر بگیرد. ما نیز در این تحقیق برآنیم که با درنظرگرفتن تجربه کشورهای موفق در حوزه اصلاحات و با توجه به شرایط کشور و بومی‌سازی راهبردهای اصلاحی گامی در جهت سهولت کسب و کار برداریم.

۶.۲- عوامل کلان مؤثر در بهبود فضای کسب و کار

عوامل مؤثر بر فضای کسب و کار در دو حوزه خرد و کلان مورد بررسی قرار می‌گیرند. حوزه خرد شامل شاخص‌های ده‌گانه می‌شود که در مطالعات و گزارشات بانک جهانی مبنای تجزیه و تحلیل و

ارزیابی قرار می‌گیرد و حوزه کلان را همان‌گونه که در فصل یک بیان شد، می‌توان به سه دسته عمده تقسیم نمود:

جایگاه، نقش، سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولت،
نهادهای اقتصادی و سازوکارهای رسمی و غیررسمی حاکم بر آنها،
و نظام حقوقی و قضائی.

منطقی است که حوزه کلان، حوزه خرد را هم تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و ایجاد بهبود در حوزه کلان کشور، شاخص‌های ده‌گانه را هم بهبود می‌بخشد. بر اساس تحقیقات انجام شده که در فصل یک ارائه شد، مجموعه موانع و مشکلات موجود در محیط کسب و کار و امکان رفع آنها که در دسته‌بندی‌هایی ارائه گشت، نشان‌دهنده میزان تأثیر هریک از عوامل فوق در محیط کسب و کار بود. بدیهی است که تمامی شاخص‌های دهگانه متاثر از هر سه حوزه معرفی شده باشند؛ هرچند برخی شاخص‌ها به مقدار بیشتری تحت تاثیر یک حوزه هستند. به منظور خلاصه‌سازی و تبیین شفاف‌تر نقش این عوامل می‌توان امکان تاثیر مستقیم هریک از این عوامل کلان را در تغییر وضعیت شاخص‌های سنجش فضای کسب و کار به تصویر کشید (جدول ۱).

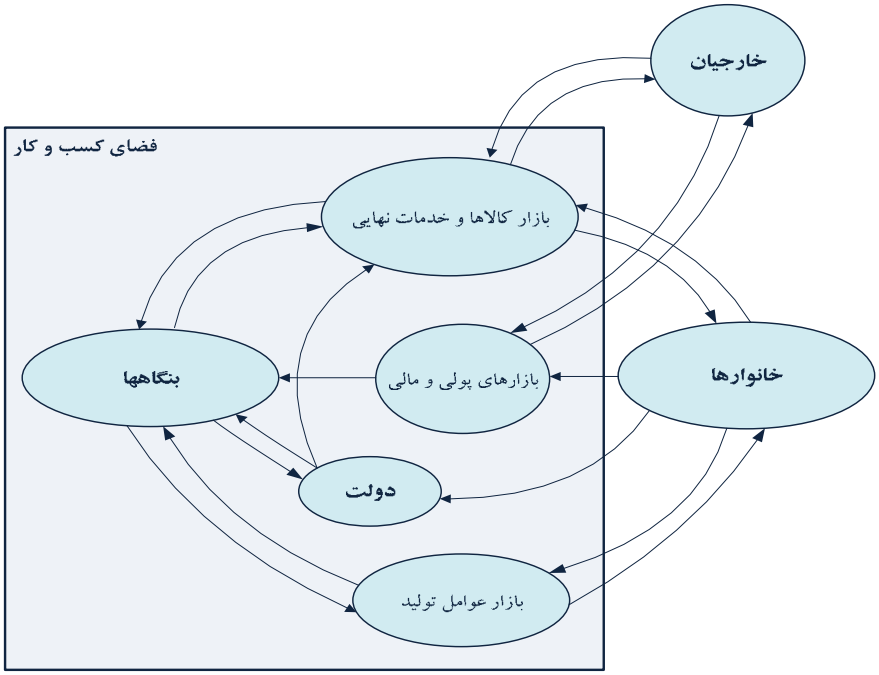
دولت	سازو کارهای اقتصادی	نظام حقوقی و قضائی
شروع کسب و کار	استخدام و اخراج نیروی کار	ثبت مالکیت
اخذ مجوزها	اخذ اعتبار (از بخش خصوصی)	حمایت از سرمایه‌گذاران(سهامداران)
پرداخت مالیات	تجارت فرامرزی	الزام‌آور بودن قراردادها
استخدام و اخراج نیروی کار	اخذ مجوزها	انحلال یک فعالیت
اخذ اعتبار (از بخش دولتی)	استخدام و اخراج نیروی کار	استخدام و اخراج نیروی کار
انحلال یک فعالیت		
تجارت فرامرزی		

جدول ۱-۶: تأثیرپذیری شاخص‌های ده‌گانه(حوزه خرد) از حوزه کلان

به منظور داشتن الگویی برای ارزیابی جایگاه راهبردهای بهبود محیط کسب و کار و حوزه اثرگذاری آن در بهبود وضعیت اقتصادی کشور می‌توان از مدل محدوده فضای کسب و کار اقصاد کلان (ارائه شده در فصل دوم) بهره برد.

با تشخیص جریان‌های اقتصادی موجود در مدل مزبور و شناسایی عوامل و ابزارهای تسهیل گردش و ارتقاء کیفیت و کمیت این گردش‌ها می‌توان اهداف و ابزارهای مورد نیاز برای بهبود محیط کسب و کار و نیز راهبردهای تحقق این بهبودها را تشخیص داد و نیز با تبیین ارتباط شاخص‌های ده‌گانه با این عوامل و روابط می‌توان میزان تاثیر بهبودها را در ارتقاء رتبه کشور در شاخص‌های فوق بررسی کرد.

در تبیین میزان نیاز به رشد و یا تغییر اجزای مدل فوق اعم از کارگزاران فعالیت‌های اقتصادی و یا گردش داده‌ها و ستاده‌ها می‌توان از نتایج مطالعات فصل‌های پیشین گزارش حاضر و نیز نظرات صاحب‌نظران و صاحبان کسب و کار که به صورت مستقیم و غیرمستقیم قابل جمع‌آوری است، بهره برد.



شکل ۱-۶: چارچوب تشخیص جایگاه راهبردهای بهبود

بررسی جایگاه عوامل مؤثر بر فضای کسب و کار در دو حوزه خرد و کلان (جدول ۱) با استفاده از مدل اقتصاد کلان (شکل ۶-۱) ما را به این قضاوت رهنما می‌شود که:

- عوامل کلان موجب ایجاد ساز و کار و روان‌سازی مسیر تبادلات و رفع موانع گردش منابع و جریانات پولی و مالی است،
- عوامل خرد متمرکز بر افزایش منابع، ایجاد و تغذیه‌ی جریانات پولی و مالی در بنگاه‌ها و حداکثر کردن تولید و کاهش هزینه‌هاست.

تجربه دنیا در زمینه اولویت دادن و ارزش‌گذاری اهمیت هریک از دسته عوامل کلان یادشده متفاوت است؛ از دولت‌هایی که این کار را انجام داده‌اند تا نهادها که در این زمینه فعالیت کرده‌اند.

برخی تغییرات را دولت‌ها اعمال می‌کنند و می‌کوشند با بهره‌گیری از سیاستگذاری مناسب شرایط لازم برای بهبود فضای کسب و کار را فراهم کنند؛ اما در بسیاری مواقع توقف به انتظار اقدام دولت جایز نیست. اگر بخواهیم فرایند آغاز و انجام شرکت‌ها را بهبود بخشیم از تجربه دیگران باید استفاده کردو نباید متوقف ماند که دولت آن را حل کند. در کشورهای دیگر دولت به بخش خصوصی اجازه داده تا از طریق تشکل‌های صنفی، اتاق‌های بازرگانی و بازنشستگان سازمان، دفاتری تشکیل دهند تا امکان آغاز و انجام فعالیت شرکت‌ها فراهم شود. در تمامی این فرایندها، افراد به تنهایی سیستم را بهبود نمی‌دهند بلکه این مدیران هستند که با همکاری یکدیگر به اصلاحات می‌پردازند.

از سوی دیگر وقتی سیاستگذاری‌ها پرنوسان و محیط اقتصادی پر تنش و سیستم قضایی نامناسب باشد یا امنیت به درستی تعریف نشده باشد، امکان مشارکت مالی در اقتصاد پایین است. اگر تفکیک مالکیت از مدیریت در کشورهای پیشرفته صورت گرفته یکی از عواملش این است که سیستم حقوقی و قضایی حامی و پشتیبان این تفکیک است.

در کشورهای در حال توسعه اتاق‌های بازرگانی و تشکل‌های صنفی مشکلات محیط کسب و کار را بررسی و به دولت ابلاغ می‌کنند؛ هر چند ممکن است در سیاستگذاری مورد توجه قرار نگیرد. اما در برخی کشورهای دیگر اتاق‌های بازرگانی نقش جدی دارند؛ زیرا فشار افکار عمومی و رسانه‌ها و دانشگاه‌ها تأثیرگذار است. این وضعیت موجب می‌شود که شرایط لازم برای فعالیت اقتصادی آماده‌تر شود. در واقع موتور تحول سیستم اداری،و اجرای جامعه مدنی است.(V.Lasenko– ۲۰۰۴)

در ایران اگر جامعه مدنی، دانشگاه، مطبوعات نگاهشان به سمت ناکارایی های سیستم اداری برود در واقع این مساله برجسته شود که سیستم اداری ما چه مشکلاتی دارد و به عنوان یکی از مطالبات مردم درآید و فشار به دولت وارد شود می‌توان امیدوار بود که سیستم اداری و مشکلات کسب و کار اصلاح شود. در واقع راهکار اصلی حل مشکل کسب و کار این است که تلاش‌های جدی از بیرون از دولت صورت پذیرد و این تحولات را با کمک دولت ایجاد کند. (اقتباس از مصاحبه با میدری، ۱۳۸۷)

۶.۲.۱- جایگاه، نقش، سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولت

به طور سنتی فرض بر این است که دولت کارگزار اصلاحات است، چراکه این تصور وجود دارد که دولت می‌داند بازار دچار چه ناکارکردی‌های است و برای غلبه بر آن به چه اقداماتی نیاز دارد. زیرا دولت تنها کارگزاری است که قدرت اعمال این اصلاحات و خیرخواهی لازم برای دنبال نمودن این هدف را دارد. اما از نظر بسیاری از فعالان اقتصادی، دولت مبتلا به مسائلی است که در بیشتر جوامع موفق به ایفای این نقش نمی‌شود و تجربه جهانی حاکی از تقلیل تصدی‌گری دولت و تغییر نقش وی به سیاست‌گذار و بسترساز و حامی است.

ضروری است توضیح داده شود که با توجه به جایگاه قانونگذاری و نظارتی مجلس نسبت به دولت و تصویب بودجه سالانه و برنامه‌های توسعه در مجلس، مجلس شورای اسلامی را باید در کنار دولت بدانیم و جایگاه یکسانی برای این دو قائل شویم. لذا در این گزارش منظور از دولت بیشتر جنبه اجرائی حکومت است و در زمینه نظارتی و قانونگذاری متناسب با موضوع از مجلس و دولت سخن خواهد رفت.

همانطور که بیان شد نقش دولت به عنوان یکی از عوامل کلان، ایجاد ساز و کار تسریع و روان‌سازی مسیر تبادلات و رفع موانع گردش نهاده‌ها، منابع و جریانات پولی و مالی است. در این راستا با مرور مشکلات و موانع (نیازهای بهبود) مطرح شده تا کنون (بویژه در فصل پیشین) به جستجو و ارائه راهکار در این حوزه خواهیم پرداخت.

شناسایی و ارزیابی نقش دولت در اقتصاد می‌تواند در بررسی نقش این عامل کلان در بهبود محیط کسب و کار مفید واقع شود و در واقع نیازهای بهبود را به ما نشان دهد. در این شناسایی از مدل اقتصاد کلان بهره خواهیم گرفت.

۶.۲.۱.۱- نیازهای بهبود جایگاه، نقش، سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولت

در نمودار شکل ۱، دولت در ارتباط با سایر کارگزاران اقتصاد کلان تبادلات پولی و غیرپولی دارد که به ما در طبقه‌بندی نقش‌های شناسایی شده برای دولت کمک می‌کند؛ اهداف و شاخص‌های سنجش محیط کسب و کار بیشتر بر ارتباط عوامل محیطی (و بیشتر دولت) با بنگاه‌ها تاکید دارد و این کارگزار را هدف بهبود و توانمندسازی قرار داده است و از این رو بازارها و خانوار در درجه‌های بعدی اهمیت قرار می‌گیرند.

همچنین از مهمترین شاخصه‌های نشان دهنده نقش دولت در اقتصاد ملی، بودجه دولت است که نشان دهنده ساختار فعالیت‌های اقتصادی دولت است. اگر چه در موارد قابل ملاحظه‌ای جزئیات بودجه‌های دولت اعم از اجرایی، عمرانی و ... شفاف نیست اما در مجموع ردیف‌های بودجه نشان دهنده ارتباطات اساسی عملکرد دولت و اقتصاد ملی است. منابع در آمدی دولت نیز ناشی از تبادلات آن با کارگزاران مدل اقتصاد کلان است.

۶.۲.۱.۱- فرایندهای قانونگذاری:

تغییر ناگهانی مقررات و قوانین یکی از بزرگترین مشکلات صاحبان کسب و کار در همه کشورهای جهان بویژه کشورهای درحال توسعه است. سیاستگذاران عموما بدون درک درست و جامعی از پیامدهای احتمالی مقررات، آنها را تصویب می‌کنند. سازمان همکاری‌های اقتصادی OECD دستورالعمل‌های متعددی برای ارزیابی پیامدهای مقررات تدوین و کشورهای عضو را به ارزیابی قبل و بعد از تصویب مقررات تشویق کرده است. نظرسنجی از صاحب‌نظران، صاحبان کسب و کار و عموم مردم روش اصلی ارزیابی مقررات قبل از تصویب یا تغییر است. دولت، مجلس و شهرداری‌ها می‌توانند مقررات یا قوانین پیشنهادی را در شبکه اینترنت یا رسانه‌های دیگر قرار دهند و از گروه‌های مختلف بویژه صاحبان کسب و کار بخواهند نظر خود را در مورد پیامدهای احتمالی مقررات پیشنهادی اظهار کنند.

در ایران نظرسنجی و مطالعه درمورد پیامدهای احتمالی مقررات به صورت روشمند تجربه نشده است و روند تصویب قوانین هنوز مبتنی بر آزمون و خطاست. دولت و مجلس معمولا بدون نظر بخش خصوصی مقررات تازه‌ای وضع می‌کنند که بدیهی است با واکنش منفی و مقاومت بخش خصوصی مواجه خواهد شد (برای مثال اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده که در سال جاری با اعتصاب و تعطیلی بازار مواجه شد).

۶.۲.۱.۱.۲- سیاست‌های مالی،تجاری، دیپلماتیک و ...:

برای فعالان اقتصادی، عدم اطمینان به سیاست‌های کلان دولت در بخش‌های مختلف مانع سرمایه‌گذاری و پیشرفت و نوآوری است. (A.Musacchio-۲۰۰۶)

به عنوان مثال در عرصه جهانی موانع موجود در نظام اقتصادی کشور جهت تعامل مثبت و سازنده با کشورهای جهان و صاحبان علم و تکنولوژی و همچنین تاخیر در پیوستن به سازمان تجارت جهانی، ایران را در موقعیتی استراتژیک قرار داده‌است که از یک سو برای عدم پذیرفته شدن در این همکاری‌ها ناچار به اعطای امتیازات به کشورهای واسطه است و در نتیجه از امتیازات زیادی محروم می‌ماند و از سوی دیگر این همکاری‌ها فرصت‌هایی را ممکن است در اختیار ایران قرار دهد تا از ناکارآمدی‌های مناسبات اقتصاد جهانی برای خود سود ببرد. اما فعالان اقتصادی در جریان جزئیات لازم قرار نمی‌گیرند تا امکان اتخاذ راهبرد مناسب را داشته و بتوانند برای برقراری این همکاری‌ها نقش‌آفرینی بیشتری داشته باشند.

۶.۲.۱.۱.۳- امتیازات و انحصارات دولتی :

گسترده بودن دولت موجب شده است در تمامی حوزه‌ها که بخش خصوصی در چنبره دولت گرفتار شده و بدلیل شکل‌گیری انحصارات گسترده دولتی، از یکسو بهره‌وری در بخش دولتی کاهش یافته و از سوی دیگر انگیزه‌های رقابتی در بخش خصوصی به حداقل برسد.

بر این اساس لازم است با محدود کردن حضور دولت در عرصه تصدی‌گری امکان رشد لازم به بخش خصوصی داده شود. حذف انحصارات دولتی در شرایط کنونی برای اقتصاد ایران اجتناب ناپذیر است.

۶.۲.۱.۱.۴- تعریف جامع از کارآفرینی

نگاه نادرست دولت به موضوع کارآفرینی نیز تاثیر نامطلوبی در نحوه حمایت از کارآفرینی و توسعه کمی و کیفی بنگاه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی داشته است. کارآفرینی لزوما به قصد افزایش اشتغال در جامعه نیست و چه بسا یک ایده کارآفرینانه پس از تحقق منجر به کاهش تعداد شاغلین در یک حوزه شود.

اما در صورتی‌که دامنه کارآفرینی در کشور گسترده شود. با افزایش بنگاه‌ها و واحدهای تولیدی امکان افزایش اشتغال نیز بیشتر می‌شود. توسعه کارآفرینی مستلزم رفع موانع کارآفرینی و ایجاد روحیه کارآفرینی در جامعه می‌باشد.

۶.۲.۱.۱.۵- ثبات مدیریت و برنامه‌ها

در کشور ایران، طی سال‌های گذشته تغییر یک مدیر یا وزیر نیز موجب تغییرات اساسی در سازوکارهای اقتصادی شده است. تغییرات دولت‌ها دامنه این نوسانات را بسیار گسترده‌تر نموده است. فعالان اقتصادی همواره نیم‌نگاهی به تحولات سیاسی کشور داشته‌اند. جهت پرهیز از این تلاطم‌ها لازم است اطمینان بخش خصوصی به ثبات سیاست‌ها و برنامه‌ها تامین گردد.

۶.۲.۱.۱.۶- اقتصاد زیرزمینی

در کشور ایران به دلیل وجود درآمدهای نفتی و شکل‌گیری اقتصاد دولتی، زمینه گسترده‌ای برای سوء استفاده و رانت‌خواری فراهم شده است. اشکالات اساسی در توزیع نهاده‌های تولید و منابع پولی و مالی در سال‌های گذشته موجب شکل‌گیری بسیاری از این معضلات شده است.

دولت بایستی با تجدید نظر در نحوه استفاده از درآمدهای نفتی و کاهش حجم هزینه‌های خود شرایط لازم را برای شفافیت و رقابت‌پذیری هرچه بیشر اقتصاد فراهم آورد.تبیین جایگاه و نقش دولت در تصدی‌گری و همچنین گسترش حضور دولت در عرصه تامین اجتماعی از اولویت‌های دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد.

۶.۲.۱.۲. راهبردهای اصلاحی در حوزه دولت

۶.۲.۱.۲.۱- بازنگری و ارزیابی نحوه تصویب و تنظیم مقررات دولتی

در صورتی‌که دولت این امکان را فراهم آورد که فعالان اقتصادی با توجه به تجربه خویش در فرآیندهای تهیه لوایح به صورت سیستماتیک و موثر شرکت نمایند، لوایح تنظیمی دولت با واقعیت انطباق بیشتری خواهند داشت. این مسئله در تنظیم آیین‌نامه‌ها و مقررات نیز صادق است.

مجلس شورای اسلامی نیز در مرحله بررسی لوایح دولت یا تهیه و تنظیم طرح‌های خویش لازم است از نظرات نهادها و تشکل‌های مردم‌نهاد بیشتر استفاده نمایند.

۶.۲.۱.۲.۲- ایجاد ثبات هرچه بیشتر در قوانین و مقررات

واقعیت حاکم در جامعه ایران نشان می‌دهد که علاوه بر نامناسب بودن قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌ها مشکل دیگری که فعالان اقتصادی با آن روبرو می‌باشند تغییرات پی‌درپی و بی‌دلیل درقوانین و مقررات است. در نتیجه‌ی این عدم ثبات، فعالان اقتصادی همواره با تفسیرهای فردی و سلیقه‌ای ماموران دولت روبرو می‌باشند و هر لحظه منتظر آن هستند که اتفاق جدیدی رخ دهد.

۶.۲.۱.۲.۳- تسهیل ورود به کسب و کار رسمی

بسترسازی مناسب برای افزایش تعداد بنگاه‌های رسمی اقتصادی از طریق تسریع ثبت، کنترل و بازیابی اطلاعات و روند اداری ثبت شرکت‌ها با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات ممکن است.

در کشور ما بسیاری از کسب و کارهایی که گاهی بسیارهم سودآور هستند به صورت موقت در نمایشگاه‌های فصلی یا در بازارهای دوره‌ای سنتی دایر می‌شوند که می‌توانند مبنای شکل‌گیری رسمی یک بنگاه و ایجاد امکانات و فرصت‌های بیشتر برای صاحبان آن بنگاه‌ها باشند.

۶.۲.۱.۲.۴- افزایش استانداردهای حکمرانی خوب

حکمرانی خوب امروزه به عنوان یکی از مهمترین الزامات رشد و توسعه اقتصادی است. در صورتی‌که دولت بتواند از جایگاه تصدی‌گری به جایگاه سیاستگذاری و نظارت منتقل گردد،علاوه بر رفع محدودیت برای فعالان اقتصادی، شرایط ایجاد و گسترش بنگاه‌های اقتصادی را فراهم می‌نماید. شرایط و الزامات دستیابی به حکمرانی خوب از ضرورت‌های اجتناب ناپذیر بهبود فضای کسب و کار است.

۶.۲.۱.۲.۵- ایجاد تعامل مثبت و سازنده با کشورهای دیگر

در حال حاضر یکی از مهمترین معضلات فعالان اقتصادی نحوه برقراری ارتباط باسایر کشورها در حوزه‌های مختلف است. ناپایداری روابط دیپلماتیک، خصوصا با کشورهایی که از منابع مالی، تکنولوژیک و علمی برخوردار می‌باشند منجر به کندی و در برخی موارد تعطیلی فعالیت‌ها شده‌است. (E.Neumayer– ۲۰۰۶)

لازم است دولت با تدوین یک استراتژی مناسب و همه‌جانبه شرایطی را فراهم آورد تا روابط اقتصادی میان داخل و خارج تسهیل گردد.

۶.۲.۱.۲.۶- به حداقل رساندن اقتصاد زیرزمینی

ازد یگر موانع و مشکلات موجود در انجام فعالیت‌های اقتصادی، وجود اقتصاد سایه یا اقتصاد زیرزمینی است. که در همه حوزه‌ها و همه فرایندها خودنمایی می‌کند. کلیه فعالان اقتصادی در کلیه مراحل فعالیت خویش با عواملی روبرو هستند که آنان را به حضور در بخش‌های غیر رسمی دعوت می‌نمایند و با توجه به سودآوری هرچه بیشتر فعالیت‌های غیررسمی و زیرزمینی عملا فضای کسب و کار کشور با ابهام و تردیدهای فراوان روبرو می‌شود. لازم است که دولت با همکاری تشکل‌های صنفی و اتحادیه‌های موجود به قصد محدود نمودن این فعالیت‌ها برنامه‌ریزی گسترده‌ای نماید و با ساماندهی جریان آزاد اطلاعات در همه حوزه‌ها به تقویت بخش رسمی اقتصاد کمک نماید. (F.Schneider, A.Dreher- ۲۰۰۶)

۶.۲.۲. ایجاد و استقرار سایر نهادهای اقتصادی و اجتماعی

مداخلات کم و زیاد دولت‌ها در اقتصاد نشان داد که نقش آنها در اقتصاد غیرقابل اغماض است ولی انجام این مداخلات توسط کارگزارانی است که دانش لازم برای اصلاحات را ندارند و یا با تأخیر به چنین دانشی دست می‌یابند، ثانیا حتی وقتی که مسأله را شناسایی می‌کنند و نقش خود را تعریف می‌کنند قابلیت‌های لازم برای ایفای چنین نقشی را ندارند و ثالثا زمانی که دانش و قابلیت وجود دارد منافع شخصی و گروهی اجازه دنبال نمودن منافع عمومی را نمی‌دهد و یا آن را محدود می‌کند. لذا با توجه به ناتوانی دولت در کنار ناتوانی بازار، رفع این نقیصه یکی از ضرورت‌های اجتناب ناپذیر است. (نصیری‌اقدم، ۱۳۸۷).

بنابراین خود عوامل اقتصادی و بنگاه‌های اقتصادی کسب و کار از تأثیرگذارترین عوامل موثر بر بهبود محیط کسب و کار به شمار می‌روندکه می‌توانند ضمن کسب سود زمینه بهبود کسب و کار را برای دیگران فراهم کنند.

۶.۲.۲.۱- راهبردهای اصلاحی در حوزه نهادها

ایجاد شفافیت هرچه بیشتر در روابط و مناسبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خصوصا ایجاد جریان آزاد اطلاعات و به رسمیت شناختن حقوق فردی، اجتماعی و اقتصادی افراد بیشترین موقعیت را برای شکل‌گیری نهادهای مورد نیاز فراهم می‌آورد.

از بین بردن فساد و رانت‌خواری و زمینه‌سازی برای شکل‌گیری اتحادیه‌ها و تشکل‌های صنفی می‌تواند به ساماندهی هرچه‌بیشتر روابط و مناسبات میان افراد و حکومت از طریق نهادها منجر شود. ایجاد این

نهادها به تضعیف یکه‌سالاری سازمان‌های دولتی و فرمانروایی مطلق آنها میانجامد تا شرایط برای ایجاد و تقویت بنگاه‌های اقتصادی فراهم شود. (Masatlioglu– ۲۰۰۵)

برای نمونه می‌توان به دو اپراتور همراه اول و ایرانسل که در بازار تلفن همراه رقابت می‌کنند، اشاره کرد. اگر این دو رقیب بتوانند در فضای رقابتی و شفاف عمل کنند رقابت‌پذیری هردوی آنها و کیفیت خدماتشان افزایش می‌یابد.

۶.۲.۲.۲.۱- ایجاد انجمن‌های کسب و کار در راستای تکمیل اصلاحات دولتی

اتحادیه‌ها، اصناف و انجمن‌های کسب و کار از دیگر کارگزاران مهم اصلاحات هستند. این نهادها می‌توانند تکمیل‌کننده نهادهای دولتی در انجام اصلاحات باشند. این نهادها در شناسایی مشکلات موجود مفیدند لذا با مشارکت در فرآیند سیاست‌گذاری می‌توانند به بهبود درک کارشناسان و سیاست‌گذاران کمک کنند. دنبال کردن منافع شخصی و صنفی توسط این تشکل‌ها علاوه بر صیانت از حقوق اقتصادی آنان موجب ایجاد شفافیت و رقابت هرچه‌بیشتر آنان می‌گردد. وجود چنین تشکل‌هایی موجب تقویت روحیه فعالان اقتصادی در مقابل رفتارهای غیرقانونی و غیررسمی نمایندگان دولت در برخورد با آنان است.

۶.۲.۲.۱.۲- حل و فصل دعاوی حقوقی از طریق مکمل‌های نهاد حقوقی

مواجهه با نظام قضایی و گرفتار شدن در چنبره دادگاه‌های موجود همواره یکی از مشکلات اساسی فعالان اقتصادی بوده‌است. در صورتی‌که بتوان برخی مکمل‌ها را برای رسیدن به اختلافات میان فعالان اقتصادی مستقر نمود، زمان و هزینه رسیدگی به دعاوی کاهش می‌یابد.

انجمن‌های کسب و کار می‌توانند به جای این‌که برای حل مشکلات قانونی خود گرفتار ناکارآیی نظام قضایی شوند و زمان، هزینه و انرژی خود را تلف کنند، با طراحی راه‌حل‌هایی میان‌بر چون شوراهای حل اختلاف و ایجاد دادگاه‌های تخصصی به حل و فصل دعاوی کمک کنند.

دولت‌ها همواره کوشیده‌اندکه علاوه بر نقش سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کلیه مراحل نظارت را نیز به صورت انحصاری در اختیار داشته باشند. وجود این نظارت‌های مکانیکی توسط دولت علاوه بر کاهش راندمان و کارآیی آنها موجب شکل‌گیری فسادهای گوناگون نیز می‌گردد. در صورتیکه انجام این وظیفه نظارتی به تشکل‌های صنفی و نهادهای رسمی غیر دولتی سپرده شود، علاوه بر کاهش فساد موجب افزایش کارامدی نیز می‌گردد و تشکل هر صنف بهتر از هر سازمان یا موسسه دولتی می‌تواند بر حسن اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های دولت نظارت کند.

۶.۲.۳. نظام حقوقی و قضایی

در کشورهایی که صاحبان کسب و کار به کارکرد نظام قضایی اعتقاد ندارند یا اعتقاد کمتری دارند، رشد اقتصادی پایین‌تر و یا حتی منفی داشته‌اند. آنها معتقدند که میان عملکرد رشد اقتصادی و تضمین حقوق مالکیت رابطه مستقیمی وجود دارد.(Steiglitz, Haff– ۲۰۰۲)

کمتر حوزه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی را می‌توان یافت که عملکرد دادگاه‌ها بر آن تأثیرگذار نباشد. در واقع اگر شرکت‌ها و تجار مطمئن باشند که به راحتی می‌توانند حق خود را از بدهکاران بستانند حاضرند قبل از دریافت پول، قرارداد منعقد سازند. بدین ترتیب دادگاه‌های کارآمد نیاز به وام و پول نقد را کاهش می‌دهند. اگر شرکت‌ها از انعقاد قرارداد به دلیل ناکارآمدی دادگاه‌ها واهمه داشته باشند فعالیت خود را محدود می‌سازند. (Klonowski– ۲۰۰۶)

ناکارآمدی قوه قضائیه مشکل امروز کشورهای در حال توسعه و مشکل دیروز کشورهای پیشرفته است. کشورهای توسعه یافته توانسته‌اند با بکارگیری راهبردهای اصلاحی خود بر این معضل فایق آیند.

در ایران قوانین مصوب خوبی وجود دارد اما متأسفانه به اجرا در نمی‌آیند. ایران از نظر نظام قضایی و اجرای قراردادها در رتبه قابل قبولی قرار دارد و نسبت به کشورهای منطقه مراحل قضایی کمتر و هزینه پایین‌تری دارد ولی به دلیل برخی تاخیرها و و همچنین سوئ استفاده‌های انجام شده نظام‌های قضایی تا وضعیت مطلوب فاصله زیادی دارد. بر این اساس این سئال جدی مطرح است که در ایران چه کسانی را می‌توان یافت که از نظام قضایی راضی باشند یا در صورت وقوع یک اختلاف قراردادی حاضر باشند با رضایت به دادگاه مراجعه کنند.

۶.۲.۳.۱. راهبردهای اصلاحی در حوزه نظام حقوقی و قضایی

۶.۲.۳.۱.۱- افزایش کارآیی دادگاه‌ها

نظام حقوقی حاکم بر کشور موجب اطمینان‌بخشی به فعالان اقتصادی است که هیچگونه خطری متوجه سرمایه و حقوق آنان نمی‌باشد و در صورت بروز هرگونه خطری نظام قضایی و حقوقی می‌تواند از حقوق آنان حمایت نماید. این نظام حقوقی باید دارای ویژگی‌هایی باشد که همواره مورد تأیید حقوقدانان و فعالان اقتصادی بوده است. سریع بودن، بی‌طرف بودن، کم‌هزینه و در دسترس بودن اهم این ویژگی‌ها می‌باشد.

شاید بهترین و مؤثرترین روش حمایت از مبتکرین و فعالان اقتصادی، افزایش کارآیی دادگاه‌ها باشد؛ زیرا در این صورت صاحبان سرمایه راحت‌تر با مبتکرین قرارداد منعقد می‌کنند. بزرگترین حمایت از ابتکارات فردی و شرکت‌ها با قوه قضاییه کارآمد امکان‌پذیر است. اگر دادگاه‌ها از حقوق مالکیت شرکت‌ها حمایت نکنند تحقیق و توسعه به هیچ‌وجه اقتصادی نخواهد بود. به طور کلی اگر کارآمدی و عدالت دادگاه‌ها در حل و فصل دعاوی مورد تردید باشد، شرکت‌ها به دنبال راه‌های دیگری خواهند گشت تا معاملاتشان را به شکلی سامان دهند که دعوایی رخ ندهد (بولتن تخصصی اقتصاد ایران، ۱۳۸۷).

۶.۲.۳.۱.۲- تخصصی شدن دادگاه‌ها

تخصصی شدن دادگاه‌ها و یا فرایندهای دادرسی می‌تواند زمینه ساز استقلال کارآمدی و سرعت هرچه بیشتر دادگاه‌ها باشد. همچنین رفع موانع سیاسی استقلال قوه قضائیه می‌تواند در عمل استقلال قوه قضائیه را نمایش داده و روحیه دادخواهی و اعتماد به فضای فعالیت اقتصادی را ترویج کند. رسیدگی به دعاوی فعالان در حوزه‌های غیرتخصصی و توسط قضات فاقد تجربه و دانش در امور اقتصادی برای صاحبان کسب‌وکار اطمینان‌بخش نمی‌باشد. (A.Musacchio-۲۰۰۶)

۶.۲.۳.۱.۳- افزایش حقوق مالکیت

کارآفرینانی که احساس می‌کنند حقوق مالکیت آنها دارای حداقل امنیت است، تنها حدود ۳۰ درصداز سود خود را مجددا سرمایه‌گذاری می‌کنند در حالی‌که مؤسساتی که دارای حداکثر حقوق مالکیت هستند (البته از نظر خودشان) ۶۵ درصداز سود خود را مجددا سرمایه‌گذاری می‌نمایند. (Janson, Mac milan-۲۰۰۲)

افزایش حقوق مالکیت و به‌رسمیت شناختن این حق برای صاحبان سرمایه بر حجم سرمایه‌گذاری‌ها افزوده و روشن است که افزایش حجم سرمایه‌گذاری باعث رونق کسب‌وکار می‌شود.

مصوبات منطقه‌ای و محلی برای رفع موانع ثبت پذیری و ممیزی املاک و دارائی‌های سرمایه‌ای شهروندان، می‌تواند ورود منابع و عوامل تولید را تسهیل کند و نرخ شکل گیری بنگاه‌ها را مستقیما رشد دهد.

۶.۲.۳.۱.۴- به‌رسمیت شناختن مکمل‌های نظام قضایی

با توجه به شکل‌گیری هیئت‌های حل اختلاف در بسیاری از حوزه‌ها لازم است این هیئت‌ها از اختیارات بیشتری برخوردار شوند. وجود این هیئت‌های حل اختلاف می‌تواند سرعت رسیدگی به دعاوی و عادلانه‌بودن احکام صادره را در پی داشته‌باشد.

۶.۳. راهبردهای بهبود در حوزه خرد(شاخص‌های ده‌گانه)

۶.۳.۱-راه‌اندازی کسب و کار جدید

۶.۳.۱.۱- کشورهای انجام دهنده اصلاحات و پیشتاز

با توجه به این که اصلاحات مربوط به شاخص راه اندازی ارزان‌تر و سریع‌تر کسب و کار، از اقدامات ساده‌ای برخوردار است این اصلاحات توجه کشورهای زیادی را به خود جلب کرده است. از سال ۲۰۰۴ میلادی ۳۱ کشور فرآیند ورود بنگاه‌های جدید را آسان کردند. از میان این کشورها ۹ کشور، برای دومین سال پیاپی به اصلاحات اقدام کردند. به طور میانگین ده کشور پیشتاز اصلاحات، هزینه‌ها را به میزان ۲۵درصد، حداقل سرمایه مورد نیاز را یک سوم و زمان صرف شده را به نصف کاهش دادند. لتونی، صربستان و مونته‌نگرو و اسلواکی در بین ۱۰ کشور برتر مربوط به این شاخص بودند. در بین پیشتازان، آلمان، حق الزحمه ثبت را به مبلغی ناچیز رساند و هزینه‌ها را ۱۹ درصد کاهش داد. اسلواکی برای صدور مجوزهای تجاری سقف زمانی تعیین کرد. این کشور با ارائه یک شماره شناسایی مالیاتی برای مالیات بر درآمدو مالیات بر ارزش افزوده، ثبت مالیاتی را ساده نمود.

قزاقستان، رومانی و مونته‌نگرو، ثبت شرکت‌ها را به یک فعالیت اجرایی (و نه قضایی) تبدیل کردند. صربستان و مونته‌نگرو انجام مراحل را از دادگاه به اداره جدید ثبت انتقال داد بنابراین کارآفرینان توانستند به صورت رایانه‌ای فعالیت خود را ثبت کنند و در زمان و هزینه صرفه‌جویی کنند. این کشور یک بانک اطلاعات الکترونیکی یکپارچه ایجاد کرد که دادگاه‌ها، اداره آمار، اداره گمرک، بانک مرکزی و شهرداری‌ها را به هم متصل می‌کند. در ضمن حداقل سرمایه مورد نیاز برای شروع به فعالیت کسب و کار را از ۵۰۰۰

یورو به ۵۰۰ یورو کاهش داد. با توجه به این اقدامات یک شرکت می‌تواند در عرض ۱۵ روز و نه ۵۱ روز شروع به فعالیت کند.

شش ویژگی مشترک در بین ۱۰ کشور پیشتاز از سال ۲۰۰۴ در آسان‌سازی راه‌اندازی کسب و کار وجود دارد که به شرح زیر است:

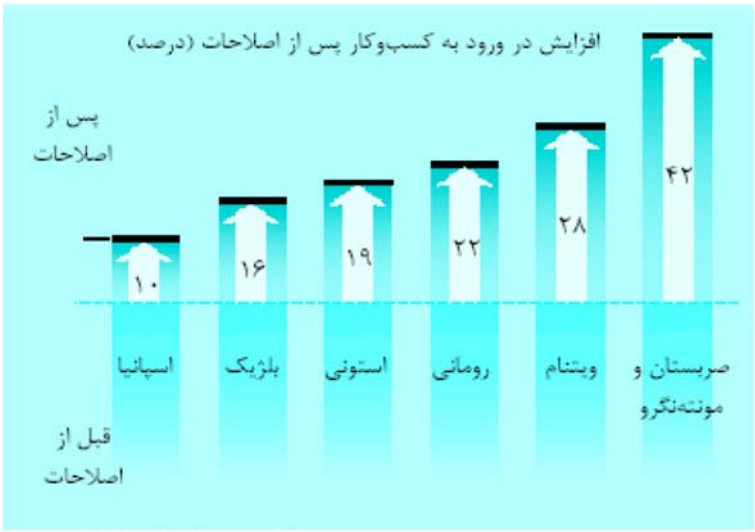
- در این خصوص از دادگاه‌ها استفاده نمی‌شود.
- ثبت اینترنتی در بانک اطلاعات این کشورها اجرا می‌شود.
- تنها هزینه دریافتی از بنگاه‌ها، حق الزحمه ثابت برای ثبت است که بدون توجه به اندازه شرکت دریافت می‌شود.
- هیچ تعهد و الزامی به انتشار آگهی ثبت در روزنامه‌ها وجود ندارد.
- در این کشورها از فرم‌های ثبت استاندارد استفاده می‌شود.
- سرمایه مورد نیاز برای ایجاد فضای کسب و کار صفر یا ناچیز است.

ثبت شرکت در این کشورها فعالیتی اداری است و برای این اقدام نیازی به توجه و دخالت قضات وجود ندارد. در عوض وقت دستگاه قضایی می‌تواند صرف حل اختلافات تجاری شود.

۶.۳.۱.۲- دلایل انجام اصلاحات (ارزیابی فواید و الگوپذیری سایرین)

در صورتی که راه‌اندازی کسب و کار آسان باشد بنگاه‌های بیشتری تاسیس می‌شوند. در صربستان و مونته نگرو در نیمه نخست سال ۲۰۰۵ میلادی نسبت به نیمه نخست سال ۲۰۰۴ کارآفرینان توانستند تقریبا ۱۵۰۰ بنگاه بیشتر به ثبت برسانند- که یک جهش ۴۲ درصدی محسوب می‌شود. این جهش اتفاقی و تصادفی نیست. برای مثال پس از انجام اصلاحات، ورود بنگاه‌های جدید در ویتنام ۲۸ درصد، در رومانی ۲۲ درصد و در بلژیک ۱۶ درصد افزایش یافت (شکل ۶-۲).

انجام اصلاحات در این زمینه فواید دیگری نیز دارد. یکی از این فواید افزایش سرمایه‌گذاری است. تحلیل‌های یک بررسی نشان می‌دهد که اگر الجزایر می‌توانست مقررات ورود و راه‌اندازی کسب و کار خود را به سطح ترکیه برساند، سرمایه‌گذاری تجاری در ان کشور ۳۰ درصد افزایش می‌یافت.



Source: Doing Business database.

شکل ۲-۶: ورود بیشتر به کسب و کار پس از انجام اطلاحات

۶.۳.۱.۳-راهکارهای بهبود

ایران در گزارش سال ۲۰۱۰ در سهولت آغاز کسب‌وکار از نظر زمان، هزینه و مراحل در منطقه MENA وضعیت مطلوبی ندارد. بین ۱۸ کشور از نظر مراحل برای شروع رتبه ۱۰، زمان شروع کسب‌وکار در رتبه ۵، هزینه لازم برای شروع در رتبه ۴ و از نظر حداقل سرمایه در رتبه ۷ قرار دارد. جهت بهبود در این شاخص بایستی اقدامات زیر را انجام دهد.

- به رسمیت شناختن هرچه‌بیشتر روش‌های الکترونیکی و سوق دادن انجام کلیه مراحل شروع کار به طرف استفاده از روش‌های الکترونیکی.
- کاهش هزینه‌های ثبت و انجام مراحل برای کلیه بنگاه‌ها و متناسب‌کردن این هزینه‌ها با اندازه بنگاه.

- ساماندهی فرم‌ها و مراحل شروع فعالیت و بیان شفاف این مراحل برای جلوگیری از تفسیرهای سلیقه‌ای و ایجاد موانع توسط کارمندان دولت و کارشناسان برای کارآفرینان.
- واگذارکردن هرچه بیشتر این مراحل به تشکل‌های صنفی و نظام‌های صنفی مردم‌نهاد و محدود کردن نقش دولت به حوزه‌های سیاستگذاری و نظارت.

۶.۳.۲. شرایط و مقررات کسب مجوز

برقراری توازنی مناسب بین آسانی انجام کسب و کار و کسب مجوزهای آن مستلزم اطلاحات دایمی است. منطق و استدلال اعطای مجوزهای مختلف برای فعالیت‌های اقتصادی تضمین صحت طی‌کردن مراحل ضروری و پیشگیری از خسارت‌های گوناگون و حمایت از ایمنی و سلامت کالاها و خدمات تولیدی است. کسب این مجوزها توسط فعالان اقتصادی از سازمان‌ها و نهادهای دولتی جهت صیانت از حقوق عمومی جامعه است.

۶.۳.۲.۱-کشورهای انجام دهنده اصلاحات و پیشتاز

لهستان فعال ترین کشور در اصلاح صدور مجوز کسب و کار در سال ۲۰۰۴بوده است، این اصلاحات دو هدف به شرح زیر را مدنظر داشت: کاهش میزان مقررات مربوط به صدور مجوز، و الزام به اینکه هرگونه مقررات جدیدی در این خصوص باید به تأیید مجلس نمایندگان برسد. برای اینکه مجلس قوانین جدید مربوط به صدور مجوز را بررسی کند باید یک تحلیل هزینه- فایده در ضمن این قانون ارائه شود.

اصلاحات	کشور
کاهش تعداد نظام‌های مربوط به صدور مجوز	بلغارستان، گرجستان، لهستان
ساده‌سازی صدور مجوز و انجام بازرسی‌ها	آرژانتین، کانادا، هلند
استفاده از نظارت‌های خصوصی	فنلاند
تعیین سقف زمانی برای صدور مجوز	بلغارستان، هلند، صربستان و مونته‌نگرو
پذیرش قوانین جدید ساخت‌وساز	کرواسی، ویتنام

Source: Doing Business database.

جدول ۲-۶: اصلی‌ترین اصلاحات در زمینه صدور مجوز در سال ۲۰۰۴میلادی

الگوی لهستان زمینه‌ساز اصلاحات در کشورهای بلغارستان و گرجستان نیز شد. در بلغارستان، قانون جدید تنظیم مقررات اداری جایگزین ۱۵۰۰نوع قانون پیشین شد. این قانون اصول به کارگیری نظام‌های

جدید صدور مجوز را تعریف کرده و ارزیابی هزینه‌ها را ضمن رعایت قانون الزامی می‌سازد. این قانون در بلغارستان نیز مانند لهستان برای رسیدگی و بررسی درخواست‌های مربوط به صدور مجوز سقف زمانی تعیین می کند. قانون مربوط به صدور مجوز در گرجستان لزوم صدور مجوز برای ۹۰۹ فعالیت را به ۱۵۹ فعالیت کاهش داد.

منطق و استدلال اعطای مجوزهای مختلف برای فعالیت‌های اقتصادی، حمایت از ایمنی و سلامت عمومی است. به همین دلیل اعطای مجوز به فعالیت‌ها و کسب و کارهایی مثل تولید مواد غذایی، دارویی، مواد خطرناک(صنایع شیمیایی) و ساخت مسکن منطقی و قابل توجیه است. با وجود این اصلاحات در زمینه صدور مجوز باعث می‌شود تا کسب مجوز توسط بنگاه‌ها آسان‌تر شود. در این گزارش بیشتر پیشنهادات در راستای اصلاحات به اعطای مجوز و انجام بازرسی در بخش ساخت و ساز معطوف شده است.

پنج نوع از این اصلاحات موفقیت‌آمیز به شرح زیر هستند:

- مراحل انجام کاربه صورت یک نمودار گام به گام به سازندگان و معماران ارائه شود.
- جوازهای مختلف و تأییدیه‌های پروژه با شهرداری ها ادغام شوند.
- بازرسی ها به صورت اتفاقی و مبتنی بر ریسک انجام شود.
- نقشه‌های منطقه‌بندی هر ده سال یکبار به روز شوند.
- استفاده از موارد خاص اجباری نباشد.

۶.۳.۲.۲-دلایل انجام اصلاحات

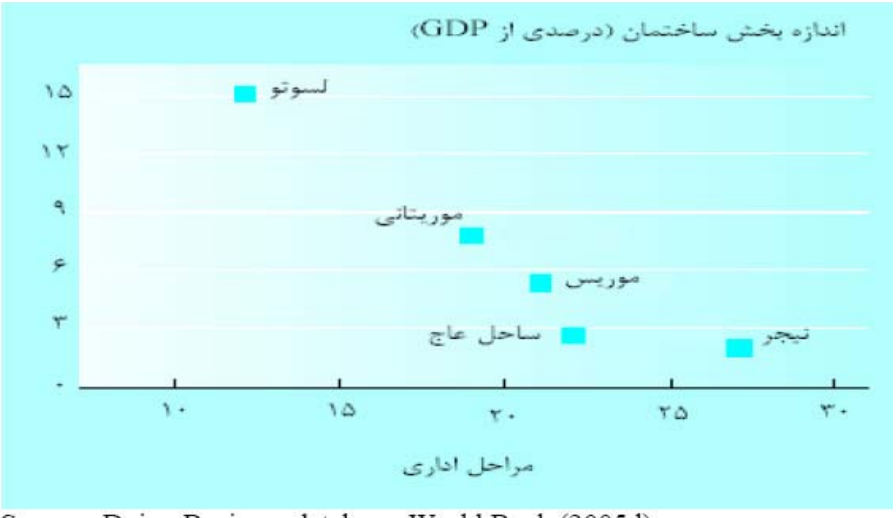
چهار دلیل برای اصلاح روش‌های اعطای مجوز به شرح زیر وجود دارد:

الف- کشورهایی که مراحل اداری ساده‌تر و نظام‌های کم‌هزینه‌تر دارند از فعالیت‌های اقتصادی بزرگ‌تری برخوردارند. زیرا سهولت در اعطای مجوزها زمینه‌ساز انجام هرچه سریع‌تر ساخت‌وساز می‌گردد.

ب- مراحل اداری ساده‌تر موجب ایجاد واحدهای تجاری و انبارهای ارزان‌تر برای تمامی کسب و کارها می‌شود.

ج- کاهش هزینه‌ها و مشکلات کسب مجوزها باعث می‌شودکه کارهای بیشتری در اقتصاد رسمی حفظ شود که این موضوع ایمنی را نیز افزایش می‌دهد.

د- دولت‌ها می‌توانند با مجوزها و بازرسی‌های کمتر و ساده‌تر در صرف پول صرفه‌جویی کنند. در صورتی که بار مالی کمتری بر بخش ساختمان تحمیل شود، این بخش گسترش می‌یابد.



Source: Doing Business database, World Bank (2005d).

شکل ۳-۶ : مراحل اداری بیشتر= بخش ساختمانی کوچکتر در آفریقای جنوبی

۶.۳.۲.۳-بررسی وضعیت ایران در این شاخص و ارائه راهکار

شاخص اخذ مجوز در سال ۲۰۰۹ یکی از وخیم‌ترین رتبه‌های شاخص‌های ایران می باشد که اگرچه در سال ۲۰۱۰ روند رو به رشدی داشته اما در مقایسه با کشورهای جهان سومی هنوز از آنها عقب‌تر می‌باشد. در گزارش سال ۲۰۱۰، ایران در این شاخص از نظر تعداد فرآیندها (با تعداد فرآیند۱۷) رتبه ۶ از نظر زمان رتبه آخر(۱۸) و از نظر هزینه رتبه ۱۲ را در میان ۱۸ کشور منطقه منا داشته است.

راهکارهای بهبود در مورد تسریع در صدور مجوز در ایران با توجه به تغییرات سریع و گسترده در حوزه‌ها و مکان‌های فعالیت‌های عمرانی به دلیل شرایط خاص اقتصادی ایران و سرمایه‌ای بودن زمین و مسکن به آسانی قابل اجرا نخواهد بود. لیکن راهکارهای زیر که متناسب حوزه‌های مختلف ایران قابل ارائه است، پیشنهاد می‌گردد:

- واگذار کردن بسیاری از مجوزها و استعلام‌ها به تشکل‌های صنفی و محدود کردن وظیفه دولت و حکومت به سیاستگذاری و نظارت‌های کلان
- یکپارچه سازی خدمات و برنامه‌ریزی‌های خدمات بر اساس طرح آمایش و طرح‌های تفصیلی شهری و ایجاد بانک اطلاعات میان سازمان‌های ذی‌نفع با استفاده از پیشرفت‌های بدست آمده در حوزه فناوری اطلاعات.
- انتقال هزینه‌های راه اندازی و ارائه خدمات عمومی و استفاده از زیر ساخت‌ها به پرداخت‌های پسین از قبیل عوارض و مالیات و هزینه آب و برق و گاز و ... و یا اقساطی کردن آنها.
- انجام ممیزی‌ها و بازرسی‌های پیشگیرانه و کاهش چشمگیر نیاز به بازدید و بازرسی و حذف زمان و مراحل بازرسی از این طریق.
- بهبود فرایند اداری صدور مجوز و گواهی پایان کار در داخل سازمان ذینفع و تشکل‌های صنفی و کاهش زمان و هزینه صدور آن‌ها.
- اعلام شرایط و الزامات دریافت مجوزهای مورد نیاز به‌صورت صریح و روشن و بهبود فرایندهای اخذ انشعاب آب و فاضلاب و اخذ انشعاب برق در داخل سازمان‌های ذیربط با بهره‌گیری از روش‌های الکترونیکی و کاهش زمان و هزینه‌های مربوطه از این طریق
- الکترونیکی کردن ارسال و دریافت مدارک و پرداخت‌ها

۶.۳.۳. استخدام و اخراج کارکنان

مقررات اشتغال انعطاف‌ناپذیر مانع ایجاد مشاغل جدید شده و نیروی کار را به اقتصاد غیررسمی سوق می‌دهد. برای مثال در بورکینافاسو زنان بیش از ۸ ساعت در روز نمی‌توانند کار کنند، این مقررات انعطاف‌ناپذیر باعث می‌شود که کارفرمایان به صورت محافظه‌کارانه‌ای کارگر استخدام کنند و این زنان هستند که زیان می‌بینند و از فرصت‌های شغلی رسمی محروم شده و برخی از آنها وارد اقتصاد زیرزمینی می‌شوند. در این شرایط اگر زنان مورد سوء استفاده کارفرما قرار گیرند دادگاه‌ها نمی‌توانند هیچ حمایتی از آنها به عمل آورند، زیرا رابطه شغلی آنها در بخش رسمی به ثبت نرسیده است. مقررات انعطاف‌ناپذیر اشتغال به جای اینکه از اقشار آسیب‌پذیر حمایت کند آنها را از بازار کار خارج می‌کند. با وجود ضرورت انجام بهبود در این حوزه، اصلاحات به دشواری صورت می‌پذیرد.

۶.۳.۳.۱-کشورهای انجام دهنده اصلاحات و پیشتاز

در سال ۲۰۰۴ میلادی در آلمان پس از ۱۱سال بحث و بررسی، تغییراتی در مزایای بیکاری اعمال شد. مخالفان اصلاحات معتقدند به دلیل اینکه کشورهای در حال توسعه فاقد تور ایمنی اجتماعی هستند باید از قوانین انعطاف‌ناپذیر برخوردار باشند.

چهار نوع اصلاحات در مقررات اشتغال و تأمین اجتماعی می‌تواند بار مالی بنگاه‌ها را کاهش داده و فرصت اشتغال را برای کارگران افزایش دهد.

الف- افزایش سن بازنشستگی در کشورهایی با جمعیت سالمند بالا:

پیر شدن جمعیت در کشورهای ثروتمند و کشورهای با درآمد متوسط اتخاذ سیاستی مناسب در این خصوص را ضروری ساخته است. در این سیاست یا باید نرخ مالیات تأمین اجتماعی بالا برود تا هزینه‌های بالاتر جمعیت در حال پیر شدن را پوشش دهد یا اینکه سن بازنشستگی را افزایش دهند. در سال ۲۰۰۴ میلادی فنلاند سن بازنشستگی را به ۶۸ سال، اسرائیل به ۶۷ سال و فرانسه در سال ۲۰۰۱ به ۶۲سال افزایش داد. الزام به طولانی‌تر شدن سال‌های اشتغال، بار مالی تأمین اجتماعی را کاهش داده و دولت‌ها آسان‌تر می‌توانند مالیات بر بنگاه‌ها را کاهش دهند.

ب- یکسان‌سازی سن بازنشستگی زنان و مردان

در سراسر جهان زنان ۴ سال بیشتر از مردان عمر می‌کنند و در کشورهای توسعه یافته این تفاوت ۶ سال است. با در نظر گرفتن این واقعیت، کمتر بودن سن بازنشستگی قانونی زنان نسبت به مردان باعث می‌شود که بنگاه‌ها مجبور باشند حق بیمه بازنشستگی بالایی بپردازند. یکسان‌سازی سن بازنشستگی زنان و مردان به حل این مشکل منجر خواهد شد.

ج- تبدیل پرداخت حق سنوات به بیمه بیکاری

به جای اینکه بنگاه‌ها به پرداخت حق سنوات سنگین ملزم شوند، که در بدترین زمان ممکن (یعنی در هنگام افت فعالیت اقتصادی) ضربه‌ای به کسب و کار وارد می‌سازد کشورهای با درآمد متوسط می‌توانند بیمه بیکاری را برقرار سازند و این اقدام باعث می‌شود تمرکز مقررات از حمایت مشاغل به حمایت کارگران تغییر یابد زیرا به کارگران کمک می‌کند تا گذار به شغل جدید راحت‌تر انجام شود.

د- معرفی قراردادهای کارورزی

استفاده از قراردادهای کارورزی یکی از روش‌های آسان انجام اصلاحات است. قراردادهای کارورزی به این شکل عمل می‌کند که یک بنگاه فرد تازه‌کار را استخدام کرده و به مدت ۲سال به او آموزش می‌دهد در حالی که بخشی از دستمزد قانونی معمولا ۷۵تا ۸۰ درصد را به او می‌پردازد. در کشورهای ثروتمند دولت مابه‌التفاوت مذکور را تأمین می‌کند. پس از دوره کارورزی کارگران مشاغل منظمی به دست می‌آورند. تقریبا در همه کشورهای پیشرفته چنین قراردادهایی وجود دارد.

۶.۳.۳.۲-دلایل انجام اصلاحات

آزادی‌هایی که سازمان بین‌المللی کار در مجموعه اصول و حقوق بنیادی برای کارگران تثبیت نموده است مبنایی را فراهم آورده تا باب گفت و گوی کارگر و کارفرما در بخش خصوصی و دولت به عنوان ضامن رعایت حقوق کارگران همواره باز باشد. اکثر کشورهای در حال توسعه مرتکب اشتباه طرفداری یک‌سویه از انعطاف‌ناپذیری افراطی شده‌اند که به زیان بنگاه‌ها و کارگران بوده‌است. سه دلیل برای انجام اصلاحات و انعطاف‌پذیرتر کردن مقررات اشتغال وجود دارد.

الف- افزایش بهره‌وری

انعطاف‌ناپذیری مقررات اشتغال باعث کاهش بهره‌وری و ایجاد تمایل به استخدام کارگران غیررسمی می‌شود که منشا پرداخت‌های غیررسمی و عدم ارایه مزایای اجتماعی است. عدم ارایه مزایای اجتماعی امنیت نیروی کار و امکان رشد و آموزش را کاهش داده و هزینه‌های کسب و کار را افزایش می‌دهد.

ب- افزایش اشتغال

بنگاه‌ها قادر می‌شوند خود را با نیروهای روزآمد و فناوری‌های جدید، شوک‌های اقتصادی کلان و ورود نیروهای مهاجر تطبیق دهند و نتیجه این اصلاحات افزایش اشتغال است.

ج- رونق آزادی تجاری

با باز شدن اقتصاد و انجام واردات ارزان، شرایطی رقابتی ایجاد می‌شود و مشاغل از بخش‌های کمتر مولد به بخش‌های مولدتر منتقل می‌شوند. این امر مستلزم این است که کارگران قادر به جابجایی بین مشاغل باشند. در کشورهایی که موانع استخدام و اخراج کارگران بالاست کارگران در بخش‌های غیرمولد باقی می‌مانند و در نتیجه مشاغل کمتری ایجاد می‌شود و قدرت رقابتی از دست می‌رود.

۶.۳.۳.۳-بررسی وضعیت ایران در این شاخص و ارائه راهکار

جهت کسب امتیازات بیشتر و بالا رفتن شاخص مربوط به نیروی کار لازم است اقدامات زیر در کشور انجام پذیرد.

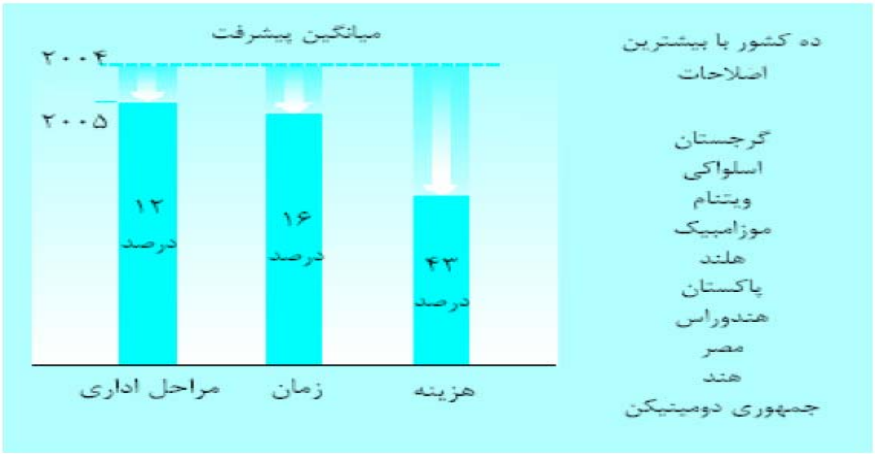
- بازنگری در قانون کار کشور اجتناب‌ناپذیر است زیرا قانون فعلی شاغلین کشور را مورد حمایت قرار داده و مانع ایجاد اشتغال برای بیکاران می‌گردد. با توجه به مضیقه‌های فراوانی که قانون کار برای کارفرمایان ایجاد می‌کند، کارفرمایان می‌کوشندبه استخدام غیررسمی نیروی کار بپردازند.
- گسترش بیمه تأمین اجتماعی و زیرپوشش قرار دادن کلیه فعالیت‌های اقتصادی بطوری‌که کارفرمایان نسبت به ورود و خروج نیروی کار تنها کارآمدی آنان را مورد توجه قرار دهد و نگران اخراج نیروی کار نباشند.
- ساماندهی قوانین بازنشستگی و خدمات مورد نیاز بازنشستگان تا ضرورتی برای انجام فعالیت جدید برای بازنشستگان وجود نداشته باشد.
- به‌رسمیت شناختن قراردادهای پاره‌وقت و نیمه‌وقت میان کارفرمایان و کارگران و سهولت انجام و استمرار این قراردادها.

۶.۳.۴. ثبت اموال

اگر ثبت اموال به صورت ساده، سریع و با هزینه کم انجام شود، کارآفرینان می‌توانند بر روی کسب و کار اصلی خود متمرکز شوند. با تشویق کارآفرینان جهت تهیه سند رسمی، حقوق مالکیت آنها تقویت می‌شود. بدون کسب اسناد رسمی، کارآفرینان سرمایه‌گذاری کمتری کرده و به دشواری تسهیلات و اعتبارات مالی به دست می‌آورند. اگر مراحل ثبت اموال دشوار و پرهزینه باشد مالکیت خیلی سریع به بخش غیر رسمی منتقل می‌شود.

۶.۳.۴.۱-کشورهای انجام دهنده اصلاحات و پیشتاز

۱۶ کشور در سال ۲۰۰۴ میلادی مراحل به ثبت رساندن اموال را آسان‌تر کرده‌اند. اکثریت آنها فرایند این اقدام را کم‌هزینه‌تر ساختند و یک سوم این کشورها نیز تعداد روزهای تأخیر را کاهش داده‌اند. ده کشور پیشتاز در این اصلاحات به صور متوسط تعداد مراحل اداری را ۱۲ درصد، زمان مورد نیاز را ۱۶ درصد و هزینه‌ها را ۴۳ درصد کاهش دادند(شکل ۶-۴)



Source: Doing Business Database

شکل۴-۶: ده کشور با بیشترین اصلاحات در ثبت اموال در سال ۲۰۰۴

برای آسان‌سازی مراحل ثبت اموال و املاک توصیه می‌شود از ساده‌سازی و ترکیب مراحل اداری استفاده شود زیرا نهادهای مسئول را به یکدیگر متصل و یکپارچه کرده و دسترسی آسان‌تر به اداره ثبت را فراهم می‌سازد. اما باید توجه داشت که فناوری راه‌حل بسیاری از مشکلات به‌ویژه در کشورهای فقیر نیست. سه روش دیگر نیز برای آسان‌سازی مراحل ثبت اموال به شرح زیر تعریف می‌شود:

الف) تبدیل ثبت به فرآیند اداری

ثبت دارایی‌ها یک موضوع اداری است و فرآیندی قضایی نمی‌باشد. اشتغال دادگاه‌ها به فرآیند ثبت باعث می‌شود تا هزینه‌های کارفرما بر حسب زمان صرف شده افزایش یابد.

انجام اصلاحات در سال ۲۰۰۴ میلادی در لهستان برای رایانه‌ای کردن سوابق زمین باعث بهبود اوضاع در این کشور شده است.

خروج عملیات ثبت از دادگاه‌ها باعث می‌شود تا اداره ثبت را بتوان به آسانی به واحدهای خصوصی ثبت املاک متصل کرده و یکپارچه نمود. به این ترتیب ردیابی اسناد تداخلی و تکراری آسان‌تر انجام و زمان بیشتری صرف پیگیری‌های لازم شده و امنیت حقوق مالکیت بیشتر می‌شود.

ب) ساده‌سازی مالیات و حق‌الزحمه‌ها

در کشورهایی که انواع مختلف حق‌الزحمه و مالیات را برای ثبت اموال دریافت می‌کنند، هزینه بالایی صرف انجام این مراحل می‌شود. این کشورها مراحل اداری بیشتری هم دارند چراکه هر حق‌الزحمه‌ای معمولا باید به اداره متفاوتی پراخت شود. این هزینه‌ها و مراحل اداری کارآفرینان را به معاملات غیررسمی و عدم ارائه گزارش در خصوص ارزش دارایی می‌کند و زمینه را برای فساد هموار می‌سازد. راه‌حل این مشکل در ادغام حق‌الزحمه‌های پرداختنی است. علی‌رغم ساده‌سازی و تجمیع پرداخت‌ها، برای انجام اصلاحات باید پرداخت‌ها نیز با کاهش مواجه شوند البته این به معنای کاهش درآمدها نیست. برای مثال موزامبیک مالیات بر نقل و انتقال را ۷۵درصد کاهش داد بدون اینکه تأثیری منفی بر درآمد داشته باشد و همزمان امار ثبت رسمی در این کشور افزایش یافت.

د) اختیاری کردن حضور محضرداران

محضرداران اغلب وظایف مؤثر و مفیدی دارند. در برخی کشورها آنها ثبت اموال را مدیریت می‌کنند، توافقات خرید و فروش را آماده می‌سازند، هویت طرفین را شناسایی کرده و قانونی بودن اسناد را تأیید می‌کنند. اما در کشورهایی که مقامات اداره ثبت انجام این وظایف را به عهده دارند اعطای وظیفه به محضرداران اغلب بی‌معنا می‌شود و هزینه‌ها را تا حد زیادی بالا می‌برد. برخی کشورها موفق به ثبت اموال بدون استفاده اجباری از محضرداران شدند. حقوق مالکیت در این کشورها امنیت کمتری ندارد و از کارایی بالاتری نیز برخوردار است.

دلایل انجام اصلاحات

کارایی ثبت اموال باعث تقویت حقوق مالکیت می‌شود. برخی ادعا می‌کنندکه مقررات بیشتر و فرآیند رسمی‌تر ثبت اموال، باعث دقت نظر و ارتقای حقوق مالکیت می‌شود در حالیکه پیچیدگی بیشتر با خود نااطمینانی، افزایش هزینه معاملاتی و فرصت‌هایی برای تقلب و فساد به همراه می‌آورد.

امنیت بیشتر باعث تقویت بازارهای اموال و اعتبار می‌شود. ثبت کاراتر اموال با اعتبار خصوصی بیشتر، سرمایه‌گذاری بیشتر بخش خصوصی، فساد کمتر و رسمی شدن اقتصاد ارتباط مستقیم دارد.

۶.۳.۴.۲-راهکارهای بهبود ثبت اموال و املاک

وضعیت کنونی ثبت اموال و املاک در ایران دارای نقایص فراوانی است که در نتیجه آن بسیاری از صاحبان کسب‌وکار ها ترجیح می‌دهند از ثبت اموال و املاک خویش خودداری کرده و در نتیجه از فواید آن نیز محروم گردند یا با استفاده از روش‌های غیررسمی و زیرزمینی به انجام این مهم بپردازند. برای بهبود در این شاخص لازم است اقدامات زیر صورت پذیرد.

- الکترونیکی کردن مراحل مختلف ثبت اموال و اطلاع‌رسانی شفاف و دقیق به صاحبان کسب‌وکار جهت چگونگی طی کردن این مراحل. در صورتی‌که صاحبان دارایی به‌صورت دقیق و شفاف بدانند که انجام مراحل ثبت چگونه و در چه زمان و با چه هزینه‌ای انجام می‌پذیرد، تمایل بیشتری به انجام این کار خواهند داشت.
- تجمیع سازمان‌ها و نهادهای ذیربط و تعیین میزان هزینه‌های پرداختی جهت ثبت اموال و املاک به آنان. وجود تبعیض در پرداخت مالیات یا تعرفه‌های مربوط به ثبت اموال و برخوردهای سلیقه‌ای مأموران با آن موجب بی‌انگیزگی و یا استفاده از روش‌های غیررسمی برای ثبت اموال و املاک می‌باشد.
- به‌کارگیری بسیاری از نهادها و تشکل‌های صنفی در ارائه برخی خدمات مربوط به ثبت اموال و املاک موجب تسریع و صحت هرچه بیشتر ثبت اموال و املاک می‌گردد.
- الکترونیکی کردن بسیاری از مراحل مربوط به ثبت اموال و املاک کمک بیشتر و مؤثری به صاحبان کسب‌وکار در ثبت اموال می‌باشد. غیرقضایی کردن این مراحل

نیز می‌تواند هم از وظایف نهاد قضایی بکاهد و هم تشکل‌های صنفی را اعتبار بیشتری بخشد.

۶.۳.۵. دریافت اعتبار

وام‌دهندگان هنگام دریافت وام و تسهیلات و تمدید مهلت وام به سابقه اعتباری و وثیقه وام گیرنده توجه می‌کنند. در اکثرکشورهای فقیر که قوانین ثبت اعتبار و وثیقه وجود ندارد، بانک‌ها وام‌های کمتری ارائه می‌دهند و در نتیجه فعالیت کارآفرینان در این کشورها با مشکلات عدیده‌ای دست به گریبان است.

۶.۳.۵.۱-کشورهای انجام دهنده اصلاحات و پیشتاز

در سال ۲۰۰۴ میلادی، ۲۵ کشور شیوه اشتراک‌گذاری اطلاعات اعتباری را بهبود بخشیدند و ۸ اداره اعتبار خصوصی جدید، عملیات اجرایی خود را در کشورهای هند، اندونزی، قرقیزستان، لیتوانی، نیجریه، رومانی، عربستان‌سعودی و اسلواکی آغاز کردند.

اصلاحات انجام شده برای به اشتراک‌گذاری اطلاعات اعتباری به شرح زیر است:

الف- تصویب مقررات جدید

در سال ۲۰۰۴ میلادی متداول‌ترین اصلاح در این زمینه حذف موانع به اشتراک‌گذاری اطلاعات اعتباری از طریق وضع یک قانون یا مقررات ویژه(که در هند، قزاقستان، اسرائیل، نیکاراگوئه و روسیه صورت پذیرفت) و یا از طریق افزودن یک متمم به قانون بانکداری بود (که در آذربایجان، کنیا، مقدونیه و جزیره موریس انجام شد). بازنگری قانون در زلاندنو باعث به وجودآمدن مراحل اداری در مواقع شکایت مصرف‌کنندگان و کنترل شدید بر دقت داده‌ها شد. در ایتالیا نیز این قانون به قابلیت اعتماد و به موقع بودن گزارشات اعتباری تأکید داشته اما زمان ذخیره‌سازی داده‌های قبلی را کاهش داده‌است. در یونان و اروگوئه نیز قانون حمایت از داده‌های جدید وضع شد تا از حریم دریافت‌کنندگان وام و سلامت داده‌ها مراقبت شود.

ب- گسترش قلمرو اطلاعات

در بنگلادش اداره ثبت عمومی، داده‌های کارت اعتباری مصرف‌کنندگان را با بانک اطلاعاتی خود ادغام کرد. اداره ثبت در مصر نیز فهرست دریافت‌کنندگان وام که نتوانسته‌اندوام خودرو

دریافتی را بپردازند، احصاء نموده است. هندوراس همه بانک‌ها را ملزم ساخته تا تمامی اطلاعات مثبت و منفی را گزارش دهند.

ج- تحت پوشش قرار دادن تعداد وام‌های بیشتر

اداره ثبت عمومی مصر، حداکثر مقدار وام را از ۶۹۰۰ دلار به ۵۲۰۰ دلار کاهش داد. اداره ثبت لبنان نیز سقف رقم وام را از ۶۶۰۰ دلار به ۶۰۰۰ دلار کاهش داد و در نتیجه ۱۰۰۰۰نفر بیشتر برای دریافت وام به اداره مراجعه کردند.

د- ارائه داده‌ها در شبکه‌های مستقیم رایانه‌ای

اداره ثبت عمومی بلغارستان سیستم مستقیمی در شبکه‌های رایانه‌ای راه‌اندازی کرد که زمان بازیابی داده‌ها را از سه روز به چند ثانیه کاهش می‌دهد.

ه- ارتقای کیفیت داده‌ها

در مغولستان برای بانک‌هایی که موفق به به‌روز رسانی سوابق اعتباری خود نشده باشند جریمه‌ای تا حداکثر ۹۰۰ دلار وضع می‌شود. کشور نپال نیز مجازات‌هایی بر بانک‌ها و کارکنان آن‌ها به دلیل عدم توزیع اطلاعات اعتباری وضع کرد و در نتیجه تعداد افراد دریافت‌کننده وام ۱۳ درصد افزایش یافت.

در کشورهایی دسترسی بنگاه‌ها به اعتبارات بیشتر است که ادارات ثبت اعتبار اقدام به توزیع همزمان اطلاعات مثبت و منفی، شامل اطلاعات اعتبار دهندگان تجاری، خرده‌فروشان، بنگاه‌های خدمات عمومی، می‌کنند و به صورت الکترونیکی اطلاعات را در دسترس قرار می‌دهند. دسترسی به وام‌ها در کشورهایی بیشتر است که قوانین وثیقه اجازه می‌دهد همه دارایی‌ها به عنوان وثیقه استفاده شوند.

اصلاحات زیر نیز باعث دسترسی بیشتر به اعتبارات می‌شود:

حذف موانع حقوقی برای به اشتراک‌گذاری اطلاعات اعتباری
شفاف‌سازی اولویت اعتبار دهندگان در دریافت وثیقه‌های ضمانت شده
تمرکز ادارات ثبت عمومی بر نظارت
معرفی خلاصه صورت جلسات اجرائی

۶.۳.۵.۲-دلایل انجام اصلاحات

اگر بستانکاران و وام‌گیرندگان حقوق قانونی قوی و اطلاعات اعتباری مناسب در اختیار داشته‌باشند بنگاه‌ها دسترسی بهتری به وام و شرایط اعتباری دارند.

کشورهایی که از حقوق قانونی بیشتری برای وام‌دهندگان و وام‌گیرندگان و همچنین اطلاعات بیشتر برخوردارند، وام‌های اعطا نشده کمتر و ریسک نظام مالی پایین‌تری دارند. در صورت وجود بازارهای اعتباری کارا، سرمایه‌گذاری و رشد افزایش می‌یابدو بنگاه‌های کوچک و زنان که با بیشترین موانع برای دسترسی به اطلاعات مواجه‌اند از اصلاح قوانین مربوط به وثیقه و اطلاعات اعتباری پشتیبان تصمیمات دریافت وام بیشترین نفع را می‌برند.

۶.۳.۵.۳-بررسی وضعیت ایران در این شاخص و ارائه راهکار

دولتی بودن اکثر بانک‌های کشور و دستوری بودن بسیاری از مکانیزهای پرداخت تسهیلات موجب شده‌است که تأمین اعتبار و اطمینان داشتن نسبت به زمان و نحوه دریافت آن به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین موانع ایجاد فعالیت‌های جدید و گسترش بنگاه‌های اقتصادی باشد. جهت بهبود هرچه بیشتر در این شاخص موارد زیر توصیه می‌گردد.

- شفاف شدن شرایط و ضوابط دریافت تسهیلات و ارائه کلیه پیش‌نیازها و شروط مربوط به اخذ اعتبار مشتمل بر میزان تسهیلات، نرخ سود، نوع وثیقه و ...
- رسمی، علنی و شفاف شدن نحوه پرداخت تسهیلات به‌منظور جلوگیری از رانت‌خواری، فساد و اعمال غیررسمی در دریافت تسهیلات.
- استفاده از تشکل‌های صنفی و اتحادیه‌ها جهت نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات و در برخی موارد استفاده از آنان در شناسایی، ارزیابی و تأیید تسهیلات‌گیرندگان.
- ادغام بانک‌های اطلاعاتی موجود در حوزه اخذ اعتبار جهت جلوگیری از سوءاستفاده ها و صیانت از حقوق بنگاه‌های سالم و موفق.

- تهیه و ارائه گزارش‌های ادواری توسط بانک‌ها خصوصا بانک‌های دولتی در مورد دریافت‌کنندگان تسهیلات جهت نظارت هرچه دقیق‌تر رقبا بر استفاده‌کنندگان از اعتبارات.

۶.۳.۶. حمایت از سرمایه‌گذاران کوچک

حمایت از سرمایه‌گذاران منافع بسیار زیادی برای جامعه دارد و در جایی که استثمار سهامداران اقلیت مهار شده است، سرمایه‌گذاری ارزش ویژه و بالایی داشته و تمرکز مالکیت کمتر است. در این شرایط سرمایه‌گذاران از وجود تنوع دارایی‌ها سود می‌برند و کارآفرینان نیز به نقدینگی دسترسی دارند. بدون حمایت از سرمایه‌گذار، خصوصا سرمایه‌گذاران کوچک، بازارهای سرمایه توسعه پیدا نکرده و بانک‌ها به تنها منبع تأمین مالی تبدیل می‌شوند.

۶.۳.۶.۱-کشورهای انجام دهنده اصلاحات و پیشتاز

بر اساس گزارش بانک جهانی ۱۵ کشور قوانین مربوط به حمایت از سرمایه‌گذاران را اصلاح کردند. (جدول ۶-۳) تایلند در صدر کشورهایی است که به این اصلاحات اقدام کرده‌است.

سیاست اصلاحی	نام کشور
افزایش الزام به اظهار و افشا	اسرائیل، ایتالیا، پاکستان، اسپانیا، تایلند، ترکیه، ویتنام
تنظیم و قانومندکردن معاملات با طرف‌های مرتبط	جامائیکا، تایلند
تعریف وظایف مدیران	جامائیکا، نامیبیا، اسپانیا
افزایش مجازات برای معاملات شخصی	مالزی، پاکستان
تقویت الزامات حسابرسی	کاستاریکا، اندونزی، تایلند
معرفی موازین حکمرانی	هنگ کنگ، ایسلند، ترکیه
مجاز دانستن دادخواهی‌ها براساس اقدام طبقه‌ای	کره

Source: Doing Business database.

جدول ۳-۶: انواع اصلاحات صورت گرفته در کشورهای مختلف در سال ۲۰۰۴ میلادی در خصوص حمایت از سرمایه‌گذاران

بر اساس گزارش فوق چهار نوع اصلاحات موجب حمایت از سرمایه‌گذاران در برابر معاملات شخصی می‌شود:

الف) ارائه اطلاعات به سرمایه‌گذاران در مورد منافع مدیران در معاملات

آسان‌ترین نوع اصلاحات در هر کشوری افزایش سطح افشاگری است. سرمایه‌گذاران باید آگاه باشند که مدیران شرکت چه منافعی را در معاملات پیشنهادی دنبال می‌کنند. به طوری که بتوانند از طریق رأی دادن، معاملاتی که به منافع آنها آسیب می‌رساند را متوقف سازند. استفاده از شبکه‌های رایانه‌ای توزیع اطلاعات مالی و مالکیتی را بسیار ارزان ساخته است.

ب) الزام به تأیید مدیران یا سرمایه‌گذاران غیرذینفع برای انجام معاملات شخصی

در استرالیا و ۲۴ کشور دیگر معاملات با طرف‌های مرتبط، بطور خودکار مستلزم بازنگری و رأی دادن سهامداران غیرذی‌نفع در آن معامله است. در فنلاند، مکزیک و ۱۵ کشور دیگر برای انجام معاملاتی با مبلغ بیشتر از حد معین، طی مراحل تأیید ویژه اجباری است.

ج) حذف راه‌های گریز از قوانین در خصوص تأیید سهامداران

د) کمک به طرح دعاوی حقوقی در کشورهایی که از دادگاه‌های قوی برخوردارند.

ایالات متحده امریکا مدت زمان طولانی به عنوان مقصد اصلی سرمایه‌های بین‌المللی شناخته می‌شده است. در این کشور از طریق نظام دادگاهی و نقد و بررسی گسترده اقدامات مدیران، از سرمایه‌گذاران حمایت می‌شود. این اقدام باعث شده است که امریکا یکی از آسان‌ترین کشورها برای طرح دعاوی حقوقی سهامداران باشد.

۶.۳.۶.۲-دلایل انجام اصلاحات

عدم حمایت کافی از سرمایه‌گذاری به معنای انجام سرمایه‌گذاری کمتر در سهام عادی و ارزش ویژه است. در بررسی‌های اخیر در کشورهایی که ریسک مصادره اموال بیشتر است، سهم سرمایه‌گذاری در تولید ناخالص داخلی، نصف کشورهایی است که در آن‌ها حمایت‌های مناسبی از سرمایه‌گذاران انجام می‌شود.

۶.۳.۶.۳-بررسی وضعیت ایران در این شاخص و ارائه راهکار

علاوه بر تأمین منابع مالی توسط شبکه بانکی که مورد توجه صاحبان کسب‌وکار می‌باشد لازم است در فضای اقتصادی کشور شرایطی فراهم شود تا خانوارها علاقمند گردند تا در سرمایه‌گذاری‌ها مشارکت گسترده نمایند. این شرایط در گرو تضمین‌هایی است که سرمایه‌گذاران کوچک بدان نیازمند هستند تا در

مقابل سرمایه‌گذاران و یا سهامداران بزرگ منافع آنها را تأمین نماید. دستیابی به چنین شرایطی مستلزم اقدامات زیر است.

- ایجاد شفافیت در اندازه سهامداران و خصوصا منافع مدیران شرکت تا سرمایه‌گذاران کوچک از جایگاه و سهم خویش بااطلاع گردند.
- ارائه گزارش‌های ادواری از فعالیت‌های شرکت و همچنین ارئه شفاف حساب‌های شرکت از نظر فعالیت‌ها، کسب سود و توزیع منافع.
- اطمینان سرمایه‌گذاران کوچک نسبت به رسیدگی به دعاوی احتمالی آنان در سیتم حل اختلاف بنگاه اقتصادی همچنین محاکم قضایی و حقوقی رسمی کشور در مواقع ضروری.
- طراحی مکانیزم‌های نظارتی، حمایتی از طریق اتحادیه‌ها یا تشکل‌های صنفی برای صیانت از حقوق کلیه سهامداران و سرمایه‌گذاران، خصوصا سرمایه‌گذاران کوچک.

۶.۳.۷. پرداخت مالیات

اخذ و جمع‌آوری مالیات به‌صورت ناعادلانه و تبعیض‌آمیز از زمان‌های قدیم فعالیت نکوهیده و ناپسندی شمرده می‌شده است. از طرف دیگر بدون اخذ مالیات هیچ پولی برای ساخت مدرسه، دادگاه، جاده، فرودگاه و سایر زیربناهای عمومی وجود ندارد. این زیرساخت‌ها به بنگاه‌ها و جامعه کمک می‌کند تا بهره‌وری بیشتر و اوضاع اقتصادی مناسب‌تری داشته باشند. در عین حال روش‌های مختلفی برای جمع‌آوری مالیات وجود دارد که برخی مناسب و برخی نامناسب هستند. اگر نظام مالیاتی مناسب نباشد، بنگاه یا باید فعالیت خود را متوقف کند و یا به فرار مالیاتی اقدام نماید. در ضمن بنگاه‌ها به این نکته توجه دارند که در قبال مالیات پرداختی چه تسهیلاتی به دست می‌آورند.

نکته قابل توجه دیگر این است که در کشورهای ثروتمند، نرخ مالیات‌های تجاری پایین‌تر و پیچیدگی مالیاتی نیز کمتر است. مالیات‌های ساده و متوسط با نظام اداری کم‌هزینه و سریع به معنای دردسر کمتر برای بنگاه‌ها و درآمدهای بالاتر است. برعکس کشورهای فقیر تمایل دارند تا بنگاه‌ها را به عنوان نقطه جمع‌آوری مالیات در نظر بگیرند و مالیات‌های تجاری بالاتری وضع نمایند. چنین مالیات‌های پردردسر و پرهزینه‌ای، انگیزه مناسبی برای فرار مالیاتی ایجاد می‌کند.

۶.۳.۷.۱-کشورهای انجام دهنده اصلاحات و پیشتاز

بر اساس گزارش بانک جهانی، ۲۸ کشور به اصلاحات و انجام تغییرات جدی در نظام مالیاتی اقدام کرده‌اند. اکثر کشورها در پیروی از یک روند بلندمدت، نرخ مالیات شرکت‌ها را کاهش دادند. با این حال چندین کشور به افزایش قانون‌پذیری و پایه عملیاتی اقدام نمودند بطوریکه علی‌رغم کاهش نرخ‌ها و یا ثابت ماندن آن‌ها، مجموع درآمد مالیاتی افزایش یافت.

کشور فنلاند از مالیات‌های تجاری به نسبت بالاتری نسبت به مکزیک برخوردار است اما بنگاه‌های فنلاندی شکایت کمتری درباره بار مالی مالیات دارند. این موضوع که بنگاه‌های فنلاندی این کشور را در بین ده کشور با کیفیت بالا در زیربناها و خدمات اجتماعی رتبه‌بندی می‌کنند به همین قضیه مربوط است.

در سال ۱۹۹۴ میلادی کشور استونی به انجام اصلاحات اساسی در قانون مالیاتی اقدام نمود و یک مالیات ثابت ۲۶درصدی بر درآمد شرکت‌ها و درآمد شخصی وضع نمود. موفقیت این کشور، سایر کشورهای اروپای شرقی را نیز ترغیب به انجام این اصلاحات نمود.

کشور صربستان و مونته‌نگرو از شیوه دیگری پیروی کرده و از سیستم مالیات بر ارزش افزوده استفاده نمود. استفاده از این سیتم مزایای متعددی دارد. سیستم مالیات بر ارزش افزوده از سرازیر شدن مالیات جلوگیری می‌کند که مالیات بر مالیات پرداخت شود. این نوع مالیات تا حدودی تنفیذی است چون شرکت‌ها اعتبار مالیاتی برای مالیات پرداختی خریدهای خود دریافت می‌کنند، بنابراین آنها مایل هستند تا با سایر شرکت‌های ثبت شده برای مالیات بر ارزش افزوده معامله کنند.

اصلاحات مالیاتی می‌تواند موجب چالش‌های سیاسی شده و منازعاتی جدی ایجاد نماید. اما هنگامی که مالیات‌ها ساده و عادلانه باشند و برای رشد ایجاد انگیزه نمایند هم بنگاه ها هم دولت نفع خواهند برد. ۴ روش برای این اقدام به شرح زیر بیان می‌شود:

الف- تجمیع مالیات‌ها

ب- کاهش معافیت‌ها و امتیازات ویژه

ج- تسهیل مراحل تشکیل پرونده مالیاتی

د- گسترش پایه مالیاتی با تعدیل نرخ مالیاتی در کشورهای در حال توسعه

۶.۳.۷.۲-دلایل انجام اصلاحات

بنگاه‌ها نرخ‌های مالیاتی پایین‌تر را ترجیح می‌دهند زیرا به سادگی قابل پرداخت هستند. در صورتی که نرخ‌های مالیاتی بالا باشند، بنگاه‌ها در قبال پرداخت‌های مالیاتی، انتظار دریافت خدمات مطلوب‌تری دارند و اکثر اوقات در کشورهای در حال توسعه این اتفاق روی نمی‌دهد.

اخذ مالیات‌های سنگین و ناعادلانه نتایج نامطلوبی به بار می‌آوردو باعث افزایش فساد می‌شود. اکثر کارآفرینان در مواجهه با چنین وضعیتی ترجیح می‌دهند که در اقتصاد غیر رسمی فعالیت کنند. با فعالیت بنگاه‌ها در بخش غیر رسمی، آنها هیچ مالیاتی نمی‌پردازند و درآمد مالیاتی دولت برای ارائه خدمات عمومی و ضروری دائما کاهش می‌یابد.

۶.۳.۷.۳-بررسی وضعیت ایران در این شاخص و ارائه راهکار

انجام اصلاحات در نظام مالیاتی کشور همواره مورد توجه و نظر سیاستگذاران و صاحبان مشاغل بوده است. در کشور ایران نیز در طول برنامه سوم و چهارم اصلاحاتی در نظام مالیاتی انجام شده‌است اما همچنان تا رسیدن به اهداف مورد نظر فاصله زیادی وجود دارد که لازم است مورد توجه قرار گیرد. اهم مواردی که لازم است در نظام مالیاتی کشور مورد توجه قرار گیرد به شرح زیر است.

- الکترونیکی کردن نحوه ارزیابی، تعیین و دریافت مالیات.
- تجهیز سازمان امور مالیاتی به بسته‌های نرم‌افزاری قابل استفاد برای کلیه مودیان مالیاتی به‌گونه‌ای که تفسیرهای سلیقه‌ای به حداقل برسد و همچنین استفاده از تجهیزات و کارشناسان آموزش‌دیده برای بکارگیری آن.
- حذف کلیه روابط و مناسبات تبعیضی و ناعادلانه که موجب فرار مالیاتی می‌گردد.
- گسترش شیوه مالیات بر ارزش افزوده با استفاده از سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای مناسب و گسترده.
- استفاده هرچه بیشتر از اتحادیه‌ها و تشکل‌های صنفی در تدوین قانون مالیاتی و آیین‌نامه‌های اجرایی آن و همچنین استفاده از آنان در جهت اجرای هرچه بهتر قوانین و مقررات مالیاتی.

۶.۳.۸. تجارت خارجی

برقراری روابط و مناسبات تجاری با سایر کشورها جهت استفاده از تجارب، منابع و امکانات سایر کشورها برای توسعه اقتصادی هر کشوری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. امروزه هیچ کشوری نمی‌تواند با تکیه بر منابع داخلی خویش و بدون توجه به توانمندی‌های سایر کشورها مدارهای توسعه‌یافتگی را طی کند. برای ایجاد هرچه بهتر و مناسب‌تر تعامل مثبت و سازنده با سایر کشورها لازم است نظام تجارت خارجی کشور ساماندهی گردد.

۶.۳.۸.۱-کشورهای انجام دهنده اصلاحات و پیشتاز

بر اساس گزارش بانک جهانی بساری از کشورها، امور گمرکی یا حمل و نقل تجاری را اصلاح کردند. مصر در رأس کشورهایی است که به انجام اصلاحات گسترده اقدام نمودند.

اصلاحات	کشورها
تعیین سقف زمانی محدود در گمرک	کامرون، کلمبیا، مصر، گواتمالا، جامائیکا،پرو، روسیه
تشکیل پرونده‌های الکترونیکی	فیجی، مجارستان
حذف مجوزهای تجاری	آلمان، پاکستان،اوگاندا، یمن
آشنایی بازرسانبا تحلیل ریسک	اتریش، جزیره موریس، تیمور شرقی
توقف بازرسی‌های قبل از حمل	فیلیپین، رواندا
بهبود زیر ساخت‌ها راه‌ها و بنادر	افغانستان، چین، موریتانی، امارات متحده عربی
اتوماسیون پرداخت مالیات تجاری	لیران، پاناما، اسپانیا

Source: Doing Business Database

جدول ۴-۶: انواع اصلاحات صورت گرفته در کشورهای مختلف در سال ۲۰۰۴ میلادی در خصوص قوانین امور گمرکی و حمل و نقل تجاری

برای کاهش هزینه‌های مربوط به ترانزیت کالاهای تجاری و گسترش روابط تجاری میان کشورها، سه روش از مؤثرترین راه‌های اصلاحات به شرح ذیل مورد استفاده قرار گرفته‌است.

الف- اصلاح منطقه‌ای قوانین امور گمرکی و حمل و نقل

ب- تشکیل پرونده الکترونیکی برای بررسی اسناد تجاری

ج- استفاده از سیاست ارزیابی ریسک در خصوص انجام بازرسی

د- پیمان‌سپاری مدیریت بازرسی و گمرکی قبل از حمل

۶.۳.۸.۲-دلایل انجام اصلاحات

کشورهایی که از امور گمرکی و حمل و نقل تجاری الکترونیکی برخوردارند، به اسناد و امضاهای کمتری نیاز دارند و در نتیجه زمان کمتری نیز برای انجام مراحل اداری و تشریفات گمرکی مربوط به رویه‌های صادرات و واردات اختصاص می‌دهند. در این کشورها فعالیت صادرکنندگان آسان‌تر است.

مواجهه بازرگانان با تأخیرهای طولانی در انجام تشریفات گمرکی و تقاضای متعدد رشوه، موجب می‌شود که آنان از عبور از مرزهای گمرکی مجاز اجتناب کنند و کالاها را از طریق قاچاق ارائه نمایند. ورودیا صدور کالا از طریق قاچاق موجب می‌شود که نظارتی بر کیفیت کالای وارد شده و یا صادر شده صورت نپذیرد و درآمدهای پیش‌بینی شده از راه مالیات بر واردات و صادرات نیز حاصل نشود.

۶.۳.۸.۳-بررسی وضعیت ایران در این شاخص و ارائه راهکار

صرف‌نظر از بسیاری از محدودیت‌ها و موانع موجود در تجارت خارجی که در اثر خط‌مشیِ‌سیاسی حاکم بر کشور شکل گرفته‌است تجارت خارجی ایران نیازمند برخی اصلاحات اساسی است تا صاحبان کسب‌وکار نسبت به صادرات و واردات انگیزه بیشتری داشته باشند.

- به‌حداقل رساندن تنش‌های سیاسی و نوسانات حاکم بر سیاست‌های خارجی کشور برای برقراری یک وضعیت باثبات در انجام بازرگانی خارجی.
- استفاده هرچه بیشتر از خدمات الکترونیکی برای انجام صادارت و واردات از ابتدا تا انتهای پروسه صادرات یا واردات کالا یا خدمات فنی مهندسی.
- مشارکت هرچه گسترده‌تر اتحادیه‌ها و تشکل‌های صنفی در تدوین و اجرای قوانین تجارت خارجی مشتمل بر موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای.
- پایدارسازی سیاست‌ها و آیین‌نامه‌های اجرایی در کلیه مراحل گمرکی و ابلاغ و اجرای شفاف و دقیق مقررات تجاری برای پرهیز از تفسیرهای سلیقه‌ای.

۶.۳.۹. اجرای قراردادها

صیانت از اصل سرمایه و رسیدگی هرچه سریع‌تر به دعاوی گوناگون بین اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصا دعاوی بین مأموران دولت و فعالان امور اقتصادی همواره از طرف صاحبان کسب‌وکار به‌عنوان یکی از ضرورت‌ها و الزامات اطمینان‌بخش در فضای کسب‌وکار می‌باشد. کلیه اشخاصی که می‌خواهند در یک محیط اقتصادی به فعالیت بپردازند لازم است از اعتماد کافی نسبت به اجرای قرادادها و ضمانت‌های اجرایی لازم برای حسن اجرای آن برخوردار باشند.

۶.۳.۹.۱-کشورهای انجام دهنده اصلاحات و پیشتاز

کشور صربستان و مونته‌نگرو که در سال ۲۰۰۳ میلادی طولانی‌ترین تأخیر در مراحل دادگاهی را داشت با انجام اصلاحاتی روزهای تأخیر را از ۱۲۰۸ به ۶۳۵ روز کاهش داد. دو قانون جدید در این کشور درباره رویه‌های مدنی و اجرایی احکام قضایی تصویب شد. بر اساس این قوانین سقف زمانی مشخص تعیین گردید. برای مثال فرد بدهکار تنها سه روز پس از رأی قاضی فرصت درخواست تجدید نظر دارد. پیش از این، انجام این مراحل می‌توانست ۱۰ ماه طول بکشد.

جدول زیر گویای مجموعه اصلاحاتی است که برای اجرای هرچه سریع‌تر و بهتر قراردادها از سوی کشورهای مختلف صورت پذیرفته‌است که در گزارش بانک جهانی به‌آن اشاره شده است.

دادگاه‌ها باید دردسترس، سریع، عادلانه و کم‌هزینه باشند. وجود تأخیرهای طولانی بنگاه‌ها را مجبور می‌سازد تا دنبال ابزارهای دیگری برای حل و فصل اختلافات خود باشند. اگر مراجعه به دادگاه از هزینه‌های بالایی برخوردار باشد معاملات تجاری کمتری صورت می‌پذیرد و تنها گروه کوچکی از مردم برای حل مشکلات خود به دادگاه مراجعه می‌کنند.

اصلاحات	نام کشورها
کارآمدسازی فرایند تجدیدنظر	روسیه سفید، برزیل، بوروندی، جمهوری چک، رومانی، رواندا، صربستان و مونته‌نگرو
کوتاه کردن زمان اجرای حکم	آلمان، قزاقستان، لتونی، لهستان، رواندا
تعیین سقف زمانی برای احکام صادره	فیلیپین، رواندا، صربستان و مونته‌نگرو، ویتنام
معرفی صورت‌جلسات دادگاه	بوروندی، لتونی
ایجاد مدیریت موردی	اسلوونی

Source: Doing Business database.

جدول ۵-۶ : انواع اصلاحات صورت گرفته در کشورهای مختلف در سال ۲۰۰۴ میلادی در خصوص شرایط دادگاه‌ها

انجام سه نوع اصلاحات به شرح زیر در این‌گونه مواقع ضروری است:

الف- کاهش تأخیر در فرآیند تصمیم‌گیری پرونده‌ها

ب- کاهش تعداد ارجاع درخواست‌های تجدیدنظر به دادگاه عالی

ج- ایجاد فضای رقابتی با تعدد مراجع تشخیص و اجرای حکم

۶.۳.۹.۲-دلایل انجام اصلاحات

چندین استدلال قوی برای اصلاح شرایط حاکم بر دادگاه‌ها وجود دارد. دلیل اول آنکه اجرای آسان قراردادها رابطه نزدیکی با وام‌دهی بیشتر بانک‌ها دارد.

دلیل دوم اینکه وجود دادگاه‌هایی با کارآیی بالا ورود بنگاه‌های جدید و استخدام توسط بنگاه‌های فعال را افزایش می‌دهد. دلیل سوم آنکه انجام اصلاحات تقاضا برای بودجه دولتی را کاهش می‌دهد. و در آخر اینکه سلامت قوه قضائیه در کشورهایی بالاتر است که صدور رأی پرونده‌ها سریع‌تر و مراحل اداری کمتر است.

۶.۳.۹.۳-بررسی وضعیت ایران در این شاخص و ارائه راهکار

علیرغم کلیه اصلاحاتی که در نظام قضایی کشور در طی سال‌های گذشته صورت گرفته‌است اما همچنان فعالان اقتصادی کشور نسبت به نحوه اجرای قراردادها و رسیدگی به دعاوی ناراضی و نامطمئن می‌باشند. جهت اطمینان‌بخشی به اشخاص حقیقی و حقوقی در جهت رسیدگی به دعاوی و اجرای هرچه بهتر قراردارها لازم است در نظام قضایی و حقوقی کشور اصلاحات زیر انجام پذیرد.

- الکترونیکی کردن هرچه بیشتر روند دادرسی و برگزاری دادگاه‌ها به‌گونه‌ای‌که سرعت حل اختلافات هرچه بیشتر و هزینه مترتب برآن به حداقل کاهش یابد.
- ساماندهی هیئت‌های حل اختلاف صنفی و تخصصی برای رسیدگی هرچه سریع‌تر و دقیق‌تر اختلافات و به رسمیت شناختن این هیئت‌ها.
- تشکیل شعبه‌های خاصی از دادگاه‌های تخصصی اقتصادی برای رسیدگی به دعاوی و اجرای هرچه بهتر قراردادها.
- کسب اعتماد هرچه بیشتر ارباب رجوع دادگاه‌ها نسبت به مطلوب بودن نظام قضایی از نظر بی‌طرف بودن، در دسترس بودن، سریع بودن و کم‌هزینه بودن نظام قضایی.

- استفاده هر چه بیشتر از اتحادیه‌ها و تشکل‌های صنفی و کارشناسان خبره در مراحل مختلف دادرسی‌ها و دادگاه‌ها و همچنین تقویت هیئت‌های حل اختلاف.

۶.۳.۱۰. تعطیل کردن کسب و کار

تداوم فعالیت اقتصادی در برخی مواقع ممکن است به‌دلیل شرایط محیطی یا فنی با مشکلات گوناگون روبرو شود که ادامه فعالیت بنگاه اقتصادی ناممکن گردد و در چنین وضعیتی بنگاه اقتصادی به ناچار تعطیل و ورشکسته می‌گردد.

هر کشوری باید رویه‌های مؤثری برای تعطیل کردن بنگاه‌های ضعیف برای کمک به بنگاه‌های فعال که مشکلات موقت را تجربه می‌کنند، داشته باشد.

۶.۳.۱۰.۱-کشورهای انجام دهنده اصلاحات و پیشتاز

بر اساس گزارش بانک جهانی قوانین ورشکستگی در ۹ کشور مورد تجدید نظراساسی قرار گرفته‌است. در هفت کشور برزیل، فنلاند، اندونزی، ژاپن، پرتغال، صربستان و مونته‌نگرو و ویتنام، قوانین ورشکستگی جدیدی به تصویب رسیده است. اما کشورهای ماداگاسکار و تایلند با متمم‌ها و اصلاحیه‌هایی که به قانون قبلی اضافه نمودند قانون ورشکستگی متمرکز شده و بنابراین اتکاء و مراجعه به دادگاه‌ها کاهش یافته‌است.

تصویب قانون جدید ورشکستگی در پرتغال موجب سرعت بخشیدن به فرآیند دادخواهی‌ها شده و قدرت اعتباردهندگان را افزایش داد. در این قانون پیگیری ورشکستگی مورد نظر قرار می‌گیرد. قاضی، سرپرست اموال و بستانکار، به صورت مشترک آینده شرکت را بررسی کرده و تصمیم می‌گیرندکه دستور انحلال یا تجدید سازمان شرکت را اعلام کنند. اصلاحات جدید دامنه شرایطی که دادخواهی‌ها را موجب می‌گردد افزایش داده و تقاضا برای ورشکستگی را آسان‌تر می‌سازد. انجام این تغییرات و اصلاحات، زمان لازم برای ورشکستگی را ۶ ماه کاهش داد و نرخ وصول طلب را از ۶۹ سنت در یک دلار طلب به ۷۵ سنت افزایش داد.

اصلاحات در کشور ژاپن نیز فرایند انجام امور ورشکستگی را سرعت داد چراکه به شرکت‌های بیشتری اجازه داده شد تا در دادگاه‌های تخصصی شهرهای توکیو و اوزاکا حضور یابند و متصدی ورشکستگی، دارایی‌ها را جدای از دیگر مطالبات بفروشد. در گذشته رضایت تمامی اعتبار دهندگان برای فروش دارایی‌ها لازم بود و این امر فرآیند فروش دارایی‌ها را به تأخیر می‌انداخت.

بر اساس گزارش و تجارب بانک جهانی انجام اصلاحات در این حوزه می‌تواند شامل مواردی به شرح زیر باشد:

الف) تشویق به استمرار فعالیت کسب و کارهای فعال و پویا

قوانین ورشکستگی کارا، بنگاه‌های ضعیف شده ولی فعال و توانمند را حفظ می‌کند. اتکا به ابزارهایی مانند اعطای حق دعاوی و تسویه‌حساب‌ها می‌تواند به ادامه فعالیت بنگاه‌ها منجر شود. استفاده از حق دعاوی اغلب به فروش کل بنگاه جهت ارائه به مالکان جدید منجر می‌شود که آنرا به صورت یک بنگاه فعال حفظ می‌کند.

ب) تشکیل کمیته اعتباردهندگان

با انجام اصلاحات در کشور فنلاند به اعطاکنندگان اعتبار این اجازه داده شد به تأسیس کمیته اعتباردهندگان بپردازند تا به مسئول اموال مشاوره دهند. انجام این اقدام برای املاک و مستغلات بزرگ اجباری است. این اقدام باعث شد که قدرت اعتباردهندگان و نرخ وصول افزایش یابد. علت این افزایش آن است که انجام چنین اصلاحاتی انگیزه اعتبار دهندگان را با تجدید سازمان بنگاه‌های فعال و تعطیل کردن بنگاه‌های ضعیف مرتبط می‌سازد و زمانی که اعتبار دهندگان در تصمیمات مشارکت دارند، دادخواست‌ها باعث حداکثر شدن وصول طلب می‌شود و هنگامی که اعتبار دهندگان از حق انتخاب در مورد روش ورشکستگی (تجدید سازمان یا تصفیه بنگاه) برخوردارند، تنها زمانی روش تجدید سازمان را انتخاب می‌کنند که احتمال وصول مطالبات بالا باشد.

ج) اعطای فرصت مجدد به کارآفرینان جهت شروعی تازه

در بعضی از کشورها ورشکستگی مشمول مجازات‌های سنگینی می‌شود و حتی ممکن است کارآفرین ورشکسته مجوز تجاری خود را نیز از دست بدهد. بدهکاران ورشکسته با مشکلات متعددی مواجه‌اند، که مهمترین آن این است که چرا باید با اعمال مجازات‌های حقوقی وضعیت تشدید شود؟ با توجه به تبعات این مجازات‌ها، اصلاح قوانین ورشکستگی مورد استقبال قرار گرفت.

۶.۳.۱۰.۲- دلایل انجام اصلاحات

خروج آسان‌تر بنگاه‌ها به معنای ورود آسان‌تر آن‌ها به فضای کسب و کار است. قوانین ورشکستگی مناسب می‌تواند کارآفرینان را به فعالیت اقتصادی تشویق کند. آزاد گذاشتن بنگاه‌ها برای این موضوع که شکست‌ها را بپذیرند و انجام اقدامات لازم از طریق فرآیندی کارا، مردم و سرمایه‌ها را در موقعیتی اثربخش و بهینه قرار می‌دهد. در نتیجه کسب و کارها مؤثرتر و تعداد فرصت‌های شغلی بیشتر می‌شود.

۶.۳.۱۰.۳-بررسی وضعیت ایران در این شاخص و ارائه راهکار

در طی سال‌های گذشته به‌دلیل فقدان تفکیک میان شرکت‌های ناتوان و شرکت‌های توانمند این امکان به‌وجود نیامده‌است که ورشکسته‌شدن و از چرخه تولید خارج شدن برخی شرکت‌ها به‌عنوان یک ضرورت و الزام مورد توجه قرار گیرد. عدم شفافیت و فقدان ارزیابی و تشخیص دقیق موجب شده‌است که کلیه شرکت‌ها صرف‌نظر از میزان توانمندی و قابلیت آنان به فعالیت زیان‌ده خویش نیز ادامه دهند. براین اساس لازم است در اقتصاد کشور نسبت به این شاخص توجه ویژه‌ای گردد و اصلاحات زیر مورد توجه قرار گیرد.

- شفاف‌سازی روابط و مناسبات اقتصادی کشور برای رقابتی کردن فعالیت‌ها و شرکت‌ها تا شرکت‌های غیراقتصادی و ناتوان از شرکت‌های مشکل‌دار تفکیک گردد.
- شرکت‌های دارای مشکل و موانع در صورتی‌که امکان بازسازی و تداوم فعالیت را دارند مورد حمایت قرار گرفته و شرکت‌هایی که چنین امکانی ندارند به‌عنوان ورشکسته اعلام گردند.
- نظام قضایی و حقوقی کشور شرایطی را فراهم آورد تا کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با شرکت‌های ورشکسته از حمایت کافی و لازم برخوردار شده و کلیه حقوق قانونی آنان حفظ گردد.
- با مشارکت گسترده و جدی اتحادیه‌ها و تشکل‌های صنفی هیئت‌های تسویه تشکیل گردیده و در اسرع وقت فرآیند اعلام و اجرای ورشکستگی طی گردد.

۶.۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

هر چند ممکن است برخی افراد نسبت به نحوه تعیین و ارزیابی شاخص‌ها تشکیک نمایند اما اجماع حاصل شده در شاخص‌های که از طرف سازمان‌ها و نهادهای مختلف بدست آمده‌اند گویای آن است که فضای کسب و کار و همچنین محیط اقتصادی کشور از هر زاویه و بر اساس هر پارامتری که محاسبه گردد. وضعیت نامطلوب و همچنین روند رو به افزایش نااطمینانی را به دنبال دارد. بر اساس آنچه که در فصل ششم گفته شد. لازم است اقدامات همه جانبه‌ای در اقتصاد کشور به اجرا گذاشته شود. تا این روند تغییر کرده و فضای کسب و کار کشور بهبود یابد.

در فصل ششم راهکارهای اساسی جهت بهبود جایگاه دولت در عرصه سیاستگذاری، اجرا و نظارت و همچنین چگونگی شکل‌گیری و تقویت نهادهای اقتصادی و اجتماعی برای توانمندسازی بخش خصوصی و در نهایت مکانیزم تقویت نظام حقوقی و قضایی کشور برای ایجاد ثبات و پایداری در رسیدگی به دعاوی و تثبیت حقوق مالکیت بیان گردید که به اختصار بدانها اشاره می‌گردد.

۱- در حوزه جایگاه و نقش نهاد دولت لازم است اقدامات ذیل صورت پذیرد.

۱-۱بازنگری در نحوه تهیه و تصویب قوانین و آیین‌نامه‌های اجرایی آن برای مشارکت دادن هر چه بیشتر بخش خصوصی

۱-۲ ایجاد شفافیت و ثبات هرچه بیشتر در اجرای قوانین و پرهیز از تفسیرهای سلیقه‌ای

۱-۳ افزایش استانداردهای "حکمرانی خوب" برای تسهیل و گسترش فعالیت‌های اقتصادی

۱-۴ بهبود روابط دیپلماتیک با کشورهای جهان و ایجاد تعامل مثبت و سازنده با دولت‌ها برای تقویت روابط تجاری

۱-۵ به حداقل رساندن انحصارات و استیلای بخش دولتی به فعالیت‌های اقتصادی و تقویت سهم بخش خصوصی

۲. در حوزه ایجاد و گسترش سایر نهادهای مورد نیاز برای تقویت فعالیت‌های اقتصادی لازم است گام‌های زیر برداشته شود.

۲-۱ ایجاد، گسترش وتقویت نهادهای مردم‌نهاد در همه حوزه‌ها از جمله حوزه‌های اقتصادی

۲-۲ واگذاری مسئولیت‌ها و وظایف مربوط به دادن امتیازات و مجوزها

۲-۳ تقویت ارکان نهاد بازار برای رقابت‌پذیری هرچه‌بیشتر آن

۲-۴ گسترش و تقویت نهادهای مدنی برای تثبیت حقوق مالکانه

برای تکمیل نقش نهادها در در ساماندهی اقتصاد کشور لازم است در حوزه نهاد حقوقی و قضایی نیز اقدامات زیر صورت پذیرد.

ایجاد و گسترش نهادهای حقوقی مردم‌نهاد که به عنوان مکمل نهاد رسمی قضایی کشور به دعاوی رسیدگی کنند. (هیئت‌های حل اختلاف)

۳-۲ ایجاد و گسترش دادگاه‌های تخصصی برای رسیدگی به دعاوی خاص و ویژه

۳-۳ جلب اعتماد همه‌جانبه فعالان اقتصادی به نظام قضایی در جهت تقویت حقوق مالکیت

۳-۴ به رسمیت شناختن مالکیت معنوی و تلاش برای دفاع همه‌جانبه از آن

علاوه بر موارد فوق‌الذکر که به‌عنوان مقدمه و پیش‌نیاز یک اقتصاد سالم و شکوفا اجتناب‌ناپذیر است، لازم است در شاخص‌های ارائه شده توسط بانک جهانی نیز اصلاحات لازم صورت پذیرد.

نکته اساسی در بهبود فضای کسب و کار در کشور آن است که تمامی این پیشنهادات ممکن است در قالب اسناد کتبی و ارایه مدون چشم‌انداز و برنامه‌های ۵ ساله درج شده باشد. اما مشکل اصلی ان است که متاسفانه این راهکارها به اجرا گزارده نمی‌شود و از سوی دیگر بخش خصوصی و فعالان اقتصادی نیز از چنان توان و موقعیتی برخوردار نیستند که به عنوان اصلی‌ترین مدعی، خواستار اجرای دقیق این راهکارها باشند.

در پایان با توجه به آن‌که اکثر این بررسی‌ها توسط نهادهای بین‌المللی انجام شده‌است و ممکن است در تهیه آنها از اطلاعات باواسطه استفاده شده باشد، پیشنهاد می‌گردد که اتاق بازرگانی و صنایع و معادن به صورت مستقل بر اساس شاخص‌های تعریف شده به تعیین و محاسبه این شاخص‌ها در محیط اقتصادی کشور بپردازد. انجام این کار از دو روش امکان‌پذیر می‌باشد.

الف) استفاده از روش رجوع به نخبگان و صاحب‌نظران از طریق روش پیمایشی. در این روش با طراحی پرسشنامه مشخص کوشش می‌شود در قالب مدل بانک جهانی یا طراحی یک مدل جدید به جمع‌آوری طبقه‌بندی، تجزیه و تحلیل ارزیابی فضای کسب و کار در کشور پرداخت.

ب) استفاده از روش محاسبه هزینه‌ها، تعداد مراحل و میزان زمان مورد نیاز برای پشت سر گذاردن مراحل مختلف از آغاز تا پایان یک پروژه اقتصادی در کشور در حوزه‌های مختلف.

با استفاده از هر کدام از روش‌های معرفی شده می‌توان به صورت مستقل به بررسی فضای کسب و کار کشور پرداخت و شاخص‌های بدست آمده را با شاخص‌های ارایه شده توسط سازمان‌های بین‌المللی مقایسه کرد.



فصل هفتم – مقایسه شاخص فضای کسب و کار با سایر شاخص ها

فصل هفتم – مقایسه شاخص فضای کسب و کار با سایر شاخص ها

۷.۱- مقدمه

همانطور که در فصل‌های پیش بررسی شد رتبه کسب و کار ایران از میانگین رتبه کشورهای جهان سومی هم نامناسب‌تر است. تفاوت زیادی بین رتبه ایران وکشورهای جهان سومی در مقایسه با کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته وجود دارد که نشان از اوضاع نامناسب کسب و کار در ایران دارد(نمودار ۷-۱).



Source: Doing Business database

نمودار ۱-۷ : جایگاه ایران از منظر رتبه کسب و کار

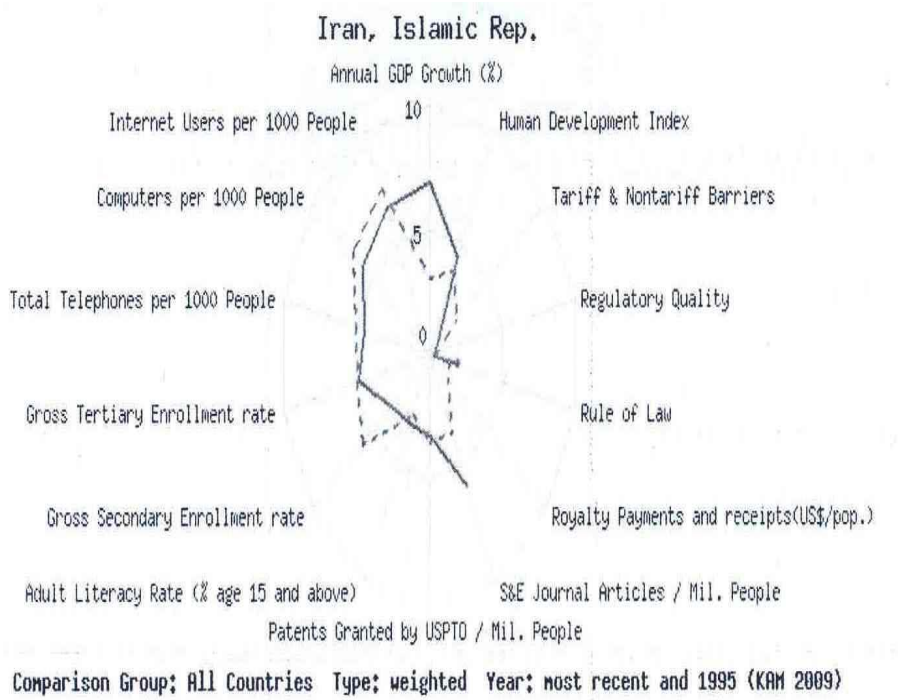
این وضعیت ضرورت توجه هرچه بیشتر نسبت به بهبود شاخص‌های مربوط را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. تأملی در سایر بررسی‌ها و رتبه‌بندی‌هایی که توسط سایر نهادها و مؤسسات بین‌المللی ارئه می‌گردد ضرورت این توجه را دوچندان می‌کند. نکته قابل تأمل دیگر آنست که در طی سال‌های اخیر این روند نامناسب تشدید شده و همچنان ادامه دارد. با توجه به اینکه سازمان‌ها و نهادهای بین المللی از زوایای مختلف و متفاوتی به بررسی وضعیت کلی اقتصاد کشورها می‌پردازند تاملی در کلیه این شاخص‌ها موقعیت و جایگاه اقتصاد کشور در بین کشورهای جهان را نشان می‌دهد.

جهت روشن‌تر شدن این بحث به برخی از شاخص‌ها و بررسی‌های انجام شده پیرامون متغیرهای مهم و مؤثر اقتصادی که توسط سازمان‌های بین‌المللی صورت گرفته است. اشاره می‌گردد.

۷.۲- شاخص اقتصاد دانش‌محور

بانک جهانی در بررسی نحوه و میزان به‌کارگیری اقتصاد دانایی در میان کشورها مطالعاتی انجام داده‌است که نشان می‌دهد کشورهای جهان و خصوصا کشورهای منطقه تا چه اندازه از الزامات اقتصاد دانش‌محور بهره می‌گیرند.

بررسی مذکور نشان می‌دهد که در بین ۱۸ کشور منطقه، کشور ایران در رتبه سیزدهم قرار دارد و این به مفهوم آنست که اقتصاد ایران تا چه اندازه از این الزامات بی‌بهره می‌باشد.



نمودار ۲-۷ : وضعیت ایران در شاخص‌های تخمین دانش بانک جهانی در سال ۲۰۰۹ در مقایسه با سال ۱۹۹۵

جدول زیر نشان می‌دهد که کشور ایران در میان کشورهای حوزه منا از نظر شاخص‌های مختلف اقتصاد دانایی در چه جایگاهی قرار دارد.

Rank		Country	Missing Data	KEI	KI	Economic Incentive Regime	Innovation	Education	ICT
1	0	Israel		8.01	7.93	8.24	9.4	6.86	7.54
2	1	Malta		7.58	7.18	8.78	7.95	5.86	7.74
3	3	Qatar	X	6.73	6.63	7.05	6.45	5.37	8.06
4	0	United Arab Emirates	X	6.73	6.72	6.75	6.69	4.9	8.59
5	-3	Bahrain	X	6.04	5.8	6.75	4.29	5.82	7.3
6	-1	Kuwait		5.85	5.63	6.5	4.98	4.93	6.96
7	0	Jordan	X	5.54	5.39	5.99	5.59	5.62	4.95
8	1	Oman	X	5.36	4.77	7.15	4.94	4.47	4.9
9	1	Saudi Arabia		5.31	5.1	5.94	3.97	4.89	6.43
10	-2	Lebanon		4.81	4.93	4.42	4.53	4.92	5.35
11	1	Tunisia		4.42	4.54	4.04	4.65	4.08	4.88
12	-1	Egypt, Arab Rep.		4.08	4.24	3.59	4.44	4.35	3.92
13	1	Iran, Islamic Rep.	X	3.75	4.67	0.99	4.56	3.8	5.65
14	-1	Morocco		3.54	3.35	4.12	3.72	1.95	4.37
15	1	Algeria	X	3.22	3.57	2.18	3.59	3.66	3.46
16	-1	Syrian Arab Republic	X	3.09	3.57	1.65	3.17	3.1	4.43
17	1	Yemen, Rep.		2.2	2.04	2.66	2.67	1.79	1.67
18	-1	Djibouti	X	1.47	1.3	1.99	1.68	0.88	1.32

source:http://info.worldbank.org

جدول ۱-۷: وضعیت ایران در الزامات اقتصاد دانش‌محور در مقایسه با کشورهای منطقه منا

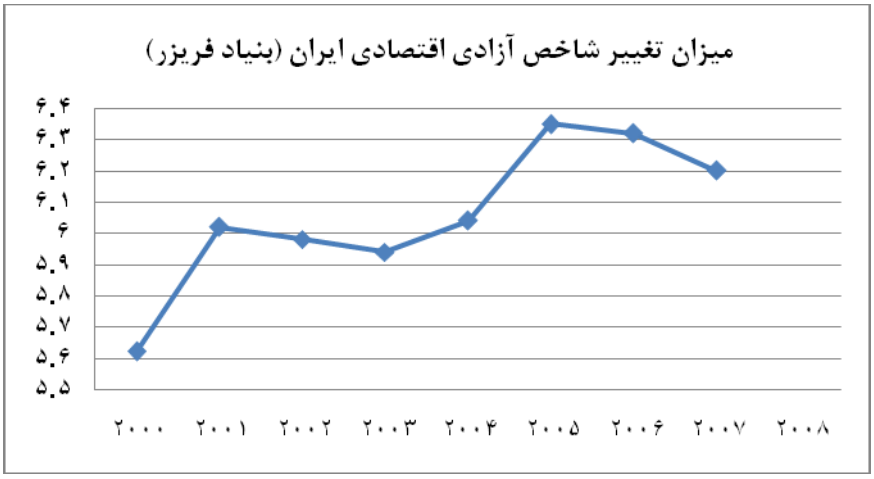
۷.۳- شاخص آزادی اقتصادی

بنیاد فریزر یکی دیگر از مؤسسات بین‌المللی است که در طی سال‌های گذشته کوشیده است با استفاده از اطلاعات مربوط به برخی شاخص‌های اقتصادی به ارزیابی و تحلیل فضای عمومی اقتصادی کشورهای جهان بپردازد. از نظر این مؤسسه شفافیت و رقابت‌پذیری اقتصاد، مهم‌ترین عواملی هستند که تحت عنوان "آزادی اقتصادی" قادر به ترسیم فضای عمومی اقتصادی کشورها می‌باشند و بر این اساس این مؤسسه

می‌کوشد با محاسبه شاخص آزادی اقتصادی به تجزیه و تحلیل و همچنین رتبه‌بندی کشورهای جهان بپردازد.

هرچند شاخص آزادی اقتصادی بر مبنای متغیرهایی چون فساد، رانت و انحصار مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد و این پارامترها نیز همواره در اقتصاد کشورها مخفی و پنهان می‌باشد اما این مؤسسه کوشیده‌است تا با استفاده از انواع روش‌ها و تعریف برخی شاخص‌های مجازی به محاسبه این شاخص‌ها بپردازد.

بر اساس این محاسبات و با تکیه بر آمارهای رسمی منتشر شده از سوی بنیاد فریزر، شاخص آزادی اقتصادی محاسبه شده برای ایران در گزارش سال ۲۰۰۹ میلادی برابر عدد ۵/۹۹ از شاخص کل ۱۰ می‌باشد که این عدد ایران را ۱۱۲امین اقتصاد آزاد دنیا از بین ۱۵۳ کشور بررسی شده معرفی می‌کند. شایان ذکر است که هنگ‌کنگ با کسب امتیاز ۸/۹۷ در رتبه نخست آزادی اقتصادی قرار دارد. رتبه ایران در این لیست چندان رضایت‌بخش نیست ولی ایران در شمار ۱۲ کشوری می‌باشد که نمره شاخصشان از سال ۱۹۸۰ بیش از ۲/۵۰ واحد افزایش یافته است. در نمودار ۷-۳ میزان تغییرشاخص آزادی اقتصادی بنیاد فریزر برای ایران از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ نمایش داده شده است (www.freetheworld.com, www.heritage.org)



نمودار ۳-۷ : میزان تغییر شاخص آزادی اقتصادی ایران(بنیاد فریزر) از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹

روند تغییرات شاخص فوق نشان می‌دهد که هرچند در کشور ایران در طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ روند رو به بهبود نسبتا مطلوبی داشته‌است اما در سال‌های ۲۰۰۵ به‌بعد این روند نزولی شده است که بیانگر نامطلوب بودن شاخص آزادی اقتصادی در ایران می‌باشد.

۷.۴- شاخص رقابت‌پذیری اقتصاد

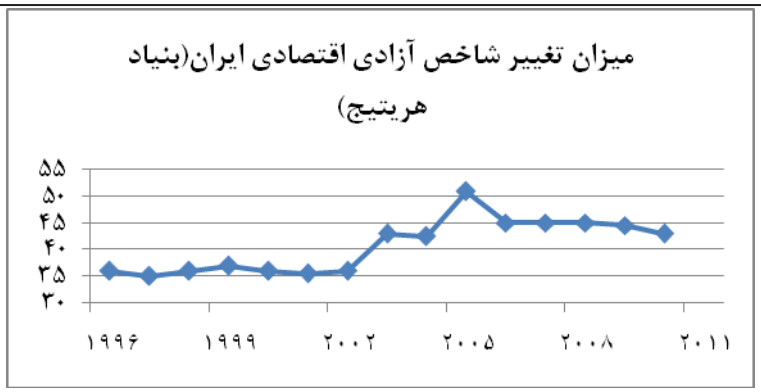
مؤسسه دیگری که در زمینه تجزیه و تحلیل فضای عمومی اقتصادی کشورها به بررسی شاخص‌های مورد نظر خویش می‌پردازد، بنیاد هریتیج می‌باشد. از نظر این مؤسسه مطلوب بودن فضای اقتصادی کشورها برای سرمایه‌گذاران مهم‌ترین عاملی است که بر رشد و توسعه کشورها تأثیرگذار می‌باشد. بر این اساس این مؤسسه نیز می‌کوشد با تکیه بر عوامل مختلف به تجزیه و تحلیل درجه آزادی اقتصادی کشورها بپردازد و بر اساس شاخص‌های محاسبه شده به رتبه‌بندی آنها بپردازد.

علاوه بر محاسبات انجام شده در خصوص درجه آزادی اقتصادی کشورها، بنیاد هریتیج نیز کوشیده است در ارائه تصویر کلی از اقتصاد کشورها به محاسبه برخی شاخص‌های دیگر نیز بپردازد که بیانگر محیط عمومی اقتصاد و میزان مطلوب بودن آن برای سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی می‌باشد. در شاخص ارائه شده توسط بنیاد هریتیج برای سال ۲۰۰۹ نیز کشورمان وضعیت مناسبی نداشته و با کسب امتیاز ۴۳/۴ از ۱۰۰، ۱۶۰امین اقتصاد آزاد دنیا از بین ۱۷۹ کشور می‌باشد. این شاخص مؤلفه‌های گوناگونی را مورد توجه قرار می‌دهد اما یکی از ده شاخص اصلی تعیین کننده نمره شاخص آزادی اقتصادی "آزادی از فساد[۱]" نام دارد. کشور ایران با کسب نمره ۲۳ از ۱۰۰، در جایگاه ۱۴۱امین کشور دنیا از لحاظ مبارزه با فساد قرار دارد. نمودار ۴ روند نمرات شاخص آزادی اقتصادی ایران را از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۰ نشان می‌دهد.

همانطور که در نمودار مشاهده می‌گردد روند تغییرات شاخص تا سال ۲۰۰۵ صعودی و روبه‌رشد بوده است اما بر اساس این شاخص نیز از سال ۲۰۰۵ به‌بعد شاخص آزادی اقتصادی روند نزولی یافته و روبه کاهش گذارده‌است.

---

[۱] Freedom From Corruption



نمودار ۴-۷ : میزان تغییر شاخص آزادی اقتصادی ایران(بنیاد هریتیج) از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۰

جدول ۷- ۲ وضعیت شاخص‌های مختلف اقتصاد کشور ایران را در میان کشورهای منطقه و حوزه MENA نشان می‌دهد.

کشور	رتبه جهانی*	رتبه منطقه‌ای	شاخص آزادی اقتصادی**	شاخص آزادی کسب و کار	شاخص آزادی تجارت	شاخص آزادی مالی دولت	شاخص اندازه دولت	شاخص آزادی پولی	شاخص آزادی سرمایه‌گذاری	شاخص آزادی مالی	شاخص حقوق مالکیت	شاخص نظارت بدون از دخالت	شاخص آزادی کار
۱. آذربایجان	107	16	55.3	61.6	78.4	80.4	82.9	76.5	30	30	30	24	59.2
۲. ارمنستان	28	3	70.3	81.3	85	89	86.4	84.6	70	70	35	29	73.1
۳. ازبکستان	130	19	52.3	67.8	68.4	88	68.3	57.5	30	20	30	21	72.1
۴. افغانستان	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----
۵. امارات متحده عربی	63	8	62.8	47.9	80.4	99.9	80.2	70.9	30	40	40	62	76.2
۶. بحرین	19	1	72.2	80	80.8	99.7	80.3	74.3	60	90	60	57	40
۷. پاکستان	90	15	56.8	70.8	65.2	79.1	90.1	72.2	40	30	30	22	69.1
۸. تاجیکستان	114	17	54.5	43.4	77.8	89.3	84.1	65.8	30	40	30	22	62.1
۹. ترکمنستان	152	22	43.4	30	79.2	90.6	85.3	66.4	10	10	10	22	30
۱۰. ترکیه	74	12	60.8	67.9	86.8	77.7	68.3	70.8	50	50	50	38	48
۱۱. سوریه	144	20	46.6	52.9	54	86.2	60.3	66.2	30	10	30	29	47.1
۱۲. عربستان سعودی	60	8	62.8	72.5	76.8	99.7	69.1	76.7	30	40	30	33	80.6
۱۳. عمان	42	6	67.4	55.8	83.6	98.5	80.7	74.7	60	60	60	54	77.2
۱۴. فلسطین اشغالی	46	7	66.1	68.4	86.5	99.9	85.1	81.8	80	60	70	59	64
۱۵. قبرس	22	2	71.3	70	81	78.2	43	85	70	70	90	56	70
۱۶. قرقیزستان	70	11	61.1	60.4	81.4	93.9	76.1	75.6	50	50	30	22	72
۱۷. قزاقستان	76	13	60.5	56.5	86.2	80.1	84.7	71.9	30	60	30	26	80
۱۸. قطر	66	10	62.2	60	70.8	99.8	72.1	69.4	30	50	50	60	60
۱۹. کویت	39	5	68.3	68.5	81	99.9	74.6	73.8	50	50	55	48	82.1
۲۰. گرجستان	32	4	69.2	85	71	90.7	81.3	71.4	70	70	35	28	99.9
۲۱. مصر	85	14	59.2	59.7	66	90.8	73	69.9	50	40	40	33	69.1
۲۲. یمن	125	18	52.8	53.7	66.4	83.2	58.5	62.9	50	30	30	26	67.7
۲۳. ایران	151	21	44	55	57.4	81.9	84.5	61.3	10	10	10	27	43.8

منابع: Heritage Fundation, Index of Economic freedom 2008

جدول ۲-۷ : شاخص آزادی اقتصادی در سال ۲۰۰۸

جهت روشن شدن این بحث و بررسی دقیق‌تر شاخص‌های محاسبه شده توسط بنیاد هریتیج و روند تغییرات آنها در چند سال اخیر سه شاخص مهم مورد توجه در این بررسی‌ها به‌صورت جداگانه مورد تأکید قرار می‌گیرد.

الف) آزادی اقتصادی

این شاخص بر اساس ملاحظه عوامل مختلف و مؤثر بر رقابتی شدن اقتصاد محاسبه می‌گردد. در محاسبه این شاخص قوانین حاکم بر بازارهای مالی، قوانین تجاری و بازرگانی و همچنین هزینه‌های مبادله مورد توجه قرار می‌گیرند. جدول زیر نشان‌دهنده میزان امتیاز کشور از ۱۰۰ امتیاز به عنوان مبنای محاسبه و همچنین رتبه کشور در میان ۱۷۸ کشور مورد بررسی می‌باشد.

	سال	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰
IRAN	رتبه(از ۱۷۸)	۱۳۵	۱۴۹	۱۵۰	۱۴۹	۱۶۹	۱۶۹
	امتیاز از ۱۰۰	۵۱	۴۵	۴۵	۴۵	۴۵	۴۳

جدول ۳-۷: وضعیت آزادی اقتصادی در ایران از نگاه هریتیج

همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود امتیاز کسب شده توسط اقتصاد ایران از سال‌های ۲۰۰۵ به بعد روند نزولی داشته است و همچنین رتبه ایران نیز در میان کشورها افزایش یافته است که بیانگر نامطلوب بودن آزادی اقتصادی کشور در طی سال‌های گذشته می‌باشد.

ب) شاخص آزادی سرمایه‌گذاری

در محاسبه این شاخص کوشش شده‌است قوانین کار، مبادلات مالی ومیزان دسترسی به ارز برای سرمایه‌گذاران خارجی و قوانین و مقررات حاکم بر ممنوعیت‌ها و مخاطرات سیاسی و اقتصادی سرمایه‌گذاران مورد توجه قرار گیرد.

	سال	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰
IRAN	رتبه(از ۱۷۸)	۱۳۵	۱۵۳	۱۵۳	۱۵۲	۱۷۳	۱۷۴
	امتیاز از ۱۰۰	۳۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۰

جدول ۴-۷: وضعیت آزادی سرمایه‌گذاری در ایران از نگاه هریتیج

محاسبات انجام شده در مورد این شاخص بیانگر آنست که از سال‌های ۲۰۰۵ به بعد رتبه ایران روند صعودی داشته است به‌طوریکه از رتبه ۱۳۵ در سال مذکور به رتبه ۱۷۴ در سال ۲۰۱۰ صعود کرده است.

ج) آزادی پولی

در محاسبه این شاخص میزان دخالت دولت در بازارهای پولی و کنترل نرخ سود بانکی و استقلال بانک مرکزی کشور مورد توجه قرار گرفته‌است.

	سال	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰
IRAN	رتبه(از ۱۸۰)	۱۴۳	۱۵۱	۱۵۰	۱۵۱	۱۷۲	۱۷۶
	امتیاز از ۱۰۰	۶۰	۶۰	۶۲	۶۱	۶۰	۵۵

جدول ۵-۷ وضعیت آزادی پولی در ایران از نگاه هریتیج

شاخص فوق الذکر نیز گویای آنست که امتیاز کسب شده توسط ایران از سال ۲۰۰۵ روند نزولی داشته و در نتیجه رتبه ایران از ۱۴۳ به ۱۷۶ افزایش یافته‌است.

تمامی شاخص‌های مطرح شده در محاسبات بنیاد هریتیج بیانگر روند نامطلوب در فضای عمومی اقتصاد کشور می‌باشد.

۷.۵- شاخص ریسک

یکی دیگر از مؤسساتی که به بررسی فضای اقتصادی کشورهای مختلف می‌پردازد مؤسسه یورومانی (Euromoney) می‌باشد. این مؤسسه برای حصول میزان ریسک و فضای امن سرمایه‌گذاری در کشورهای جهان از شش پارامتر استفاده می‌کند که هر یک از پارامترها دارای وزن مخصوص به‌خود می‌باشند. شاخص ریسک سیاسی مشتمل بر ثبات حاکمیت، محیط قانونگذاری و استقلال نهاد قانون، سیستم قضایی و استقلال آن، میزان فساد حاکمیت و شفافیت اطلاعاتی که ۳۰٪ وزن شاخص کلی ریسک را بر عهده دارد اجزای این شاخص‌ها می‌باشند. شاخص وضعیت کلان اقتصادی کشور که دارای وزن ۳۰٪ می‌باشد مشتمل بر نرخ رشد سالانه GDP، نرخ بیکاری، سیاست‌های ارزی و ریسک نوسانات ارز و استقلال بانک مرکزی می‌باشد. شاخص ساختار بنیادی با ۱۰٪ وزن مشتمل بر ساختار جمعیتی و جنسیتی، قوانین کار و روابط موجود در بازار نیروی کار و زیرساخت‌های موجود می‌باشد. شاخص دسترسی به منابع مالی بین‌المللی،

۱۰٪ وزن و شاخص رتبه اعتباری، ۱۰٪ وزن و همچنین شاخص رتبه اوراق ملی، ۱۰٪ وزن تشکیل‌دهنده ۱۰۰٪ وزن شاخص رتبه ریسک کشور می‌باشد.

بر اساس شاخص فوق کشور ایران در تمامی شاخص‌های فوق از رتبه قابل قبولی برخوردار نمی‌باشد و بر اساس شاخص کلی نیز رتبه ۱۳۷ را از بین ۱۸۵ کشور به خود اختصاص داده است.

۲۰۱۰	رتبه ریسک کشور	ریسک سیاسی	عملکرد اقتصادی	ساختار بنیادی	دسترسی به منابع مالی	رتبه اعتباری	رتبه اوراق ملی
Max	۱۰۰	۳۰	۳۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
نروژ(۱)	۹۳.۳۳	۲۸.۱۹	۲۶.۸۹	۸.۲۵	۱۰	۱۰	۱۰
ایران(۱۳۷)	۳۲.۹۷	۱۲.۲۵	۱۴.۰۱	۵.۲۴	۰	۰	۰

جدول ۶-۷: وضعیت ریسک و فضای امن سرمایه‌گذاری کشور از دید موسسه یورومانی

۷.۶- شاخص حکمرانی خوب

از دیگر شاخص‌هایی که در ارزیابی وضعیت کلی کشورهای جهان بر آن تأکید می‌گردد شاخص حکمرانی خوب می‌باشد. این شاخص بیانگر میزان مشارکت سیاسی مردم در انتخاب مسئولین کشور می‌باشد و بیانگر آنست که آیا جابجایی قدرت در کشورها مسالمت‌آمیز بوده و حکمرانان توانسته‌اند رضایت مردم را در ایجاد زیرساخت‌های لازم اقتصادی فراهم آورند. این شاخص با تکیه بر سه مؤلفه مهم آزادی بیان، آزادی احزاب و آزادی رسانه تنظیم می‌گردد. بر اساس این شاخص نیز کشور ایران در بین ۲۱۳ کشور جهان در رتبه بین ۱۷۰ تا ۲۰۰ قرار دارد که وضعیت مطلوبی نمی‌باشد

	سال	۹۶	۹۷	۲۰۰۰	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹
IRAN	رتبه (از۲۱۳)	۱۷۰	۱۵۴	۱۵۸	۱۶۴	۱۷۵	۱۸۱	۱۸۶	۱۹۳	۱۹۳	۱۹۳	۱۹۷
	امتیاز از ۱۰۰	۱۱	۲۲	۲۰	۱۸	۱۳	۱۳	۱۳	۸	۸	۸	۸

جدول ۷-۷ : وضعیت حکمرانی خوب در ایران

تامل در شاخص فوق نیز گویای این واقعیت است که رتبه ایران در سال‌های ۲۰۰۵ به بعد روند صعودی داشته است.

۷.۷- شاخص فساد

از دیگر شاخص‌هایی که در بررسی اقتصادی کشورها همواره مورد توجه قرار گرفته و می‌گیرد. شاخص فساد است. این شاخص با توجه به مولفه‌های نسبت مالکیت بخش خصوصی از اقتصاد، امکان دستیابی افراد مختلف به سطوح تصمیم‌گیری مالی و میزان شفافیت در جریان آزاد اطلاعات می‌باشد. این شاخص نیز نشان می‌دهد که کشور ایران در بین ۲۱۳ کشور جهان در جایگاه قابل قبولی قرار ندارد.

	سال	۹۶	۹۸	۲۰۰۰	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹
IRAN	رتبه (از۲۱۳)	۱۳۰	۱۳۶	۱۳۲	۱۰۱	۱۰۱	۱۲۷	۱۲۷	۱۲۸	۱۲۹	۱۴۸	۱۶۶
	امتیاز از ۱۰۰	۳۱	۲۹	۳۱	۴۹	۴۸	۳۸	۳۹	۳۹	۳۷	۲۸	۲۲

جدول ۸-۷: وضعیت فساد در اقتصاد ایران

تاملی در کلیه شاخص‌های فوق نشان دهنده این است که علی‌رغم روند مثبت و مطلوبی که در سال‌های آغازین قرن بیست و یکم یعنی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ در بهبود شاخص‌ها دیده شده، از سال ۲۰۰۵ به بعد کلیه شاخص‌ها روند روبه کاهش و نزولی داشته است.

به عبارت روشنتر بررسی فضای کسب و کار با سایر شاخص‌ها از جمله تشخیص میزان فساد اقتصادی، اقتصاد زیرزمینی و رانت در یک محیط اقتصادی این امکان را فراهم می نماید که با تکیه به این شاخص‌ها و رتبه‌بندی‌ها در خصوص فضای کسب و کار نیز اظهار نظر و ارزیابی لازم را ارائه نمود زیرا این شاخص‌ها هر یک از زاویه‌ای خاص به یک موضوع واحد می‌نگرند.

عنوان موسسه	بنیاد هریتیج	موسسه فریزر	سازمان شفافیت بین‌الملل	بانک جهانی
شاخص‌های مورد ارزیابی	آزادی کسب و کار	حجم و اندازه دولت	اختلاس	سهولت آغاز کسب‌و کار
	آزادی تجارت	ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت	رشوه‌گیری	اخذ مجوزها
	آزادی مالی دولت	نقدینگی	خرید و فروش پست‌های دولتی	استخدام‌واخراج‌نیروی‌کار
	اندازه دولت	آزادی تجارت بین‌المللی	رشوه‌پذیری دستگاه قضایی	ثبت مالکیت
	آزادی پولی	قوانین مالی، بازار کار و تجارت	فساد مالی در میان سیاستمداران و مقام‌های دولتی	اخذ اعتبار
	آزادی سرمایه‌گذاری		عدم مقابله کافی یا ناکارآیی در پیکار با مواد مخدر	حمایت از سرمایه گذاران
	آزادی مالی			وضعیت نظام مالیاتی
	حقوق مالکیت			تجارت فرامرزی
	عاری بودن از فساد			الزام آور بودن قراردادها
	شفافیت بازار			انحلال یک فعالیت
مولفه‌اقتصادی مورد ارزیابی	درجه آزادی اقتصادی	درجه آزادی اقتصادی	شفافیت بین‌المللی (درک فساد)	سهولت کسب و کار

جدول ۹-۷: فهرست شاخص‌های ارزیابی اقتصاد کشورها در مؤسسات جهانی مختلف

موسسه / سال	بنیاد هریتیج	مؤسسه فریزر	سازمان شفافیت بین‌الملل	بانک جهانی
۲۰۰۶	۱۰۵ از ۱۶۳	۱۰۳ از ۱۲۰	۱۰۶ از ۱۶۳	۱۱۹ از ۱۵۵
۲۰۰۷	۱۳۱ از ۱۷۹	۱۰۸ از ۱۴۵	۱۳۱از ۱۸۰	۱۳۱ از ۱۷۵
۲۰۰۸	۱۴۱ از ۱۸۰	۱۰۸ از ۱۴۱	۱۴۱ از ۱۸۰	۱۳۵ از ۱۷۸
۲۰۰۹	۱۶۸ از ۱۸۰	۱۱۲ از ۱۵۳	۱۶۸ از ۱۸۰	۱۴۲ از ۱۸۱

جدول ۱۰-۷: جایگاه اقتصاد ایران در انواع رتبه‌بندی‌های بین المللی

نکته قابل توجه در انواع رتبه‌بندی‌ها این است که اگر چه کلیه نهادها و سازمان‌های بین‌المللی شاخص‌های مشابه و متفاوتی را اندازه‌گیری می‌کنند (جدول ۱۰-۷) اما جایگاه ایران در تمامی آنها تقریبا مشابه است و در موارد کمی تفاوت قابل ملاحظه دارد. از این واقعیت می‌توان نتیجه گرفت که از هر منظری که وضعیت عمومی اقتصاد کشورها را اندازه‌گیری کنند نتایج، گویای وضعیت اجمالی اقتصاد خواهد بود و نیز این گزارش‌ها لزوما قصد سیاه‌نمایی ندارند، بلکه روند تغییر واقعیت‌های اقتصادی کشورها را از منظر تعریف شده خود اندازه‌گیری می‌کنند.

منابع و مأخذ:

الف) فارسی

۲. استگلیتز- احمدی، سید وحید- بررسی مقایسه‌ای شاخص‌های فضای کسب و کار در ایران و جهان- بانک مرکزی- ۱۳۸۷

۳. احمدپور داریانی، محمود- کارآفرینی: تعاریف، نظریات، الگوها- انتشارات پردیس- تهران ۱۳۸۱

۴. برومند، شهرزاد- امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب(مطالعه تطبیقی)- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی- تهران ۱۳۸۷

۵. تفضلی، فریدون- تاریخ عقاید اقتصادی از افلاطون تا دوره معاصر- نشر نی-تهران ۱۳۸۵

۶. راغفر، حسین- تله‌های فقر، محرومیت نسبی و عدالت اجتماعی- جامعه و اقتصاد- مطالعات دین و اقتصاد تابستان- ۱۳۸۶

۷. رنانی، محسن- نگرش سیستمی به نظریه "امتناع توسعه در ایران"- مجله آیین- شماره ۲۸ و ۲۹ - ۱۳۸۹

۸. خیرخواهان، جعفر- فضای کسب و کار در سال ۲۰۰۶- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی- ۱۳۸۶

۹. نیلی، مسعود- استراتژی توسعه صنعتی ایران- انتشارات علمی- ۱۳۸۲

۱۰. نیلی، مسعود- اقتصاد ایران و معمای توسعه‌نیافتگی- انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف- ۱۳۸۳

۱۱. مالمیری، احمد- حاکمیت قانون- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی- ۱۳۸۵

۱۲. مقیمی، محمد و احمدپور، محمود- مبانی کارآفرینی-انتشارات فراندیش- ۱۳۸۷

۱۳. میدری- قودچانی- سنجش و بهبود محیط کسب و کار- انجمن مدیران صنایع- ۱۳۸۷

۱۴. مرکز تحقیقات استراژیک- سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و فرصت‌های جدید برای سرمایه‌گذاری- ۱۳۸۹

۱۵. گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس

الف) گزارش فضای کسب‌وکار در سال ۲۰۰۶- ۱۳۸۶

ب) گزارش بررسی چالش‌های فضای کسب‌وکار- ۱۳۸۸

ج) گزارش سهولت کسب‌وکار در ایران بر اساس گزارش ۲۰۱۰ بانک جهانی- ۱۳۸۸

د) گزارش پایش محیط کسب‌وکار خردادماه ۱۳۸۹ و مردادماه ۱۳۸۹

ب) انگلیسی

1. Benham.A, L.Benham-The cost of Exchange: An Approa to Measuring Transactions Costs- Washington University of St Louis, USA- 2005

2. Benmelech.E, TJ Moskowitz- The Political Economy of Financial Regulation: Evidence from US State Usury Laws in the 18th and…- University of Chicago,USA-2006

3. SK Bhaumik, S Estrin, KE Meyer- Determinants of Employment Growth at MNEs: Evidence from Egypt. India. South Africa and Vietnam- Comparative Economic Studies- 2007

4.PA Casero- Growth,Private Investment and the Cost of Doing Business in Tunisia: A Comparative Perspective- World Bank- 2004

5.C Calderon, A Chong- Are Labor Market Regulations an Obstacle for long-Term Growth- seventh Annual Conference, Central Bank of Chile- 2004

6.A Dreher, F Schneider- Corruotion and the shadow Economy and Empirical Analysis- University of Linz, Austria- 2006

7.J.Ernesto Lopez- Labor Regulation and the Allocative Efficiency of International Trade- Cordova- IFC- 2007

8.Feldman, H- Public Choice- Government Size and Unemployment: Evidence from industrial countries- 2006

9. R Giffith. R Harisson, G Macarmey- Product Market Reforms, Labour Market Institutions and Employment- University College London, UK- 2005

10. RH Gordon, W Li- Puzzling Tax Stuctures in Developing Countries: A Comparison of Two Alternative Explanations- NBER- 2005

11. MC Ebell, C Haefke- Product Market Deregulation and Labor Market Outcomes- University of Kiel, Germany- 2003

12. Casey B.Mulligan Xavier Sala-i-Martin- Social Security in Theory and Practice with implications for reform- Pompeu Fabra University, Spain- 2005

13. Klonowski, Darek- Local Laws and Venture Capital Contracting in Transition Economies: Evidence from Poland- Post-Communist Economies, Valume 18, Number 3, September 2006

14. W Masatlioglu,J Rigolini- Labor Dynamics and the informal Economy- New York University- 2005

15. A Musacchio, M Hall- Low, Politics, and Finance in Brazil: Historical Lessons for Corporate Governance- Stanford University, USA- 2006

16. Casey B.Mulligan Xavier Sala-i-Martin- Social Security in Theory and Practice with implications for reform- Pompeu Fabra University, Spain- 2005

17. E Neumayer, I de Soysa- Globalization and the Right to Free Association and Collective Bargaining: An Empirical Analysis- World Development, USA- 2006

18. S Straub- Informal Sector: The Credit Market Channel- Journal of Development Economics- 2005

19. S Prantl- The Role of Palicies supporting New Firms: An Evaluation for Germany after Reunification- Humboldt University Berline- 2005

20. JP Choi, M Thum- Corruption and the shadow economy- International Economic Review- 2005

21. L Thomas, J Leape, M Hanouch, R Rumney, BM- Forreign Direct Investment in South Africa: The initial impact of the Trade, Development- UK- 2005

22. P Vlasenko- Privatization and New Entry in Post-communist Transition the impact on restructuring- University ot Maryland,USA- 2004